



مجله

جغرافیا و توسعه فضای شهری

| سال دوازدهم، شماره ۲ | تابستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۲۹ |

- عوامل موثر بر انگیزه به اشتراک گذاری تجرب سفر از طریق رسانه های اجتماعی: مطالعه ی گردشگران شهر شیراز
محمدحسن یزدانی، هادی سلیمانی مقدم
(۱۸-۱)
- ارزیابی جرم خیزی مجتمع های مسکونی مهر و نقش طراحی کالبدی در ارتقای امنیت با رویکرد CPTED (مطالعه موردی: مجتمع های مسکن مهر شهر زنجان)
عظیم علی شانی، داریوش جهانی، یعقوب حق
(۳۶-۱۹)
- ارائه سناریوهای بازآفرینی در بافت های ناکارآمد شهری (نمونه موردی: منطقه ۶ شهر مشهد)
زهره کوهجانی، علی شمس الدینی، علیرضا عبدالله زاده
(۵۹-۳۷)
- ارزیابی و تحلیل وضعیت ایمنی و امنیت در حمل و نقل عمومی شهر شیراز با تأکید بر امنیت زنان (مطالعه موردی: کاربران مترو در ایستگاه نمازی شیراز)
رضا مرادی یمقانی، محمد حسین سرایی
(۸۴-۶۱)
- تحلیل چالش ها و نیازهای دیپلماسی شهری در کلان شهر مشهد
محمد رحیم رهنما، روح الله اسدی، امید علی خوارزمی
(۱۰۶-۸۵)
- بررسی تأثیر معماری و محیط بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در مجتمع های فرهنگی شهر ارومیه
حامد قلی زاده، بابک مطیعی
(۱۲۴-۱۰۷)
- سنجش عدالت فضایی در نحوه ی پراکنش کاربری های شهری (مطالعه موردی: کاربری های ورزشی شهر مشهد)
مهدی زنگنه، مبینا رجبی، زهره پیرزاده، امیرحسین شیرازیان
(۱۴۷-۱۲۵)
- بررسی تأثیر طول عمر بر قیمت مسکن در ایران (با تأکید بر فرضیه چرخه زندگی)
رویا آل عمران، سید علی آل عمران
(۱۶۱-۱۴۹)

شاب: ۹۷۸۶۱۱۳۵۳۱۰۵۳۱

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری

سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۲۹



دانشگاه ادبیات و علوم انسانی

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری

سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۲۹

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: دکتر براتعلی خاکپور

سرمدیر: دکتر محمد رحیم رهنما

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

عیسی ابراهیمزاده آکباد - استاد دانشگاه سیستان و بلوچستان (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
محمد اجزاء شکوهی - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
براتعلی خاکپور - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
محمد رحیم رهنما - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
عباس سعیدی - استاد دانشگاه شهید بهشتی (دکتری جغرافیای روستایی)
محمد سلیمانی مهرنجانی - دانشیار دانشگاه خوارزمی (دکتری جغرافیای شهری)
زهره فنی - دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
علی اکبر عنایتی - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی)
عزت‌الله مافی - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیای شهری)
اصغر نظریان - استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)

مقالات نمودار آرای نویسندگان است و به ترتیب وصول و تصویب درج می‌شود.

مدیر داخلی: دکتر مصطفی امیرفرخریان

کارشناس اجرایی دفتر مجله: زینب علمیان

ویراستار علمی ادبی: دکتر شیرین صباغی آبکوه

مترجم انگلیسی: مرکز ویراستاری انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی

ویراستاران این شماره: عبدالله نوروزی

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: الهه تجویدی

نشانی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دکتر علی شریعتی، کد پستی ۹۱۷۹۴۸۸۳، نمابر: ۰۵۱۳۸۸۰۷۰۶۰

تلفن: ۰۵۱۳۸۸۰۶۷۳۴، سردبیر: ۰۵۱۳۸۸۰۵۲۷۵

بها: داخل کشور: ۲۰۰۰ ریال (تک‌شماره) خارج کشور: ۲۵ دلار (آمریکا - سالانه)، ۲۰ دلار (سایر کشورها - سالانه)

http://jgusd.um.ac.ir

E-mail: jud@um.ac.ir

نشانی اینترنتی مجله:

این مجله در جلسه کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۰، رتبه علمی - پژوهشی دریافت و طی نامه شماره ۳/۱۸/۱۳۷۲۲۷

در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۸ ابلاغ گردیده است.

بر اساس مصوبه وزارت عتف از سال ۱۳۹۸، کلیه نشریات دارای درجه "علمی - پژوهشی" به نشریه "علمی" تغییر نام یافتند.

«این نشریه حاصل فعالیت مشترک دانشگاه فردوسی مشهد و انجمن برنامه ریزی شهری ایران است»

این مجله در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)
- پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)
- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرایط پذیرش مقاله

برای سرعت بخشیدن به امر داوری و چاپ مقالات، از همه پژوهشگرانی که مایل به چاپ مقالات علمی خود در این نشریه هستند، درخواست می شود به نکات زیر توجه کافی داشته باشند:

۱. مقاله ارسال شده نباید قبلاً در هیچ نشریه داخلی یا خارجی چاپ شده باشد. هیأت تحریریه انتظار دارد نویسندگان محترم تا هنگامی که جواب پذیرش از نشریه نرسیده است، مقاله خود را به مجله دیگری برای چاپ ارسال نفرمایند.

۲. مقالات فارسی با قلم بی لوتوس نازک ۱۳ و مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 12 با نرم افزار Word تهیه شود. مقالات، روی کاغذ A4 (با حاشیه از بالا ۴ و پایین ۳ و راست ۳ و چپ ۳ سانتی متر) تایپ شود. متن به صورت دوستونی با رعایت فاصله ۱ سانتی متر بین دو ستون و فواصل بین خطوط به صورت Single باشد.

۳. حجم مقاله نباید از حدود ۷۰۰۰ کلمه و یا حداکثر ۲۰ صفحه چاپی به قطع نشریه بیشتر باشد (با در نظر گرفتن محل جداول، اشکال، خلاصه فارسی و کتابشناسی).

۴. برای مقالات فارسی، عنوان مقاله با در نظر گرفتن فواصل بین کلمات نباید از ۲۰ حرف تجاوز کند و با قلم بی لوتوس سیاه ۱۳ بولد تایپ شود.

۵. نام نویسنده (نویسندگان) مقاله با قلم بی لوتوس سیاه ۱۰، عنوان علمی یا شغلی او نیز با قلم بی لوتوس سیاه ۱۰ مشخص شود.

۶. برای مقالات انگلیسی، عنوان با قلم Times New Roman 13، نام نویسنده مقاله با قلم سیاه Times New Roman 10 عنوان علمی یا شغلی او با قلم Times New Roman 10 در زیر عنوان مقاله ذکر شود؛ همچنین آدرس الکترونیکی و شماره تلفن نویسنده مسئول در پاورقی آورده شود.

۷. چکیده مقاله برای مقالات فارسی با قلم بی لوتوس نازک ۱۲ و برای مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 11 به صورت تک ستونی باشد.

۸. شکل ها و نمودارهای مقاله حتماً اصل و دارای کیفیت مطلوب باشد. فایل اصلی اشکال (تحت Excel, Word, PDF) و با دقت ۶۰۰ dpi ارایه شود. اندازه قلم ها به خصوص، در مورد منحنی ها (legend) به گونه ای انتخاب شوند که پس از کوچک شدن مقیاس شکل برای چاپ نیز خوانا باشند (زیر نویس اشکال، بی لوتوس سیاه ۱۲ و وسط چین).

۹. ساختار مقاله شامل عناصر زیر است:

۹.۱. صفحه عنوان: در صفحه شناسنامه باید عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان)، درجه علمی، نشانی دقیق (کد پستی، تلفن، دورنگار و پست الکترونیکی)، محل انجام پژوهش، مسئول مقاله و تاریخ ارسال) درج شود. نویسنده مسئول باید مشخص شود.

۹.۲. چکیده: شامل: ۱. چکیده فارسی که شرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله با تأکید بر طرح مسأله، هدف ها، روش ها، نتیجه گیری و کلیدواژه ها (۳ تا ۵ واژه) است. چکیده در یک پاراگراف و حداکثر ۲۵۰ کلمه تنظیم شود. این بخش از مقاله در عین اختصار، باید گویای روش کار و برجسته ترین نتایج، بدون استفاده از کلمات اختصاری تعریف نشده، جدول، شکل و منابع باشد. چکیده انگلیسی باید مطابقت کامل با چکیده فارسی داشته باشد.

۹.۳. مقدمه: شامل ۱- طرح مسأله (مطالب مربوط به اهمیت و ضرورت، اهداف، سوال ها و فرضیه ها)؛ پیشینه تحقیق و مبانی نظری

۹.۴. روش شناسی تحقیق: در برگیرنده؛ ۱- روش پژوهش و مراحل آن (روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری، حجم نمونه و روش تعیین آن، ابزار گردآوری داده ها و اعتبارسنجی آن ها)؛ ۲- متغیرها و شاخص های پژوهش؛ ۴- قلمرو جغرافیایی پژوهش

۹.۵. یافته های پژوهش: ارایه نتایج دقیق از یافته های مهم با رعایت اصول علمی و با استفاده از جداول و نمودارهای لازم.

۹.۶. بحث: حاوی تفسیر نتایج و مقایسه یافته های مطالعه با مطالعات پیشین و برجسته کردن نوآوری پژوهش

۹.۷. نتیجه گیری و پیشنهادها: شامل خلاصه ای از یافته ها، توضیح قابلیت تعمیم پذیری و کاربرد علمی یافته ها و ارایه رهنمودهای لازم برای ادامه پژوهش در ارتباط با موضوع، نتیجه گیری و توصیه ها و پیشنهادهای احتمالی.

۱۰. نحوه ارجاعات: منابع و مآخذ باید به صورت درون متنی و همچنین در پایان مقاله ذکر شود.

۱۰.۱. ارجاعات در متن مقاله باید به شیوه داخل پرانتز (APA) نسخه ۶ باشد؛ به گونه ای که ابتدا نام مؤلف یا مؤلفان، سال انتشار و صفحه ذکر شود. شایان ذکر است که ارجاع به کارهای چاپ شده فقط به زبان فارسی بوده و در اسامی لاتین معادل آن در زیر نویس همان صفحه ارایه شود؛ به عنوان نمونه: (شکویی، ۱۳۸۷، ص. ۵۰) یا (وودز، ۲۰۰۵، ص. ۲۷). ۱۰.۲. در پایان مقاله، منابع مورد استفاده در متن مقاله، به ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده بر اساس الگوی فهرست نویسی APA نسخه ۶ تنظیم شود. (عناوین کتاب ها و مجلات ایتالیک/ مورب شود).

نمونه فارسی:

– رضوانی، م. ر. (۱۳۹۰). *برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران*. چاپ چهارم. تهران: نشر قومس.

– عتابستانی، ع. ا.، شایان، ح. و بنیادداشت، ا. (۱۳۹۰). بررسی نقش اعتبارات بر تغییر الگوی مسکن در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بهمنی). *مجله برنامه ریزی فضایی*. ۱ (۳)، ۸۰-۶۳.

نمونه انگلیسی:

– Boume, L. S. (1981). *The geography of housing*. London: Edward Arnold.

– Turgat, H. (2001). Culture, continuity and change: Structural analysis of the housing pattern in squatter settlement. *Global Environment Research (GBER)*. 1(1), 17-25.

۱۰. ۳. انواع نقل قول‌ها (مستقیم و غیر مستقیم)، نقل به مضمون و مطالب به‌دست‌آمده از منابع و مآخذ، با حروف نازک و استفاده از نشانه‌گذاری‌های مرسوم، مشخص شود و نام صاحبان آثار، تاریخ و شماره صفحات منابع و مآخذ، بلافاصله در میان پرانتز نوشته شود.
۱۰. ۴. مقالات برگرفته از رساله و پایان‌نامه دانشجویان با نام استاد راهنما، مشاوران و دانشجو با هم و با مسئولیت استاد راهنما منتشر می‌شود.
۱۰. ۵. چنانچه مخارج تحقیق یا تهیه مقاله توسط مؤسسه‌ای تأمین مالی شده باشد، باید نام مؤسسه در صفحه اول درج شود.
۱۰. ۶. تمام منابع فارسی به انگلیسی ترجمه شده و به همراه چکیده مبسوط انگلیسی ارائه شود.
۱۱. شیوه ارزیابی مقالات: مقالات ارسالی که شرایط پذیرش را احراز کنند، برای داوران خبره در آن موضوع ارسال می‌شوند. داوران محترم، جدای از ارزشیابی کیفی مقالات، راهبردهای سازنده‌ای پیشنهاد می‌کنند. پیشنهادهای داوران محترم به طور کامل؛ اما بدون نام و نشان داور، برای نویسنده مقاله ارسال خواهد شد.
۱۲. مجله حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و مقالات مسترد نمی‌شود. اصل مقالات رد یا انصراف‌داده‌شده، پس از سه ماه از مجموعه آرشیو مجله خارج خواهد شد و مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری هیچ مسئولیتی در این ارتباط نخواهد داشت.
۱۳. مسئولیت ارایه صحیح مطالب مقاله بر عهده نویسندگان مقاله است. از این‌رو، نسخه‌ای از مقاله آماده چاپ برای انجام آخرین تصحیحات احتمالی به نشانی الکترونیکی نویسنده ارسال خواهد شد، چنانچه ظرف مدت یک هفته پاسخی از سوی نویسندگان دریافت نشود، به معنای موافقت آن‌ها با اصلاحات انجام‌شده تلقی و نسبت به چاپ آن اقدام می‌شود.
۱۴. دریافت مقاله صرفاً از طریق سامانه مجله (<http://jgusd.um.ac.ir>) خواهد بود و مجله از پذیرش مقالات دستی یا پستی معذور خواهد بود.
۱۵. مقالاتی که مطابق فرمت مجله تهیه نشده باشند به نویسنده بازگردانده شده و در فرآیند ارزیابی قرار نخواهد گرفت.
۱۶. فایل‌های ضروری برای ارسال از طریق سامانه عبارت‌ند از:
الف) فایل مشخصات نویسندگان: در محیط Word شامل اسامی و مشخصات نویسندگان به فارسی و انگلیسی.
ب) فایل اصلی مقاله بدون مشخصات: در محیط Word شامل متن اصلی مقاله بدون اسامی و مشخصات نویسندگان همراه با چکیده مبسوط انگلیسی.
ج) فایل چکیده مبسوط (مکمل) مقاله: در محیط Word شامل چکیده مبسوط انگلیسی به همراه اصل نسخه فارسی آن و برگردان منابع فارسی به انگلیسی در قالب یک فایل.
۱۷. شرایط جزئی‌تر و دقیق‌تر نیز در فایل راهنمای نگارش و ارسال مقاله توسط نویسندگان ارائه شده است.

آدرس پستی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی: ۹۱۷۹۴۸۸۳، شماره: ۰۵۱۳۸۱۰۷۰۶۰

کد پستی: ۹۱۷۹۴۸۸۳ پست الکترونیکی: jud@um.ac.ir

وب سایت: <http://jgusd.um.ac.ir>

فرم اشتراک (یک ساله / دوشماره) مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری

این جانب..... شغل..... با ارسال فیش بانکی به مبلغ..... ریال به حساب جاری شماره ۴۲۵۲۹۹۶۳۸ بانک تجارت شعبه دانشگاه مشهد کد ۴۲۵۰ به نام عواید اختصاصی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، متقاضی اشتراک دو فصلنامه از شماره..... هستم.

چنانچه صاحبان مقالات منتشر شده متقاضی دریافت مجله و تیراژی آن از طریق پست پیشتاز باشند، باید هزینه‌ی آن را به شماره حساب مذکور واریز و اصل فیش پرداختی را به نشانی دفتر مجله ارسال کنند.

نشانی:..... کدپستی:.....

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

دکتر پاکزاد آزادخانی (استادیار گروه معماری و برنامه ریزی شهری دانشگاه باختر ایلام)
دکتر روح اله اسدی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مصطفی امیرفخریان (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر علی اکبر تقی پور (استادیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم زمین، دانشگاه دامغان)
دکتر محمد ثانی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه بیرجند)
دکتر محمد تقی حیدری (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان)
دکتر شهریار خالدی (استاد دانشگاه سوربن پاریس/دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر محمد علی خلیجی (استادیار گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز)
دکتر امید علی خوارزمی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر فرزانه رزاقیان (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری جهاددانشگاهی خراسان رضوی)
دکتر ریحانه سلطانی مقدس (استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه پیام نور)
دکتر شیرین صباغی آبکوه (دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر فروزان طاهری (دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، استاد مدعو پژوهشکده آب و محیط زیست دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر ابوالفضل مشکینی (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس)

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
(۱-۱۸)	▪ عوامل موثر بر انگیزه به اشتراک گذاری تجارب سفر از طریق رسانه های اجتماعی: مطالعه ی گردشگران شهر شیراز مهدی کاظمی، سارا حسینی، محمد مهدی پورسعید
(۱۹-۳۶)	▪ ارزیابی جرم خیزی مجتمع های مسکونی مهر و نقش طراحی کالبدی در ارتقای امنیت با رویکرد CPTED (مطالعه موردی: مجتمع های مسکن مهر شهر زنجان) عظیم علی شائی، داریوش جهانی، یعقوب حق
(۳۷-۵۹)	▪ ارائه سناریوهای بازآفرینی در بافت های ناکارآمد شهری (نمونه موردی: منطقه ۶ شهر مشهد) زهره کوهجانی، علی شمس الدینی، علیرضا عبدالله زاده
(۶۱-۸۴)	▪ ارزیابی و تحلیل وضعیت ایمنی و امنیت در حمل و نقل عمومی شهر شیراز با تأکید بر امنیت زنان (مطالعه موردی: کاربران مترو در ایستگاه نمازی شیراز) رضا مرادی یمقانی، محمد حسین سرایی
(۸۵-۱۰۶)	▪ تحلیل چالش ها و نیازهای دیپلماسی شهری در کلان شهر مشهد محمد رحیم رهنما، روح الله اسدی، امید علی خوارزمی
(۱۰۷-۱۲۴)	▪ بررسی تأثیر معماری و محیط بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در مجتمع های فرهنگی شهر ارومیه حامد قلی زاده، بابک مطیعی
(۱۲۵-۱۴۷)	▪ سنجش عدالت فضایی در نحوه ی پراکنش کاربری های شهری (مطالعه موردی: کاربری های ورزشی شهر مشهد) مهدی زنگنه، مبینا رجبی، زهره پیرزاده، امیرحسین شیرازیان
(۱۴۹-۱۶۱)	▪ بررسی تأثیر طول عمر بر قیمت مسکن در ایران (با تأکید بر فرضیه چرخه زندگی) رویا آل عمران، سید علی آل عمران



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۲۹

عوامل موثر بر انگیزه به اشتراک گذاری تجارب سفر از طریق رسانه های اجتماعی: مطالعه ی گردشگران شهر شیراز

مهدی کاظمی (استاد مدیریت دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران، نویسنده مسئول)

mehdykazemi@uk.ac.ir

سارا حسینی (دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران)

Hoseini.sara.67@gmail.com

محمد مهدی پور سعید (استادیار مدیریت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران)

Poursaeed@uk.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

صص ۱-۱۸

چکیده

با پشتیبانی فناوری های اطلاعات و ارتباطاتی جدید، مردم از اشتراک گذاری تجارب سفرشان در شبکه های اجتماعی و وب سایت های گردشگری لذت می برند. اطلاعات استخراج شده از این منابع حتی جریان های سفر در سطح دنیا را هدایت می کند. هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل موثر بر انگیزه به اشتراک گذاری تجارب سفر در رسانه های اجتماعی توسط گردشگران شهر شیراز است. روش تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از نوع تحقیقات همبستگی است، داده های میدانی با استفاده از پرسشنامه تبادل تجربیات سفر در رسانه های اجتماعی به روش پیمایشی گردآوری شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل همه گردشگرانی است که در سال ۱۳۹۹ و نیمه اول ۱۴۰۰، از شهر شیراز بازدید و تجربیات سفرشان را در سایت های اینترنتی منتخب این پژوهش به زبان فارسی به اشتراک گذاشته اند. پرسشنامه پژوهش بصورت تصادفی در اختیار عده ای از این گردشگران قرار گرفت و در نهایت تعداد ۳۸۴ پرسشنامه قابل تحلیل گردآوری شد. تحلیل های آماری با نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و AMOS نسخه ۲۴ انجام شده است. یافته های نشان می دهد که ۸ عامل (شامل تعلق به گروه، ارزش های مشترک، انطباق، لذت ادراک شده، انگیزه های نوع دوستی، خود شکوفایی یا کمال شخصی، محیط تعاملات و عوامل شخصی)، بر انگیزه به اشتراک گذاری تجارب سفر از طریق رسانه های اجتماعی تأثیر مثبت دارند ولی، اثر منفی محیط تعاملات و حفظ حریم خصوصی بر اشتراک گذاری تجربه سفر مورد تأیید قرار نگرفت.

کلیدواژه ها: اشتراک گذاری تجربه سفر، شبکه های اجتماعی، گردشگری، لذت ادراک شده، نظریه نفوذ اجتماعی.

۱. مقدمه

گردشگری در دنیا، یکی از منابع مهم درآمد و در عین حال از عوامل مؤثر در تبادلات فرهنگی بین کشورهاست و به عنوان گسترده ترین صنعت خدماتی جهان، حائز جایگاه ویژه ای است؛ از این رو، بسیاری از کشورها در رقابتی نزدیک و فشرده، در پی افزایش بیش از پیش منافع و عواید خود از این فعالیت بین المللی اند (کاظمی، ۱۴۰۴، ص. ۱). فاوا به شیوه های مختلف با سفر و گردشگری پیوند خورده و با روش های گوناگون امکان دستیابی به اطلاعات به موقع را برای گردشگران فراهم می کند. امروزه نقش این فناوری از ابزاری برای بازاریابی به ابزار تولید محتوا و خلق دانش تغییر کرده است (کانزنگ و همکاران^۱، ۲۰۱۹، ص. ۵۹۷؛ گورانگ و گوسوامی^۲، ۲۰۱۷، ص. ۵۱). گردشگران می توانند از طریق فناوری های نوین مانند شبکه های اجتماعی تجارب سفرشان را با دیگران به اشتراک بگذارند (ویدیانا و نووانی^۳، ۲۰۲۲). ظهور رسانه های اجتماعی در گردشگری، گروه های جدیدی از گردشگران را به وجود آورده است که برای آنها توانایی به اشتراک گذاری آنی هر چه در سفر تجربه می کنند از اهمیت بالایی برخوردار است (حامدی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۲۴). استفاده از رسانه های اجتماعی نه تنها برای معرفی جاذبه های گردشگری و جذب گردشگران بسیار مورد توجه قرار گرفته است بلکه گردشگران بطور روزافزون این فناوری را برای فرآیند برنامه ریزی سفر^۴ نیز بکار می گیرند (محمدی و میرتقیان رودسری، ۱۳۹۵). امروزه شبکه های اجتماعی به یکی از رایج ترین فعالیت های برخط با حدود ۲/۹۵ میلیارد کاربر در سطح جهان (۲۰۱۹) تبدیل شده و برآورد می شود که این تعداد در سال ۲۰۲۳ به ۳/۴ میلیارد افزایش یابد (چالپراسر^۵ و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۳۵). استفاده از پلتفرم های رسانه های اجتماعی مانند یوتیوب، اینستاگرام و توییتر همچنان در حال افزایش است. اینستاگرام با بیش از ۱ میلیارد کاربر و ۵۰۰ میلیون استوری در روز یکی از محبوب ترین شبکه های اجتماعی در دنیاست (داه و تابث^۶، ۲۰۲۱، ص. ۶۶).

در سال های اخیر روش های دسترسی گردشگران به اطلاعات و نحوه استفاده و انتشار آن اساسا تغییر یافته و تا حد زیادی وابسته به رسانه های اجتماعی شده است (چانگ و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۳۴۱). در واقع این رسانه ها به ابزاری برای شکل دادن به ادراکات و احساسات و انتظارات مردم تبدیل شده اند و از این رو منبع مهم اطلاعات در فرایند تصمیم گیری سفر محسوب می شوند (پاپ و همکاران^۷، ۲۰۲۱، ص. ۱۶). با پشتیبانی فناوری های اطلاعات و ارتباطاتی جدید مردم از به اشتراک گذاری تجارب سفرشان در شبکه های

1. Kun zheng

2. Gurang & Goswami

3. Widiana and Novani

4. Trip planing

5. Cholprasertsuk

6. Duh & Thabethe

7. Pop

اجتماعی و وب سایت های گردشگری لذت می برند. به طور کلی، از جستجوی اطلاعات، تا مصرف محصول و بازتاب و انتشار تجربه مصرف در گردشگری و سفر، رسانه های اجتماعی مورد استفاده کاربران این حوزه قرار می گیرد. این رسانه ها با تامین اطلاعات مورد نیاز گردشگران و معرفی و تبلیغ جاذبه های گردشگری به عنوان یک رقیب بزرگ برای رسانه های کلاسیک، شرکت های گردشگری و آژانس های خبری پا به عرصه فعالیت و رقابت گذارده اند. عدم محدودیت زمانی و امکان دسترسی در همه جا به رسانه های اجتماعی، کارایی تعاملات اجتماعی را تضمین می کند (ماناپ و آدژورودین^۱، ۲۰۱۳). اطلاعات استخراج شده از این منابع حتی جریان های سفر در سطح دنیا را هدایت می کنند (جائو^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). طبق تعریف، رسانه های اجتماعی، مجموعه ای از نرم افزارهای مبتنی بر اینترنت هستند که در بستر شبکه سراسری وب، امکان تولید و تبادل محتوای تولید شده کاربران را فراهم می سازند (کاپلان و هانلین^۳، ۲۰۱۰، ص. ۵۹). درواقع، رسانه های اجتماعی شامل ابزارهایی مانند بلاگ ها، ویکی ها و شبکه های اجتماعی، پادکست، فروم ها، هستند که افراد را قادر می سازند به یکدیگر مرتبط شده، ارتباط برقرار کنند و مشارکت داشته باشند. استفاده از رسانه های اجتماعی به عنوان یک ابزار ارتباطی و اطلاعاتی می تواند به سازمان های گردشگری به منظور مدیریت مناسب، کسب اطلاعات لازم از کاربران و برقراری ارتباط با آنها کمک کنند و تا حدود زیادی موجب پیشرفت این صنعت شوند (ایمانی فر، ۱۳۹۷). تنوع و گستردگی شبکه ها و رسانه های اجتماعی موجب شده تا این رسانه ها به عنوان مؤثرترین فضای ارتباط جمعی در دنیای امروز محسوب شوند (شیخ و شامبیاتی، ۱۳۹۴، ص. ۱۸۲). در واقع، اهمیت رسانه های اجتماعی در حداقل سازی فاصله شناختی میان گردشگران و مقصدها بسیار برجسته شده و به میزان متفاوت و با اهداف متنوع بر انگیزه سفر گردشگران مؤثر است (رودز و وودب^۴، ۲۰۱۵، ص. ۱۸۱). برای نمونه سایت تریپ ادوایزر اطلاعات مربوط به دیدگاهها و تجارب سفر میلیونها مسافر با ۵۰۰ میلیون مرور و ۳۹۰ میلیون بازدید کننده که منجر به تولید حجم عظیمی اطلاعات می شود را بطور مستمر و برخط به اشتراک می گذارد (اولیویرا^۵ و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۳). با وجود این ظرفیت ایجاد شده ارزان قیمت در بستر فناوری اطلاعات و ارتباطات برای تبلیغات و توسعه گردشگری در سطح جهانی و برانگیختن گردشگران برای سفر به کشورمان و بازدید از جاذبه های بی نظیر آن، اما بررسی آمارهای گردشگری کشور همچنان نامطلوب و نگران کننده است.

اما از سوی دیگر، آمارهای نوید بخشی نیز در زمینه توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور وجود دارد که در صورت رفع فیلترینگ نقش مهمی نه تنها در توسعه و ترویج گردشگری بلکه در توسعه همه کسب و کارهای الکترونیکی دارد. از جمله تعداد ۹۷،۸۳۹،۸۳۱ مشترک پهن باند سیار و ضریب نفوذ ۱۱۵/۵۱

1. Manap & Adzharudin

2. Zhao

3. Kaplan & Haenlein

4. Rudez & Vodeb

5. Oliveira

درصدی این فناوری در کشور (سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، ۱۴۰۱)، همینطور استفاده ۷۸/۵ در صد شهروندان کشور از حداقل یکی از پیام رسان ها که بیشترین آن مربوط به واتساپ با ۷۱/۱ درصد و اینستاگرام و تلگرام به ترتیب با ۴۹/۴ و ۳۱/۶ درصد است (مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران، ۱۴۰۱). ظرفیت موجود، بستر خوبی برای استفاده از رسانه های مبتنی بر این فناوری برای تبلیغ و ترویج گردشگری داخلی و جذب گردشگران خارجی است. خصوصا در دوران پسا کرونا پتانسیل خوبی برای سفر به شهرهای گردشگری از جمله شهر تاریخی شیراز مشاهده می شود. طبق گزارش مرکز آمار ایران (۱۴۰۱)، این شهر پس از تهران، مشهد و اصفهان با تعداد ۵۷۸۵۲۹ سفر، رتبه چهارم سفرهای داخلی را به خود اختصاص داده است. قطعا تشویق بازدیدکنندگان این اماکن به اشتراک گذاری تجارب سفرشان شان در رسانه های اجتماعی، به معرفی جاذبه های گردشگری کشور برای علاقه مندان داخلی و خارجی و همینطور ترغیب آنان به دیدار از این جاذبه ها کمک موثری می کند. هر عمل ارادی که انسان انجام می دهد نتیجه یک تصمیم است و در فرایند تصمیم گیری عوامل و انگیزه های مختلفی دخیل هستند (قهرمان و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۲). شناسایی علل اشتراک گذاری تجربه سفر که فعالیتی ارادی و آگاهانه است هم برای مسافران و هم کسب و کارها و مقاصد گردشگری مفید است (ویدیانا و نووانی ۲۰۲۲).

یکی از جنبه های مهم رفتار اجتماعی متقابل، که مورد توجه محققین علوم اجتماعی قرار گرفته، نفوذ اجتماعی است. اصطلاح نفوذ اجتماعی کوششی است، عمدی از سوی یک فرد یا یک گروه، برای ایجاد تغییر در عقاید یا رفتار دیگران. تغییر نگرش یک نمونه از نفوذ اجتماعی است (لی و هانگ^۱، ۲۰۱۶، ص. ۳۶۳). نفوذ اجتماعی زمانی رخ می دهد که عواطف یا باورها یا رفتارهای شخص متأثر از دیگران است (کلمن^۲، ۲۰۱۳، ص. ۱۲۷). به عقیده فرنچ و ریون، نفوذ اجتماعی مستلزم آن است که شخص یا گروه برای تغییر نگرش ها یا رفتار دیگران، قدرت اجتماعی خود را اعمال کند.

محققین گردشگری در حال بررسی موضوع نفوذ اجتماعی در ارتباطات برخط هستند. در برخی مطالعات نوعی ملازمت بین منافع ادراک شده و سطح مشارکت در ارتباطات سفر برخط و به اشتراک گذاری تجارب سفر گزارش شده است (اولیویرا و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۴). در مدل نظریه نفوذ اجتماعی، نقش ساختار سه گانه این نظریه (شامل تعلق به گروه، ارزش های مشترک و انطباق) به همراه ویژگی های شخصیتی کاربران رسانه های اجتماعی بررسی می شود. بر این اساس، ۱۰ عامل مهم معرفی شده است که عبارتند از؛ تعلق به گروه، ارزش های مشترک، انطباق، لذت ادراک شده، انگیزه های نوع دوستی، خود شکوفایی، محیط تعاملات، عوامل شخصی، عوامل رابطه ای و عوامل خصوصی و امنیتی. در این مدل، فرض بر این است که محیط تعاملات، عوامل شخصی، عوامل رابطه ای و حریم خصوصی، دلایل به اشتراک نگذاشتن تجربه سفر

^۱. Lee and Hong

^۲. Kelman

هستند (عوامل بازدارنده) و اما، انگیزه های نوع دوستی و خودشکوفایی تأثیر مثبتی بر انگیزه به اشتراک گذاری تجربیات سفر دارند (عوامل تسهیل گر). همچنین، ساختارهای نظریه نفوذ اجتماعی نیز از طریق لذت ادراک شده (عامل میانجی گر) بر انگیزه اشتراک تجربیات تأثیر می گذارند.

مطالعات متعدد میان رشته ای داخلی و خارجی نیز به بررسی جنبه های مختلف اثر فناوری اطلاعات بر انگیزه و رفتار گردشگران پرداخته اند. زمانی و همکاران (۱۳۹۷)، رابطه درگیرسازی در رسانه اجتماعی با تصویر و در نهایت انتخاب مقصد گردشگری را مورد توجه قرار دادند. نتایج تحلیل مدل پژوهش حاکی از این بود که درگیرسازی در گروه های تلگرامی با محوریت گردشگری با تصویر ذهنی شناختی و تصویر ذهنی عاطفی از مقصد، رابطه معناداری دارد. هدف پژوهش ایمانی فر (۱۳۹۷)، فهم پتانسیل های رسانه های اجتماعی در اشتراک دانش، عوامل موثر بر اشتراک دانش و ارتقای سطح گردشگری با استفاده از روش مرور سیستماتیک بود. او در پژوهش خود دریافت که با توجه به افزایش تقاضای گردشگران سراسر جهان برای سفر، استفاده از رسانه های اجتماعی برای معرفی جاذبه های گردشگری و جذب گردشگران بسیار مورد توجه قرار گرفته است. از دیگر پژوهش های داخلی می توان به تحقیق محمدی و میرتقیان رودسری (۱۳۹۵) و پژوهش دلاور و همکاران (۱۳۹۳) اشاره کرد. هدف پژوهش سوانپانگ^۱ (۲۰۲۰) بررسی عوامل موثر بر استفاده از رسانه های اجتماعی در شرکت های گردشگری برای رقابت در تایلند بود و نشان داد که شبکه های اجتماعی نقش موثری در ارائه اطلاعات، مشارکت مشتری و کاهش هزینه های عملیات تجاری ایفا می کنند. مطالعه جاوید^۲ و همکاران (۲۰۲۰) با توسعه مجموعه ای از نظریات انگیزشی نشان داد که کانال های رسانه های اجتماعی (به شکل مستقیم مستقیم و غیر مستقیم)، تأثیر قابل توجهی بر قصد رفتاری و رفتار واقعی گردشگران دارد. طی مصاحبه با ۲۱ گردشگر در کشور چین، هدف لیو^۳ و همکاران (۲۰۲۰) شناسایی نقش رسانه های اجتماعی در انتخاب شش مولفه سفر (شامل مقصد، حمل و نقل، اقامت، تغذیه، جاذبه ها و همچنین خرید و اوقات فراغت) بود. در مطالعه آنها چهار نقش مشخص شد که عبارت بودند از: نیاز تولید کننده، پشتیبان، راهنما و تأیید کننده. گرتزل^۴ (۲۰۱۸) در پژوهش خود تصویری مفصل از چشم انداز رسانه های اجتماعی و کاربران آن در صنعت گردشگری ارائه داد و نقش های مختلف رسانه های اجتماعی در گردشگری را ترسیم کرد. نکته مهم در پژوهش او این بود که در مورد تأثیرات رسانه های اجتماعی از دیدگاه مصرف کننده و کسب و کار بحث می کند و پیشنهاد می کند که رسانه های اجتماعی فرصت های تحقیقاتی مهمی را فراهم کنند، اما از نظر روش ها، اخلاق و کیفیت داده ها نیز چالش های مهمی وجود دارد.

1. Suanpang

2. Javed

3. Liu

4. Gretzel

از این رو، هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل موثر بر انگیزه به اشتراک گذاری تجارب سفر از طریق رسانه های اجتماعی با تمرکز بر گردشگران بازدیدکننده از مجموعه های تاریخی و فرهنگی شهر شیراز و کمک به رفع خلاء تحقیقاتی در این زمینه است. در راستای هدف، فرضیات تحقیق به شرح ذیل می باشند:

فرضیه ۱: احساس تعلق به گروه اثر مثبت بر لذت ادراک شده در تسهیم تجربه سفر دارد.

فرضیه ۲: احساس ارزش های مشترک اثر مثبت بر لذت ادراک شده در تسهیم تجربه سفر دارد.

فرضیه ۳: انطباق با نگرش های جامعه اثر منفی بر لذت ادراک شد در تسهیم تجربه سفر دارد.

فرضیه ۴: لذت ادراک شده اثر مثبت بر تسهیم تجربه سفر در رسانه های اجتماعی دارد.

فرضیه ۵: انگیزه های نوع دوستی اثر مثبت بر تسهیم تجربه سفر در رسانه های اجتماعی دارد.

فرضیه ۶: خودشکوفایی و کمال فردی (اغناي استعداد های شخصی) اثر مثبت بر تسهیم تجربه سفر دارد.

فرضیه ۷: محیط تعاملات در شبکه های اجتماعی اثر منفی بر تسهیم تجربه سفر در رسانه های اجتماعی دارد.

فرضیه ۸: عوامل شخصی اثر منفی بر تسهیم تجربه سفر در رسانه های اجتماعی دارد.

فرضیه ۹: عوامل رابطه ای اثر منفی بر تسهیم تجربه سفر در رسانه های اجتماعی دارد.

فرضیه ۱۰: حفظ حریم خصوصی اثر منفی بر تسهیم تجربه سفر در رسانه های اجتماعی دارد.

۲. روش شناسی

۲.۱. روش پژوهش

این پژوهش کمی از لحاظ هدف کاربردی و از نوع تحقیقات همبستگی است. داده های میدانی با روش پیمایشی گردآوری شده است. تحلیل داده ها از طریق الگویابی معادلات ساختاری انجام شده که یک روش همبستگی چند متغیری^۱ است. با این روش می توان اثرهای مستقیم و غیر مستقیم متغیرها را در الگوی فرض شده، بررسی کرد (سرمد و همکاران، ۱۳۸۷). جامعه آماری تحقیق به لحاظ تعداد نامحدود و شامل همه کسانی است که در سال ۱۳۹۹ و نیمه اول ۱۴۰۰، از شهر شیراز بازدید کرده و تجربیات سفر خود را در شبکه اجتماعی اینستاگرام، تلگرام یا واتساپ به اشتراک گذاشته اند. به پیشنهاد جدول مورگان، تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه در نظر گرفته شد. داده های ثانویه با استفاده از منابع آرشیوی و داده های میدانی از طریق توزیع تصادفی پرسشنامه تبادل تجربیات سفر (اولیویرا و همکاران، ۲۰۲۰) در شبکه های اجتماعی منتخب این پژوهش گردآوری شده است. برای بررسی روایی محتوایی، پرسشنامه در اختیار ۴ نفر از متخصصین حوزه گردشگری قرار گرفت و اصلاحات پیشنهادی آنان اعمال گردید. همچنین، روایی سازه پرسشنامه با

انجام تحلیل عاملی تأیید شده است. آلفای کرونباخ ۰/۸۶، حاکی از سطح مطلوب پایایی پرسشنامه است. پرسشنامه مزبور در قالب ۳۶ گویه و بر اساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم تنظیم شده است. با توجه به همزمانی دوره انجام این پژوهش و شیوع ویروس کرونا، نسخه الکترونیکی پرسشنامه از طریق گروه‌های فعال حوزه گردشگری در شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام، تلگرام یا واتساپ توزیع و از واجدین شرایط درخواست شد تا آن را تکمیل و عودت دهند. لازم به ذکر است که با وجود فیلتر بودن اکثر شبکه‌های اجتماعی خارجی در ایران که موجب اختلالاتی در ارتباطات اجتماعی از این طریق شده است، اما همچنان علاقه‌مندان به استفاده از این شبکه‌ها با روش‌های مختلف از جمله استفاده از وی‌پی‌ان و پروکسی‌ها فعالیت خود در این شبکه‌ها را ادامه می‌دهند. در نهایت تعداد ۳۸۴ پرسشنامه کامل گردآوری و تحلیل‌های آماری با نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و AMOS نسخه ۲۴ انجام شده است.

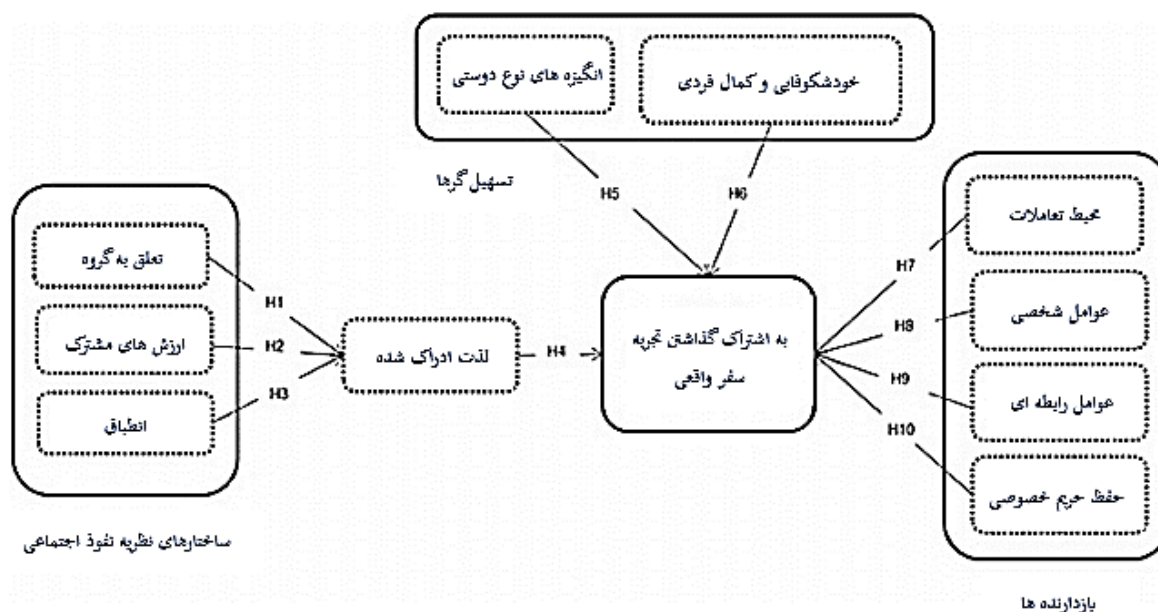
مدل مفهومی این پژوهش بر اساس نظریه نفوذ اجتماعی در زمینه تمایل به تبادل تجربیات سفر در رسانه‌های اجتماعی طراحی شده است.

انواع متغیرها و مآخذ مربوطه در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. نوع و مآخذ متغیرهای تحقیق

عنوان متغیر	لذت ادراک شده (نظریه نفوذ اجتماعی)	اشتراک تجربه	خودشکوفایی	نوع دوستی	محیط تعاملات	حریم خصوصی	عوامل رابطه‌ای	عوامل شخصی
نوع متغیر	مستقل	وابسته	تسهیل‌گر	تسهیل‌گر	بازدارنده	بازدارنده	بازدارنده	بازدارنده
مآخذ	آلتمن و تیلور (۱۹۷۳) آمار و همکاران (۲۰۱۶) و سبرا و لوکو (۲۰۱۷)	اولیور و همکاران (۲۰۲۰)	اولیور و همکاران (۲۰۲۰)	اولیور و همکاران (۲۰۲۰)؛ هور و همکاران (۲۰۱۷)؛ گولد برگ (۱۹۹۹)				

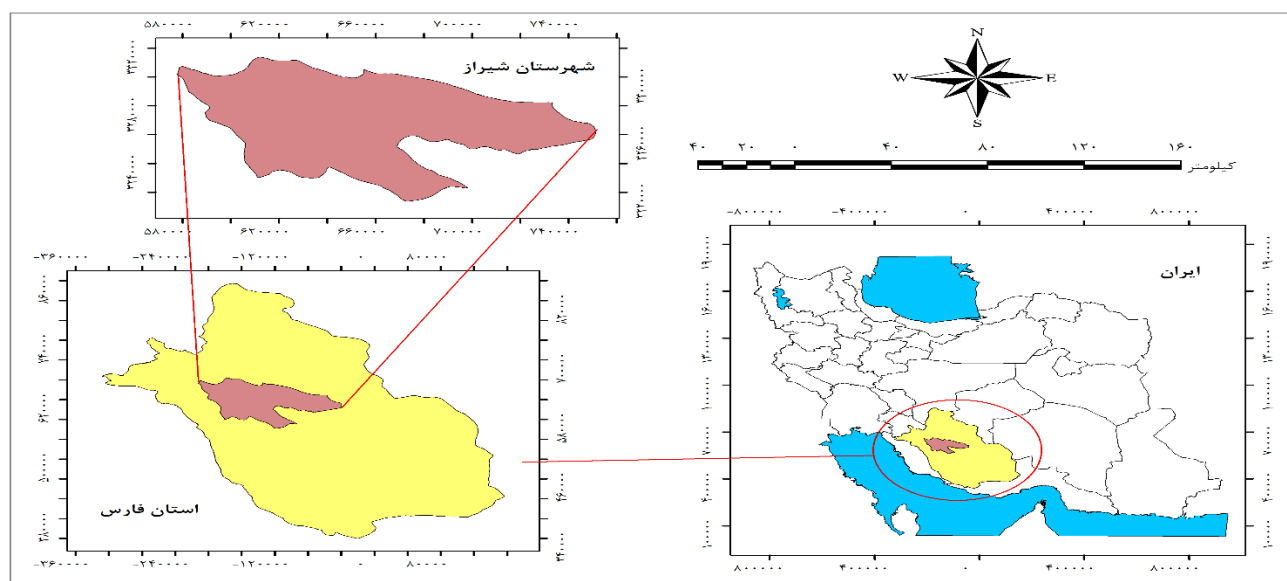
مدل مفهومی تحقیق در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق (مأخذ: اولیویرا و همکاران، ۲۰۲۰)

۲.۲. محدوده مورد مطالعه

شیراز یکی از شهرهای بزرگ ایران و مرکز استان فارس است. شهر شیراز در بخش مرکزی استان فارس و در عرض جغرافیایی ۲۹ درجه و ۳۶ دقیقه شمالی و ۲۹ درجه و ۳۲ دقیقه جنوبی و طول ۵۲ درجه و ۳۷ دقیقه شرقی و ۵۲ درجه و ۲۶ دقیقه غربی در ارتفاع ۱۴۸۶ تا ۱۶۷۰ متری از سطح دریا در نقاط مختلف شهر متغیر است و در منطقه ی کوهستانی زاگرس واقع شده و آب و هوای معتدلی دارد. شهر شیراز همواره به عنوان یکی از بزرگترین مراکز فرهنگی - تاریخی در عرصه ملی و بین المللی مطرح بوده است و به دلیل وجود آثار ارزشمند تاریخی "فرهنگی" جاذبه های طبیعی و کالبدی و موقعیت اقتصادی و خدماتی به ویژه از حیث آموزش عالی و خدمات درمانی همیشه مورد توجه گردشگران ایران و جهان و متقاضیان منطقه ای خدمات برتر بوده است (مهندسین مشاور پارها، ۱۳۸۱: ۱). شیراز با وجود چهار چهره های برجسته ادبی فرهنگی و تاریخی در عرصه ملی و بین المللی به پایتخت شعر و ادب ایران مشهور است و علاوه بر جاذبه های تاریخی و فرهنگی با دارا بودن اماکن و بقاع فراوان مذهبی و وجود حرم حضرت شاهچراغ (ع) به عنوان سومین حرم اهل بیت در ایران شناخته شده است. از سوی دیگر مطابق پیش نویس برنامه ملی توسعه گردشگری، وظیفه ای بزرگ بر دوش شهر قرار گرفته و آن را با بیش از ۱۵۰ جاذبه تاریخی فرهنگی و طبیعی مرکز پنجمین منطقه گردشگری کشور به عنوان قلب پرشیا معرفی می کند (سرابی و شمشیری، ۱۳۹۲، ص. ۷۱).



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی شهرستان شیراز

۳. یافته ها

نتایج بررسی شاخص های برازندگی مدل در جدول ۲ آمده است.

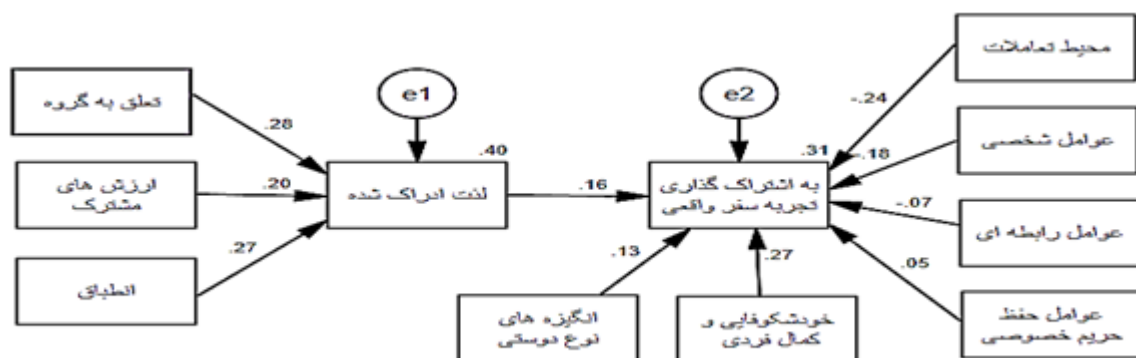
جدول ۲. شاخص های برازندگی مدل

شاخص های برازندگی	χ^2/df	RMSEA	GFI	TLI	CFI	NFI
مدل اصلاح شده	۳/۱۱	۰/۰۷	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۹۳	۰/۹۶
سطح مطلوب	کمتر از ۳	کمتر از ۰/۰۸	بیشتر از ۰/۰۹	بیشتر از ۰/۰۹	بیشتر از ۰/۰۹	بیشتر از ۰/۰۹

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود همه شاخص های برازندگی مدل در حد مطلوب و قابل قبول

دارند.

شکل ۳، مسیرها و ضرایب استاندارد در مدل نهایی را نشان می دهد.



شکل ۳. مسیرها و ضرایب استاندارد مدل نهایی

در جدول ۳ توزیع فراوانی شرکت کنندگان در این پژوهش بر حسب جنسیت، سن و میزان تحصیلات و سابقه اشتراک گذاری تجربه سفر به شیراز آمده است.

جدول ۳. توزیع فراوانی نمونه بر حسب مشخصات جمعیت شناختی و سابقه اشتراک گذاری تجربه سفر

متغیر	گروه	فراوانی مطلق	درصد فراوانی	متغیر	گروه	فراوانی مطلق	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۲۳۹	۶۲/۲	وضعیت تاهل	مجرد	۱۷۰	۴۴
	مرد	۱۴۵	۳۷/۸		متاهل	۱۹۲	۵۶
مدرک تحصیلی	دیپلم و پایین تر	۶۱	۱۷/۷	جمع		۳۸۴	
	فوق دیپلم و لیسانس	۲۰۸	۵۴/۳۰				
	فوق لیسانس و بالاتر	۱۱۵	۳۰				
سن	کمتر از ۲۰	۳۲	۸/۳	سابقه اشتراک تجربه سفر در شبکه های	حداقل ۱ تا ۳ بار	۲۰۵	۵۳
	۲۰ تا ۳۰	۱۸۶	۴۸/۵		۱۰ تا ۱۳ بار	۱۳۳	۳۵

۱۲	۴۶	بیشتر از ۱۰ بار	اجتماعی	۲۹	۱۱۲	۴۰ تا ۳۰	
۱۰۰	۳۸۴	جمع		۸/۵	۳۳	۵۰ و بالاتر	

توزیع فراوانی متغیرهای توصیفی پژوهش در جدول ۲ نشان می دهد اکثریت پاسخ دهندگان به پرسشنامه ها (۶۲/۲) درصد زن و مابقی (۳۷/۸) درصد مرد هستند. همچنین بر اساس توزیع سنی پاسخ دهندگان بیشترین گروه مشارکت کننده ۲۰ تا ۳۰ ساله ها (۴۸/۵) درصد هستند و کم ترین گروه سنی بالاتر از ۲۰ سال (۸/۳) درصد. توزیع مدارک تحصیلی پاسخ دهندگان نیز حاکی از آن است که بیشترین درصد مشارکت (۵۴/۳) درصد متعلق به افراد با مدرک فوق دیپلم و لیسانس و کم ترین به مدرک تحصیلی دیپلم و پایین تر (۱۵/۷) درصد تعلق دارد. متغیر توصیفی دیگر سابقه به اشتراک گذاری تجارب سفر به شیراز در شبکه های اجتماعی است که بیشترین فراوانی متعلق به گردشگرانی است که بین ۱ تا ۳ بار ۲۰۵ نفر (۵۳ درصد) تجارب خود را به اشتراک گذاشته اند. جدول ۴ حاوی خلاصه ای از نتایج آزمون فرضیه های تحقیق است.

جدول ۴. خلاصه نتایج آزمون فرضیه ها

فرضیه ها	متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب غیر استاندارد	ضریب استاندارد	سطح معنی داری	نتیجه
فرضیه اول	تعلق به گروه	لذت ادراک شده	۰/۳۱	۰/۲۸	۰/۰۱	تأیید
فرضیه دوم	ارزش مشترک	لذت ادراک شده	۰/۲۳	۰/۲۰	۰/۰۱	تأیید
فرضیه سوم	انطباق	لذت ادراک شده	۰/۲۳	۰/۲۷	۰/۰۱	تأیید
فرضیه چهارم	لذت ادراک شده	اشتراک تجربه	۰/۲۰	۰/۱۶	۰/۰۱	تأیید
فرضیه پنجم	نوع دوستی	اشتراک تجربه	۰/۱۶	۰/۱۳	۰/۰۱	تأیید
فرضیه ششم	خود شکوفایی	اشتراک تجربه	۰/۳۱	۰/۲۷	۰/۰۱	تأیید
فرضیه هفتم	محیط تعاملات	اشتراک تجربه	-۰/۰۸	-۰/۰۷	۰/۲۸	عدم تأیید
فرضیه هشتم	عوامل شخصی	اشتراک تجربه	-۰/۱۸	-۰/۱۸	۰/۰۱	تأیید
فرضیه نهم	عوامل رابطه ای	اشتراک تجربه	-۰/۲۵	-۰/۲۴	۰/۰۱	تأیید
فرضیه دهم	حریم خصوصی	اشتراک تجربه	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۰۵	عدم تأیید

اطلاعات مندرج در جدول ۴ بیانگر آن است که ضریب معناداری برای ۸ فرضیه تحقیق شامل فرضیه های اول تا ششم و فرضیه های هشتم و نهم، کمتر از ۰/۰۱ ($p < ۰/۰۱$) است و تحت آزمون های آماری مورد تأیید قرار گرفتند. اما فرضیه های هفتم و دهم با توجه به اینکه ضریب معناداری شان بیشتر از ۰/۰۱ است، لذا دلایل کافی بر رد فرضیه صفر و پذیرش این فرضیه ها وجود نداشته است.

۴. بحث

این تحقیق با هدف شناسایی عوامل موثر بر انگیزه به اشتراک گذاری تجارب سفر از طریق رسانه های اجتماعی توسط گردشگران بازدیدکننده از مجموعه های تاریخی و فرهنگی شهر شیراز انجام شده است. تعلق به گروه، به عنوان اولین مولفه از ساختار نظریه نفوذ اجتماعی و اولین فرضیه این پژوهش که مورد تأیید قرار گرفت نشان دهنده تأثیر مثبت احساس لذت ادراک شده و به تبع آن، تمایل به تسهیم تجربه سفر است. احساس تعلق به یک گروه اجتماعی (مانند گروه های مرجع یا گروه همسالان، خانواده و خویشاوندان)، موجب می شود که گردشگر مشتاق باشد تا نظر دیگر اعضای گروه اجتماعی را در مورد تجربه سفر خود بداند (جاوید و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۴۴۰). همچنین، وقتی گردشگر تجربه سفر خود را از طریق شبکه های اجتماعی به اشتراک می گذارد، احساس تعلق خاطر بیشتری نسبت به گروه خود دارد و احساس لذت می کند که با این کار، سایر اعضای گروه با وی همراه شده اند. همه این ها موجب می شود تا فرد برای جلب نظر بیشتر اعضای گروه خودش هم که شده، با وجود بعد مسافت محل سفر، از طریق به اشتراک گذاشتن تجربیات سفر در رسانه های اجتماعی اعلام حضور کند و این احساس لذت، زمینه مساعدی را برای تسهیم بیشتر تجربیات و دانش سفر فراهم می آورد. بر اساس دومین فرضیه تأیید شده پژوهش مبنی بر احساس ارزش های مشترک می توان گفت، گردشگران با اشتراک گذاشتن تجربه سفر خود به نوعی قصد نشان دادن ارزش ها و باورهای مشترک با سایر اعضای گروه اجتماعی شان را دارند. این هماهنگی ارزشی، نوعی هماهنگی شناختی و تقویت مثبت را به همراه دارد (پیشین، ص. ۴۴۱). همچنین، گرایش اعضای گروه به استفاده از یک نوع خاص از ابزارها و رسانه های اجتماعی، به دلیل ارزش آن نسبت به سایر ابزارهای ارتباطی است؛ به این صورت، کاربری مدام آن ابزار رسانه ای برای فرد مهم و قابل اهمیت می شود، به نحوی که بیشتر وقت خود را در فضای آن رسانه صرف می کند. بنابراین، اشتراک گذاری تجربه سفر، در رسانه اجتماعی مورد کاربرد گروه مرجع، اگر با ارزش ها و هنجارهای سایر اعضای گروه نیز سازگار باشد؛ تشویق و ترغیب اعضا را به همراه داشته و برای گردشگر بسیار لذت بخش خواهد بود. البته جنبه برعکس این قضیه هم صادق است. به این صورت که اگر اعضای گروه مرجع، تمایلی به اشتراک تجربیات خود در سفر نداشته باشند یا این کار مورد پسندشان نباشد، گردشگر نیز از تسهیم تجربه سفر پرهیز می کند. طبق نظریه نفوذ اجتماعی، اعضای گروه، تحت نفوذ و تسلط مستمر گروه مرجع قرار دارند و همواره می کوشند تا به سرعت، خود را با هنجارها و خواسته های آن مطابقت دهند (ساروخانی، ۱۳۹۱). بنابراین، گردشگر برای اینکه بتواند بازخوردهای مطلوب خود را از گروه مرجع بدست آورد، باید رفتار یا نگرش صحیحی را در شبکه های اجتماعی ابراز کند. در این صورت، اگر تسهیم تجربیات و خود ابراز گری جزو هنجارهای گروه مرجع باشد، گردشگر برای بیان تجربیات سفر خود تلاش بیشتری می کند. همچنین، برای این منظور، گردشگر ترجیح می دهد تا از شبکه های اجتماعی برخط استفاده کند زیرا، زمان کمتری برای انتقال اطلاعات

و دانش از این طریق لازم است. طبق مدل مفهومی این پژوهش، ساختارهای نظریه نفوذ اجتماعی (احساس تعلق، احساس ارزش های مشترک و انطباق با نگرش های جامعه) از طریق لذت ادراک شده (عامل میانجی گر) بر انگیزه اشتراک تجربیات تأثیر می گذارند. رابطه مزبور بر اساس فرضیه های اول تا سوم این پژوهش مورد تأیید قرار گرفتند. با تأیید این فرضیه ها و بنا بر مطالعات پیشین کند (اولیویرا و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۱۹؛ چالپراسرا و همکاران، ۲۰۲۰) می توان پذیرفت که، احساس خوشحالی و لذت بردن از احساس خوشایندی و عضویت در یک گروه اجتماعی برای گردشگر سرگرم کننده است مخصوصاً وقتی فرد در سفر و به دور از اعضای گروه اجتماعی خود بسر می برد با اتصال مجازی و تبادل تجربیات روزمره، در بین دوستان خود احساس حضور می کند و به این واسطه، تسهیم تجربه سفردر رسانه های اجتماعی نیز بیشتر خواهد شد. اما، برعکس این قضیه نیز صادق است، یعنی افراد منزوی و تنها تلاشی برای سهیم کردن دیگران در تجربه سفر انجام نمی دهند. طبق یافته های این پژوهش (تأیید فرضیه پنجم)، که مورد حمایت مطالعات قبلی نیز قرار دارد (اولیویرا و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۱۸؛ چانگ و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۳۴۵). عوامل تسهیل گر، تأثیر مثبتی بر لذت ادراک شده از به اشتراک گذاری تجربیات سفر دارند. از جمله این تسهیل گرها، انگیزه های نوع دوستی می باشد. افرادی که انگیزه نوع دوستی بالایی دارند، می خواهند به دیگران کمک کنند، می خواهند از استفاده مردم از محصولات بد جلوگیری و تجربیات مثبت خود را به دیگران توصیه کنند. یکی دیگر از عوامل تسهیل گر، که طی فرضیه ششم این پژوهش طرح و به تأیید رسید انگیزه خود شکوفایی یا کمال شخصی است. بر اساس تعریف، خودشکوفایی، تحقق استعدادها و رسیدن به کمال فردی می باشد (کریمی، ۱۳۸۱؛ پاپ و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۱۹). طبق این تعریف، گردشگرانی که به این سطح از تحقق نیازهای فردی خود دست یافته اند، می خواهند با اشتراک گذاشتن تجارب سفر، شناخته شوند و مورد تقدیر قرار گیرند. آنها دوست دارند تصویری قابل ستایش در تصور دیگران از خودشان باقی گذارند.. اشتراک گذاری تجربه های سفر در بستر ساز و کار های ارتباطی مانند شبکه های اجتماعی مجازی و پیام رسان ها، به تحقق این خواسته افراد کمک می کند. یکی دیگر از یافته های این پژوهش که فرضیه هفتم به آن اختصاص یافته، اثر منفی مشکلات موجود در محیط تعاملات از جمله تاخیر زیاد در پاسخ به پست های ارسال شده و میزان پاسخگویی کم، کیفیت ضعیف پیام های پاسخ داده شده و همچنین، طراحی بد شبکه های تعامل اجتماعی برای برقراری ارتباط با دیگران بر اشتراک گذاری تجربه سفر است. بر خلاف تحقیقات پیشین (اولیویرا و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۱۳-۱۲) در یافته های پژوهش حاضر دلایل کافی برای تأیید این فرضیه به دست نیامد ($p>0/01$). دلایل این مغایرت ممکن است ناشی از این موضوع باشد که فعالان شبکه های اجتماعی در ایران بنا به دلایل زیرساخت های فنی ضعیف تر اینترنت و محدودیت های ناشی از فیلترینگ، معمولاً توقع زیادی از کارایی فنی این شبکه ها ندارند. بنابراین خیلی نسبت به این عامل حساسیت نشان نمی دهند و حاضرند تحت هر شرایط برای اشتراک گذاری تجربه سفر خود تلاش کنند. از سویی

ممکن است سایر انگیزه های به اشتراک گذاری تجربیات سفر در آنان به اندازه ای بالاست که این عامل را تحت الشعاع قرار می دهد. در گمانه سوم می توان عدم تأیید این فرضیه را به دیدگاه نمونه مورد مطالعه این پژوهش نسبت داد و در مطالعات آتی باید با نمونه های دیگر این فرضیه بار دیگر بررسی شود. یکی دیگر از عوامل بازدارنده ای که موجب به اشتراک نگذاشتن تجربه سفر می شود بر اساس مدل و فرضیه پژوهی هشتم، عوامل شخصی است. به این معنا که اگر گردشگر تصور کند که آنچه ارسال می کند، مهم، دقیق یا مربوط نباشد، یا از اینکه تجربیات سفرش را در شبکه های اجتماعی به اشتراک بگذارد، اطمینان نداشته باشد؛ همچنین، افراد خیلی خجالتی نمی توانند تجربیات سفرشان را در جمع به اشتراک بگذارند (اولیویرا و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۱۲). این افراد با اینکه معمولاً اطلاعات مورد نیاز خود را در مورد سفر از تجربیات دیگران کسب می کنند، اما خودشان اطلاعات مربوط به سفر را به اشتراک نمی گذارند. یافته های این پژوهش نیز مطابق با مبانی نظری و پیشینه پژوهش (پاپ و همکاران ۲۰۲۱، ص. ۱۹؛ چانگ و همکاران ۲۰۱۷، ص. ۳۳۸؛ فیلی و همکاران ۲۰۱۵، ص. ۱۸۴؛ چانگ و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۳۴۶)، بر نقش بازدارندگی عوامل شخصی بر تسهیم تجارب سفر صحت گذاردند. دلیل اصلی آن هم می تواند پدیده ترس از شکست باشد. ترس از شکست موجب می شود که افراد علیرغم داشتن توانایی و مهارت، از ابراز آن خودداری کنند. به این صورت، ترس از دست دادن روابط خوب بین فردی یا تحقیر شدن در جمع منجر به پنهان کردن عقاید و نظرات می گردد. برای غلبه بر این عارضه شخصی، باید عزت نفس گردشگران تقویت شود تا خود انتقادی، کمال گرایی و باورهای نادرست در مورد خود را کنار بگذارند و واقع بینانه و راحت ابراز وجود نمایند. یکی دیگر از عوامل بازدارنده که موجب به اشتراک نگذاشتن تجربه سفر می شود عوامل رابطه ای است که در فرضیه نهم پژوهش مطرح و طبق یافته های حاصل از تحلیل داده ها تأیید شده است. به این معنی که از دید شرکت کنندگان در این پژوهش نیز اگر گردشگر از تعهد داشتن و ارتباط صمیمانه دریک گروه اجتماعی واهمه داشته باشد، یا مایل به صرف زمان و منابع برای حفظ تعهد در گروه اجتماعی نباشد، یا بین او و سایر اعضای گروه اجتماعی صمیمیت کافی برقرار نباشد، قاعدتاً تمایلی به اشتراک گذاری تجارب خود نخواهد داشت. شاید وجود برخی محدودیت های اجتماعی در رسانه های سنتی و عدم امکان ابراز دیدگاهها و عقاید در فضایی صمیمی و امن در سایر کانال ها موجب شده رسانه های نوین الکترونیکی به بستر مناسبی برای تبادل نظرات فرهنگی و اشتراک گذاری تجارب سفر در ایران تبدیل شوند. معمولاً گردشگران ایرانی با داشتن زنجیره ارتباطات گسترده، در شبکه های اجتماعی حضور قابل ملاحظه ای دارند. آخرین عامل بازدارنده مدل مفهومی و فرضیه دهم این پژوهش، عوامل حفظ حریم خصوصی است. عوامل مزبور شامل نیازهای امنیتی و حریم شخصی گردشگر می شود که با به اشتراک گذاشتن تجربیات سفر ممکن است در معرض تهدید یا خطر قرار گیرد. به بیان دیگر، فرد از اینکه به اشتراک گذاشتن تجارب سفر، مشکلاتی برای وی ایجاد کند هراس دارد یا احتمال دارد اطلاعات شخصیش فاش شود. بر خلاف برخی

پژوهش های پیشین (اولیویرا و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۱۲؛ جانگ و همکاران ۲۰۱۷، ص. ۳۴۶). نتایج پژوهش حاضر نشان داد که عامل حریم شخصی تأثیر معنی داری بر کاهش تسهیم تجربه سفر گردشگران ندارد. دلیل این یافته نیز می تواند ناشی از محدودیت های موجود کانال های ارتباط جمعی و رسانه های سنتی باشد به طوری که بسیاری از مردم و خصوصا گردشگران کانال و رسانه جایگزینی برای تبادل نظرات در اختیار ندارند و از سویی یک نوع خود سانسوری نیز در اشتراک گذاری نظرات و تجارب میان کاربران ایرانی وجود دارد. بطوری که مردم طی زمان به تجربه آموخته اند مطالبی را در شبکه های اجتماعی ارایه کنند که تبعات منفی برایشان نداشته باشد. ضمن اینکه باور عمومی بر این است که اگر مطالبی به اشتراک گذارده شود که جنبه سیاسی نداشته باشد، مشکلی برایشان ایجاد نمی کند. بنابراین، با وجود نگرانی های ناشی از فاش شدن یا سوء استفاده از اطلاعات شخصی کاربران و نقض قوانین مالکیت معنوی، آنها همچنان تجربیات خود را به اشتراک می گذارند. در نهایت نتایج پژوهش بیانگر این بود که ۸ عامل مهم (شامل تعلق به گروه، ارزش های مشترک، انطباق، لذت ادراک شده، انگیزه های نوع دوستی، خود شکوفایی یا کمال شخصی، محیط تعاملات و عوامل شخصی) بر انگیزه به اشتراک گذاری تجارب سفر از طریق رسانه های اجتماعی تأثیرگذار بودند ولی، اثر منفی عوامل محیط تعاملات و حفظ حریم خصوصی در این مدل، مورد تأیید قرار نگرفت. در نتیجه، می توان اظهار داشت که عوامل رابطه ای و عوامل شخصی، دلایل به اشتراک نگذاشتن تجربه سفر هستند (عوامل بازدارنده)؛ اما، انگیزه های نوع دوستی و خودشکوفایی تأثیر مثبتی بر انگیزه به اشتراک گذاری تجربیات سفر دارند (عوامل تسهیل گر). همچنین، ساختارهای نظریه نفوذ اجتماعی نیز از طریق لذت ادراک شده (عامل میانجی گر) بر انگیزه اشتراک تجربیات تأثیر می گذارند.

۵. نتیجه گیری

تحقیق حاضر با اتکا به ساختار نظریه نفوذ اجتماعی و مدل مفهومی پژوهش اولیویرا و همکاران و با طرح ۱۰ فرضیه انجام شد. طبق نتایج بدست آمده، یافته های تحقیق از فرضیه های اول تا ششم و فرضیه های هشتم، نهم و دهم حمایت کرده و مورد تأیید قرار گرفتند اما دلایل کافی برای تأیید فرضیه های هفتم و دهم بر اساس نتایج عنوان شده بدست نیامد. می توان گفت افزایش آگاهی دست اندرکاران حوزه گردشگری، همینطور گردشگران و حتی جوامع میزبان خصوصا در شهری مانند شیراز نسبت به نقش شبکه های اجتماعی در توسعه و ترویج گردشگری موجب تقویت روحیه اشتراک گذاری تجربیات سفر به این شهر و جلب گردشگران بیشتر می شود. به علاوه تقویت زیرساختها، محدودیت فیلترینگ شبکه های اجتماعی و بهبود مهارت های گردشگران در اشتراک گذاری تجارب سفر در شبکه های اجتماعی توصیه می شود. در پژوهش حاضر تنها گردشگران بازدید کننده از اماکن گردشگری شهر شیراز، مورد بررسی قرار گرفتند، از این رو، تعمیم نتایج این تحقیق به گردشگران سایر شهرها و استان ها باید با احتیاط انجام شود.

این پژوهش با ورود به یکی از حوزه های جدید مطالعات گردشگری، می تواند زمینه علاقه مندی هر چه بیشتر محققین و علاقه مندان مطالعه در گردشگری مبتنی بر شبکه های اجتماعی را فراهم آورد.

۶. تضاد منافع

هیچ گونه تضاد منافی بین نویسندگان وجود ندارد.

۷. تقدیر و تشکر

از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه شهید باهنر کرمان برای حمایت مادی و معنوی انجام این پژوهش در قالب پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد سپاسگزاری می نمایم.

کتاب نامه

۱. ایمانی فر، س. (۱۳۹۷). نقش رسانه های اجتماعی و اشتراک دانش در صنعت گردشگری با استفاده از روش مرور سیستماتیک. تهران: اولین کنفرانس بین المللی مطالعات بین رشته ای در مدیریت و مهندسی، دانشگاه تهران.
۲. ساروخانی، ب. (۱۳۹۱). جامعه شناسی نوین ارتباطات. تهران: انتشارات اطلاعات.
۳. سرابی، م.، و شمشیری، م. (۱۳۹۲). بررسی وضعیت گردشگری در شهر شیراز در راستای توسعه پایدار با استفاده از تکنیک اس دلیو او تی. مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، ۲۴ (۱)، ۶۹-۸۱.
۴. سرمد، ز.، بازرگان، ع.، و حجازی، ا. (۱۳۸۷). روش تحقیق در علوم رفتاری. چاپ شانزدهم. تهران: انتشارات آگاه.
۵. شیخ، ر.، و شامیاتی، ه. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای شبکه های اجتماعی مجازی با رویکرد نئوگرافی بر اساس اطلاعات ناقص. مطالعات رسانه های نوین، ۱ (۴)، ۱۷۹-۲۰۳.
۶. دلور، ع.، قادری، ا.، و مجدی، ن. (۱۳۹۳). جایگاه رسانه های اجتماعی در توسعه بازاریابی گردشگری الکترونیکی ایران. فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، ۹ (۲۸)، ۱-۱۶.
۷. زمانی، ز.، حقیقی نسب، م.، و زرنیدیان، ن. (۱۳۹۸). بررسی رابطه درگیرسازی مشتری در گروه های گردشگری رسانه اجتماعی با تصویر و انتخاب مقصد. فصلنامه مطالعات رسانه های نوین، ۵ (۱۷)، ۲۶۵-۲۹۵.
۸. قهرمان، آ. (۱۴۰۰). عوامل متمایز کننده الگوهای انتخاب محل اقامت گردشگران داخلی در شهر مشهد. مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۸ (۲)، ۱-۱۹.
۹. حامدی، ا.، محبی، م.، و مکی زاده، و. (۱۳۹۹). عوامل انگیزشی و بازدارنده سفر به سبک فلش پکری. مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۷ (۲)، ۲۳-۳۹.
۱۰. کاظمی، م. (۱۴۰۴). مدیریت گردشگری. چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.

۱۱. کریمی، ی. (۱۳۸۱)، *روانشناسی اجتماعی*. چاپ دهم، تهران: انتشارات ارسباران.
۱۲. مرکز آمار ایران (۱۴۰۱). *گزارش اینترنت و فناوری اطلاعات*. تهران: مرکز آمار ایران.
۱۳. مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۴۰۱). *نظرسنجی میزان استفاده شهروندان از رسانه های اجتماعی*. تهران: مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران. <https://acecr.ac.ir/fa/news/44957>.
۱۴. محمدی، م.، و میرتقیان رودسری، س.م. (۱۳۹۵). نگرش گردشگران به نقش رسانه های اجتماعی در فرآیند برنامه ریزی سفر. *فصلنامه مطالعات رسانه های نوین*، ۲(۸)، ۲۰۳-۲۳۸.
15. Amaro S. (2016). Travelers use social media: A clustering approach. *Annals of tourism research*, 59, 1-15.
16. Chang, W., Ren fang C., & Grace C. (2021). Impact of online social support and perceived value in influential blogs. *Research in Business and Social Science*, 10(4), 339-348.
17. Cholpraser, A., Lawanvisut C., & Thongrin S. (2020). Social media influencers and Thai tourism industry: Tourist behavior, travel motivation and influencing factors. *Journal of liberal arts, Thammasat university*, 20(2).
18. Duh, H. I., & Thabethe, T. (2021). Attributes of Instagram influencers impacting consumer brand engagement. *International Journal of Internet Marketing and Advertising*, 15(5), 477-497.
19. Filieri, R., Alguezaui, S. & McLeay, F. (2015). Why do travelers trust trip advisor? Antecedents of trust towards consumer-generated media and its influence on recommendation adoption and word of mouth. *Tourism Management*, 51, 174-185.
20. 20-Gorang, D. J. and Goswami, C. (2017). User generated content on Sikkim as an image formation agent: A content analysis of travel blogs. *International Journal of hospitality and tourism systems*, 10(2), 47-57.
21. Hur, K., Kim, T.T., Karatepe, O.M., & Lee, G. (2017). An exploration of the factors influencing social media continuance usage and information sharing intentions among Korean travellers. *Tourism Management*, 63, 170e178.
22. Javead, M., Tučková, Z., & Jibril, A.B. (2020). The role of social media on tourists' behavior: an empirical analysis of millennials from the Czech Republic. *Sustainability*, 12, 7735.
23. 22-Kaplan, A. M., & Haenlein, M. (2010). Users of the world, unite! The challenges and opportunities of social media. *Business Horizon*, 53(1), 59-68.
24. Kelman, H. C. (2013). Social influence and linkages between the individual and the social system: further thoughts on the processes of compliance, identification, and internalization. In J. Tedeschi (Ed.). *Perspectives on social power* (pp. 125-171). Chicago: Aldine.
25. Kun, Z., Ye, C., & Chunlin, L. (2019). Discovering the tourist behavior and perceptions in the tourism destination by analyzing photo visual context with a computer deep learning model/ the case of Beijing. *Tourism Management*, 75, 595-608
26. Lee, J., & Hong, L. (2016). Predicting positive user responses to social media advertising: The roles of emotional appeal, informativeness, and creativity. *International Journal of Information Management*, 36(3), 360-373.
27. Manap, Kh., & Adzharudin, N. (2013). The Role of user generated content (UGC) in social media for tourism Sector. WEI International Academic Conference Proceedings.
28. Oliveira, T., Araujo, B., & Tam, C., (2020). Why do people share their travel experiences on social media? *Tourism Management*, 78, 104041.

29. Pop, R.A., Sapiacan S., & Dabija D., & Anetta M. (2021). The impact of social media influencers on travel decisions: the role of trust in consumer decision journey. *Current Issues In Tourism*, 25(12), 1-21.
30. Rudez, H.N. & Vodeb, K. (2015). Students' use of social media during the Travel Process. *Tourism and Hospitality Management*, 21(2), 179-190.
31. Widiana, R., & Santi, N. (2022). Factors influencing tourist travel experience sharing in social media, *Indonesian journal of business and entrepreneurship*, 8(1), 104-115.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۲۹

ارزیابی جرم خیزی مجتمع های مسکونی مهر و نقش طراحی کالبدی در ارتقای امنیت با رویکرد CPTED (مطالعه موردی: مجتمع های مسکن مهر شهر زنجان)

عظیم علی شائی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران)

azim_a746@pnu.ac.ir

داریوش جهانی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، نویسنده مسئول)

d.jahani60@pnu.ac.ir

یعقوب حق (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

yaghob.haghi@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۵/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۵

صص ۳۶-۱۹

چکیده

داشتن محیط شهری ایمن با زیرساخت های مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و ایجاد امنیت روانی در افراد، سبب افزایش سرزندگی و زیست پذیری فضای شهری بویژه در فضاهای متراکم و پرجمعیت شهری می گردد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال بررسی تبیین میزان جرم خیزی مجتمع های مسکونی مهر و نقش طراحی کالبدی در پیشگیری جرائم و ارتقای امنیت با رویکرد CPTED در مجتمع های مسکن مهر شهر زنجان است. گردآوری داده ها با مطالعات کتابخانه ای و میدانی انجام شد. جامعه آماری شامل ساکنین مجتمع های مسکونی شهر زنجان به تعداد ۱۹۰۵۳ نفر است که با فرمول کوکران ۳۷۷ نفر نمونه انتخاب شد. برای تحلیل داده ها از جداول آماری توصیفی، مدل تصمیم گیری چندمعیاره TODIM و آزمون تحلیل مسیر و مدل DPSIR با کمک نرم افزار Excel و SPSS استفاده شده است. یافته های تحقیق نشان داد که وضعیت مؤلفه های طراحی و برنامه ریزی شهری مؤثر در ارتقای امنیت مجتمع های مسکن مهر شهر زنجان و پیشگیری از جرم با میانگین ۳/۴۹ قابل قبول است. همچنین طبق آزمون تحلیل مسیر، مؤلفه «پاسخ» بواسطه تاکید بر طراحی مبلمان و امان های شهری در محیط های عمومی؛ مناسب سازی محله برای اقشار آسیب پذیر؛ روشنایی و خوانایی شهر بویژه در شب ها؛ و مدیریت و حفاظت از محیط با اثر مستقیم ۰/۵۴۲ بیشترین ارتباط را با ارتقای امنیت و پیشگیری از وقوع جرم در مجتمع های مسکن مهر شهر زنجان دارد.

کلیدواژه ها: امنیت شهری، رویکرد CPTED، شهر زنجان، طراحی شهری، مسکن مهر.

۱. مقدمه

یکی از نشانه های فضای شهری موفق و کارآمد آن است که فرد در خیابان های مملو از بیگانگان احساس امنیت فردی و اطمینان کند (حیدری و حضرتی، ۱۳۹۹، ص. ۲۳۴). شهروندان و حتی افراد غریبه، نباید خود به خود احساس کند که مورد تهدید قرار دارد. به همین دلیل، امنیت یک معیار کیفی است که سبب ارتقای کیفیت محیط می شود. به طوری که نبود امنیت در مکان های عمومی، یکی از مهم ترین عوامل کاهش جذابیت و عدم سرزندگی فضاها محسوب می شود (کارمونا^۱، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۱). افزون بر این، طی دو دهه اخیر، در نگرش و سیاست های پیشگیرانه جرم شناسان برای مقابله با بزهکاری شهری تغییرات مهمی به وقوع پیوسته است مطابق این نگرش برای پیشگیری از جرم، علاوه بر "بزهکار" بایستی مکان وقوع بزه نیز مورد تأکید قرار گیرد تا با حذف فرصت های مجرمانه در محیط جغرافیایی، امکان به حداقل رساندن نرخ بزهکاری فراهم شود (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۴۵). شهر زنجان به لحاظ مرکزیت استان زنجان، دارای بیشترین مجتمع مسکونی مهر در استان با تعداد ۶۲۳۴ واحد در قالب ۱۳ مجتمع مسکونی است. فرآیند طراحی و ساخت این طرح در دولت نهم از سال ۱۳۸۶ شروع شد و تحویل آن تا ۱۳۹۵ به طول انجامید. مجتمع های مسکونی مهر در شهر زنجان عمدتاً در حاشیه شهر یا حتی بیرون شهر احداث شده است. در نتیجه، تأمین امنیت مجتمع های مسکونی مهر برای ساکنین و مراجعان، اهمیت زیادی دارد. لذا ضروری است که در برنامه ریزی شهری و شهرسازی، ایمن سازی شهر و طراحی مبتنی بر پیشگیری از جرم مورد ارزیابی قرار گیرد تا در طرح های بعدی، چالش های طراحی و ساخت به حداقل برسند.

امنیت یکی از مهمترین عوامل سازنده کیفیت مطلوب در طراحی شهری است اهمیت موضوع امنیت در زندگی انسان تا جایی است که جان لنگ، نظریه پرداز مشهور آمریکایی آن را در کنار سایر نیازهای فیزیولوژیک انسان مانند غذا و سرپناه و بهداشت مطرح می کند (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۲). امنیت یکی از ابعاد کیفی زندگی انسان است که در آن مردم، افراد و اجتماعات به اندازه کافی در امان بوده و یا قادر به کنار آمدن با پیامدهای مخاطرات می باشند و چنان چه به تنهایی توانایی کنار آمدن با مخاطرات را نداشته باشند، به آن ها در این امر یاری رسانده می شود (دیویس، ۱۴۰۱، ص. ۲۹). برقراری امنیت در ساختار شهری و برخوردار ی شهروندان از احساس امنیت اهمیت فزاینده ای دارد و مؤلفه اساسی توسعه پایدار اجتماعی است. گسترش فیزیکی و اجتماعی شهرها و تبدیل آنها به مراکز جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی ناهمگن، میزان ناهنجاری های شهری را افزایش داده، به طوری که بخشی از شهروندان، محیط های شهری و سکونت خود را ناامن ارزیابی می کنند (صادقو و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۷۶). هدف امنیت، ایجاد محیط آرام بخش برای ساکنین محلات شهری می باشد. امنیت مترادف با در امان بودن، ایمنی، آرامش و آسودگی دانست که با

¹. Cremona

ترس، بیم و هراس در تضاد کامل است و شرط لازم برای حیات و زندگی شهری، امنیت است. هرچه شهرها ضریب ایمنی بالاتری داشته باشند، میزان تعاملات و مناسبات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بیشتر خواهد بود و بالعکس هر چه ضریب ایمنی شهرها کمتر باشد، افراد در فضای رعب و وحشت قرار گرفته و سطح مراودات و مبادلات کاهش یافته و از نظر کیفی آسیب می بیند (نویدینا، ۱۳۸۹، ص. ۸۸). اهمیت امنیت در زندگی انسان تا جایی است که جان لنگ، نظریه پرداز مشهور امریکایی آن را در کنار سایر نیازهای فیزیولوژیک انسان مانند غذا، سرپناه و بهداشت مطرح می کند (گلکار، ۱۳۸۶، ص. ۵۲). در تعریف مفهوم امنیت، پژوهشگران در چارچوب واقع بینانه ای امنیت را در واژه های سیاسی و انتظامی تعریف کرده اند و به طور کلی به معنی حمایت از ارزش‌ها و مقابله با خطرهای دشمن است (براون لو^۱، ۲۰۱۴، ص. ۵۸۶). این در حالی است که، امنیت از طریق ایجاد سازمان های اجتماعی بر پایه اعتماد، هنجارها و روابط شبکه ای شکل می گیرد که کارآیی را از طریق تسهیل هماهنگی در اقدامات بهبود می بخشد و ظرفیت های افراد گروه ها را بر دستیابی به اهداف نهایی تسهیل می کند (خانه^۲، ۲۰۱۱، ص. ۱۱).

در سطح جهانی نیومن بیش از همه به کنکاش در زمینه امنیت در مجتمع های مسکونی پرداخته است. در بررسی های نیومن دو عامل کالبدی- اجتماعی در بیشتر موارد اهمیت می یابند. عوامل کالبدی شامل اندازه ی مجموعه و تعداد خانوارهایی است که در ورودی های عمومی یک ساختمان شریک بوده اند، مانند ورودی های داخلی، آسانسورها و پلکان عمومی. از عوامل اجتماعی می توان میزان درآمد خانوارها و نسبت نوجوانان به بزرگسالان را نام برد (اسکار، ۱۴۰۰، ص. ۳۳). نظارت طبیعی، مطرح می کند که ساکنان، عابرین و حتی راننده های گذری باید بتوانند بالکن ها، دریچه ها و محوطه پارکینگ را به راحتی ببینند. نقاط با خطر بالا، مانند تالارهای ورودی، کریدورها و فضای بدون استفاده پلکان و با نور ضعیف باید در تمام مدت نمایان باشند. تصویر در نظریه نیومن نشان می دهد که انگ منفی مربوط به مجموعه ها، منجر به جرم و اخلال بیشتر می گردد. خانه هایی که ظاهر بی نظم و فرسوده داشتند به فعالیت جنایی دامن می زدند، زیرا خود ساختار رفتار بی اهمیتی و بی تفاوتی را در میان ساکنان و بازدیدکنندگان از خانه ترویج می نمودند. مجاورت و همسایگی، مطرح می کند که طراحان شهری باید محل مجموعه های مسکونی را در مجاورت دیگر محلات، مؤسسات یا تسهیلاتی قرار دهند که رفتار تبعیت قانون را ترویج می دهند (نیومن^۳، ۲۰۱۷، ص. ۳۶۵).

کولمان، در ۱۹۹۰، مجموعه مسکونی های فراوانی را با توجه به میزان جرم، نقشه های معماری، زمینه های اجتماعی و جمعیت نگاری مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. کولمان از داده هایی استفاده کرد که واحد

1. Brownlow

2. Khanh

3. Newman

تحقیقات کاربرد زمین در انگلستان در بیش از یک صد هزار آپارتمان گردآوری کرده بود. برخی از یافته های کولمان شامل موارد زیر می گردید:

- تعداد منازل در هر بلوک رابطه مستقیم با علایم اختلال و ناراحتی داشت.
- همان طور که تعداد منازل دارای یک درب ورودی افزایش می یافت، نشانه های اختلال هم زیاد می شد.

➤ ساختمان هایی که نقاط دسترسی متعددی داشتند سطوح بالاتری از جرم را تجربه می کردند (پارنابی^۱، ۲۰۱۴: ۱۵۵)

نتایج حاصل از مطالعات انجام شده حاکی از آن است که ویژگی های شاخص کالبدی مؤثر بر پیشگیری از جرم و ارتقاء امنیت شهرها در قالب ۹ شاخص زیر عنوان شده است: معابر - علائم و مبلمان شهری - کاربری اراضی - خوانایی - پوشش گیاهی - دانه بندی و فشردگی بافت - تناسبات بصری - نظارت غیر رسمی بر فضا - آلودگی محیطی (شرافت پور و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۳۰). از ابتدای قرن بیستم، دو دیدگاه متضاد لوکوربوزیه و کلارنس پری برای طراحی واحد های مسکونی مطرح گردید که آثار کالبدی و اجتماعی مهمی بر شکل گیری محله و طراحی مجتمع های مسکونی بعد از خود نهاد. لوکوربوزیه مجموعه مسکونی ماریسی را در هفده طبقه طراحی کرد و کلارنس پری الگوی گسترش در سطح را برای توسعه مناطق مسکونی شهر پیشنهاد کرد (جلالیان و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۳۴۹). از نظر نیومن نیز، خانه سازی عمومی (مجتمع مسکونی) در بسیاری از موارد برای اقشار فقیر جامعه ساخته می شود، لذا، تنها امکانی که برای اصلاح وجود دارد اصلاح فیزیکی است. نظریه فضای قابل دفاع نیومن چهار عامل اقلیم پذیری، نظارت، تصویر و همسایگی را به عنوان عوامل مؤثر در امنیت مجتمع های مسکونی دخیل می داند. اقلیم پذیری در شکل رفتاری، در بر گیرنده تمایل افراد به تعریف، ساخت و محافظت از فضاهای اجتماعی می باشد که برای بقای خودشان ضروری است (استاونسون^۲، ۲۰۱۶، ص. ۲۳۷).

امنیت در برنامه ریزی شهری و کاهش جرم را می توان بطور کلی در دو هدف کاهش حقیقی جرم و افزایش احساس امنیت تعریف کرد (بیات رستمی و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۲۴). تا کنون نظریه پردازان بسیاری در خصوص افزایش ضریب امنیت در شهرها اظهار نظر نمودن و در برخی موارد نیز تجربیات نظری خود را به صورت عملی در مکانی مشخص به اجرا درآوردند و بر اساس ایده های مطرح شده اندیشمندان بطور کلی می توان گفت سه نوع رویکرد اصلی برای امنیت و پیشگیری از جرم وجود دارد.

۱. رویکرد اول: غیر مکانی است که به کاهش و یا از بین بردن انگیزه های شخصی ارتکاب جرم از طریق آموزشهای اخلاقی، بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و وضع قوانین اشاره دارد.

^۱. Parnaby

^۲. Stevenson

۲. رویکرد دوم: رویکرد مکانی (موضعی) که هدف اصلی آن سخت تر کردن امکان ارتکاب جرم به وسیله کاربرد تکنیک های خاص در مکانی مشخص می باشد. (کرمونا، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۰)

۳. رویکرد سوم: بر مبنای میزان مجازات قانونی مجرمین وجود دارد و از ویژگی های آن کم توجهی به امکان پیشگیری از جرائم نسبت به ارتکاب جرائم است (فرید طهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۲۶) برنامه های پیشگیری از جرم از گذر طراحی محیطی بر این اساس استوار است که بافت فیزیکی محیط را به گونه ای شکل داد که سبب کاهش جرم یا ترس از وقوع جرم و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی گردد (کلکوهن، ۱۳۹۹: ۶۳).

۴. رویکرد مقابله با جرایم با استفاده از طراحی محیطی (CPTED): رویکرد «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» تحت چهار عامل قلمروگرایی، نظارت، کنترل دسترسی و تعمیر و نگهداری قابل دسته بندی است. در این رابطه، نظریه پردازانی چون نیومن، تیلور، کرو و پرکینز از اصل قلمروگرایی حمایت می کنند. اصل نظارت طبیعی مورد توجه جین جیکبز، نیومن و پرکینز بوده است. برانتینگهام، کوزن و کرو، کنترل دسترسی و ویلسون، کلینگ و نیومن مسأله تعمیر و نگهداری و تصویر را مطرح نموده اند (عبدالله و صالح، ۲۰۱۲، ص. ۶۴). مطابق این رویکرد، جامعه و مالکان خانه ها و نیز عوامل توسعه از جمله طراحان و معماران، میتوانند نقش بارزی را در حفاظت و کنترل جامعه در مقابل جرایم ایفا نمایند که این موضوع از طریق اعمال کامل اصول CPTED در طراحی و مدیریت محیط فیزیکی و انسان ساز محقق می گردد (پاک نژاد، ۱۳۹۳: ۵۹).

علاوه براین، پت ترلا سه رکن اساسی امنیت و پیشگیری از جرم را در اجرای قانون، پیشگیری های اجتماعی و برنامه ریزی و طراحی های مناسب محیطی می داند که بدون توجه به آن نمی توان از جرائم قابل انتظار در محیط های شهری کاست (پتالا^۲، ۲۰۱۸، ص. ۲۶۷).

در ارتباط با موضوع «ارتقای امنیت در شهرها» تحقیقات متعددی، انجام شده است. اما رویکردبررسی این موضوع در قالب رویکرد پیش گیری از جرم بوسیله طراحی و برنامه ریزی شهری، کمتر مورد توجه بوده است. جنبه نوآوری این تحقیق، شناسایی شاخص های پیش گیری از جرم و ارتقای امنیت در قالب مدل DPSIR است.

بنابراین، تحقیق حاضر، با هدف شاخص سازی براساس مدل DPSIR و شناسایی شدت و نحوه اثرگذاری و اثر پذیری شاخص های برنامه ریزی شهری بر امنیت مجتمع های مسکونی مهر در شهر زنجان انجام شده است. در این رابطه هدف تحقیق، ارزیابی و تحلیل نقش شاخص های طراحی محیطی و برنامه ریزی شهری در پیشگیری از جرائم و ارتقای امنیت در مجتمع های مسکونی مهر در شهر زنجان است. جامعه آماری در این پژوهش، کلیه ساکنین مسکن مهر شهر زنجان می باشد که شامل ۵۶۷۶ خانوار است

¹. Abdulla & Salleh

². Petrella

(شیری، ۱۳۹۸، ص. ۸۰). در حال حاضر تعداد ۵۶۷۶ واحد مسکونی مسکن مهر به خانوارهای متقاضی در شهر زنجان تحویل داده شده است. مسکن مهر شهر زنجان بصورت مجتمع‌هایی در مقیاس‌های مختلف و در نقاط مختلف شهر احداث گردیده‌اند. این مجتمع‌ها عمدتاً در ۴ طبقه ساخته شده و دارای کیفیت ساخت یکسانی هستند. در طراحی و ساخت نمای ظاهری مسکن مهر شهر زنجان نیز از الگوی نسبتاً مشابهی استفاده شده است. مسکن مهر زنجان با مسائل و مشکلاتی درگیر هستند. پورمحمدی و اسدی (۱۳۹۲)، در پژوهشی تحت عنوان ارزیابی پروژه‌های مسکن مهر (مطالعه موردی: شهر زنجان) به این نتیجه رسیده‌اند که بیشتر پروژه‌های مسکن مهر در حاشیه شهرها قرار گرفته‌اند و با محدودیت دسترسی به امکانات و خدمات رفاهی از قبیل: مراکز خرید، مراکز آموزشی، مراکز تفریحی، و حمل و نقل مناسب کافی مواجه‌اند و از لحاظ برخورداری‌ها شباهت بیشتری به محلات اسکان غیررسمی دارند. در این رابطه، سوال اصلی تحقیق این است که مهمترین عوامل اثرگذار در ارتقای امنیت مجتمع‌های مسکونی مهر در شهر زنجان از طریق طراحی کالبدی با رویکرد سپتد کدام است؟ در این چارچوب هدف از انجام این پژوهش تبیین نحوه تأثیرگذاری و تأثیر پذیری مؤلفه‌های مؤثر بر عوامل کالبدی با نگرش سپتد مجتمع‌های مسکن مهر شهر زنجان در قالب مدل DPSIR خواهند بود.

۲. روش شناسی

تحقیق حاضر به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی است. گردآوری داده‌ها با مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای انجام شده است. در مطالعات میدانی مهمترین ابزار تحقیق پرسشنامه است. همچنین، منابع اطلاعاتی تحقیق، شامل مطالعات پیشین و نظریه‌ها و مدل‌ها و همچنین آمارنامه‌ها است. با توجه به ماهیت موضوع و سابقه مطالعات طراحی محیطی و برنامه ریزی شهری در پیشگیری از جرائم و ارتقای امنیت، شاخص‌های تحقیق در قالب دو متغیر وابسته (شاخص ارتقاء امنیت) و متغیر مستقل (شاخص‌های طراحی محیطی مجتمع‌های مسکونی)، استخراج و نماگرهای آن تدوین شد.

جامعه آماری تحقیق شامل ساکنین مجتمع‌های مسکن مهر در شهر زنجان است جمعیت مجتمع‌های مسکن مهر در شهر زنجان در سال ۱۴۰۰ براساس آمار شرداری زنجان برابر ۱۹۰۵۳ می باشد (شهرداری زنجان، ۱۴۰۰). که با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۷ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردید. برای توزیع پرسشنامه نیز از نمونه گیری مکانی استفاده گردید. بدین ترتیب، مجتمع‌های مسکونی مسکن مهر شهر زنجان شامل ۱۳ مجتمع است. در نتیجه برای هر مجتمع، ۲۹ پرسشنامه بین شهروندان ساکن مجتمع مسکونی مهر توزیع گردید.

برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل مسیر، مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره تودیم^۱ در قالب مدل DPSIR استفاده شده است. ابتدا داده‌های تحقیق از طریق جامعه آماری رتبه‌بندی و گردآوری شد. سپس با استفاده از مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره تودیم، داده‌ها وزن‌دهی و رتبه‌بندی گردید. ماتریس تصمیم جدول ۱ را باید برای این مدل در نظر گرفت:

جدول ۱. امتیازهای اختصاص یافته به گزینه‌ها

	C_1	C_2		C_m
W_c	W_1	W_2	...	W_m
A_1	P_{11}	P_{12}	...	P_{1m}
A_2	P_{21}	P_{22}	...	P_{2m}
$\vdots$	$\vdots$	$\vdots$	$\vdots$	$\vdots$
A_n	P_{n1}	P_{n2}	...	P_{nm}

در ماتریس فوق m معیار (C_1 و ... و C_m) و n گزینه (A_1 و ... و A_n) در دسترس هستند، به نحوی که P_{ic} امتیاز اختصاص یافته به گزینه i ام با توجه به معیار c ام ($c=1, \dots, m$) است. همچنین W_c وزن اهمیت معیار c ام است.

در مرحله بعد با استفاده از روش تحلیل مسیر، میزان تأثیر هر کدام از مؤلفه‌ها بر ارتقای امنیت و پیشگیری از وقوع جرم بررسی و تحلیل گردید. روش تحلیل مسیر نوعی تحلیل رگرسیونی است که برای درک علیت و نمایش الگوی روابط علی در میان مجموعه‌ای از متغیرهای مرتبط باهم کاربرد دارند و با استفاده از آزمون رگرسیون خطی چند متغیره انجام شد. همچنین به فراخور نیاز تحقیق از نرم افزار Excel و SPSS استفاده شد.

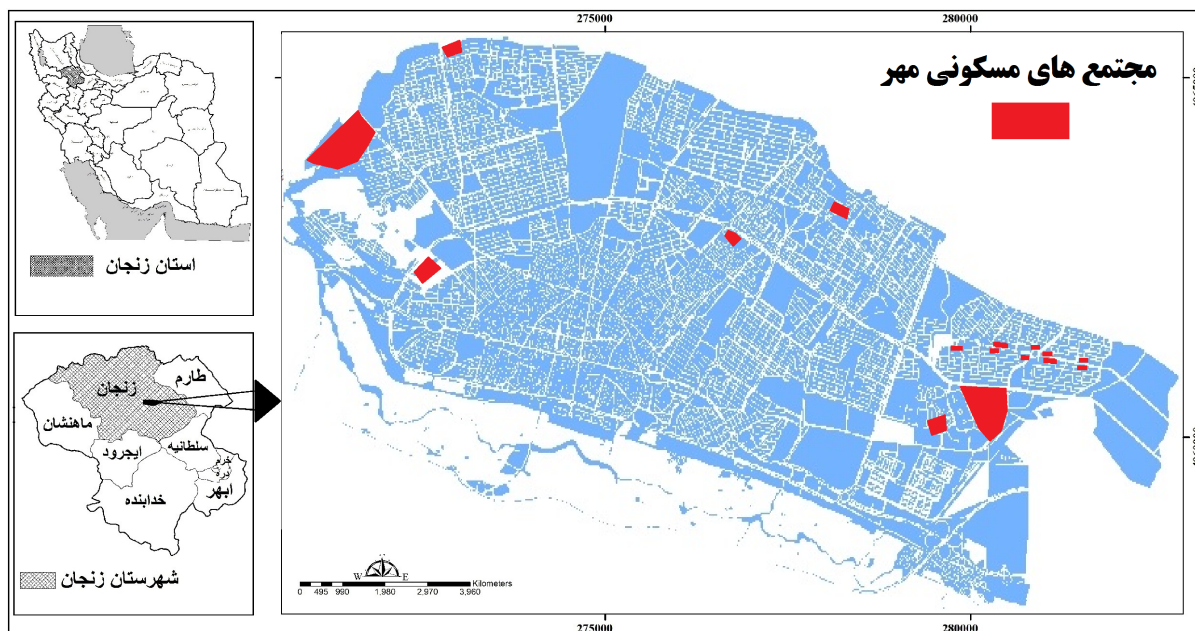
جدول ۲. شاخص‌های کالبدی مورد مطالعه برای سنجش ارتقاء امنیت در مجتمع‌های مسکن مهر شهر زنجان

شاخص	میانگین	واریانس	بیشینه	کمینه	رتبه
استفاده مختلط و مستمر از اماکن	۳/۵۰	۰/۷۸۹	۵	۱	۱۰
استفاده مناسب از پوشش گیاهی	۳/۵۰	۰/۸۸۳	۵	۱	۱۱
افزایش مبلمان و امان‌های هویت بخش	۳/۶۳	۰/۸۵۴	۵	۱	۵
افزایش نظارت عمومی و گشت پلیس	۳/۸۱	۰/۷۲۳	۵	۲	۱
انتقال کاربری‌های مزاحم و ناسازگار با امنیت محلات	۳/۶۱	۰/۶۸۵	۵	۲	۷
تأثیر تداخلات قومیتی	۳/۲۲	۱/۰۱۱	۵	۱	۲۲
تجهیز شدن فضاهای عمومی به دوربین‌ها و تکنولوژی‌های هشدار دهنده	۳/۷۱	۰/۸۷۶	۵	۱	۲

^۱. TODIM

۲۳	۱	۵	۰/۸۳۰	۳/۲۰	تراکم جمعیت محلات
۱۷	۲	۵	۰/۸۱۰	۳/۴۲	حس دعوت کنندگی فضاهای عمومی
۱۵	۱	۵	۰/۹۶۵	۳/۴۷	خوانایی شهر با نصب مناسب علائم
۱۹	۱	۵	۰/۹۳۱	۳/۴۲	دسترس پذیری و افزایش ضریب هم پیوندی محلات
۱۴	۱	۵	۰/۸۵۰	۳/۴۷	روشنایی فضاهای عمومی
۱۲	۱	۵	۱/۰۴۳	۳/۴۷	گسستگی مقیاس های فضایی فازها
۲۱	۱	۵	۰/۹۲۰	۳/۲۷	محوطه سازی و حفاظ برای فضاهای عمومی
۳	۲	۵	۰/۶۴۲	۳/۶۶	مدیریت کاربری های متروکه و رها شده
۱۸	۲	۵	۰/۸۴۲	۳/۴۲	مدیریت و حفاظت از محیط
۹	۱	۵	۰/۸۲۱	۳/۵۰	مناسب سازی محله برای اقشار آسیب پذیر (معلولان، سالمندان و...)
۱۳	۱	۵	۰/۸۵۰	۳/۴۷	منظر سازی با تاکید بر افزایش دید و نظارت عمومی
۲۰	۱	۵	۰/۹۸۴	۳/۳۰	وجود تجهیزات و تأسیسات شهری
۴	۲	۵	۰/۶۴۲	۳/۶۶	وجود نگهدارنده فازها
۱۶	۲	۵	۰/۷۴۸	۳/۴۵	وضعیت اقتصادی ساکنین محله ها
۸	۲	۵	۰/۹۱۳	۳/۵۲	وضعیت طراحی و قرار گیری ساختمانها
۶	۱	۵	۰/۹۴۲	۳/۶۳	وضعیت فضای فیزیکی فازها
-	-	-	۰/۸۵۰	۳/۴۹	مجموع

شهر زنجان، با جمعیت ۴۳۰۸۷۱ نفر جمعیت و با وسعت زنجان ۵۷/۳۳ کیلومترمربع در مرکز استان زنجان و شمال غرب کشور واقع شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). در شهر زنجان ۱۳ پروژه مسکن مهر تصویب و بطور کامل احداث شده است. این پروژه ها در تمام نقاط حاشیه ای شهر مطابق شکل ۲، توزیع شده است. امروزه طبق آمارهای رسمی شهرداری زنجان، این مجتمع ها دارای ۶۲۳۴ واحد با جمعیت ساکن ۱۹۰۵۳ نفر می باشد (شهرداری زنجان، ۱۴۰۰). شکل ۱ موقعیت جغرافیایی مجتمع های مسکن مهر شهر زنجان در تقسیمات فضایی کشور را نمایش می دهد.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی مجتمع‌های مسکن مهر شهر زنجان در تقسیمات فضایی کشور

۳. یافته‌ها

برای تحلیل یافته‌ها با توجه به تعاریف و مفاهیم مطرح شده و اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه استفاده گردید. بررسی شاخص‌ها نشان داد مؤلفه‌های طراحی و برنامه‌ریزی شهری مؤثر در ارتقای امنیت مجتمع‌های مسکن مهر شهر زنجان و پیشگیری از جرم با میانگین $3/49$ و مقدار واریانس $0/850$ در شرایط مطلوب و قابل قبول است. در بین شاخص‌ها نیز، گویه‌های «افزایش نظارت عمومی و گشت پلیس» با میانگین $3/81$ ؛ «تجهیز شدن فضاهای عمومی به دوربین‌ها و تکنولوژی‌های هشدار دهنده» با میانگین $3/71$ ؛ و «مدیریت کاربری‌های متروکه و رها شده» با میانگین $3/58$ بیشترین امتیازات را کسب کرده است. از طرفی، گویه‌های «محوطه‌سازی و حفاظ برای فضاهای عمومی» با میانگین $3/27$ ؛ «تراکم جمعیت محلات» با میانگین $3/22$ ؛ و «تأثیر تداخلات قومیتی» با میانگین $3/20$ کمترین امتیاز را کسب کرده‌اند.

در این مقاله برای تبیین و رسیدن به چارچوب نهایی از پرسشنامه و تعیین نحوه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری شاخص‌ها بر امنیت و پیشگیری از جرم در مجتمع‌های مسکن مهر شهر زنجان در قالب مدل DPSIR بهره‌گیری شده است. بدین شکل که، ابتدا مؤلفه‌های اصلی و ابعاد و شاخص‌ها در پرسشنامه اولیه تدوین و در اختیار جامعه آماری قرار گرفت. و در قالب وزن دهی طیفی لیکرت امتیاز بندی شد. سپس شاخص‌ها براساس مؤلفه‌های ۵ گانه مدل DPSIR دسته‌بندی گردید. و موقعیت شاخص در مدل DPSIR نیز معلوم شد. بدین ترتیب، شاخص‌ها براساس ۵ مؤلفه اصلی DPSIR دسته‌بندی گردید. بدین ترتیب، براساس داده‌های گردآوری شده، شاخص‌های تحلیل به عنوان نیروهای فشار یا تأثیرگذار یا پیشران

معلوم گردید. در این مرحله می توان تشخیص داد که کدام عامل در ایجاد و ارتقای امنیت و پیشگیری از جرم در مجتمع های مسکن مهر شهر زنجان تأثیرگذار بوده است و کدام عامل نیز زائده ارتقای امنیت و پیشگیری از جرم در مجتمع های مسکن مهر شهر زنجان می باشد.

جدول ۳. دسته بندی شاخص ها براساس مؤلفه های مدل DPSIR

مؤلفه	موقعیت در مدل DPSIR
استفاده مناسب از پوشش گیاهی	D
تجهیز شدن فضاهای عمومی به دوربین ها و تکنولوژی های هشدار دهنده	D
حس دعوت کنندگی فضاهای عمومی	D
وجود تجهیزات و تأسیسات شهری	D
وضعیت اقتصادی ساکنین محله ها	D
انتقال کاربری های مزاحم و ناسازگار با امنیت محلات	I
افزایش نظارت عمومی و گشت پلیس	I
مدیریت کاربری های متروکه و رها شده	I
منظرسازی با تاکید بر افزایش دید و نظارت عمومی	I
وجود نگهبانان فازها	I
وضعیت طراحی و قرار گیری ساختمان ها	P
استفاده مختلط و مستمر از اماکن	P
گسستکی مقیاس های فضایی فازها	P
تأثیر تداخلات قومیتی	P
افزایش مبلمان و المان های هویت بخش	R
مناسب سازی محله برای اقشار آسیب پذیر (معلولان، سالمندان و...)	R
روشنایی فضاهای عمومی	R
خوانایی شهر با نصب مناسب علائم	R
مدیریت و حفاظت از محیط	R
وضعیت فضای فیزیکی فازها	S
دسترس پذیری و افزایش ضریب هم پیوندی محلات	S
محوطه سازی و حفاظ برای فضاهای عمومی	S
تراکم جمعیت محلات	S

در مرحله سوم شاخص ها براساس ضریب وزن دهی جامعه آماری و تفکیک شاخص ها به ۵ مؤلفه اصلی DPSIR در قالب مدل تصمیم گیری چند معیاره TODIM اولویت بندی شد. در این زمینه، مجموع امتیازات بدست آمده وارد مدل تصمیم گیری چند معیاره TODIM جهت رتبه بندی شاخص ها و مؤلفه ها در ارتباط با مدل DPSIR گردید. خروجی جدول ۴ براساس روش تصمیم گیری چند معیاره TODIM

نشان می دهد که مؤلفه تأثیر^۱ به عنوان مؤلفه های پیش‌ران با امتیاز ۰/۷۴۲ بیش از دیگر مؤلفه ها از نظر جامعه آماری بر ارتقای امنیت و پیشگیری از جرم تأثیر داشته است. در واقع از نظر جامعه آماری برای کنترل امنیت و پیشگیری از وقوع جرم در برنامه ریزی شهری باید بر نیروهای پیش‌ران تأکید بیشتری گردد. چراکه این مؤلفه شامل شاخص ها و روندهای مبین طراحی محیطی ایمن است. در نتیجه، در مدیریت فضا باید این مؤلفه را در اولویت برنامه ریزی قرار دهد. در رتبه دوم مؤلفه پاسخ^۲ با امتیاز ۰/۶۱۷ قرار دارد. این مؤلفه، متغیرهای افزایش مبلمان و المان های هویت بخش؛ مناسب سازی محله برای اقشار آسیب پذیر؛ روشنایی فضاهای عمومی؛ خوانایی شهر با نصب مناسب علائم؛ و مدیریت و حفاظت از محیط را در بر می گیرد. و به عنوان یک فرآیند مؤثر می تواند از طریق افزایش ضریب ایمنی محیط، بستر شکل گیری جرائم را کنترل کند. سومین عامل تأثیر گذار، شامل مؤلفه فشار^۳ با امتیاز ۰/۵۷۲ می باشد. این مؤلفه بر زمینه های کاربری اراضی و نحوه استفاده از فضاهای عمومی در مجتمع های مسکن مهر شهر زنجان تأکید می کند. جامعه آماری معتقد است که این مؤلفه بویژه در زمینه شاخص های وضعیت قرار گیری ساختمانها و نحوه استفاده از اماکن، فشارهای زیادی بر ضریب ایمنی مجتمع های مسکن مهر شهر زنجان وارد می کند. که یکی از مهمترین مظاهر آن گسست فضایی بین اماکن عمومی و مردم در مقیاس های محلی است.

مؤلفه نیروهای محرکه^۴ با امتیاز ۰/۵۳۱ در رتبه چهارم قرار دارد. این مؤلفه عمدتاً مربوط به بسترسازی و تجهیز فضا به انواع خدمات شهری جهت ارائه خدمات به شهروندان و القاء حس جذابیت محله به ساکنین و سرمایه گذاران، بمنظور جلوگیری از خالی شدن محله می شود که با توجه به نارسایی های به وقوع پیوسته در مؤلفه ها و شاخص های مراحل پیشین مدل DPSIR عمدتاً شامل آماده سازی محیط برای پیشگیری از وقوع جرم می باشد و نشان می دهد که به واسطه تجهیز فضا و افزایش تردد در سطح شهر و فضاهای عمومی می توان ضریب ایمنی محله ها را افزایش داد. در رتبه پنجم نیز مؤلفه وضعیت^۵ قرار دارد. این مؤلفه با امتیاز ۰/۴۰۸ ضریب اهمیت متوسطی دارد. و جامعه آماری معتقد است که به تنهایی نمی تواند وضعیت را تغییر دهد. و بیشتر مبین کارکرد فعلی شهر است. در این رابطه می توان گفت که مؤلفه وضعیت دوجنبه ساختاری و کارکردی را شامل می شود. جنبه ساختاری شامل تراکم محوطه سازی و وضعیت فیزیکی محله است. جنبه کارکردی نیز شامل تراکم جمعیت و ضریب هم پیوندی مجتمع های مسکن مهر با سایر محلات شهر زنجان است.

بررسی کلی شاخص بدون در نظر گرفتن موقعیت آنها در مدل نشان می دهد که جامعه آماری بیشتر بر مفاهیم و شاخص هایی چون تجهیز شدن فضاهای عمومی به دوربین ها و تکنولوژی های هشدار دهنده با

1. Impact

2. Response

3. Pressure

4. Driving Force

5. State

ضریب ۰/۷۸۹؛ افزایش نظارت عمومی و گشت پلیس با ضریب ۰/۸۰۹؛ مدیریت کاربری های متروکه و رها شده با ضریب ۰/۸۰۷؛ انتقال کاربری های مزاحم و ناسازگار با امنیت محلات با ضریب ۰/۷۳۰؛ افزایش مبلمان و آلمان های هویت بخش با ضریب ۰/۷۵۵؛ و وضعیت فضای فیزیکی فازها با ضریب ۰/۷۳۹ تاکید دارند. از نظر آنها اراتقای امنیت مجتمع های مسکن مهر شهر زنجان در برنامه ریزی شهری وابستگی زیادی به بهینه سازی کاربری اراضی و تجهیز خیابان ها و فضاهای عمومی به تکنولوژی های کنترل کننده دارد. در نتیجه، این مسائل جنبه زیر بنایی داشته و باید مدیریت فضا مبتنی بر بازنگری در برنامه ریزی ضابطه مند مسائل این چینی باشد. این در حالی است که از نظر جامعه آماری شاخص هایی مانند تأثیر تداخلات قومیتی با ضریب ۰/۳۰۳؛ محوطه سازی و حفاظ برای فضاهای عمومی با ضریب ۰/۳۱۹؛ و تراکم جمعیت محلات ۰/۲۸۱ جنبه روبنایی داشته و بیشتر وابسته به شرایط موجود و نحوه عملکرد مدیران و برنامه ها، طرح ها و پروژه های شهری هستند.

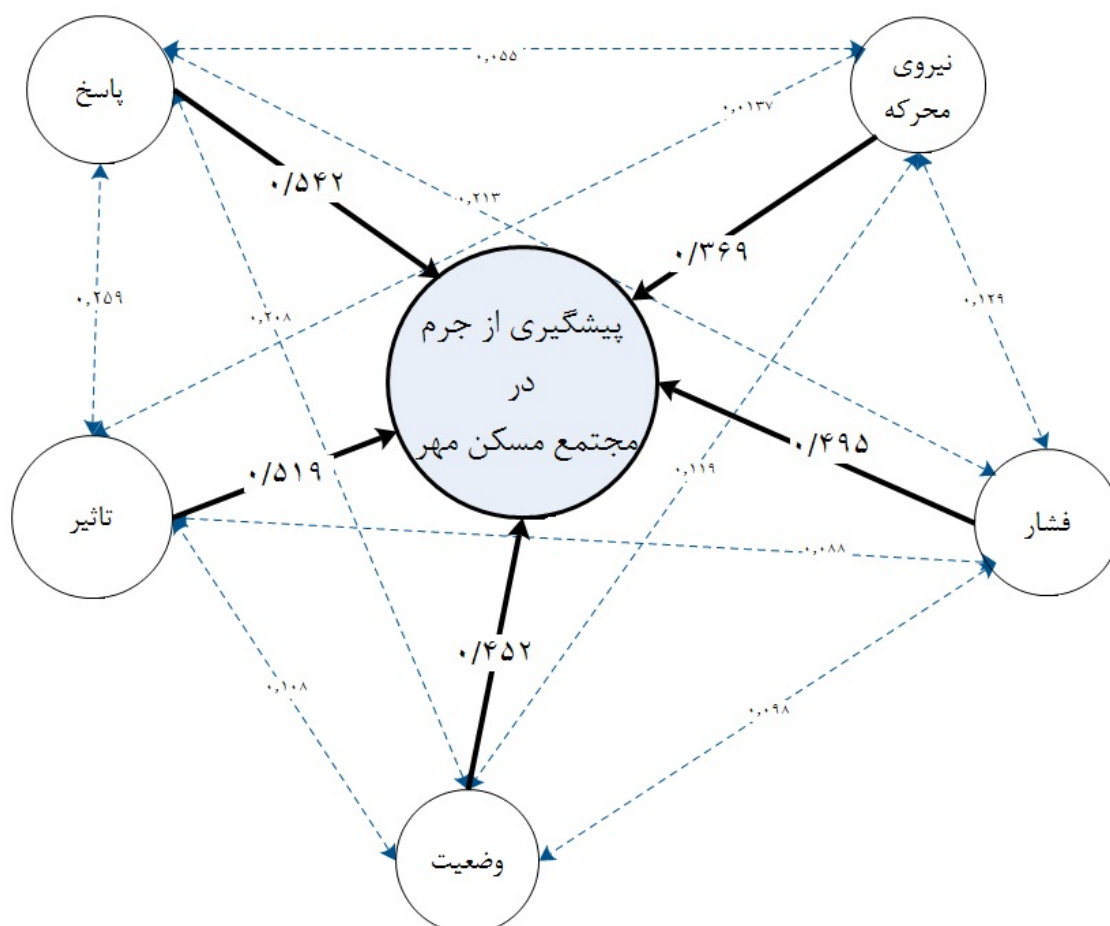
جدول ۴. ضریب اهمیت شاخص های مدل DPSIR براساس وزن دهی TODIM

ضریب TODIM	شاخص	طبقه بندی DPSIR
۰/۷۸۹	تجهیز شدن فضاهای عمومی به دوربین ها و تکنولوژی های هشدار دهنده	نیروهای محركه (D) ۰/۵۳۱
۰/۶۰۹	استفاده مناسب از پوشش گیاهی	
۰/۴۸۴	وضعیت اقتصادی ساکنین محله ها	
۰/۴۶۴	حس دعوت کنندگی فضاهای عمومی	
۰/۳۳۸	وجود تجهیزات و تأسیسات شهری	
۰/۸۰۹	افزایش نظارت عمومی و گشت پلیس	تأثیر (I) ۰/۷۴۲
۰/۷۶۳	وجود نگهبانان فازها	
۰/۸۰۷	مدیریت کاربری های متروکه و رها شده	
۰/۷۳۰	انتقال کاربری های مزاحم و ناسازگار با امنیت محلات	
۰/۵۷۹	منظر سازی با تاکید بر افزایش دید و نظارت عمومی	
۰/۷۰۷	وضعیت طراحی و قرار گیری ساختمانها	فشار (P) ۰/۵۷۲
۰/۶۵۷	استفاده مختلط و مستمر از اماکن	
۰/۶۰۳	گسستگی مقیاس های فضایی فازها	
۰/۳۰۳	تأثیر تداخلات قومیتی	
۰/۷۵۵	افزایش مبلمان و آلمان های هویت بخش	پاسخ (R) ۰/۶۱۷
۰/۶۶۷	مناسب سازی محله برای اقشار آسیب پذیر (معلولان، سالمندان و...)	
۰/۵۷۳	روشنایی فضاهای عمومی	
۰/۵۰۳	خوانایی شهر با نصب مناسب علائم	

۰/۳۶۸	مدیریت و حفاظت از محیط	وضعیت (S) ۰/۴۰۸
۰/۷۳۹	وضعیت فضای فیزیکی فازها	
۰/۳۴۹	دسترس پذیری و افزایش ضریب هم‌پیوندی محلات	
۰/۳۱۹	محوطه سازی و حفاظ برای فضاهای عمومی	
۰/۲۸۱	تراکم جمعیت محلات	

در نهایت برای تبیین میزان و نحوه اثر گذاری مؤلفه های ۵ گانه مدل DPSIR بر ارتقای امنیت و پیشگیری از وقوع جرم از آزمون تحلیل مسیر استفاده شده است. این آزمون برای تشخیص رابطه علی بین متغیرهای تأثیرگذار و تابع استفاده می شود. و در آن، از طریق تحلیل رگرسیونی و تحلیل بتای استاندارد آماره ها، ارتباط میان شاخص های طبقه بندی شده در مؤلفه های ۵ گانه (پیشران، فشار، تأثیر، وضعیت، و پاسخ) با مؤلفه ارتقای امنیت و پیشگیری از وقوع جرم مجتمع های مسکن مهر شهر زنجان مشخص شود. در این آزمون، نتایج تحقیق بصورت اثر مستقیم، اثر غیر مستقیم، اثر کل و مدل معادلات ساختاری ارائه می شود. اثر کل به عنوان مهمترین پارامتر تحلیل مسیر، حاصل جمع اثر مستقیم و غیر مستقیم است. مقدار اثر کل باید بالاتر از ۰/۳ باشد تا یک رابطه معنادار بین متغیر وابسته و مستقل بوجود آید و اگر اثر کل بین ۰/۳ تا ۰/۶ باشد همبستگی معنادار و مطلوب است و اگر بیش از ۰/۶ باشد، همبستگی بسیار مطلوب است. همچنین، اگر مقدار اثر غیر مستقیم بیشتر از اثر مستقیم باشد، نشان دهنده کاذب بود نتیجه محاسبات آماری است.

در مجتمع های مسکن مهر شهر زنجان، طبق نتایج شکل ۳، باتوجه به گسترده بودن تبیین روابط متغیرها، در این مقاله میزان اثر مستقیم به عنوان ضریب بتای استاندارد به عنوان مهمترین مؤلفه تحلیل مورد بررسی



قرار گرفت. اثرات غیر مستقیم نیز بصورت خطوط غیرممتد با ضرایب غیراستاندارد مشخص شده است. ناگفته نماند که تحلیل آزمون مسیر با ضرایب رگرسیونی بر اساس سطح امینان ۹۵ درصد انجام یافته است. که براین اساس مقدار سطح معنی داری مؤلفه ها ۰/۰۰۰ است در نتیجه، فرضیه صفر (H_0) را رد می کند و نتایج تحقیق قابل تعمیم به کل مجتمع های مسکن مهر شهر زنجان است. همچنین، در بررسی اثر مستقیم مؤلفه ها که با استفاده از آماره بتا در آزمون رگرسیون خطی چندگانه بدست می آید.

شکل ۳. روابط علی بین مؤلفه های ارتقای امنیت و پیشگیری از وقوع جرم مجتمع های مسکن مهر شهر زنجان با تحلیل مسیر

۴. بحث

نتایج نشان داد که، مؤلفه پاسخ با اثر مستقیم ۰/۵۴۲ بیشترین ارتباط را با ارتقای امنیت و پیشگیری از وقوع جرم دارد. به عبارتی جامعه آماری در تبیین روابط بین مؤلفه های مستقل و وابسته براین باورند که آنچه که می تواند امنیت شهری را در زمینه طراحی محیطی و برنامه ریزی شهری کنترل کند مؤلفه های مبتنی بر مبلمان و المان های هویت بخش؛ مناسب سازی محله برای اقشار آسیب پذیر؛ روشنایی؛ خوانایی؛ و مدیریت محیط شهری است. در نتیجه هر چقدر خوانایی و روشنایی و تجهیز شهر بیشتر باشد، امنیت شهر نیز بواسطه حضور پذیری مردم بیشتر خواهد بود. رفیعیان و همکاران (۱۳۹۳)، مهربانی و مهدوی (۱۳۹۵) و سادات فاطمی و همکاران (۱۳۹۵) بیان می دارند عوامل تأثیرگذار بر افزایش امنیت نظیر اختلاط کاربری، مقیاس انسانی، مبلمان شهری، دسترسی های مناسب، خوانایی، نورپردازی مناسب، کنترل و نظارت، افزایش حس تعلق بر میزان حضورپذیری افراد در فضاهای شهری تأثیر گذارند. حضور در محیط و عدم احساس آشنایی به محدوده همواره عامل سردرگمی، نگرانی و در نهایت ایجاد احساس ترس و عدم امنیت می شود. در واقع می توان نتیجه گرفت که، امنیت شهری پاسخی گویا و روشن از عملکرد طراحی و برنامه ریزی شهری موفق و کارآ می باشد. از طرفی، این مؤلفه در مدل DPSIR به عنوان مؤلفه پاسخ می باشد. مؤلفه پاسخ بر واکنش های فضایی شهر در برابر تغییرات تکیه دارد. پس هرچقدر بر نیروهای تأثیرگذار برنامه ریزی و طراحی محیطی شهر کنترل صورت گیرد، مؤلفه های پاسخ می توانند نیازهای شهروندان در زمینه امنیت را بهتر تأمین کنند.

۵. نتیجه گیری

بررسی یافته ها نشان داد که شهرهای امروزی، برای دستیابی به امنیت اجتماعی و فردی و شکوفایی اجتماعی-اقتصادی محلات، ناگزیر باید برنامه ریزی منسجمی در طراحی و توسعه زیرساخت های شهری بر اساس نیازهای امنیتی شهروندان و به حداقل رساندن وقوع جرم در فضاهای عمومی شهر انجام دهند. این در

حالی است که اغلب در برنامه ریزی شهری و طراحی محیطی، بسترهای وقوع ناهنجاری‌های شهری و در نتیجه تأمین امنیت عمومی شهری، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که یافته‌های مطالعات تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که طراحی محیطی مناسب مانع از وقوع جرم و افزایش قربانی ترس در محلات می‌شود. لذا با افزایش مداخلات و برنامه ریزی می‌توان احتمال جرم در فضاهای عمومی را کاهش داد. چرا که به نظر برخی محققین، برنامه ریزی کالبدی و طراحی محیطی نادرست می‌تواند جرم و رفتار جنایی در محلات را افزایش دهد. در این رابطه، دردسترس بودن، تراکم، اختلاط کاربری و سرزندگی محیط از عوامل تأثیرگذار در افزایش امنیت محلات است.

یافته تحقیق نشان داد که وضعیت طراحی و برنامه ریزی شهری مؤثر در ارتقای امنیت مجتمع‌های مسکن مهر شهر زنجان و پیشگیری از جرم با میانگین $3/49$ مطلوب و قابل قبول است. در این میان برای ارتقای بیشتر امنیت در محلات باید نظارت عمومی و گشت پلیس، تجهیز شدن فضاهای عمومی به دوربین‌ها و تکنولوژی‌های هشدار دهنده، و مدیریت کاربری‌های متروکه و رها شده بیشتر مورد توجه قرار گیرد. از طرفی، با توجه به تأثیر مؤلفه‌های برنامه ریزی شهری و طراحی محیطی در ارتقای امنیت محلات شهری، بررسی و تحلیل مدل DPSIR با ضرایب وزن دهی مدل تودیم نشان داد که شاخص‌های تحقیق در قالب مؤلفه «تأثیر» با امتیاز $0/742$ بیشترین تأثیر را بر ارتقای امنیت و پیشگیری از جرم تأثیر داشته است. لذا برای کنترل امنیت و پیشگیری از وقوع جرم در طراحی محیطی باید بر افزایش نظارت عمومی و گشت پلیس، مدیریت کاربری‌های متروکه و رها شده، انتقال کاربری‌های مزاحم و ناسازگار با امنیت محلات، و منظرسازی با تأکید بر افزایش دید و نظارت عمومی تأکید بیشتری گردد. زیرا این عوامل مبین طراحی محیطی ایمن هستند. حاجی علی زاده و همکاران (۱۳۹۶)، کمالی و طبیبیان (۱۳۹۲) کلانتری و نجفی (۱۳۹۹)، نیز در نوشته‌های خود اذعان دارند که اصول یادشده در محلات شهر زنجان سیاست‌هایی جهت تبدیل شدن محلات آن به محله‌ای امن خواهند بود. در نهایت، تحلیل روابط علی بین مؤلفه‌های ارتقای امنیت و پیشگیری از وقوع جرم با تحلیل مسیر در قالب مؤلفه‌های ۵ گانه مدل DPSIR نشان داد که مؤلفه «پاسخ» با اثر مستقیم $0/542$ بیشترین ارتباط را با ارتقای امنیت و پیشگیری از وقوع جرم در مجتمع‌های مسکن مهر شهر زنجان دارد. به عبارتی جامعه آماری در تبیین روابط بین مؤلفه‌های مستقل و وابسته براین باورند که آنچه که می‌تواند امنیت شهری را در زمینه طراحی محیطی ارتقا ببخشد، مؤلفه‌های مبتنی بر افزایش ضریب ایمنی محیط است. در نتیجه هر چقدر طراحی محیطی بر کاهش وقوع جرم در زمینه طراحی مبلمان و المان‌های شهری در محیط‌های عمومی؛ مناسب سازی محله برای اقشار آسیب‌پذیر؛ روشنایی و خوانایی شهر بویژه در شب‌ها؛ و مدیریت و حفاظت از محیط توجه گردد. می‌تواند در پیشگیری از وقوع جرم و ارتقای امنیت شهری بیشتر مؤثر واقع شود. در مقابل، مؤلفه‌های نیروی محرکه با اثر مستقیم $0/369$ اثر کمتری نسبت به دیگر مؤلفه‌ها دارند. چرا که این مؤلفه‌ها بر عوامل رو بنایی و متاخر مانند تجهیز محیط به

تکنولوژی های جدید و پوشش گیاهی و وضعیت اقتصادی ساکنین محله ها تاکید دارند. این عوامل اثر غیرمستقیم داشته و باید بعد از طراحی محیطی و فضا سازی به آنها توجه گردد.

با توجه به یافته های تحقیق در زمینه تأثیر نیروهای مختلف طراحی محیطی و برنامه ریزی کالبدی شهری بر ارتقای امنیت محلات و پیشگیری از وقوع جرم، بمنظور بهبود وضع موجود و حرکت به سمت امنیت بیشتر شهری براساس نیاز شهروندان و موقعیت مجتمع های مسکن مهر شهر زنجان رعایت موارد زیر ضروری به نظر می رسد.

- افزایش دسترس پذیری محلات با مرکز شهر بمنظور ارتقاء ضریب همپوندی مجتمع ها با محلات دیگر
- مدیریت محیط عمومی و خیابان ها بویژه در ساعات شب و حفاظت از محیط با افزایش نظارت عمومی و گشت پلیس
- محوطه سازی و حفاظ برای فضاهای عمومی و ایجاد نگهبان محله بمنظور پیشگیری از وقوع جرم
- افزایش جذابیت های شهری و ایجاد حس دعوت کنندگی فضاهای عمومی بمنظور حضورپذیری بیشتر مردم و جلوگیری از خلوت شدن شهر
- بهینه سازی طراحی محیطی و افزایش منظر سازی شهری بمنظور ایجاد نشاط در شهر و کاهش فضاهای خالی و بدون کاربری و افزایش دید و نظارت عمومی
- ارتقا امنیت شهر در شب از طریق افزایش روشنایی فضاهای عمومی و خوانایی شهر با نصب مناسب علائم
- انتقال کاربری های مزاحم و ناسازگار با امنیت محلات و تغییر کاربری زمین های متروک و فاقد کاربری شهری

۶. تقدیر و تشکر

نویسندگان تقدیر و تشکر خود را از مدافعان امنیت شهری و دستگاههای مربوطه اعلام می دارند.

۷. تضاد منافع

مقاله هیچ گونه تضاد منفعی نداشته است.

کتاب نامه

۱. بهرامی، ف.، مستوفی الممالکی، ر.، و سرائی، م. ح. (۱۳۹۶). تبیین نقش شاخص های کالبدی در راستای ارتقای امنیت شهروندان با رویکرد سپتد (بافت فرسوده زینبیه اصفهان). *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۴(۱)، ۲۱-۱.

۲. بیات‌رستمی، ر.، کلانتری، م.، و حسنی، س. (۱۳۹۱). توانمندسازی معابر و محلات شهری در برابر بزهکاری از طریق طراحی محیطی (CPTED). مشهد: دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری.
۳. پاک‌نژاد، ن. (۱۳۹۳). برنامه‌ریزی فضاهای امن شهری با رویکرد CPTED نمونه موردی محله "آبک گلابدره" واقع در منطقه یک شهرداری تهران. هفت شهر، ۴ (۴۷ و ۴۸)، ۵۸-۶۹.
۴. پورمحمدی، م. ر.، و اسدی، ا. (۱۳۹۳). ارزیابی پروژه‌های مسکن مهر شهر زنجان. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۴ (۳۳)، ۱۷۱-۱۹۲.
۵. جالالیان، س.، حبیب، ف.، و ذاکر حقیقی، ک. (۱۳۹۵). تدوین مدلی مفهومی از عوامل محیطی مؤثر بر امنیت مجتمع‌های مسکونی (مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی همدان). فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۸ (ویژه‌نامه شماره ۳ طراحی و مدیریت شهری)، ۳۴۵-۳۶۰.
۶. حاجی‌علی‌زاده، ج.، حیدری، م. ت.، و رشیدی ابراهیم‌حصاری، ا. (۱۳۹۶). تحلیل مکانیزم‌های سپند مؤثر بر امنیت و کاهش بزه در بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان). پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۶ (۳)، ۵۱-۷۲.
۷. حیدری، م. ت.، و حضرتی، م. (۱۳۹۹). تبیین نقش امنیت اجتماعی در ارتقاء مؤلفه‌های سلامت اجتماعی محلات اسکان غیررسمی (موردی: محله اسلام‌آباد شهر زنجان). مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۵ (۱)، ۲۴۸-۲۳۳.
۸. دیویس، ل. (۱۴۰۱). مکان‌های امن. ترجمه: م. هنرور و ا. امینی، تهران: انتشارات آرمان شهر.
۹. صادقلو، ط.، بازرگان، م.، و بهشتیان‌مسکران، ع. (۱۳۹۴). سنجش میزان امنیت فضایی شهروندی با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره (مطالعه موردی: مناطق سیزده‌گانه شهر مشهد). مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۲ (۳)، ۷۵-۹۰.
۱۰. رفیعیان، م.، مویدی، م.، و سلمنا، ح. (۱۳۹۳). سنجش احساس امنیت شهروندان با استفاده از مؤلفه‌های منظر شهری (نمونه موردی: محله اوین). علوم جغرافیایی، ۲۱ (۲)، ۳۳-۵۹.
۱۱. سادات‌فاطمی، ن.، و پوردلویی، ک. م. (۱۳۹۵). حضورپذیری و حس مکان امنیت (نمونه موردی: منطقه ۱۰ شهرداری مشهد). قزوین: پنجمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
۱۲. شرافت‌پور، ج.، سرور، ر.، و عزت‌پناه، ب. (۱۴۰۱). تحلیل نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرائم و ارتقای امنیت شهرهای جدید (مورد مطالعه: شهر هشتگرد). برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، ۹ (۲)، ۲۷-۴۰.
۱۳. شیر، س. (۱۳۹۸). تحلیل اثرات زیست‌پذیری فضای شهری بر شهرگرایی شهروندان (مطالعه موردی: مسکن مهر شهر زنجان). زنجان: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان.

۱۴. فریدطهرانی، س. (۱۳۹۹). ترس در فضای شهری. تهران: آرمانشهر.
۱۵. کرمونا، م. (۱۳۹۸). مکان‌های عمومی فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
۱۶. کلانتری، م.، و نجفی، س. (۱۳۹۹). کیفیت زندگی و امنیت شهری: ارتباط بین رضایت از کیفیت زندگی و احساس امنیت در محلات شهری (مورد پژوهی: محلات کارمندان و اسلام‌آباد شهر زنجان). پژوهش‌های جغرافیای اقتصادی، ۱(۲)، ۵۰-۶۷.
۱۷. کلکوهن، ا. (۱۳۹۹). طراحی عاری از جرم: ایجاد منطقه‌های امن و پایدار. ترجمه حمیدرضا عامری سیاهویی، مهرداد رایجیان‌اصلی، تهران: میزان.
۱۸. کمالی، م.، و طیبیان، م. (۱۳۹۲). راهبردها و معیارهای طراحی شهری برای دستیابی به امنیت شهری با استفاده از پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) (مطالعه موردی: شهر زنجان). قزوین: اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
۱۹. گلکار، ک. (۱۳۸۶). مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری. نشریه صفا، ۱۶(۴۴)، ۲۳-۳۳.
۲۰. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان تهران ۱۳۹۵. تهران: مرکز آمار ایران.
۲۱. مهرابی، س. و مهدوی، ا. (۱۳۹۵). نقش امنیت در میزان حضور شهروندان در فضاهای شهری. کرمان: اولین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد حاج قاسم سلیمانی.
۲۲. نویدنیا، م. (۱۳۸۹). اولویت امنیتی شهروندان در مناطق مختلف شهر تهران. فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۲(۲)، ۸۷-۹۹.
۲۳. نیومن، ا. (۱۴۰۰). خلق فضای قابل دفاع. ترجمه: ف. رواقی و ک. صابر، تهران: انتشارات طحان.
24. Abdulla, A., & Salleh, M. (2012). Fear of crime in gated and non-gated residential areas. *Social and Behavioral Sciences*, 35, 63-6
25. Brownlow, A. (2014) *A geography of Men's Fear*. Philadelphia: Department of Geography and Urban Studies, Temple University, A review, www.elsevier.com.
26. Khanh, H. L. P. (2011). *The Role of social capital to access rural credit: A case study at Dinh Cu and Van Quat Dong village in coastal area of Thua Thien Hue province. Vietnam*: Department of Urban and Rural Development, Swedish University of Agricultural Sciences, Master Thesis No 56.
27. Parnaby, P. (2014). *Design of risk: Crime prevention through environmental design, social control, and the prospects of professionalism*. Hamilton: Mc Master University, Ph.D. Thesis.
28. Petrella, L. (2018). *Urban space and security policies: Between inclusion and privatization*. Barcelona: UN Habitat, WUF.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۲۹

ارائه سناریوهای بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد شهری (نمونه موردی: منطقه ۶ شهر مشهد)

زهره کوهجانی (دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران)

koohjanizohre@gmail.com

علی شمس الدینی (دانشیار جغرافیا، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران، نویسنده مسئول)

ali.shamsoddini@iau.ac.ir

علیرضا عبدالله زاده (استادیار شهرسازی، واحد صفاشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، صفاشهر، ایران)

abdolahzadeh.a@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۹

صص ۳۷-۵۹

چکیده

رشد سریع و بی‌رویه شهرنشینی مشکلات زیادی را به همراه داشته است. یکی از مشکلات عمده وجود ساختارهای شهری ناکارآمد است. توسعه بهینه چنین ساختارهایی مستلزم آن است که برنامه ریزان و سیاست‌گذاران با درک دقیق از وضعیت شهر، بهترین رویکردها و مدل‌ها را برای تعیین مسیر توسعه انتخاب کنند. یکی از ابزارهای مناسب، تبیین سناریو مناسب بازآفرینی با استفاده از روش نوین برنامه‌ریزی سناریو در بهسازی این‌گونه بافت هاست. منطقه ۶ مشهد به دلیل وجود بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیررسمی با مشکلات و چالش‌هایی در ابعاد مختلف مواجه است. روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از نرم‌افزار MaxQDA و تکنیک دلفی، محرک‌های کلیدی شناسایی شده و با استفاده از روش سناریونگاری و نرم‌افزار MICMAC و Scenario Wizard، سناریوی مطلوب و بحرانی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که عوامل پنج‌گانه به ترتیب ۱- شیوه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با امتیاز ۴.۸، ۲- امنیت اجتماعی با امتیاز ۴.۸، ۳- جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری با امتیاز ۴.۵، ۴- مهاجرت اتباع و تعامل و مشارکت‌پذیری ذی‌نفعان (انسجام و همیاری اجتماعی) با امتیاز ۴.۰۸، ۵- راندمان دستگاه‌های نظارتی با امتیاز ۳.۸ و ۶- توسعه بافت ناکارآمد منطقه ۶ با امتیاز ۳.۶ نقش کلیدی و اساسی در بازآفرینی دارند. همچنین بر اساس دو موقعیت متضاد که دارای دو عدم قطعیت بحرانی بودند، ۱- برنامه‌ریزی از پایین به بالا/ مشارکت و همکاری ذی‌نفعان و تأیید سکونت ساکنین اصلی، ۲- رشد قانونی منطقه/

ارتقای امنیت اجتماعی، سناریوهای آینده بازآفرینی بافت ناکارآمد منطقه ۶ تدوین و بر این اساس سناریوی مطلوب شکوفایی منطقه و سناریوی بحرانی آن منطقه در بند ارائه شد.

کلیدواژه ها: آینده پژوهی، بازآفرینی پایدار، بافت ناکارآمد، سناریونویسی، منطقه ۶ شهر مشهد.

۱. مقدمه

صنعتی شدن و رشد شتابان شهرها در دهه های اخیر مشکلات زیادی را دامن زده است؛ با رشد کمی شهرها، تغییر و تحولات کیفی (ایزدفر و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۳۲۷) همه جانبه ای در عرصه و حوزه های مختلف شهری به وقوع پیوسته که مطلوبیت و کیفیت زندگی را نیز دگرگون کرده است. علی رغم آنکه این تغییرات و دگرگونی ها مزایای زیادی را عائد شهرنشینان کرده لیکن محلات و بافت های شهری را با چالش و مسأله مواجه کرده است. یکی از این مسائل، بافت های ناکارآمد و فرسوده شهری است که به مرور زمان و به دلیل آنکه نتوانسته اند خود را با توسعه شهر همراه کنند دچار افول و فرسودگی در بعد عملکردی و کالبدی شده اند (جعفری جبلی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۲۰؛ مباشری، ۱۴۰۱، ص. ۱۹۱؛ پوراحمد، ۱۳۸۹، ص. ۷۵؛ معروف نژاد، ۱۴۰۰، ص. ۳۲۴؛ تیرزو^۱، ۲۰۲۰، ص. ۲۳۶).

بافت های ناکارآمد و فرسوده پدیده ای است که به دنبال تحولات ساختاری و بروز مسائل و مشکلات اقتصادی - اجتماعی (ایمان پور و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۳۶۴) از جمله عوامل تهدید کننده کیفیت زندگی و به عنوان یکی از ابرچالش های نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری به حساب می آید (حجازی نیا و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۳۶۳). این پدیده یکی از مهم ترین عوامل تهدید کننده حضور مردم در فضاهای عمومی، ترس یا احساس ناامنی، ناامنی مکان ها و فضاهای عمومی است و نشاط و سلامتی را در زندگی روزمره مختل می کند و با ایجاد مانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی، هزینه های زیادی را بر جامعه تحمیل می نماید (رضایی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۵۸). شهر یک نظام پویا است که تحت تأثیر روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و جغرافیایی قرار دارد. در حال حاضر توجه و توسعه و پایداری و ارتقای محیط زندگی در هر شهر، از الزامات مدیریت پایدار و پویای آن می باشد. اهمیت تعادل در ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی شهر در حال و آینده رهنمودی برای پایداری شهر است.

ضعف های رویکرد سنتی برنامه ریزی شهری از جمله ناتوانی در مواجهه با پیچیدگی و نامعلومی تغییرات، و اجرای اقدامات به صورت پراکنده و مقطعی در کشور، محدودیت های پیش بینی به مثابه اصلی ترین ابزارهای حمایتی برنامه ریزان و تصمیم گیران شهری، تأکید اصلی بر شکل فضایی و نبود مشارکت و همکاری مؤثر بین ذینفعان و بی توجهی به آینده، برنامه ریزان و مدیران شهری را به سمت کاربرد ابزارهای جدید و توجه به مبحث آینده نگری و بازآفرینی سوق داده است (راکلیف و کراوچیک، ۲۰۱۲، ص. ۶۴۳؛ ایمان پور و همکاران،

¹. Tirziu

². Rarcliffe & Krawczyk

۱۴۰۱، ص. ۱۷۵، سجادی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۲۸). عدم توجه به تعادل در ساختار شهرها در گذشته نه چندان دور، سبب دوگانگی در بافت شهری شده است. از آنجایی که گستردگی روزافزون بافت‌های فرسوده شهرها یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی کشورهای در حال توسعه است (امینی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۱۴). این مهم موجب شد که در ادبیات نوین طراحی و برنامه‌ریزی شهری، بر اهمیت احیاء و بازشناسی این‌گونه بافت‌ها تأکید شده (فصیحی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۵۴) و رهیافت بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری به دلیل مشکلات و اثرات منفی‌ای که بر توسعه شهر گذاشته؛ مورد توجه قرار گیرد. این رویکرد تنها به دنبال باززنده سازی مناطق متروکه نیست، بلکه با مباحث گسترده‌تری همچون اقتصاد رقابتی و کیفیت زندگی به‌خصوص کسانی که در محلات فقیرنشین زندگی می‌کنند، سروکار دارد و مشتمل بر فرموله کردن اهداف سیاسی، اجرای آن از طریق برنامه‌های اجرایی است (رضایی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۱۲۹). کشور ایران نیز از این تغییرات و رشد و گسترش شهرنشینی مستثنی نبوده و با چالش وجود بافت‌های ناکارآمد شهری مواجه است (رسول نازی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۱۳۲؛ حسینی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۹۵۷). در حال حاضر در کشور ایران بیش از ۴۰ هزار هکتار بافت فرسوده شهری وجود دارد که در حدود ۸ میلیون نفر در این بافت‌ها زندگی می‌کنند (ایمان‌پور و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۵۸) و با توجه به مشکلات متعدد برای چنین بافت‌هایی، این مسأله منجر به تهدید انسانی، اجتماعی و اقتصادی برای شهرها و کلانشهرها شده است (هونگجی ژی^۱، ۲۰۱۷، ص. ۵). مهم‌ترین علل شکل‌گیری بافت‌های فرسوده در شهرهای ایران، تمرکز سرمایه، قدرت و امکانات در شهرهای بزرگ، ناکارآمدی نظام برنامه‌ریزی در ایران، عدم توجه به عدالت فضایی و گسترش ناهمگون منطقه‌ای، افزایش قیمت زمین و عدم توجه به برنامه‌ریزی مشارکتی عنوان شده است (ایمان‌پور و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۷۹). مطلوبیت فضایی بافت‌های فرسوده شهری معلول عوامل مختلفی است که تحت عاملیت کنشگران متفاوت مربوط به فرایند بهسازی و نوسازی و در بستر شرایط مکانی - زمانی موجودیت می‌یابد (معروف نژاد، ۱۴۰۰، ص. ۳۲۴). لکن با در نظر گرفتن این امر که تنها راه حل خروج از بسیاری معضلات کلانشهرها احیا و بازسازی بهینه بافت‌های فرسوده شهری است. می‌توان این مسأله را فرصتی ارزشمند نیز قلمداد کرد، فرصتی که در صورت اعمال سیاست‌های صحیح شهری و مدیریت بازآفرینی مناسب می‌توان تحولی اساسی در جهت توسعه پایدار در پی داشته باشد (امینی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۱۵).

بود و پوستما^۲ (۲۰۱۹)، اهمیت نقش سناریو در فرایند بازآفرینی شهری را بیان می‌کنند. آنان اعلام می‌دارند که معمولاً یک سناریو بعضی از حالت‌های آینده ممکن محیط را نمایش می‌دهد و بیشتر شامل سلسله مراتب پویا از وضعیت‌ها و تغییرات که برای دسترسی به کیفیت مطلوب محیط لازم است، می‌شود. جورج

1. Hongjie

2. Boud & Pustma

کرنز^۱ و همکاران (۲۰۱۷)، با ترکیب سناریونویسی و تحلیل دلفی، سناریوهای طبقه‌بندی‌شده را به‌عنوان رویکرد جدید مطرح نمودند. آنان در پژوهش خود با ارائه سناریوهای انشعابی (تأثیرات کنشگران) سعی در بیان آن داشتند که در فرایندهای بازسازی منطقه‌ای در لحاظ اقتصادی و اجتماعی، حضور ذینفعان کلیدی و تعامل با آنان حائز اهمیت است. ریکادو و سچیاتو^۲ (۲۰۱۲) بیان می‌دارد که عدم قطعیت محیطی - پیچیدگی و پویایی رویکردهای آینده‌نگاری بازآفرینی پایدار می‌باشد. کلانتونیو دیکسیون^۳ (۲۰۱۱) معتقد هستند که بازآفرینی شهری با پایداری اجتماعی ارتباط مستقیم دارد. این پژوهش سیر تکاملی بازآفرینی شهری را از دوره ۴۰ و ۵۰ میلادی شروع کرده و آنگاه تا مقوله مشارکت اجتماعات محلی پیش می‌رود و تجلی آن را در دهه‌های آغازین قرن حاضر میلادی در مکان‌های پایدار که نقطه ثقل پایداری اجتماعی است، لحاظ می‌نماید و آن را به‌عنوان سناریوی برتر پژوهش خود مطرح می‌کند. بعلاوه پاکرو و ستارزاده (۱۴۰۱)، معتقد هستند که بازآفرینی پایدار شهری به‌صورت مشارکتی با چالش‌های نهادی زیادی روبه‌رو است که می‌توان با استفاده از مؤلفه‌های نهادی مشارکت شهروندی مؤثر در بازآفرینی شهری، تغییر نگاه مسئولان به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، ایجاد و تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی شهری و رفع موانع حقوقی مرتبط با سازمان‌های مردم‌نهاد، مشارکت شهروندان در طرح‌های بازآفرینی شهری را افزایش داد و گامی در جهت رفع این چالش‌ها برداشت. ابراهیم نژاد و همکاران (۱۴۰۰) نیز بیان می‌دارند که پروژه‌های محرک توسعه به‌عنوان بستر کارکردهای اجتماعی و اقتصادی، منزلت اجتماعی-اقتصادی در این بافت‌ها را ارتقاء داده و انگیزه مشارکت در فرآیند بهسازی و نوسازی را در جامعه محلی افزایش داده و همچنین سبب ایجاد تمایل در بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بافت می‌شود.

بافت‌های ناکارآمد در محله‌های هدف بازآفرینی به‌عنوان کوچک‌ترین سلول و مهم‌ترین عامل در تداوم حیات شهری، نقش بسیار مهمی را در آینده شهری به همراه دارند (ایزدفر و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴۶). بنابراین رویکرد بازآفرینی شهری، یکی از جدیدترین رویکردهای پذیرفته‌شده جهانی در مواجهه با بافت‌های فرسوده شهری است. بازآفرینی شهری، به‌عنوان یکی از راهکارهای مداخله برای بهبود عواقب منفی زوال شهری (گودت^۴، ۲۰۰۰؛ کرکماز و بالابان^۵، ۲۰۲۰، ۱) و در راستای حل مشکلات این‌گونه بافت‌ها و نیز بیان‌کننده شیوه مداخله در بافت‌های موجود و محیط ساخته‌شده شهری است و اهمیت آن در نمایان ساختن نگاه برنامه‌ریزان و شهرسازان به حیات مطلوب شهری و تقابل این شیوه زندگی با شیوه زندگی در برخی

1. George Cairns

2. Riccardo Vecchiato

3. Colantonio & Dixon

4. Godet

5. Korkmaz & Balaban

بافت‌ها و نواحی شهر است (فدایی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۲؛ صفایی پور و زارعی، ۱۳۹۶، ص. ۵؛ امیری و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۷۳؛ زگراس و ریل^۱، ۲۰۲۰، ص. ۳۰۳).

در عرصه برنامه‌ریزی شهری، پرداختن به آینده و برنامه‌ریزی آن، جزء جدانشدنی فرایند برنامه‌ریزی است. شناخت و درک هرچه بیشتر آینده و ناشناخته‌هایی که فراوری جوامع بشری قرار دارد از اهمیت بالایی برخوردار است. این شناخت به برنامه‌ریزان کمک می‌نماید تا در عرصه‌های مختلف با اطمینان خاطر برنامه‌ریزی نمایند. به‌کارگیری رویکردهای آینده‌نگاری و سناریونویسی در احیاء بافت فرسوده، لزوم توجه به مقوله برنامه‌ریزی سناریو را امری ضروری جلوه می‌دهد (زالی و بهشتی، ۱۳۹۰، ص. ۴۳؛ مرادی پور و نوروزیان، ۱۳۸۴، ص. ۴۵؛ رهنما و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۶۴).

برنامه‌ریزی سناریو یک روش منظم برای تصور کردن آینده‌های ممکن است. سناریونگاری روش بسیار مؤثر و مفیدی برای برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت در شرایط با عدم قطعیت است. هدف اصلی سناریو بالا بردن کارایی و کیفیت برنامه‌ریزی‌ها در شرایط عدم اطمینان در آینده و نیز اتخاذ تصمیم‌هایی استراتژیک است که برای همه آینده‌های ممکن به‌اندازه کافی خردمند و پابرجا باشند. اگر هنگام تدوین سناریو تفکر جدی صورت بگیرید، آنگاه اصلاً مهم نیست که در آینده چه اتفاقی قرار است روی دهد، زیرا دولت، شرکت یا سازمان، در مقابل هر اتفاقی آماده است و می‌تواند بر مسیر اتفاقات آینده تأثیرگذار باشد (رهنما و معروفی، ۱۳۹۴، ص. ۵۶؛ رهنما و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۶۴).

منطقه شش واقع در جنوب شرقی شهر مشهد، به دلیل توسعه بی‌برنامه شهر، اکنون به‌مثابه بافتی ارگانیک، فرسوده و بسیار متراکم است که در تعارض با حوزه‌های همجوار خود از منظر خصوصیات کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و... است و نیز یکی از محدوده‌های بزرگ حاشیه‌نشین مشهد با مساحت ۱۸۶۹ هکتار و جمعیتی در حدود ۲۳۲ هزار و ۶۱۶ نفر (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) می‌باشد. مساحت پهنه بافت فرسوده این منطقه ۴۲۱ هکتار و جمعیت پهنه بافت فرسوده این منطقه ۱۲۵۵۰۲ نفر می‌باشد. در این منطقه علی‌رغم جمعیت بالای ساکن در آن، متأسفانه بخشی از این منطقه به‌ویژه جنوب و غرب آن توسعه و گسترش بی‌رویه و بی‌برنامه داشته و موجب شده وضعیت نامناسبی نسبت به سایر مناطق کلانشهر مشهد داشته باشد. بنابراین بروز مشکلاتی چون ناسازگاری فرم و عملکرد، توزیع نامناسب خدمات و امکانات شهری، شبکه ارتباطی نامناسب (معابر کم‌عرض)، مصالح نامناسب، وجود فضاهای رهاشده شهری، وجود آلودگی‌های زیست‌محیطی، عدم تعلق به مکان مورد زندگی و... در این منطقه موجب ترک ساکنین اصیل و سکونت مهاجرین بی‌هویت (چلوها)، اتباع غیرایرانی و غیره شده است. بدین منظور پژوهش حاضر جهت پاسخ به این پرسش انجام گرفته است که "مهم‌ترین پیشران‌های مؤثر و کلیدی بر بازآفرینی بافت فرسوده

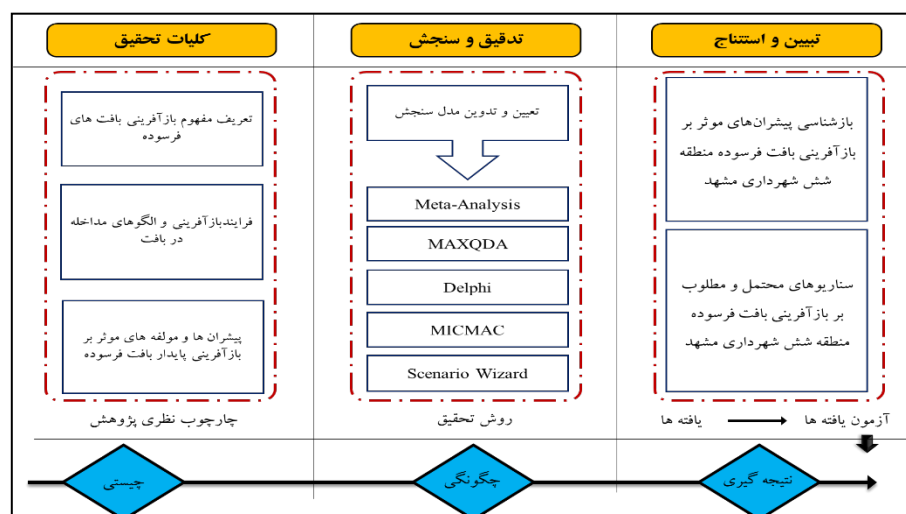
¹. Zegras & Rayle

منطقه شش شهرداری مشهد کدام‌اند؟ و سناریوهای مطلوب و بحرانی بر بازآفرینی محدوده مورد مطالعه چه می‌باشد؟"

۲. روش شناسی

۲.۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر برحسب هدف از نوع پژوهش کاربردی است. از نظر ماهیت، براساس روش‌های جدید علم آینده‌پژوهی، تحلیلی و اکتشافی است که با به‌کارگیری ترکیبی از مدل‌های کمی و کیفی (روش آمیخته) انجام گرفته است. که در این صورت ابتدا با مطالعه و بررسی اسناد کتابخانه‌ای، مقالات و کتب مرتبط با موضوع، پیشران‌ها و عوامل مؤثر بر بازآفرینی بافت با استفاده از روش Meta-Analysis و نرم‌افزار MAXQDA شناسایی و دسته‌بندی شده و با بهره‌گیری از روش دلفی و به صورت نمونه‌گیری غیراحتمالی به تعداد ۲۰ نفر از میان کارشناس خبره و متخصص و همچنین متخصصان دانشگاهی فعال در حوزه بازآفرینی جهت نظرخواهی و به منظور تدوین، تفسیر و توسعه سناریو و استخراج منطق سناریو از نرم‌افزار MICMAC و Scenario Wizard بهره گرفته شده است.



شکل ۱. نقشه راه و فرآیند مطالعات - ساختار محتوایی پژوهش

۲.۲. محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه پژوهش حاضر، منطقه شش کلانشهر مشهد مقدس می‌باشد. منطقه ۶ واقع در جنوب شرقی شهر مشهد دارای ۳ ناحیه و ۱۵ محله است؛ که به دلیل دارا بودن عناصر با کارکرد شهری و فراشهری نظیر نیروگاه‌های برق (باهر و بلوار سرخس)، میدان بار رضوی، ورودی اصلی شهر مشهد از مرز سرخس و جاده سرخس (جاده ابریشم) و همچنین همجواری با فرودگاه شهید هاشمی نژاد؛ یکی از مناطق مهم شهر

مشهد محسوب می‌شود همچنین این منطقه به لحاظ تقسیمات جغرافیایی از شمال با منطقه ۵، از غرب با منطقه ثامن و از جنوب با منطقه ۷ مرز مشترک دارد.

با توجه به تراکم بالای جمعیتی و توسعه و گسترش بدون برنامه بخش جنوبی و غربی این منطقه در مقایسه با سایر مناطق از نظر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی؛ وضعیت نامطلوبی دارد و دارای بافتی ناهمگن از نظر شاخص‌های برنامه‌ریزی می‌باشد. با توجه به پیمایش میدانی و اسناد موجود و همچنین سنجش وضعیت موجود منطقه شش در ابعاد چهارگانه با معضلات جدی روبه‌روست. در ذیل مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی منطقه شش و مؤثر در فرایند بازآفرینی این منطقه به‌صورت خلاصه مطرح شده است.

جدول ۱. مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی منطقه شش و مؤثر در فرایند بازآفرینی

نظام اجتماعی - فرهنگی	نظام اقتصادی
- وجود ناهنجاری‌های اجتماعی - آمار بالای اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان - تجمع و تردد تعداد زیاد ضایعات جمع‌کن‌ها و زباله‌گردها به دلیل وجود انبارهای ضایعات - نرخ بالای مهاجرپذیری و سکونت مهاجرین داخلی (سیستانی و بلوچستان، ترکمن، بیرجندی، تایباد و ...) و خارجی (افغانستانی، پاکستانی، عراقی و ...) و وجود افراد فاقد اسناد هویتی - تنوع قومیتی و تعدد خرده‌فرهنگ‌ها و ایجاد تعارض فرهنگی در زندگی شهروندان (ناهمگونی بافت اجتماعی) - ضعف در احساس مسئولیت و مشارکت ساکنین به دلیل نبود سازوکار نظارت مردمی و پاسخگویی به آن‌ها	- نرخ پایین اشتغال مولد و عزتمند در سطح منطقه - فقدان قدرت ریسک و عدم تمایل به سرمایه‌گذاری از سوی سرمایه‌گذاران بومی - آمار بالای نیروی کار مهاجر به‌عنوان اشتغال‌کننده تعداد محدود فرصت‌های شغلی - عدم بکارگیری نیروهای بومی در کارگاه‌ها موجود سطح منطقه
نظام کالبدی - فضایی / عملکردی / دسترسی	نظام مدیریتی - نهادی
- وجود فرهنگ ساخت‌وسازهای غیرمجاز و غیراصولی - کمبود امکانات تفریحی نسبت به سرانه جمعیتی - حجم بالای ترافیک به دلیل جمعیت بالای منطقه - پایین بودن سطح کمی و کیفی وسایل حمل‌ونقل عمومی (اتوبوس و ون) و ازدحام جمعیت	- عدم وجود هماهنگی بین سازمانی دستگاه‌ها - عدم شفافیت و اطلاع‌رسانی برنامه‌ها و اقدامات پیشرو، در دست اقدام و انجام‌شده به ساکنین - قولنامه‌ای بودن املاک و واگذاری املاک به افراد فاقد هویتی



شکل ۲. موقعیت منطقه شش در ساختار شهر مشهد

۳. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در این بخش براساس گام‌های برنامه‌ریزی سناریو به روش GBN^۱، انجام شده است. مراحل به شرح ذیل می‌باشد:

گام اول: شناسایی موضوع اصلی

در پژوهش حاضر، محور اصلی، تبیین و ارائه سناریوهای بهینه بازآفرینی بافت فرسوده است که بر مبنای رویکرد سناریونگاری، این موضوع بررسی می‌گردد.

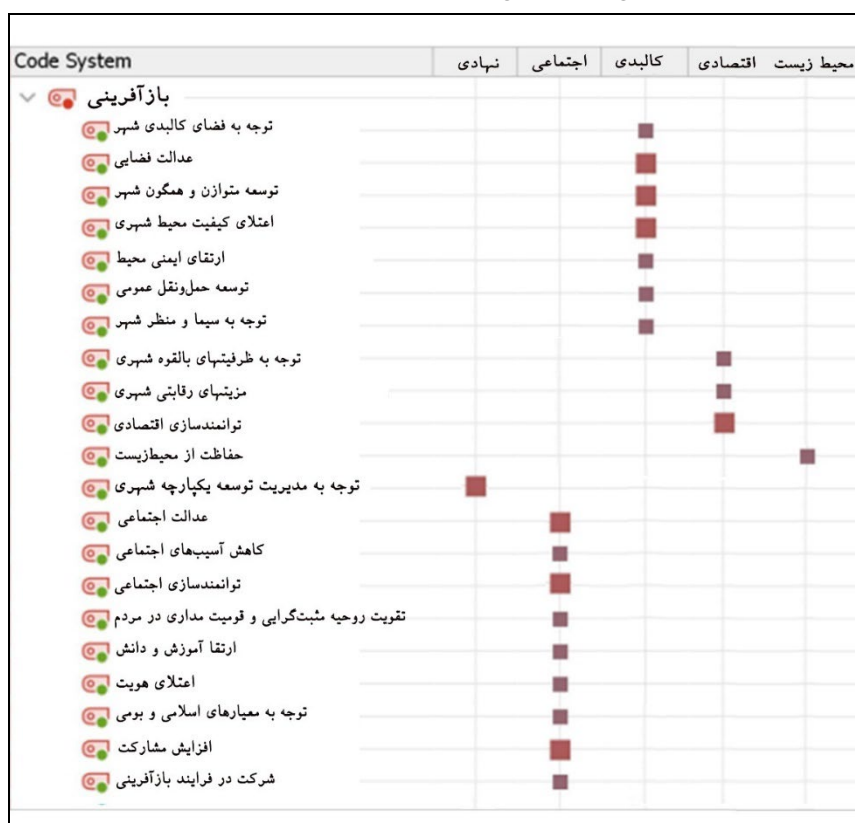
گام دوم: نیروهای کلیدی و پیشرانها

به‌منظور شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر فرایند بازآفرینی شهری با بهره‌گیری از روش متاآنالیز^۲ تعداد ۴۰ مقاله و سند مرتبط مستخرج از پایگاه‌های داده مورد بررسی قرار گرفت. از این میزان تعداد ۳ مقاله به دلیل مشابهت عنوان، ۴ مقاله نیز پس از مطالعه چکیده و عنوان به سبب تکراری بودن و ۳ مقاله دیگر پس از مطالعه کل متن خارج شدند و در نهایت تعداد ۳۰ مقاله نهایی جهت مطالعه انتخاب شدند. پس از آن منابع نهایی شده جهت کدگذاری و استخراج عوامل کلیدی وارد نرم‌افزار MAXQDA گردید. کدها و مقوله-سازهای انجام‌شده به‌منظور غربالگری در اختیار اعضای پنل دلفی قرار گرفت و با تطبیق این عوامل با محورهای بازآفرینی پایدار شهری، عوامل کلیدی اثرگذار بر آینده بازآفرینی بافت ناکارآمد منطقه^۶، تعداد ۲۳ عامل به‌عنوان پایه اصلی سناریونویسی بافت ناکارآمد منطقه پژوهش با تأکید بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، شهرسازی، مدیریتی و ... مورد استفاده قرار گرفت. این عوامل عبارت‌اند از موازی کاری نهادهای حاکمیتی، مهاجرت اتباع، نهادهای اجتماعی، راندمان دستگاه‌های نظارتی، فعالیت‌های اقتصادی، انسجام اجتماعی،

^۱. Schwartz

^۲. Meta-Analysis

همیاری اجتماعی، امنیت اجتماعی، مؤلفه‌های نهادی مشارکت شهروندی، ایجاد و تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی شهری، رفع موانع حقوقی مرتبط با سازمان‌های مردم‌نهاد، مشارکت شهروندان در طرح‌های بازآفرینی شهری، بحران مالی و اعتباری، تعامل و مشارکت‌پذیری ذی‌نفعان، شیوه مدیریت و برنامه‌ریزی، قوانین و سیاست‌گذاری‌های مالیاتی و مشوق‌ها، توانمندسازی اقتصادی، توانمندسازی اجتماعی، توانمندسازی سرمایه‌های انسانی و فکری، توانمندسازی بخش خصوصی، زیرساخت‌های الکترونیکی نوین، ظرفیت‌های محیطی و زیربنایی در منطقه، توسعه بافت ناکارآمد منطقه.



شکل ۳. خروجی بخشی از کدهای کلیدی در محیط نرم‌افزار MAXQDA

در ادامه‌ی این بخش اقدام به شناسایی نیروهای پیشران مؤثر شده است. ۲۳ عامل کلیدی که توسط نخبگان شناسایی شده‌اند در یک ماتریس 23×23 تنظیم شد. برای شناسایی نیروهای پیشران از بین عوامل کلیدی از روش تأثیر متقاطع استفاده شده است. نرم‌افزار MicMac جهت انجام محاسبات سنگین ماتریس اثرات متقاطع طراحی شده است. پس از ورود متغیرها به نرم‌افزار MicMac از نخبگان خواسته شد تا میزان ارتباط میان عوامل را مشخص نمایند. میزان ارتباط با اعداد بین صفر تا سه سنجیده می‌شود؛ عدد صفر = بدون تأثیر؛ عدد یک = تأثیر ضعیف؛ عدد دو = تأثیر متوسط؛ عدد سه = تأثیر قوی؛ P = تأثیر بالقوه.

جدول ۲. میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم عوامل کلیدی با استفاده از نرم افزار MicMac و علائم اختصاری آن

مؤلفه / بعد	عوامل کلیدی	نام اختصاری	تأثیرگذاری	تأثیرپذیری
حوزه اقتصادی	خودسازماندهی اقتصادی (توانمندسازی)	A_1	۷۶	۷۸
	شیوه مدیریت و برنامه ریزی	A_2	۸۷	۸۳
	وضعیت مالی و اعتباری	A_3	۵۲	۴۵
حوزه نهادی - مدیریتی	موازی کاری نهادهای حاکمیتی (تفویض اختیار)	B_1	۵۵	۶۱
	راندمان دستگاه های نظارتی	B_2	۴۳	۵۶
	نهادهای اجتماعی	rB	۴۵	۶۱
	قوانین و سیاست گذاری های مالیاتی و مشوق ها	B_4	۶۲	۳۷
	توانمندسازی بخش خصوصی	B_5	۵۱	۵۰
	زیرساخت های الکترونیکی نوین	B_6	۴۷	۵۲
	مهاجرت اتباع	C_1	۴۵	۶۸
حوزه اجتماعی	انسجام اجتماعی	C_2	۶۳	۴۵
	همیاری اجتماعی	C_3	۶۱	۵۴
	مؤلفه های نهادی مشارکت شهروندی	C_4	۵۱	۶۷
	مشارکت شهروندان در طرح های بازآفرینی شهری	C_5	۵۰	۶۳
	تعامل و مشارکت پذیری ذی نفعان	C_6	۸۰	۷۸
	توانمندسازی اجتماعی	C_7	۶۷	۶۹
	ایجاد و تشکیل سازمان های مردم نهاد در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی شهری	C_8	۴۳	۵۵
	توجه به ظرفیت های محیطی و زیربنایی در منطقه	D_1	۵۶	۵۸
حوزه کالبدی - زیرساختی	توجه به ملاحظات شهرسازی و مسکن	D_2	۵۷	۵۷
	تجهیز و توزیع مناسب زیرساخت های شهری	D_3	۶۰	۴۵
	توسعه بافت ناکارآمد منطقه ۶	D_4	۸۲	۷۹
	حوزه حقوقی	E_1	۵۶	۶۰
رفع موانع حقوقی مرتبط با سازمان های مردم نهاد				
مجموع			۱۲۸۹	۱۳۲۱

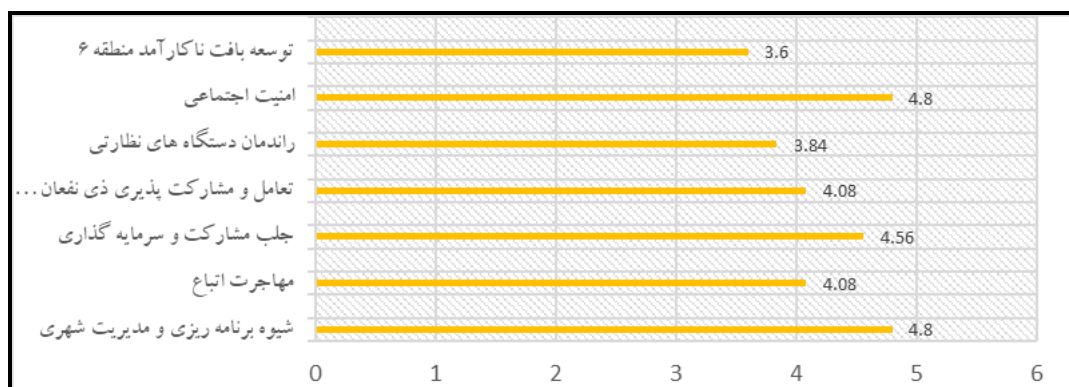
گام سوم: طبقه بندی براساس اهمیت و عدم قطعیت نیروهای پیشران

در این گام، میزان اهمیت و عدم قطعیت هر یک از ۲۳ عامل شناسایی شده، در قالب طیف لیکرت از ۱ تا ۵ مورد پرسش قرار گرفت. در انتها، میانگین امتیاز اهمیت و عدم قطعیت هر یک از عوامل محاسبه شد تا عواملی با بالاترین میزان اهمیت و عدم قطعیت انتخاب شوند. بنابراین عوامل براساس میزان اهمیت و عدم قطعیت در ماتریس ۹ تایی نقطه‌یابی شدند؛ که ۷ مورد از آن‌ها دارای بیشترین میزان اثرگذاری (میزان اهمیت‌شان بیشتر از ۳.۵ و مقدار عدم قطعیت آن‌ها بیشتر از ۳) بوده و به‌عنوان عدم قطعیت‌های بحرانی شناسایی شدند. در این ماتریس محور افقی نشان‌دهنده اهمیت و محور عمودی نشان‌دهنده میزان عدم قطعیت است (جدول ۳).

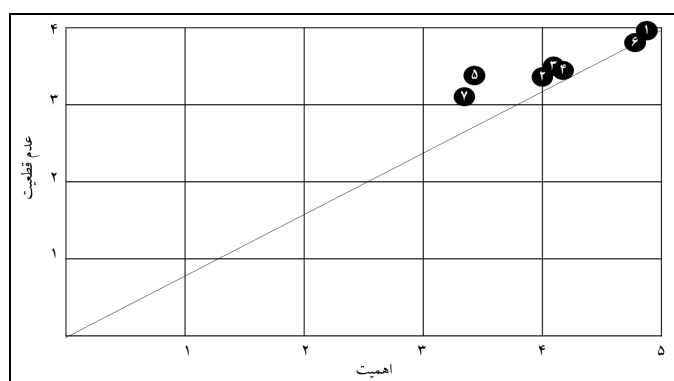
جدول ۳. پيشران‌های منتخب با بیشترین میزان اهمیت و عدم قطعیت

عوامل کلیدی	ب.ب.ب.	ب.ب.	ب.ب.	ب.ب.	ب.ب.	ب.ب.	ب.ب.	ب.ب.	ب.ب.
شيوه برنامه‌ريزی و مدیریت شهری	فراوانی	۹	۶	۳	۰	۲	۲۰	۴	۴/۸
	درصد	۴۵	۳۰	۱۵	۰	۰	۱۰۰		
مهاجرت اتباع	فراوانی	۹	۵	۳	۰	۰	۱۷	۳/۴	۴/۰۸
	درصد	۵۲/۹	۲۹/۴	۱۷/۶	۰	۰	۱۰۰		
جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری	فراوانی	۱۳	۳	۳	۰	۰	۱۹	۳/۸	۴/۵
	درصد	۶۸/۴	۱۵/۷	۱۵/۷	۰	۰	۱۰۰		
تعامل و مشارکت‌پذیری ذی‌نفعان (انسجام و همیاری اجتماعی)	فراوانی	۱۰	۶	۱	۰	۰	۱۷	۳/۴	۴/۰۸
	درصد	۵۸/۸	۳۵/۲	۵/۸۸	۰	۰	۱۰۰		
راندمان دستگاه‌های نظارتی	فراوانی	۱۰	۴	۲	۰	۰	۱۵	۳/۲	۳/۸
	درصد	۶۲/۵	۱۶/۶	۸/۳	۰	۰	۱۰۰		
امنیت اجتماعی	فراوانی	۱۴	۶	۰	۰	۰	۲۰	۴	۴/۸
	درصد	۷۰	۳۰	۰	۰	۰	۱۰۰		
توسعه بافت ناکارآمد منطقه ۶	فراوانی	۱۱	۳	۱	۰	۰	۱۵	۳	۳/۶
	درصد	۷۳/۳	۲۰	۶/۶	۰	۰	۱۰۰		

(مأخذ: نگارنده، ۱۴۰۲)



شکل ۴. پیشرانهای منتخب با بیشترین میزان اهمیت و عدم قطعیت



شکل ۵. نمایش پراکندگی نقاط عدم قطعیت های بحرانی در ماتریس بحرانی

گام چهارم: ایجاد منطق سناریو

پس از شناسایی عوامل کلیدی نهایی مؤثر بر بازآفرینی پایدار شهری، سناریوهای آینده مؤثر بر آینده بافت ناکارآمد منطقه ۶ طراحی می‌شوند. بعد از مشخص شدن مهم‌ترین عوامل، وضعیت‌های مختلفی برای هر یک از این عوامل انتخاب شدند؛ و این وضعیت‌ها برای هر یک از عوامل متفاوت از سایر عوامل است و هر کدام از عوامل طیفی از وضعیت‌های مختلف در مورد بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد منطقه ۶ را دربردارد. تعداد وضعیت‌ها متناسب با شرایط هر یک از عوامل در طیفی از وضعیت مطلوب تا بحرانی در سه وضعیت طراحی شده است. ۲۱ وضعیت احتمالی جهت آینده بافت‌های ناکارآمد منطقه ۶ در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۴: پیشران‌های اثرگذار، وضعیت و فرض‌های احتمالی مؤثر بر آینده بافت‌های ناکارآمد منطقه ۶

نام اختصاری	عوامل کلیدی	وضعیت	نوع فرض	وضعیت‌های احتمالی
A	شبیه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری	A ₁	مطلوب	برنامه‌ریزی از پایین به بالا
		A ₂	ایستا	حفظ شرایط موجود
		A ₃	بحرانی	تشدید برنامه‌ریزی از بالا به پایین
B	مهاجرت اتباع	B ₁	مطلوب	تعادل مهاجرت‌ها
		B ₂	ایستا	کنترل مهاجرت‌ها
		B ₃	بحرانی	افزایش مهاجرت‌ها
C	بسترسازی جهت سرمایه‌گذاری	C ₁	مطلوب	رونق سرمایه‌گذاری
		C ₂	ایستا	فقدان سیاست‌های جذب سرمایه‌گذار
		C ₃	بحرانی	رکود سرمایه‌گذاری
D	مشارکت کنشگران در تصمیمات شهری (انسجام و همیاری اجتماعی)	D ₁	مطلوب	افزایش مشارکت و همکاری ذی‌نفعان
		D ₂	ایستا	بی‌تفاوتی ذی‌نفعان در مشارکت و تصمیمات شهری
		D ₃	بحرانی	عدم مشارکت ذی‌نفعان در تصمیمات شهری
E	راندمان دستگاه‌های نظارتی	E ₁	مطلوب	نظارت گسترده و مکفی بر بافت
		E ₂	ایستا	نظارت کم و ضعیف
		E ₃	بحرانی	عدم نظارت مکفی
F	امنیت اجتماعی	F ₁	مطلوب	بهبود امنیت اجتماعی
		F ₂	ایستا	حفظ شرایط موجود
		F ₃	بحرانی	افزایش ناامنی و بزه اجتماعی
G	توسعه بافت ناکارآمد منطقه ۶	G ₁	مطلوب	رشد متعارف و قانونی منطقه
		G ₂	ایستا	رشد تدریجی حاشیه‌نشینی
		G ₃	بحرانی	رشد بی‌رویه و ارگانیک بافت منطقه

بنابراین در این گام به جهت شکل‌گیری منطق سناریوها نیاز به دو یا سه عدم قطعیت کلیدی می‌باشد. لذا لازم است عوامل کلیدی و روندهای پیشران براساس دومعیار طبقه‌بندی شوند. اول درجه اهمیت برای موفقیت موضوع یا تصمیم اصلی که در گام اول شناسایی شده است و دوم درجه عدم قطعیت احاطه‌کننده آن عوامل و روندها. پس باید عوامل شناسایی شده محدودتر شوند. برای این مهم با توزیع پرسشنامه دودویی از نظرات خبرگان عضو پنل دلفی بهره گرفته شد. براساس میانگین‌های مستخرج عدم قطعیت کلیدی مشخص شدند که به دو صورت دو سر مخالف از یک طیف مطرح می‌شوند.



شکل ۶. نمایش دو سرمتضاد عدم قطعیت‌های کلیدی

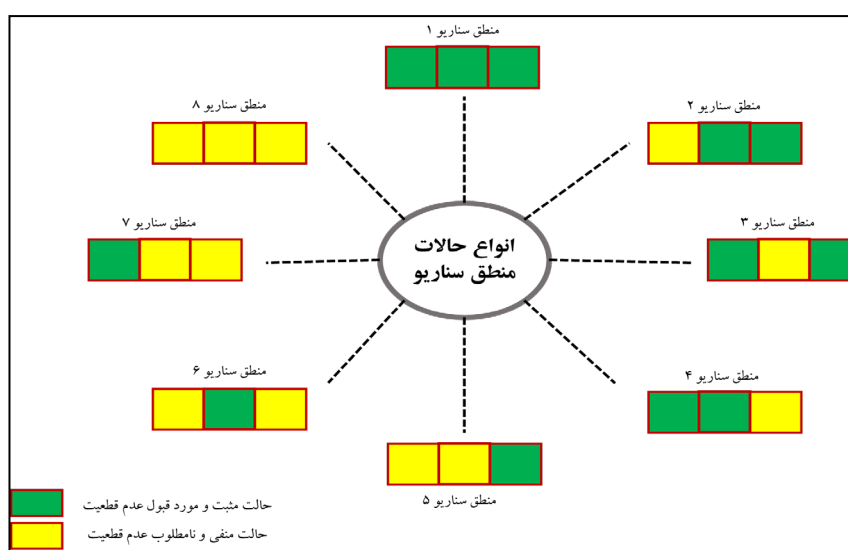
پس از تعیین عوامل کلیدی و مشخص شدن وضعیت‌های آن (آینده‌های محتمل) در جدول فوق، این عوامل به عنوان ورودی نرم‌افزار سناریوویزارد در نظر گرفته شده است. در این بخش به جهت ورود اطلاعات در نرم‌افزار می‌بایست ماتریس تأثیر متقابل (تعیین ارتباط بین پیشران‌ها) با کمک نظرخواهی از اعضای پانل دلفی تشکیل و سپس داده‌های حاصل در نرم‌افزار وارد گردد تا تدوین سناریوها دقیق‌تر و جامع‌نگرتر باشد. بنابراین ماتریس اثرات متقابل ذیل در اختیار اعضای پانل قرار گرفت. در این پرسشنامه‌ها، وضعیت‌ها می‌توانند تأثیرگذاری رواج دهندگی (تقویت‌کننده) یا تأثیرگذاری محدودده کننده را نیز نشان دهد و اعداد پرسشنامه از ۳ تا ۳- متغیر است (عدد یک = تقویت‌کننده قوی، عدد ۲ = تقویت‌کننده نسبی، عدد ۳ = تقویت‌کننده ضعیف، عدد صفر = بی‌اثر، عدد ۱- = محدودیت ساز قوی، عدد ۲- = محدودیت ساز نسبی، عدد ۳- = محدودیت ساز ضعیف). سؤال محوری این پرسشنامه این است که اگر وضعیت A1 از عامل کلیدی A در آینده بازآفرینی بافت منطقه ۶ اتفاق بیفتد، چه تأثیری بر وقوع یا نبود وقوع وضعیت B2 از عامل کلیدی B خواهد داشت و به همین ترتیب تا آخرین وضعیت احتمالی در آخرین عامل کلیدی ادامه می‌یابد. بنابراین پس از شکل‌گیری منطق سناریوها براساس عدم قطعیت‌های کلیدی، چهار سناریو پیش‌روی آینده بازآفرینی بافت ناکارآمد منطقه ۶ وجود دارد. در جدول ذیل حالات مختلف سناریو با توجه به چگونگی وضعیت هر یک از عدم قطعیت‌ها (طیف مثبت یا طیف منفی) نشان داده شده است.

جدول ۶. حالات مختلف منطق سناریوها براساس نتایج حاصل از Scenario Wizard

شماره سناریو	عدم قطعیت دو	عدم قطعیت یک	منطق سناریو
۱	☒	☒	در فرایند بازآفرینی منطقه ۶، سیستم مدیریت و برنامه‌ریزی شهر به صورت پایین به بالا و مشارکت و همکاری حداکثری ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در فرایندهای تصمیم‌گیری مشهود است؛ رشد منطقه، قانونی و متعارف و براساس ضوابط شهرسازی است؛ به‌علاوه به دلیل حضور ساکنین اصیل و بومی در محلات سطح منطقه، امنیت اجتماعی در بافت برقرار می‌باشد.
۲	☒	☒	منطقه در فرایند بازآفرینی از مدیریت و برنامه‌ریزی شهری پایین به بالا (برنامه‌ریزی با مردم) و مشارکت و همکاری کنشگران و نیز حضور ساکنین باصالت و قدیمی بهره می‌برد. اما رشد بی‌رویه و ارگانیک منطقه و ناامنی و بزهکاری اجتماعی بافت از مهم‌ترین مسائل موجود آن می‌باشد.
۳	☒	☒	منطقه به واسطه رشد قانونی و منطبق بر ضوابط و مقررات شهرسازی از امنیت اجتماعی و کیفیت

شماره سناریو	عدم قطعیت دو	عدم قطعیت یک	منطق سناریو
			محیط (دسترسی مناسب، نفوذپذیری و ...) بهره می‌برد. اما به دلیل مدیریت سنتی با رویکرد بالا به پایین از مشارکت و بهره‌مندی ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در فرایند بازآفرینی و تصمیمات شهری و نیز ظرفیت حضور ساکنین اصیل محروم است.
4	×	×	رشد بافت منطقه بی‌رویه و بی‌قواره بوده به نحوی که معضل ناامنی و بزهکاری اجتماعی (به دلیل نفوذناپذیری، بافت پیچ‌درپیچ و ارگانیک) افزایش داشته؛ همچنین به دنبال آن به دلیل مدیریت سنتی و برنامه‌ریزی از دیدگاه بالا به پایین، ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در فرایندهای بازآفرینی مشارکت و همکاری نداشته‌اند. به دنبال این مسائل موجود، ساکنان قدیمی به علت شرایط نامناسب کالبدی و ... از بافت مهاجرت کرده‌اند.

با توجه با جدول فوق و نتایج ماحصل ملاحظه می‌شود، براساس تنوع فرض عدم قطعیت‌های کلیدی، می‌توان تنوعی از سناریوها را ارائه نمود و آن‌ها در قالب طیفی از وضعیت‌های مطلوب، ایستا و بحرانی طبقه‌بندی کرد. در نمودار شماره ۵، این طیف متنوع از وضعیت منطق سناریوها در قالب وضعیت‌های مختلف عدم قطعیت‌ها، به‌وضوح قابل مشاهده است.



شکل ۷: طیف منطق سناریوها

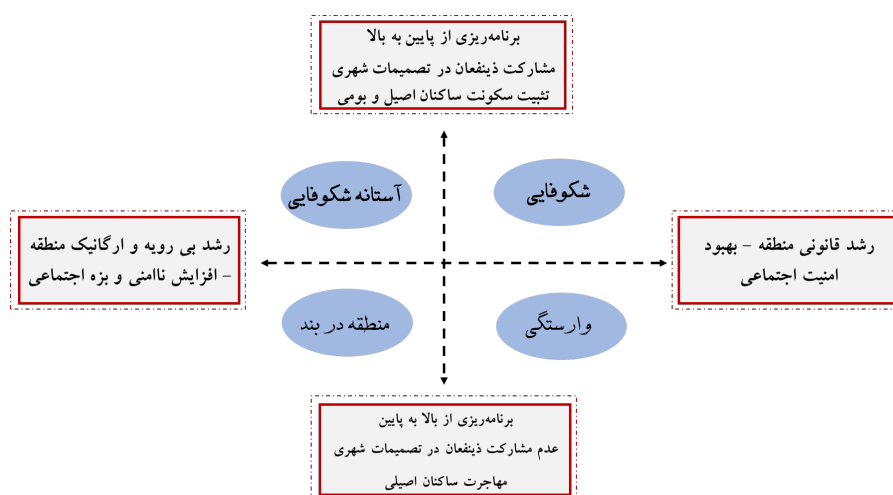
گام پنجم: تدوین سناریو

در این بخش پس از بررسی عوامل پیشران و نتایج حاصل شده از نرم‌افزار سناریوویزارد (تبیین سناریوهای منتخب و سازگار براساس جدول وضعیت‌های احتمالی/آینده‌های محتمل) دوگروه‌بندی به‌عنوان قالب

پیشران‌ها و نگهدارنده پیشران‌های مختلف با کمک اعضای پنل دلفی تعیین شدند. این چهار نگهدارنده اصلی پیشران‌های مختلف عبارت‌اند از:

- برنامه‌ریزی از پایین به بالا - مشارکت ذینفعان در تصمیمات شهری - تثبیت سکونت ساکنان اصیل و بومی
- برنامه‌ریزی از بالا به پایین - عدم مشارکت ذینفعان در تصمیمات شهری - مهاجرت ساکنان اصیل
- رشد قانونی منطقه - بهبود امنیت اجتماعی
- رشد بی‌رویه و ارگانیک منطقه - افزایش ناامنی و بزه اجتماعی

لازم به ذکر است این دو نگهدارنده اصلی به گونه‌ای تعیین شدند که تمامی پیشران‌های بحرانی سناریو را در خود جای می‌دهند. صاحب‌نظران این چهار بعد اصلی را به عنوان ابعادی عنوان نمودند که دربرگیرنده تمامی پیشران‌های سناریو مستخرج از مراحل پیشین می‌باشد. لازم به ذکر است که در این مرحله سناریوها از طریق نظرسنجی از متخصصان و خبرگان عضو پنل دلفی نام‌گذاری شده است. این دو بعد در قالب نمودار ذیل نشان داده شده است.



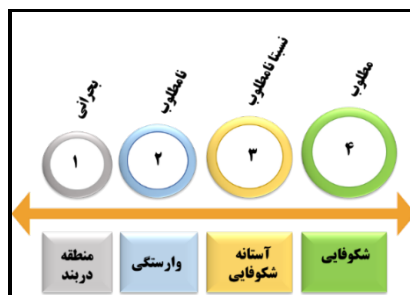
شکل ۸. شکل‌گیری محورهای سناریو

پس از نام‌گذاری سناریوها و تشکیل محورهای سناریو، براساس رتبه و امتیازی که هر کدام از عدم قطعیت‌های کلیدی داشته و براساس چهار حالت منطق سناریو، آن‌ها در قالب جدول ذیل طبقه‌بندی شده است.

جدول ۷. اولویت‌بندی سناریوها

عدم قطعیت	میانگین امتیاز (مصحح)	رتبه	امتیاز	سناریوی ۱	سناریوی ۲	سناریوی ۳	سناریوی ۴
-----------	-----------------------	------	--------	-----------	-----------	-----------	-----------

۱	۴/۵	۱	۳	✓	۱	✓	۳	✗	-
۲	۴/۳	۲	۲	✓	۲	✓	-	✗	-
وضعیت سناریو				مطلوب	نسبتاً نامطلوب	نامطلوب	بحرانی		



شکل ۹. نمایش میزان مطلوبیت سناریوها

با توجه به نمودار فوق، سناریوی مطلوب و بحرانی، به ترتیب سناریوی اول و سناریوی چهارم می‌باشد که در جدول ذیل به تفصیل ارائه شده است:

جدول ۸. تفسیر سناریوی مطلوب و بحرانی

سناریوی مطلوب در بند	سناریوی شکوفایی
در سال‌های آتی، رشد منطقه ۶ به سمت بافت قدیمی و فرسوده و به صورت رشدی بی‌نظم و بی‌برنامه خواهد بود تا حدی که این موضوع باعث مهاجرت ساکنین بومی و اصیل بافت به سمت مناطق برخوردار شهر، توزیع نامتناسب خدمات و عدم پاسخگویی مناسب به نیاز شهروندان شده است. رشد بی‌رویه منطقه و عدم توجه به نیاز ساکنین از جمله عوامل گسترش فرسودگی کالبدی و عملکردی بافت و افزایش نارضایتی شهروندان است. سکونت اقوام گوناگون (اتباع خارجی) و حضور چلوها (فاقدین اسناد هویتی) در منطقه و عدم تعاملات اجتماعی مناسب بین آن‌ها باعث می‌شود که هویت بومی و فرهنگی منطقه فراموش شود و ناامنی در منطقه را افزایش دهد. نگاه از بالا به پایین در نظام مدیریت شهری منطقه و عملکرد ضعیف دستگاه‌های نظارتی در خصوص پاسخگویی مناسب به نیاز ساکنین و حل چالش‌های پیش‌روی منطقه در حوزه و ابعاد مختلف، باعث عدم تمایل شهروندان، مطالبه‌گران و گروه‌های مردم‌نهاد مستقر در منطقه به مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی شده است. بنابراین در این سناریو منطقه ۶ با انبوهی از مسائل و چالش‌ها در حوزه بازآفرینی چون موازی کاری دستگاه‌ها، رشد بی‌رویه منطقه، ساخت‌وسازهای غیرمجاز،	در این سناریو مشارکت شهروندان در اداره امور شهری و برنامه‌ریزی در راستای توسعه مشارکتی مدیریت شهری، از اولویت‌های برنامه‌ریزی و مدیریت شهری منطقه ۶ است که بر رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی (سطح پایین به بالا) و ترویج الگوی نهاده‌ساز حاکمیت محلی تأکید دارد. این سطح برنامه‌ریزی زمینه مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان را در تصمیمات شهری و فرایند بازآفرینی و نیز ایجاد سرمایه اجتماعی فراهم کرده به نحوی که مشارکت محلی (مشارکت سستی یا مشارکت مدنی) در فرایند بازآفرینی بافت ناکارآمد منطقه و توسعه مشارکت خلاق برای جلوگیری از رشد متراکم و ناهنجار منطقه و کمک به رشد متوازن و قانونی است. که علاوه بر حفظ نظام سیاسی، اقتصادی و ... امنیت اجتماعی منطقه را تأمین می‌کند. از سوی دیگر مهاجرت اتباع داخلی و خارجی، اتباع فاقد اسناد هویتی و قومیت‌گرایی به دلیل حضور ساکنین قدیمی و بومی کاهش یافته است. در این راستا، مدیران شهری، برنامه‌هایی مدون را برای ارتقاء آگاهی شهروندان و دستگاه‌های اجرایی در این مسیر تدارک دیده‌اند. به نحوی که ورود اتباع به بافت کنترل و متعادل می‌شود، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی جهت رونق اقتصادی بافت با مشارکت سرمایه‌گذاران بومی صورت می‌پذیرد، شهروندان با روحیه مطالبه‌گری بالای خود در فرایندهای تصمیم‌گیری شرکت می‌کنند؛ در نهایت با

سناریوی شکوفایی	سناریوی منطقه در بند
بازآفرینی بافت ناکارآمد محدوده با تأکید بر پیشران‌های کلیدی مستخرج، منطقه ۶ به منطقه‌ای زیست پذیر (رشد قانونی و متعارف کالبد، کیفیت مناسب محیط و...)، حضور ساکنین اصیل و بومی، عاری از بزه‌های اجتماعی و مشارکت حداکثری ساکنین تبدیل می‌شود.	ناهنجاری‌های اجتماعی، چلوها (فاقدین اسناد هویتی) و ... رویه رو خواهد بود که فرایند بازآفرینی در چارچوب ابعاد تعیین‌شده صورت نخواهد پذیرفت.

۴. بحث

بافت‌های ناکارآمد شهری و مسائل و مشکلات مبتلا به آن‌ها، طی چند دهه اخیر، به‌عنوان یکی از ابر چالش‌های نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهرهای کشور مطرح شده است. که هدف اصلی مسئولان و مدیران شهری بهبود وضعیت زیستی و بازسازی و نوسازی این بافت‌ها می‌باشد. بنابراین رویکرد بازآفرینی پایدار شهری با توجه به آنکه بر مفاهیمی همچون مشارکت مردم و حکومت محلی تأکید دارد می‌تواند شکل و الگویی نو از معاصر سازی و بازسازی را در این منطقه ارائه دهد. نتایج ماحصل وزن‌دهی عدم قطعیت و اهمیت هر یک از عوامل کلیدی براساس پنل دلفی حاکی از آن است که پیشران‌های منتخب مؤثر بر فرایند بازآفرینی منطقه ۶ به ترتیب ۱- شیوه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با امتیاز ۴.۸، ۲- امنیت اجتماعی با امتیاز ۴.۸، ۳- جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری با امتیاز ۴.۵، ۴- مهاجرت اتباع و تعامل و مشارکت‌پذیری ذی-نفعان (انسجام و همیاری اجتماعی) با امتیاز ۴.۰۸، ۵- راندمان دستگاه‌های نظارتی با امتیاز ۳.۸ و ۶- توسعه بافت ناکارآمد منطقه ۶ با امتیاز ۳.۶ دارای بیشترین میزان اهمیت و عدم قطعیت می‌باشد.

همچنین نتایج حاصل‌شده از نرم‌افزار سناریوویزارد دو عدم قطعیت اصلی الف) برنامه‌ریزی از پایین به بالا - مشارکت ذینفعان در تصمیمات شهری - تثبیت سکونت ساکنان اصیل و بومی و ب) رشد قانونی منطقه - بهبود امنیت اجتماعی به‌عنوان قالب پیشران‌ها و نگهدارنده پیشران‌های مختلف انتخاب شدند؛ که براساس آن چهار سناریو شکوفایی، در آستانه شکوفایی، وارستگی و منطقه در بند تدوین گردید. از این‌رو، یافته‌های پژوهش را می‌توان با تحقیقات دیگران از جمله مطالعات ایمان‌پور و همکاران (۱۴۰۱)، رئیس قنوتی و همکاران (۱۴۰۱)، ایمان‌پور و همکاران (۱۴۰۰)، اردستانی و ابراهیمی (۱۴۰۱)، فنی و همکاران (۱۳۹۹) مقایسه کرد که نتایج آن‌ها از یک‌سو مقوله بافت‌های ناکارآمد و حاشیه‌نشینی و رویکردهای مختلف را برای ساماندهی این مناطق مطرح کرده و از سوی دیگر رهیافت بازآفرینی پایدار شهری را به‌عنوان رویکردی جدید در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و ... به‌عنوان راهبرد اساسی در تجدید حیات بافت‌های فرسوده و حاشیه‌ای مطرح نموده‌اند.

علی‌رغم آنکه پژوهشگران مختلف مقوله بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری را در ابعاد مختلف مورد واکاوی قرار داده‌اند، لیکن به دلیل پراکندگی و مقطعی بودن اقدامات در بهبود وضعیت زیستی این نوع بافت‌ها و همچنین فقدان مدل و الگوی مورد اجماع، ذی‌نفعان (ارگان‌ها، سازمان‌ها و ...) در به‌کارگیری مدل

مناسب دچار سردرگمی می‌شوند. بنابراین اتخاذ رهیافت بازآفرینی با تکیه بر روش سناریونگاری و آینده-پژوهی، هم در شناخت نقش و جایگاه حال حاضر کلانشهر مشهد (با تأکید بر منطقه شش شهرداری مشهد مقدس) و هم در آینده‌نگری آن دارای تفاوت‌های روشی و نگرشی است که این مهم در مطالعات دیگران و به‌ویژه بافت فرسوده منطقه ۶ مشهد انجام نگرفته است. مجموع این عوامل جنبه نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین سناریوی مطلوب بازآفرینی بافت فرسوده در منطقه ۶ شهر مشهد از طریق سناریونگاری انجام شده است. با مطالعه اسناد و کتب مختلف، نظریات نظریه‌پردازان و تجارب جهانی در حوزه بافت‌های ناکارآمد، عوامل و عناصر مختلفی که در تحقق رویکرد بازآفرینی مؤثر هستند، شناسایی شد. لذا اقدام به شناسایی پیشران‌های کلیدی و عدم قطعیت با استفاده پل دلفی متشکل از متخصصان و خبرگان آگاه به حوزه گردید. براساس نتایج حاصله تعداد ۲۳ عامل به‌عنوان پایه اصلی سناریونویسی بافت ناکارآمد منطقه پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. این عوامل عبارت‌اند از موازی کاری نهادهای حاکمیتی، مهاجرت اتباع، نهادهای اجتماعی، راندمان دستگاه‌های نظارتی، فعالیت‌های اقتصادی، انسجام اجتماعی، همیاری اجتماعی، امنیت اجتماعی، مؤلفه‌های نهادی مشارکت شهروندی، ایجاد و تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی شهری، رفع موانع حقوقی مرتبط با سازمان‌های مردم‌نهاد، مشارکت شهروندان در طرح‌های بازآفرینی شهری، بحران مالی و اعتباری، تعامل و مشارکت‌پذیری ذی‌نفعان، شیوه مدیریت و برنامه‌ریزی، قوانین و سیاست‌گذاری‌های مالیاتی و مشوق‌ها، توانمندسازی اقتصادی، توانمندسازی اجتماعی، توانمندسازی سرمایه‌های انسانی و فکری، توانمندسازی بخش خصوصی، زیرساخت‌های الکترونیکی نوین، ظرفیت‌های محیطی و زیربنایی در منطقه، توسعه بافت ناکارآمد منطقه.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که پنج عامل اصلی شیوه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مهاجرت اتباع، مشارکت کنشگران در تصمیمات شهری (انسجام و همیاری اجتماعی)، امنیت اجتماعی و توسعه بافت ناکارآمد دارای نقش کلیدی و اساسی در بازآفرینی بافت منطقه هستند. با بهره‌گیری از شیوه سناریونویسی در قالب عدم قطعیت‌هایی با طیف متضاد توصیف و ارائه شد و براساس دو حالت متضادی که هرکدام از دو عدم قطعیت بحرانی داشتند، چهار سناریو برای آینده بازآفرینی بافت ناکارآمد منطقه ۶ تدوین شد. که براساس آن سناریو مطلوب، شکوفایی منطقه و سناریوی بحرانی آن، منطقه در بند است. هر یک از سناریوهای تدوین شده بیان می‌دارد که در صورت ایجاد و وقوع آنچه نوع تغییراتی در پیشران‌های کلیدی، چه آینده‌ای در انتظار فرایند بازآفرینی پایدار بافت ناکارآمد منطقه ۶ است. در نهایت دستیابی به سناریویی بهینه و مطلوب زمانی محقق می‌شود که زمینه و بسترهای لازم برای جلب مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در

فرایند بازآفرینی، با نهادسازی و توسعه شبکه محلی، اعضای شورای اجتماعی محلات، گروه‌های جهادی و ... و تقویت هر چه بیشتر آن‌ها فراهم شود. به منظور پیشگیری و جلوگیری از توسعه محدوده قانونی منطقه ۶، از رویکرد توسعه میان‌افزا در جهت ساماندهی بافت مورد استفاده قرار گیرد. بدین صورت که از اراضی بایر و رهاشده، ابنیه متروکه و تخریبی و ... جهت بارگذاری خدمات مورد نیاز استفاده شود. بعلاوه در بعد اجتماعی، به دلیل سکونت و مهاجرت‌های اتباع خارجی (معروف به چلوها که فاقد اسناد هویتی هستند) در این منطقه، می‌بایست به بازیابی فرهنگ و هویت محلات قدیمی و منطقه مبادرت ورزید. بنابراین در نهایت امر از طریق سناریونویسی، تمام حالات از آینده‌های ممکن ترسیم شده و جهت دستیابی به آینده مطلوب، برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد.

کتاب‌نامه

۱. ایمان پور، م. ر.، شمس‌الدینی، ع.، و سرور، ر. (۱۴۰۰). تحلیل سناریوهای اسکان غیررسمی در شهرهای شمال شرق ایران (مورد مطالعه: شهر بجنورد). نشریه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، ۳ (۲)، ۹۲-۷۷.
۲. ایمان پور، م. ر.، شمس‌الدینی، ع.، و سرور، ر. (۱۴۰۱). شناسایی و تحلیل پیشران‌های کلیدی مؤثر بر اسکان غیررسمی در شهر بجنورد. نشریه شهر پایدار، ۵ (۲)، ۱۸۲-۱۶۵.
۳. اردستانی، ز.، و ابراهیمی، ا. (۱۴۰۱). بازآفرینی شهری به منظور ارتقای ۹ بافت‌های فرسوده شهری با بهره‌گیری از روش تلفیقی و یکپارچه ساختار سلسله مراتبی فازی (Fuzzy AHP) (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران). فصلنامه علمی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳ (۴۹)، ۱۷۸-۱۶۶.
۴. امینی، م.، صارمی، ح. م.، و قالیباف، م. ب. (۱۳۹۵). جایگاه حکمروایی شهری در فرآیند بازآفرینی بافت فرسوده شهری مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران. تحقیقات جغرافیایی، ۳۳ (۳)، ۲۰۲-۲۱۷.
۵. امیری، خ.، مسعود، م.، مرادی چادگانی، د.، صافی اصفهانی، ف.، و صادقی، ن. (۱۴۰۰). تدوین الگوی مشارکت‌پذیری الکترونیکی شهروندان در بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهر اصفهان. نشریه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۰ (۳۹)، ۷۳-۸۵.
۶. امیری، خ.، مسعود، م.، مرادی چادگانی، د.، صادقی، ن.، و صافی اصفهانی، ف. (۱۴۰۱). معرفی الگوی کاربردی مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی در فضای سایبرنتیک به منظور ارتقاء سطح مشارکت ساکنان در بازآفرینی نواحی دچار افت شهری اصفهان. نشریه مطالعات شهری، ۱۱ (۴۲)، ۶۱-۷۴.
۷. ایزدفر، ا.، ساسانپور، ف.، تولائی، س.، و سلیمانی، م. (۱۳۹۹). بازآفرینی پایدار شهری بر پایه سناریونگاری (مورد شناسی: منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان). فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، ۱۰ (۳۴)، ۶۸-۴۵.
۸. ایزدفر، ن.، رضایی، م. ر.، و محمدی، ح. (۱۳۹۹). ارزیابی بافت‌های ناکارآمد شهری براساس رویکرد بازآفرینی پایدار (مطالعه موردی: بافت ناکارآمد شهر یزد). فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۱ (۲)، ۳۴۵-۳۲۷.

۹. ابراهیم نژاد، م.ر.، شیخ‌الاسلامی، ع.ر.، و ملک حسینی، ع. (۱۴۰۰)، الگوی ارزیابی پروژه‌های محرک توسعه در بازآفرینی بافت فرسوده شهری. *نشریه تحقیقات جغرافیایی*، ۳۶ (۳)، ۲۵۳-۲۶۱.
۱۰. پوراحمد، ا. (۱۳۸۹). سیر تحول مفهوم‌شناسی بازآفرینی شهری به‌عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری، *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، سیر تحول مفهوم‌شناسی بازآفرینی شهری به‌عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱ (۱)، ۷۳-۹۲.
۱۱. پاکرو، ن. و ستارزاده، د. (۱۴۰۱). بررسی مؤلفه‌های مؤثر در چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی در بازآفرینی پایدار شهری. *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۲ (۶۵)، ۷۹-۱۰۱.
۱۲. جعفری جبلی، ح.، موسی کاظمی، م.، حکمت‌نیا، ح.، و مختاری، ر. (۱۴۰۱). تبیین آثار بازآفرینی فضاهای شهری بر عملکرد اقتصادی و اجتماعی بافت تاریخی اصفهان. *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۳۳ (۱)، ۲۱-۴۴.
۱۳. حسینی، ع.، کهکی، ف.، و احدی، ز. (۱۴۰۰). تبیین اهمیت کیفیت مکان در بازآفرینی شهری با رویکرد آینده‌پژوهی، *مورد مطالعه منطقه ده شهر تهران*. *نشریه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، ۹ (۴)، ۹۵۷-۹۸۰.
۱۴. حجازی‌نیا، س.، رحیمی، م.، و شمس‌الدینی، ع. (۱۴۰۱). تبیین اثرات حاشیه‌نشینی بر میزان وقوع جرائم شهری در شهر یاسوج (مطالعه موردی سکونتگاه‌های پیرامونی مادوان سفلی، بله‌راز و مهربان). *فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱۲ (۴)، ۳۸۲-۳۶۳.
۱۵. رسول‌نازی، س.، نقیعی، ف.، و خسرونیا، م. (۱۴۰۱). بررسی نقش ظرفیت‌های مردمی و محلی در بازآفرینی بافت ناکارآمد شهری (نمونه موردی بافت فرسوده ارومیه). *نشریه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۵۴ (۱)، ۱۳۱-۱۵۴.
۱۶. رئیس‌قنات، ک.، شمس‌الدینی، ع.، و حیدری، ع.ا. (۱۴۰۱). تعیین پیشران‌های کلیدی مؤثر بر توسعه پایدار شهر بندری ماهشهر با رویکرد آینده‌پژوهی. *فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۲۶ (۱)، ۱۷۳-۱۹۹.
۱۷. رهنما، م.ر.، شکوهی، م.ا.، و لطف‌اللهی، س. (۱۳۹۸). تحلیل سناریوهای احیاء منطقه شهری قلعه آبکوه در کلانشهر مشهد. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۱۰ (۳۸)، ۶۳-۷۶.
۱۸. رهنما، م.ر.، و معروفی، ا. (۱۳۹۴). *سناریونگاری در مطالعات شهری و منطقه‌ای (مفاهیم، روش‌ها و تجارب)*. مشهد: انتشارات مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی.
۱۹. رضائی، م.، بلاغی، ر.، شمس‌الدینی، ع.، شاعر، ف.، و ماندنی، س. (۱۳۹۵). ارزیابی و تحلیل ابعاد اجتماعی حاشیه‌نشینی در کلانشهرها (مطالعه موردی: محلات حاشیه‌نشین شهر شیراز). *فصلنامه جغرافیایی سرزمین*، ۱۳ (۵۲)، ۷۵-۵۷.
۲۰. رضایی، س.، کریمیان بستانی، م.، و میری، غ. (۱۴۰۱). شناسایی پیشران‌های مؤثر در بازآفرینی شهری سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد آینده‌پژوهی (نمونه موردی: شهرزاهدان). *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۹ (۴)، ۱۲۷-۱۴۹.
۲۱. زالی، ن.، و بهشتی، م.ب. (۱۳۹۰). شناسایی عوامل کلیدی توسعه‌ی منطقه‌ای با رویکرد برنامه‌ریزی بر پایه سناریو: مطالعه موردی: استان آذربایجان شرقی. *نشریه برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۱۵ (۱)، ۴۱-۶۳.

۲۲. سجادی، ژ.، پرتانین، ن.، و یزدانی راد، پ. (۱۴۰۰)، رویکرد آینده‌نگاری در بازآفرینی محلات فرسوده شهری با تأکید بر مسکن پایدار. *فصلنامه چشم‌انداز شهرهای آینده*، ۲ (۳)، ۲۷-۴۹.
۲۳. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). *سرشماری عمومی و نفوس مسکن*. تهران: مرکز آمار ایران.
۲۴. صفایی پور، م.، و زارعی، ج. (۱۳۹۶). برنامه‌ریزی محله‌محور و بازآفرینی پایدار بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر سرمایه اجتماعی (نمونه موردی: محله جولان شهر همدان). *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، ۷ (۲۳)، ۱۳۵-۱۵۰.
۲۵. فنی، ز.، توکلی نیا، ج.، و بیرانوندزاده، م. (۱۳۹۹). کاربست تحلیلی - ساختاری بازآفرینی پایدار شهری. *نشریه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۵۲ (۱)، ۱۸۱-۱۹۷.
۲۶. فصیحی، ح.ا.، موحد، ع.، پرزادی، ط.، و عباسی، ب. (۱۴۰۱). نقش بازآفرینی شهری در مطلوبیت فضاهای عمومی. *نشریه مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، ۹ (۳۱)، ۵۱-۶۷.
۲۷. فدایی جزئی، ف.، مختاری ملک ابادی، ر.، و ابراهیمی بوزانی، م. (۱۴۰۰). بافت‌های فرسوده فرصتی برای توسعه درون‌زای شهری در راستای تأمین مسکن محله سرچشمه منطقه سه شهر اصفهان. *نشریه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای*، ۲ (۳)، ۴۸-۶۵.
۲۸. معروف نژاد، ع. (۱۴۰۰). تحلیل و رتبه‌بندی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری از منظر شاخص‌های اجتماعی با استفاده از تکنیک ماباک. *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۵ (۷۸)، ۳۲۳-۳۴۳.
۲۹. مباشری، م. (۱۴۰۱). تحلیل اثرات بازآفرینی پایدار بافت فرسوده بر کاهش جرم و افزایش امنیت (مورد مطالعه: شهرزابل). *فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی*، ۸ (۲)، ۱۹۱-۲۰۱.
۳۰. مرادی پور، ح.ا.، و نوروزیان، م. (۱۳۸۴). آینده‌پژوهی، مفاهیم و روش‌ها. *فصلنامه رهیافت*، ۳۶، ۴۵-۵۰.
31. Boud, L., & Pustma, R. (2019). *Learning from the Future: Competitive Foresight Scenarios*. New York: Wiley Publications.
32. Colantonio, E., & Dixon, R. (2011). *Urban regeneration & social sustainability: Best practice from European cities*. Hoboken: Blackwell Publishing.
33. Godet, M. (2000). The art of scenarios and strategic planning: Tools and pitfalls. *Technological Forecasting and Social Change*, 65 (1), 3-22.
34. Cairns, G., Wright, G., Fairbrother, P., & Philips, R. (2017). Branching scenarios' seeking articulated action for regional regeneration – A case study of limited success. *Technological Forecasting and Social Change*, 124, 189-202.
35. Hongjie, X., Ming, Ch. (2017). Toward a compact settlement: A sustainable development way of settlements for Chinese cities. *Futures*, 63-75.
36. Korkmaz, C., & Balaban, O. (2020). Sustainability of urban regeneration in Turkey: Assessing the performance of the North Ankara Urban Regeneration Project. *Habitat International*, 95, 102081.
37. Ratcliffe, J., & Krawczyk, E. (2011). Imagineering city futures: The use of prospective through scenarios in urban planning. *Futures*, 43, 642-653.
38. Riccardo, p., & Vecchiato, W. (2012). *Urban regeneration: A Handbook*. London: Sage, No.2.
39. Tirziu, A. (2020). Urbanization and cities of the future. *International Journal for Innovation Education and Research*, 8(3), 235-245.

40. Zegras, Ch., & Rayle, L. (2020). Testing the rhetoric: an approach to assess scenario planning's role as a catalyst for urban policy integration. *Futures*, 44 (4), 303-318.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۲۹

ارزیابی و تحلیل وضعیت ایمنی و امنیت در حمل و نقل عمومی شهر شیراز با تأکید بر امنیت زنان (مطالعه موردی: کاربران مترو در ایستگاه نمازی شیراز)

رضا مرادی رمقانی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه یزد، یزد، ایران)

reza.moradi@stu.yazd.ac.ir

محمدحسین سرایی (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه یزد، یزد، ایران، نویسنده مسئول)

msaraei@yazd.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸

صص ۸۴-۶۱

چکیده

مسائل ایمنی و امنیت در حمل و نقل شهری برای چندین دهه مورد توجه برنامه‌ریزان حمل و نقل بوده است. اعتقاد بر این است که ادراکات ایمنی شخصی تأثیر قابل توجهی بر مسافران حمل و نقل عمومی دارد. از این رو هدف اصلی این پژوهش بررسی سطح ایمنی و امنیت ایستگاه متروی نمازی شیراز از دیدگاه کاربران آن است. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و بر اساس ماهیت و روش، توصیفی از نوع پیمایشی است. اطلاعات مورد نیاز بر اساس روش‌های اسنادی و میدانی (پرسشنامه) تهیه شده است. جامعه آماری تحقیق، کاربران ایستگاه مترو نمازی شیراز در سال ۱۴۰۲ است. محاسبه حجم نمونه طبق فرمول کوکران معادل ۳۸۴ نفر برآورد گردید و برای توزیع پرسشنامه از شیوه تصادفی ساده استفاده شده است. داده‌های گردآوری شده با روش‌های آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج نشان داد سطح امنیت در ایستگاه متروی نمازی شیراز از نظر کاربران آن با ضریب ۳/۶۸ بالاتر از حد متوسط است. سطح امنیت زنان با ضریب ۳/۶۳ بالاتر از حد متوسط قرار دارد اگرچه نسبت به سطح امنیت مردان با ضریب ۳/۷۳ در سطح کم تری قرار دارد، اما این تفاوت از لحاظ آماری معنادار نبود. از بین شاخص‌های امنیت، آزار و اذیت کلامی یا توهین با ضریب ۳/۳۶ بدترین وضعیت را از نظر کاربران زن در ایستگاه متروی نمازی شهر شیراز دارد. همچنین نتایج دیگر پژوهش نشان داد ویژگی‌های روانشناختی کاربران، ویژگی‌های محیطی ایستگاه و ویژگی‌های فردی کاربران به ترتیب با ضرایب ۰/۵۶، ۰/۴۱ و ۰/۴۰ بیشترین تأثیر را بر ادراک امنیت کاربران از ایستگاه متروی نمازی شیراز داشتند.

کلیدواژه‌ها: امنیت و ایمنی، ایستگاه مترو، حمل و نقل عمومی، زنان، شیراز.

۱. مقدمه

حمل و نقل وسیله‌ای حیاتی است که از طریق آن مردم می‌توانند به فرصت‌های ارائه شده توسط یک شهر دست یابند (چودهوریا و وان وی^۱، ۲۰۲۰، ص. ۱۰۲). حمل و نقل عمومی خدمات تحرک (جابه‌جایی) را به کاربر ارائه می‌دهد و تأثیر گسترده‌ای بر سیستم شهری دارد. در نتیجه، باید به گونه‌ای اداره شود که به یک سیستم حمل و نقل کارآمد و مؤثر دست یابد. برای رسیدن به این هدف، نیاز به سنجش کیفیت خدمات به عنوان راهی برای ارزیابی عملکرد آن وجود دارد. موضوع امنیت و ایمنی حمل و نقل در سطح جهانی در حال افزایش است. ایمنی یک پیش نیاز برای تحرک است، بنابراین در زمینه استفاده از سیستم حمل و نقل ریلی و جاده‌ای، هر شهروند حق زندگی و سلامتی دارد (آدبولا^۲ و همکاران، ۲۰۱۴، ص. ۱۰۵). ناامنی حمل و نقل را می‌توان آسیب‌پذیری در برابر اقدامات مجرمانه عمدی یا ضداجتماعی تعریف کرد که افراد درگیر در سفر از آن رنج می‌برند. این می‌تواند جرائم مالی، خشونت (حمله و تهدید)، تجاوز جنسی، آزار جنسی، توهین، قتل، آدم ربایی، و وندالیسم^۳ باشد (اولوجد^۴ و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۳۸۷). اعتقاد بر این است که ادراکات ایمنی شخصی تأثیر قابل توجهی بر مسافران حمل و نقل عمومی دارد (دلپوسکه و کوریه^۵، ۲۰۱۲، ص. ۳۰۲).

امروزه برقراری ایمنی و امنیت در فضاهای شهری از دغدغه‌های مدیران شهری است (صادقلو و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۷۵). ایمنی و امنیت در حمل و نقل عمومی از دهه ۱۹۷۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است (یویتن بوگارد^۶، ۲۰۱۴، ص. ۱۱). مسائل ایمنی و امنیت در حمل و نقل شهری برای چندین دهه مورد توجه برنامه ریزان حمل و نقل بوده است. این به این دلیل است که حمل و نقل نقش کلیدی در زندگی شهرنشینان ایفا می‌کند (اولوجد^۷ و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۳۸۳). اکثر شهرهای کشورهای در حال توسعه دارای میزان بالایی از آسیب‌های ناشی از حمل و نقل هستند که این امر را می‌توان به مشکلات ایمنی (حوادث) و مشکل امنیتی (رفتار مجرمانه) طبقه‌بندی کرد (آدبولا و همکاران^۸، ۲۰۱۴، ص. ۱۰۸).

مطالعات انجام شده در زمینه تحرک افراد نشان داده است که برخی از گروه‌های اجتماعی به دلیل نبود ایمنی یا امنیت در محیط‌های حمل و نقل، بیش از سایرین در معرض نگرانی و اضطراب از وقوع رویدادهای ناخوشایند هستند. زنان در اکثر شهرهای در حال توسعه شاهد افزایش تعداد تهدیدات حمل و

1. Chowdhury & van Wee
2. Adebola
3. Vandalism
4. Olojede
5. Delbosc & Currie
6. Uittenbogaard
7. Olojede
8. Adebola

نقل عمومی برای ایمنی و امنیت شهری بوده‌اند (کاچارو^۱ و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۳). علیرغم وابستگی آنها به حمل و نقل عمومی، زنان اغلب هنگام استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی و هنگام حرکت در فضاهای عمومی بین حمل و نقل عمومی و مبدا یا مقصد خود ترس دارند. مطالعات در سرتاسر جهان نشان می‌دهد که زنان به طور فراگیر در هنگام سفر با تهدیداتی برای ایمنی خود مواجه می‌شوند (کینگ^۲ و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۱۶۰).

معمولاً زنان به عنوان گروهی از کاربران حمل و نقل عمومی (PT) شناخته می‌شوند که در مقایسه با مسافران مرد، موانع منحصر به فردی را تجربه می‌کنند. ترس از آزار و اذیت به عنوان بزرگترین مانع برای زنان برای سوار شدن به حمل و نقل عمومی شناخته شده است. نگرانی زنان در مورد جرم و جنایت نه تنها بر تصمیم آستانه استفاده از حمل و نقل عمومی، بلکه همچنین زمان استفاده از آن و کدام حالت (اتوبوس، مترو و...) تأثیر می‌گذارد. ترس می‌تواند باعث شود زنان به طور کامل از استفاده از حمل و نقل عمومی اجتناب کنند، به خصوص در شب. با وجود این ترس‌ها، در سطح جهانی، زنان در مقایسه با مردان احتمال بیشتری برای استفاده از حمل و نقل عمومی برای مقاصد سفر به غیر از رفت و آمد دارند؛ از آنجایی که زنان به طور متوسط حداقل ۲۰٪ کمتر از مردان درآمد دارند، آنها بیشتر به حمل و نقل عمومی به عنوان یک روش حمل و نقل مقرون به صرفه متکی هستند (چودهوریا و وان وی، ۲۰۲۰، ص. ۱۰۲). یک رشته معتبر از ادبیات نشان می‌دهد که ایمنی درک شده در مناطق شهری بر اساس جنسیت متفاوت است. زنان معمولاً امنیت کمتری در مکان‌های عمومی دارند و ترس بیشتری از تنها ماندن در فضاهای مخفی و با غریبه‌ها دارند. این به این نتیجه اشاره می‌کند که زنان ممکن است به طور متوسط احتمال بیشتری داشته باشند که فضاهای عمومی را کمتر امن بدانند. با این حال، مردان نیز ترس‌های مشابهی دارند، اما احتمالاً در نظرسنجی‌ها تا حدودی از هنجارهای اجتماعی پیروی نمی‌کنند. به این دلایل، بررسی تفاوت‌های جنسیتی در درک ایمنی به جای درک مطلق زنان از ایمنی مفید است (ایت بیهی اووالی^۳ و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۲). در ترویج استفاده پایدار از حمل و نقل عمومی، تجربه حمل و نقل عمومی باید برای همه مسافران خوشایند باشد. با این حال، اساس یک سفر دلپذیر، ایمنی و امنیت شخصی مسافران است. متأسفانه، حمل و نقل عمومی به خودی خود ریسک ایمنی و امنیت بالاتری را به همراه دارد زیرا تعداد بیشتری از مسافران را در یک زمان منتقل می‌کند. بنابراین استفاده از حمل و نقل عمومی درجه مواجهه احتمالی با نگرانی‌های ایمنی و امنیتی و در نتیجه درک مسافران از ایمنی و امنیت شخصی را افزایش می‌دهد (سام و آبان^۴، ۲۰۱۷، ص. ۱۰۲).

¹. Kacharo

². King

³. Ait Bihi Ouali

⁴. Sam & Abane

مطالعات مختلفی در حوزه ایمنی و امنیت حمل و نقل عمومی صورت گرفته که در ادامه به آن اشاره می کنیم. آرایا^۱ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی ایمنی و امنیت شخصی زنان را در حمل و نقل عمومی شهر مکه اتیوپی مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد ارائه خدمات حمل و نقل عمومی در شهر تا حد زیادی به جنسیت حساس نیست. ایمنی و امنیت زنان اغلب به دلیل هنجارها و ارزش های فرهنگی که در سفرهای روزانه آنها منعکس می شود، به خطر می افتد. آزار و اذیت در قالب آزار لفظی و روانی به ویژه در داخل حمل و نقل عمومی بیداد می کند. نتایج همچنین نشان می دهد که زنان در هنگام انتظار برای وسیله حمل و نقل و هنگام راه رفتن در خیابان ها برای گرفتن وسایل نقلیه عمومی مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند. ایت بیپی اووالی و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی تفاوت های جنسیتی در درک ایمنی و امنیت در حمل و نقل عمومی پرداختند. نتایج حاکی از شکاف قابل توجهی بین مردان و زنان در رضایت و ایمنی درک شده است. آن ها دریافتند که زنان ۱۰ درصد بیشتر از مردان در مترو و ۶ درصد بیشتر در اتوبوس احساس ناامنی می کنند. رومرو تورس و سكاتو^۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی ایمنی جوانان مکزیک در حمل و نقل عمومی پرداخته اند. نتایج پژوهش نشان داد زنان بیشتر از مردان در محیط های حمل و نقل عمومی و ترانزیتی قربانی می شوند. زنان به نسبت مردان قربانی تجاوزات جنسی می شوند. خطر آزار جنسی مردان به شیوه حمل و نقل بستگی ندارد، در حالی که برای زنان، این خطر هنگام استفاده از مترو در مقایسه با اتوبوس کاهش می یابد. قربانی شدن بر اساس نوع آزار جنسی (شایع ترین آزار جنسی کلامی) در اتوبوس و مترو متفاوت است، اما ممکن است در طول سفر متفاوت باشد. ادراک ایمنی بر اساس نوع مسافران (زنان احساس ترس بیشتری نسبت به مردان دارند) و انواع سفرها در اتوبوس و مترو و در مسیر به سمت گره های حمل و نقل (ایستگاه های اتوبوس و ایستگاه های مترو) متفاوت است. دانشجویان اعلام کردند که در هنگام غروب و شب ترس بیشتری نسبت به روز دارند، که باعث می شود اقدامات احتیاطی در برابر قربانی شدن احتمالی انجام دهند، مانند اجتناب از سفر در طول عصر، اجتناب از مسیرهای خاص، استفاده از پایانه ها/ایستگاه های با نور مناسب، سفر با دیگران و یا حتی حمل سلاح. توکیا و شیوما^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی امنیت و ایمنی زنان در حمل و نقل بنگلادش پرداخته اند. نتایج پژوهش نشان داد بروز آزار و اذیت جنسی یک پدیده رایج است. با افزایش تعداد دفعات استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی، فراوانی آزار جنسی افزایش می یابد. بعلاوه، قربانیان از اطرافیان خود که از حادثه آگاه بودند کمک دریافت نمی کردند و شاهدان به دلیل ترس از عواقب شخصی، کمتر به قربانی کمک می کردند. در نهایت، بخش قابل توجهی از پاسخ دهندگان بر این عقیده هستند که باید اقدامات جدی برای رسیدگی به آزار جنسی در حمل و نقل

1. Araya

2. Romero-Torres & Ceccato

3. Tokey & Shioma

عمومی انجام شود. کوریه^۱ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی عوامل موثر بر درک ایمنی در حمل و نقل عمومی را با استفاده از یک تحلیل تجربی از یک نظرسنجی از جوانان در شهر ملبورن استرالیا بررسی کردند. نتایج نشان دادند که تأثیرات روان‌شناختی، یعنی «احساس راحتی با افرادی که در حمل و نقل عمومی نمی‌شناسید»، بیشترین تأثیر فردی را بر ادراک ایمنی با تأثیر متوسط داشت. جنسیت و تجربیات واقعی حادثه ایمنی شخصی نیز بر ادراک ایمنی شخصی تأثیر گذاشت، اما با اندازه اثر کوچک. به طور کلی، این تحقیق نشان می‌دهد که احساس اضطراب و ناراحتی مرتبط با سفر با افراد ناشناس، تأثیرگذارترین عاملی است که باعث ایجاد احساسات منفی ایمنی شخصی در حمل و نقل عمومی می‌شود. مجد^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی عواملی که باعث می‌شود زنان در ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی احساس امنیت کنند می‌پردازد. نتایج نشان داد طراحی سکوی مترو بر درک کاربر از ایمنی شخصی تأثیر می‌گذارد. پاسخ دهندگان "روشنایی" و "سایر مسافران" را به عنوان اولین و دومین ویژگی مهم رتبه بندی کردند. سایر ابزارهای رایج پیشگیری از جرم مانند دوربین‌های امنیتی و تلفن‌های اضطراری به ترتیب در رتبه‌های چهارم و پنجم قرار گرفتند. تفاوت معنی‌داری در رتبه‌بندی بین شرکت‌کنندگان مرد و زن وجود نداشت. یافته‌های پژوهشی از این فرض رایج در میان مقامات حمل و نقل عمومی حمایت می‌کند که مسافران زن حضور افسران پلیس را بر هر سخت‌افزار امنیتی ترجیح می‌دهند. دلبوسکه و کوریه (۲۰۱۲) در پژوهشی علل و تأثیرات ادراکات ایمنی شخصی بر مسافران حمل و نقل عمومی را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد بیشترین تأثیر مستقیم بر احساس ایمنی در حمل و نقل عمومی، اعتماد به دیگران و احساس امنیت در خانه یا خیابان در شب بود. جنسیت و سن معمولاً در ادبیات تأثیر دارند، اما در مدل این پژوهش تأثیر آنها بر احساس ایمنی غیرمستقیم بود. مجموع اثر غیرمستقیم سن بیشتر از اثر غیرمستقیم جنسیت بود. احساس امنیت تأثیر مثبت کوچک اما معناداری بر میزان استفاده مردم از وسایل حمل و نقل عمومی داشت. نسترن و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به تبیین و ارزیابی معیارهای آسایش و آرامش در حمل و نقل عمومی درون شهری پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که آسایش و آرامش در سفرهای درون شهری توسط ناوگان حمل و نقل عمومی متأثر از پنج عامل است که یکی از آن عوامل ایمنی و امنیت است. سقایی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی میزان رضایتمندی شهروندان شهر اصفهان از شبکه حمل و نقل عمومی و عوامل موثر بر آن پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد بین متغیر امنیت و ایمنی با رضایت‌داری از شبکه حمل و نقل عمومی رابطه معناداری وجود ندارد. میرمقتدایی و عدلی (۱۳۹۷) در پژوهشی توسعه شهری مبتنی بر حمل و نقل عمومی و امنیت زنان را بررسی کرده‌اند. در این پژوهش با استفاده از معیارهای عینی «استاندارد ارزیابی تحقق اصول توسعه شهری مبتنی بر حمل و نقل همگانی» و اطلاعات شاخص‌های ذهنی حاصل از مصاحبه با زنان، با

1. Currie

2. Majd

ارزیابی محدوده ایستگاه مترو اکباتان (به عنوان نمونه) وضعیت امنیت زنان بررسی شده است. نتایج مطالعه نشان می دهد که اکثر زنان تمایل دارند به صورت پیاده به مترو تردد کنند و اغلب در ساعات روز یا در مسیرهای شلوغ تر رفت و آمد می کنند. زیاری و ترکمن نیا (۱۳۹۲) در پژوهشی میزان برخورداری زنان از سیستم حمل و نقل درون شهری را بررسی کرده اند. نتایج نشان داد ۹۶ درصد زنان ساعات قبل از تاریکی را برای سفرهای خود انتخاب کرده اند که اوج ساعات سفرهای روزانه آنها در روز زمان ظهر می باشد و دلیل استفاده کم از حمل و نقل عمومی در ساعات پایانی روز را مشکل عدم امنیت بیان کرده اند.

سوابق پژوهش نشان می دهد که محققان برای ارزیابی ایمنی و امنیت کاربران در محیط های حمل و نقل عمومی بیشتر بر متغیرها و حوادث امنیتی مبتنی بر جنسیت مانند تجاوز جنسی تأکید و متمرکز شده اند و کمتر به متغیرهای امنیتی دیگر پرداخته اند یا اگر پرداخته شده محدود به متغیرهای خاصی شده اند و جامعیتی در ارزیابی متغیرهای امنیتی دیده نمی شود در صورتی که ما در تحقیق خود سعی بر این داشته ایم که تعادل را در ارزیابی متغیرهای امنیتی رعایت کنیم و همچنین به مهم ترین متغیرهای امنیتی که می تواند در مکان های حمل و نقل عمومی رخ دهد بپردازیم. از طرف دیگر ما در پژوهش خود سعی کردیم متغیرهای مؤثر بر ادراک امنیت که به صورت پراکنده در تحقیقات مختلف استفاده شده اند را به صورت یک جا و به عنوان متغیرهای جدیدی مانند ویژگی های محیطی ایستگاه، ویژگی های روانشناختی کاربران و ویژگی های فردی کاربران ایجاد کنیم و در قالب عوامل مؤثر بر ادراک امنیت در مدل مفهومی پژوهش بکار بگیریم. مطالب بیان شده تفاوت کار ما با سایر محققان است.

شهر شیراز به عنوان یکی از کلان شهرهای ایران جمعیت زیادی را در خود جای داده است. جا به جایی این جمعیت زیاد در شبانه روز نیازمند یک سیستم حمل و نقل عمومی با کیفیت از هر نظر علی الخصوص ایمنی و امنیت بالا می باشد. چنانکه گفته شد سیستم حمل و نقل عمومی به خودی خود به علت حجم زیاد جمعیتی که جا به جا می کند و همچنین ویژگی های بصری و کالبدی بخشی از حمل و نقل عمومی (به عنوان مثال فضای بسته و زیرزمینی مترو) پتانسیل ناامنی را در خود دارد. با توجه به اینکه بخش بزرگی از جمعیت استفاده کننده از سیستم حمل و نقل عمومی شهر شیراز زنان هستند که نسبت به سایر گروه های اجتماعی دیگر آسیب پذیرتر هستند و با توجه به تجارب جهانی در خصوص وقوع حوادث ایمنی و امنیتی در حمل و نقل عمومی که برای زنان اتفاق افتاده است این اهمیت مسئله را دوچندان می کند و باید معیارهای ایمنی و امنیت حمل و نقل عمومی شهر شیراز را ارزیابی کرد تا نواقص مشخص و مرتفع گردد و حمل و نقل عمومی با کیفیتی در اختیار شهروندان علی الخصوص زنان قرار گیرد. از این رو این پژوهش اهداف ذیل را دنبال می کند: بررسی سطح ایمنی و امنیت ایستگاه متروی نمازی شهر شیراز از دیدگاه کاربران آن، مقایسه ادراک زنان و مردان از وضعیت امنیت و ایمنی ایستگاه متروی نمازی شهر شیراز، بررسی عوامل تأثیرگذار بر ادراک امنیت و ایمنی ایستگاه متروی نمازی شهر شیراز.

۲. روش شناسی

۲.۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و بر اساس ماهیت و روش توصیفی از نوع پیمایشی است. گردآوری داده‌های پژوهش، میدانی و از طریق پرسشنامه صورت پذیرفت. جامعه آماری تحقیق، کاربران ایستگاه مترو نمازی شهرشیراز در سال ۱۴۰۲ است. به دلیل عدم دسترسی به آمار دقیق تعداد کاربران ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز، برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران برای حالت نامعلوم بودن جامعه آماری استفاده شد. حجم نمونه با توجه به جامعه نامحدود با استفاده از فرمول کوکران برای جوامع نامحدود (معادله ۱) و با در نظر گرفتن خطای نمونه گیری ۵ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد و بالاترین واریانس ممکن ($p=0/5$ و $q=0/5$) صورت پذیرفت. که در آن n حجم نمونه، Z سطح اطمینان قابل قبول ($Z=1/96$)، p نسبتی از جمعیت دارای صفت معین، q نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین و d دقت احتمالی مطلوب یا فاصله اطمینان ($d=0/05$) است. به این ترتیب، حجم نمونه ۳۸۴ نفر محاسبه شد که بالاترین حجم نمونه برای جوامع نامحدود می باشد.

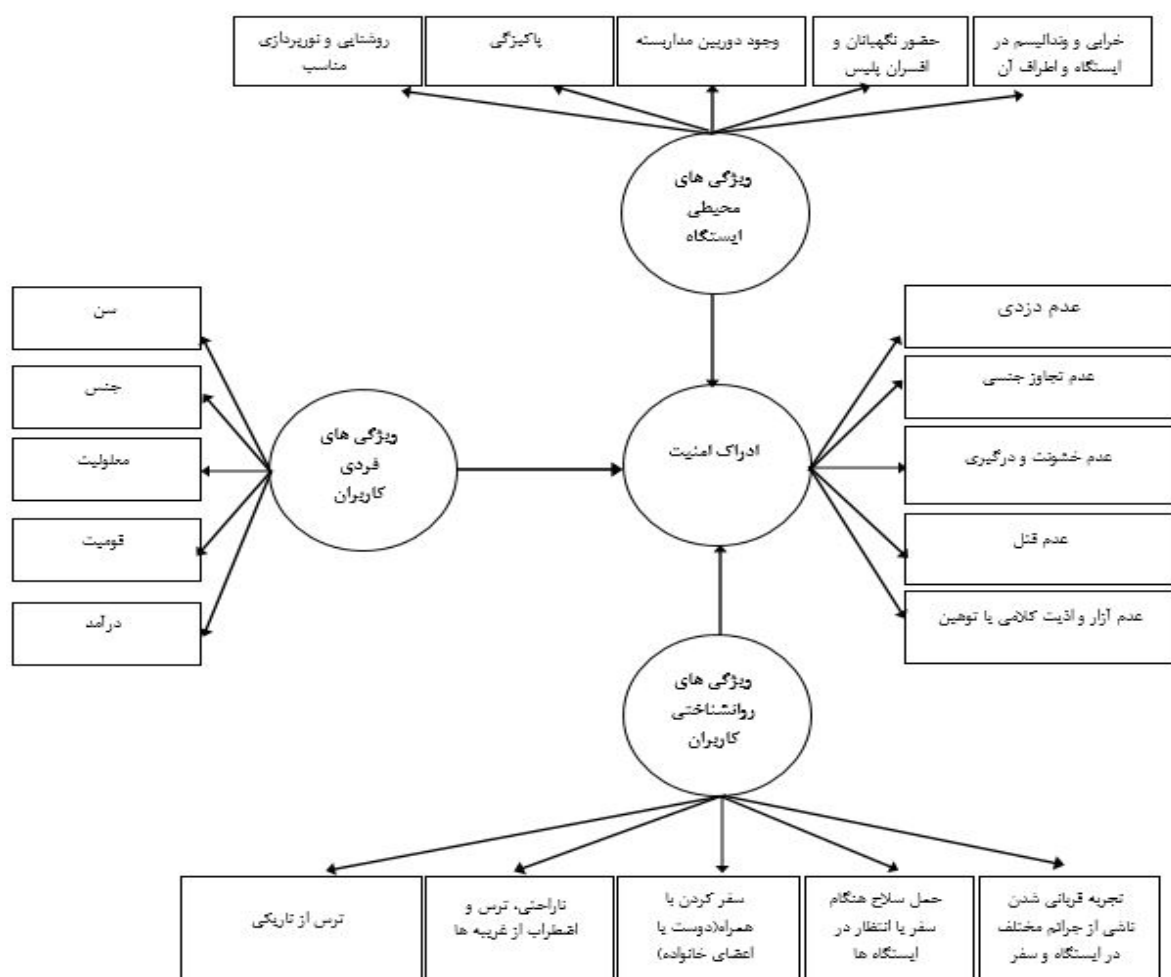
$$n = \frac{z^2 pq}{d^2} = \frac{(1/96)^2 (0/5)(0/5)}{(0/5)^2} = 384$$

معادله (۱)

نماگرهای مربوط به متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش از منابع مرتبط استخراج و پرسشنامه توسط محققین پژوهش حاضر طراحی گردید. پرسشنامه به دو بخش اصلی تقسیم می شود: بخش اول سوالات مربوط به ویژگی های فردی کاربران ایستگاه مترو نمازی شهرشیراز و بخش دوم یک سری سوالات در قالب طیف از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم می باشد که مربوط به سنجش متغیرهای مورد مطالعه می باشد. پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ (کلی) برابر ۰/۸۴۱ محاسبه شده است. مقدار آلفای کرونباخ هر یک از متغیرهای پژوهش در جدول (۱) نمایان است که مقادیر به دست آمده نشانگر پایایی مطلوب و به عبارتی اعتبار پرسشنامه است. پرسشنامه پژوهش در اواخر خرداد و اوایل تیر ۱۴۰۲ در بین کاربران ایستگاه مترو نمازی شهرشیراز توزیع گردید. برای توزیع و تکمیل پرسشنامه از شیوه تصادفی ساده استفاده شد. با توجه به حجم نمونه محاسبه شده، ۳۸۴ عدد پرسشنامه در بین کاربران ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز توزیع شد که همه ۳۸۴ عدد پرسشنامه تکمیل و با موفقیت عودت داده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزارهای EQS و SPSS و از روش های آمار توصیفی (درصد ویژگی های فردی کاربران) و استنباطی (آزمون T تک نمونه ای، آزمون تی مستقل و مدلسازی معادلات ساختاری (تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل مسیر)) استفاده شده است. در ادامه شکل (۱) مدل مفهومی پژوهش را نشان می دهد.

جدول ۱. متغیرهای پژوهش و شاخص‌های سنجش

متغیر	شاخص	مقدار آلفای کرونباخ
امنیت	عدم دزدی، عدم تجاوز جنسی، عدم خشونت و درگیری، عدم قتل، عدم آزار و اذیت کلامی یا توهین	۰/۷۷۶
ویژگی‌های روانشناختی کاربران	ترس از تاریکی، ناراحتی، ترس و اضطراب از غریبه‌ها، سفر کردن با همراه (دوست یا اعضای خانواده)، حمل سلاح هنگام سفر یا انتظار در ایستگاه، تجربه قربانی شدن ناشی از جرائم مختلف در ایستگاه و سفر	۰/۸۸۲
ویژگی‌های محیطی ایستگاه مترو	روشنایی و نورپردازی مناسب، پاکیزگی، وجود دوربین مداربسته، حضور نگهبانان و افسران پلیس، خرابی و وندالیسم در ایستگاه و اطراف آن	۰/۷۶۵
ویژگی‌های فردی کاربران	سن، جنس، معلولیت جسمی - حرکتی، قومیت، درآمد	۰/۷۴۱



شکل ۱. مدل مفهومی عوامل تأثیرگذار بر ادراک امنیت کاربران از ایستگاه حمل و نقل عمومی

در جدول ۲ نیز به مأخذشناسی شاخص‌های پژوهش بر اساس دیدگاه محققین و منابع مرتبط پرداخته می‌شود.

جدول ۲. شاخص‌های سنجش متغیرهای پژوهش بر اساس دیدگاه محققین و منابع مرتبط

متغیر	شاخص	مأخذ
امنیت	عدم دزدی	ایودیکی ^۱ و همکاران (۲۰۱۷)، اولوجد و همکاران (۲۰۱۷)
	عدم تجاوز جنسی	رومرو تورس و سِکاتو (۲۰۲۰)؛ اولوجد و همکاران (۲۰۱۷)؛ دینگ ^۲ و همکاران (۲۰۲۰)؛ سِکاتو و لوکایتو سیدریس ^۳ (۲۰۲۱)
	عدم خشونت و درگیری	اولوجد و همکاران (۲۰۱۷)
	عدم قتل	اولوجد و همکاران (۲۰۱۷)؛ دینگ و همکاران (۲۰۲۰)؛ سِکاتو و لوکایتو سیدریس (۲۰۲۱)
	عدم آزار و اذیت کلامی یا توهین	دینگ و همکاران (۲۰۲۰)؛ سِکاتو و لوکایتو سیدریس (۲۰۲۱)
	ترس از تاریکی	کوریه و همکاران (۲۰۱۳)؛ لوکایتو سیدریس ^۴ (۲۰۰۹)؛ اسمیت و کورنیش ^۵ (۲۰۱۲)؛ یاوز و ولج ^۶ (۲۰۱۰)؛
ویژگی‌های روانشناختی کاربران	ناراحتی، ترس و اضطراب از غریبه‌ها	کوریه و همکاران (۲۰۱۳)؛
	سفر کردن با همراه (دوست یا اعضای خانواده)	رومرو تورس و سِکاتو (۲۰۲۰)
	حمل سلاح هنگام سفر یا انتظار در ایستگاه	رومرو تورس و سِکاتو (۲۰۲۰)
	تجربه قربانی شدن ناشی از جرائم مختلف در ایستگاه و سفر	یاتس و سِکاتو ^۷ (۲۰۲۰)؛ هیرتنلنر و فارال ^۸ (۲۰۱۴)
ویژگی‌های محیطی	روشنایی و نورپردازی مناسب	رومرو تورس و سِکاتو (۲۰۲۰)؛ کوریه و همکاران (۲۰۱۳)، مجد (۲۰۱۳)
ایستگاه مترو	پاکیزگی	لوکایتو سیدریس (۲۰۰۹)
	وجود دوربین مداربسته	مجد (۲۰۱۳)؛ لوکایتو سیدریس (۲۰۰۹)
	حضور نگهبانان و افسران پلیس	مجد (۲۰۱۳)؛ لوکایتو سیدریس (۲۰۰۹)

1. Iudici

2. Ding

3. Ceccato & Loukaitou-Sideris

4. Loukaitou-Sideris

5. Smith & Cornish

6. Yavuz & Welch

7. Yates & Ceccato

8. Hirtenlehner & Farrall

خرابی و وندالیسم در ایستگاه و اطراف آن	لوکایتوئو سیدیریس (۲۰۰۹)
سن	لاگرانگ و فرارو ^۱ ؛ فورستنبرگ ^۲ (۱۹۷۱)
ویژگی های فردی کاربران	جنس
معلومات جسمی - حرکتی	سکاتو و لوکایتوئو سیدیریس (۲۰۲۲)
قومیت	ایودیکی و همکاران (۲۰۱۷)
درآمد	سکاتو و لوکایتوئو سیدیریس (۲۰۲۲)
	یاتس و سکاتو (۲۰۲۰)

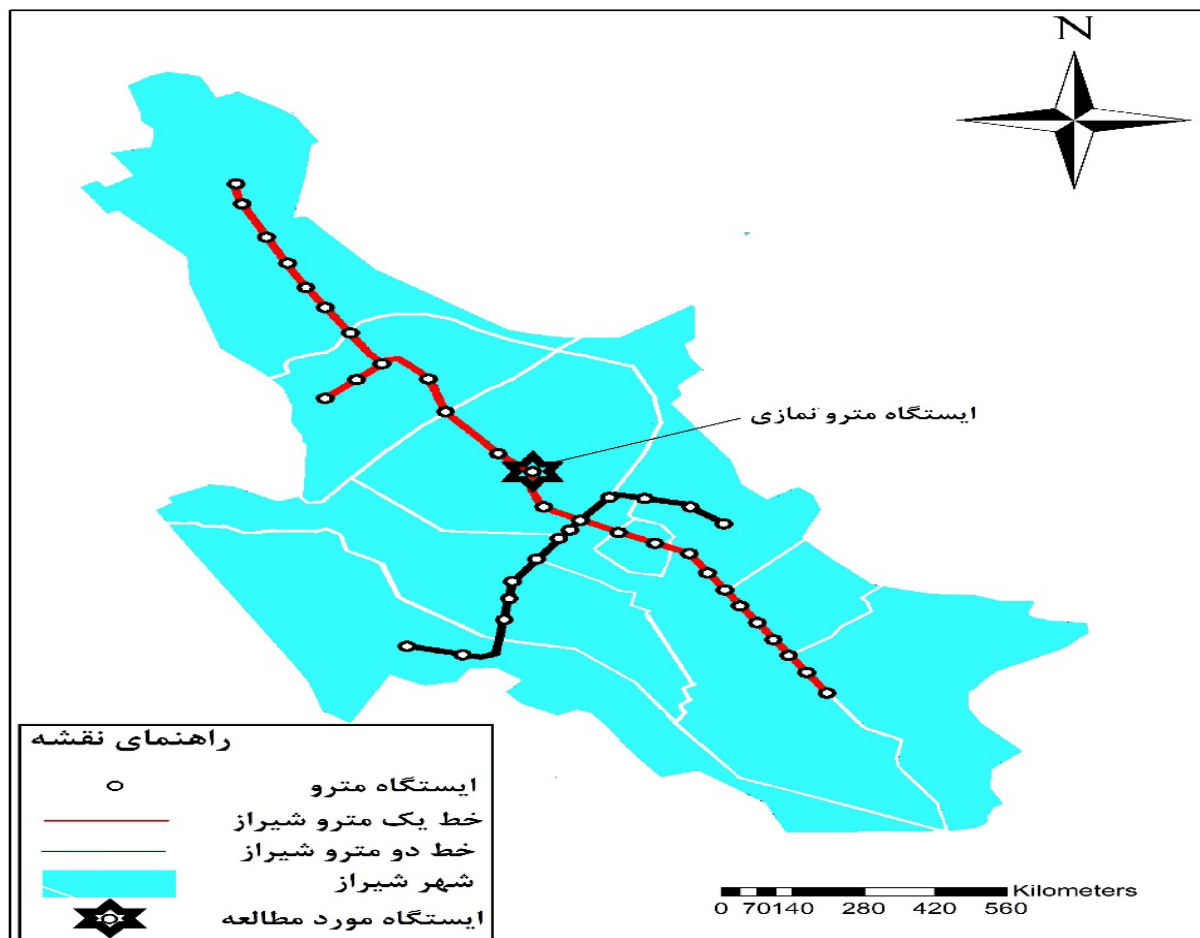
۲.۲. محدوده مورد مطالعه

شیراز در بخش مرکزی استان فارس، در طول شرقی ۵۲ درجه و ۴۰ دقیقه و در عرض شمالی ۲۹ درجه و ۳۸ دقیقه قرار گرفته است. این شهر در ارتفاع ۱۴۸۶ متر بالاتر از سطح دریا و در منطقه کوهستانی زاگرس واقع شده و آب و هوای معتدلی دارد. شهرداری شیراز به ۱۱ منطقه مستقل شهری تقسیم شده و جمعاً مساحتی بالغ بر ۲۴۰ کیلومتر مربع را شامل می شود. جمعیت شهر شیراز طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر با ۱/۵۶۵/۵۷۲ تن بوده که این رقم با احتساب جمعیت ساکن در حومه ی شهر به ۱/۸۶۹/۰۰۱ تن می رسد (معاونت برنامه ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری شیراز، ۱۳۹۸).

شهر شیراز در سال های اخیر مجهز به خطوط مترو شده است. مترو شیراز در کل ۶ خط دارد که این مسیرها مجموعاً ۹۳.۳ کیلومتر خواهند بود. در بین این شش خط مترو فقط خطوط یک با ۲۰ ایستگاه فعال و خط دو با سه ایستگاه فعال مورد استفاده قرار می گیرد و بقیه خطوط در حال ساخت یا در فاز مطالعاتی است (سازمان حمل و نقل ریلی و قطار شهری شیراز، ۱۴۰۲). خط یک قطار شهری شیراز به طول ۵/۲۴ کیلومتر، اتصال محدوده شرق را به غرب کلانشهر شیراز میسر می نماید. این خط شامل ۲۰ ایستگاه مسافربری می باشد که اولین ایستگاه در میدان ا... (گل سرخ - شرق شیراز) واقع شده و به آخرین ایستگاه در میدان احسان (غرب شیراز) ختم می گردد. در بین ایستگاه های فعال خط یک، ایستگاه نمازی در محل تقاطع خیابان زند و خیابان ملاصدرا و در میدان نمازی در محدوده شهرداری منطقه یک شیراز قرار دارد. این ایستگاه با مساحت ۶۸۲۰ مترمربع و عمق ایستگاه ۸۳/۱۵ متر از نوع عمیق (۲ طبقه)، سکو جزیره ای دارای ۴ دروازه ورودی، خروجی می باشد (سازمان حمل و نقل ریلی و قطار شهری شیراز، ۱۴۰۲).

^۱. Lagrange & Ferraro

^۲. Furstenberg



شکل ۲. نقشه محدوده مورد مطالعه

۳. یافته ها

جدول (۳) بیانگر نتایج به دست آمده از ویژگی های فردی کاربران ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز است. بررسی مربوط به ویژگی های فردی کاربران ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز نشان می دهد که بیشترین درصد سنی کاربران مربوط به بازه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال با ۳۷/۷۷ درصد و کمترین درصد مربوط به بازه سنی زیر ۲۰ سال با ۵/۲۱ درصد است. ۴۷/۹۲ درصد از پاسخگویان را مردان و ۵۲/۰۸ درصد را زنان تشکیل می دهند. بررسی وضعیت معلولیت جسمی-حرکتی پاسخگویان نشان می دهد فقط ۱/۰۴ درصد پاسخگویان دچار معلولیت هستند. وضعیت قومیت پاسخگویان نشان می دهد بیشترین درصد قومیت پاسخگویان فارس با ۶۵/۱ درصد و کم ترین درصد قومیت مربوط به قومیت بلوچ با ۳/۱ درصد می باشد. از لحاظ وضعیت درآمدی کاربران بیشترین درصد (۳۹/۰۶) متعلق به بازه درآمدی پنج تا ده میلیون تومان و کم ترین درصد (۱۳/۰۲) متعلق به بازه درآمدی زیر یک میلیون تومان است.

جدول ۳. نتایج بررسی ویژگی های کاربران ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز

اطلاعات فردی	طبقه‌بندی	درصد	اطلاعات فردی	طبقه‌بندی	درصد
سن	زیر ۲۰ سال	۵/۲۱	معلولیت	بله	۱/۰۴
	۲۰-۳۰	۳۷/۷۷		خیر	۹۸/۹۶
	۳۱-۴۰	۲۴/۴۷	قومیت	فارس	۶۵/۱
				لر	۹/۱
	ترک			۸/۱	
	عرب			۹/۴	
	بلوچ			۳/۱	
	کرد			۵/۲	
	۵۱ به بالاتر	۹/۱۱		درآمد	زیر یک میلیون
	مرد	۴۷/۹۲	یک میلیون تا پنج میلیون		۲۶/۰۴
پنج میلیون تا ده میلیون			۳۹/۰۶		
ده میلیون به بالا			۲۱/۸۸		
جنس	زن	۵۲/۰۸			

مطابق با جدول ۴، وضعیت نماگرهای مربوط به سنجش میزان امنیت ایستگاه مترو نمازی شیراز از دیدگاه کاربران آن بیانگر آن است که بیشترین مقدار میانگین (۳/۸۳) مربوط به عدم خطر تجاوز جنسی و کمترین مقدار میانگین (۳/۳۶) مربوط به عدم آزار و اذیت کلامی یا توهین است. همچنین بر اساس نتایج آزمون T تک نمونه ای سطح امنیت ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز با میانگین (۳/۶۸) بالاتر از حد متوسط محاسبه شده (۳) می باشد. از طرف دیگر اختلاف میانگین به دست آمده با حد متوسط محاسبه شده برابر با ۰/۶۸ است که اختلاف مثبتی را نشان می دهد و بیانگر وضعیت مطلوب امنیت در ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز است و با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ محاسبه شده (۰/۰۰۰)، مورد تأیید قرار می گیرد. با در نظر گرفتن میانگین (۵) که بالاترین سطح امنیت در ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز می باشد میانگین به دست آمده (۳/۶۸) نشان می دهد علیرغم مطلوبیت سطح امنیت ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز از دیدگاه کاربران آن نسبت به حد متوسط (۳) همچنان امنیت ایستگاه مترو نمازی نسبت به بالاترین سطح اختلافی منفی برابر با ۱/۳۲ دارد. این سطح از اختلاف منفی ناشی از پایین بودن میزان برخی از شاخص های امنیت از جمله عدم آزار و اذیت کلامی یا توهین و عدم خشونت و درگیری می باشد. البته لازم به ذکر است هیچ مکان یا محیطی نمی تواند ادعای داشتن امنیت کامل داشته باشد و سطحی از ناامنی در هر محیطی وجود دارد.

جدول ۴. میانگین نماگرها و آزمون T تک نمونه‌ای میزان امنیت ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز از دیدگاه کاربران آن (زن و مرد)

نماگر		میانگین	انحراف معیار	
عدم دزدی		۳/۷۷	۰/۹۳	
عدم تجاوز جنسی		۳/۸۳	۰/۹۱	
عدم خشونت و درگیری		۳/۶۹	۰/۹۵	
عدم قتل		۳/۷۴	۱/۱۱	
عدم آزار و اذیت کلامی یا توهین		۳/۳۶	۱/۲۰	
نتایج T تک نمونه‌ای				
مقدار T	میانگین	حد وسط	اختلاف	سطح معناداری
۱۷/۸۹	۳/۶۸	۳	۳/۳-۶۸=۰/۶۸	۰/۰۰۰

مطابق با جدول ۵، وضعیت نماگرهای مربوط به سنجش میزان امنیت ایستگاه مترو نمازی شیراز از دیدگاه کاربران زن آن بیانگر آن است که بیشترین مقدار میانگین (۳/۸۰) مربوط به عدم خطر دزدی و کمترین مقدار میانگین (۳/۲۹) مربوط به عدم آزار و اذیت کلامی یا توهین است. همچنین بر اساس نتایج آزمون T تک نمونه‌ای سطح امنیت ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز با میانگین (۳/۶۳) بالاتر از حد متوسط محاسبه شده (۳) می‌باشد. از طرف دیگر اختلاف میانگین به دست آمده با حد متوسط محاسبه شده برابر با ۰/۶۳ است که اختلاف مثبتی را نشان می‌دهد و بیانگر وضعیت مطلوب امنیت در ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز است و با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ محاسبه شده (۰/۰۰۰)، مورد تأیید قرار می‌گیرد. با در نظر گرفتن میانگین (۵) که بالاترین سطح امنیت در ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز می‌باشد میانگین به دست آمده (۳/۶۳) نشان می‌دهد علیرغم مطلوبیت سطح امنیت ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز از دیدگاه کاربران زن آن نسبت به حد متوسط (۳) همچنان امنیت ایستگاه مترو نمازی نسبت به بالاترین سطح اختلافی منفی برابر با ۱/۳۷ دارد. این سطح از اختلاف منفی ناشی از پایین بودن میزان برخی از شاخص‌های امنیت از جمله عدم آزار و اذیت کلامی یا توهین و عدم خشونت و درگیری می‌باشد.

جدول ۵. میانگین نماگرها و آزمون T تک نمونه‌ای میزان امنیت ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز از دیدگاه کاربران زن آن

نماگر	میانگین	انحراف معیار
عدم دزدی	۳/۸۰	۰/۹۲
عدم تجاوز جنسی	۳/۷۰	۰/۹۲

عدم خشونت و درگیری	۳/۶۷	۱/۱۱
عدم قتل	۳/۷۲	۰/۹۵
عدم آزار و اذیت کلامی یا توهین	۳/۲۹	۱/۱۹
نتایج T تک نمونه‌ای		
مقدار T	میانگین	حد وسط
۱۷/۴۱	۳/۶۳	۳
	اختلاف	سطح معناداری
	۳/۳-۶۳=۰/۶۳	۰/۰۰۰

نتایج بررسی مقایسه ای سطح امنیت ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز از دیدگاه کاربران زن و مرد: جدول (۶) توصیفی از متغیر ادراک امنیت در ایستگاه متروی نمازی شیراز بر حسب جنس است. مقادیر فراوانی هر گروه، میانگین، انحراف معیار در این جدول ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌گردد میانگین ادراک امنیت زنان در ایستگاه متروی نمازی شیراز برابر با ۳/۶۳ و میانگین ادراک امنیت مردها در ایستگاه متروی نمازی شیراز برابر با ۳/۷۳ به دست آمده است. زنان میانگین ادراک امنیت کم تری در ایستگاه متروی نمازی شهر شیراز دارند اما معنی دار بودن این تفاوت میانگین را باید با بررسی سطح معنی داری مشخص کرد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

جدول ۶. مقایسه ادراک امنیت در ایستگاه متروی نمازی شیراز بر حسب جنس

انحراف معیار	میانگین	تعداد	جنس
۰/۷۲	۳/۶۳	۲۰۰	زن
۰/۷۶	۳/۷۳	۱۸۴	مرد

در جدول (۷) نتایج آزمون T گروه های مستقل گزارش شده است. جدول زیر دارای دو بخش است. بخش اول مربوط به آزمون لَوْن است. از این آزمون جهت بررسی تفاوت واریانس های دو گروه استفاده می‌شود. کاربرد این آزمون بدین صورت است که چنانچه سطح معنی داری آزمون لَوْن بیشتر از ۰/۰۵ باشد از نتایج ردیف بالای آزمون تی استفاده می‌کنیم و اگر مقدار سطح معنی داری آزمون لَوْن کمتر از ۰/۰۵ باشد از نتایج ردیف پایین استفاده می‌کنیم.

مقدار سطح معنی داری آزمون لون (Sig) برابر با ۰/۸۲۱ به دست آمده است که بیشتر از مقدار ۰/۰۵ است، در نتیجه ما باید به نتایج ردیف بالای آزمون تی استناد کنیم. با توجه به سطح معنی داری (2-tailed) Sig آزمون تی مستقل که برابر با ۰/۱۸۳ به دست آمده است و بیشتر از مقدار مفروض ۰/۰۵ است نتیجه می‌گیریم که بین میانگین ادراک امنیت زنان و مردان در ایستگاه متروی نمازی شیراز تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین آزمون تی مستقل نشان داد تفاوت معنی داری بین ادراک امنیت زنان و مردان در ایستگاه

متروی نمازی شهر شیراز وجود ندارد ($\text{Sig} = ۰/۱۸۳$ و $\text{df} = ۳۸۲$ و $T = ۱/۳۳۴$). میانگین ادراک امنیت زنان در ایستگاه متروی نمازی شیراز $۳/۶۳$ و میانگین ادراک مردان در ایستگاه متروی نمازی شیراز $۳/۷۳$ است و این تفاوت از جنبه آماری معنی دار نیست.

جدول ۷. نتایج آزمون T مستقل جهت بررسی معناداری تفاوت ادراک امنیت زنان و مردان در ایستگاه مترو

نمازی شهر شیراز

		آزمون T: سنجش برابری میانگین ها		آزمون لون برای سنجش برابری واریانس ها			
		Mean Diferent	Sig(2-tailed)	df	T	Sig	F
امنیت	واریانس ها برابر فرض شده است	۰/۱۰۲	۰/۱۸۳	۳۸۲	۱/۳۳۴	۰/۸۲۱	۰/۰۵۱
	واریانس ها برابر فرض نشده است	۰/۱۰۲	۰/۱۸۲	۳۸۲	۱/۳۳۶		

نتایج مدل معادلات ساختاری عوامل مؤثر بر ادراک امنیت کاربران از ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز:

برای انجام یک مدل معادلات ساختاری در ابتدا به بررسی تحلیل عاملی تأییدی سپس ارزیابی برازش مدل اندازه گیری و در نهایت بررسی ضرایب مسیر و تأیید یا رد مسیرهای مدل پرداخته می شود. یک مدل کامل معادلات ساختاری بیانگر ترکیبی از نمودار مسیر و تحلیل عاملی تأییدی است.

نتایج تحلیل عاملی تأییدی معادلات ساختاری پژوهش: تحلیل عاملی تأییدی این مطلب را که آیا

گویه‌هایی که برای معرفی هر بُعد ارائه شده‌اند معرف آن هستند یا نه، می‌آزماید و سپس گزارش می‌دهد که گویه‌های انتخابی با چه دقتی معرف یا برازنده عامل یا متغیر پنهان خود هستند. بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار ارتباط گویه‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شوند که اگر این مقدار برابر یا بیشتر از مقدار $(۰/۴)$ شود بیانگر این است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیش‌تر بوده و پایایی در مورد آن مدل اندازه‌گیری قابل قبول است. چنانچه از این مقدار پایین‌تر باشند باید آن را از مدل تحقیق حذف کرد.

مطابق با جدول ۸، نتایج نشان می‌دهد همه بارهای عاملی بالاتر از $۰/۴$ هستند. برای گویه‌های امنیت بیش‌ترین بار عاملی مربوط به عدم قتل با بار عاملی $۰/۶۷$ و کم‌ترین بار عاملی مربوط به عدم آزار و اذیت کلامی یا توهین با بار عاملی $۰/۵۵$ می‌باشد. برای گویه‌های ویژگی‌های محیطی ایستگاه مترو بیش‌ترین بار عاملی مربوط به پاکیزگی با بار عاملی $۰/۸۰$ و کم‌ترین بار عاملی مربوط به خرابی و وندالیسم در ایستگاه و

اطراف آن با بار عاملی ۰/۵۳ می‌باشد. برای گویه‌های ویژگی‌های روانشناختی کاربران بیش‌ترین بارعاملی مربوط به سفر کردن با همراه (دوست یا اعضای خانواده) با بار عاملی ۰/۷۶ و کم‌ترین بارعاملی مربوط به تجربه قربانی شدن ناشی از جرائم مختلف در ایستگاه و سفر با بار عاملی ۰/۶۲ می‌باشد. برای گویه‌های ویژگی‌های فردی کاربران بیش‌ترین بارعاملی مربوط به معلولیت جسمی حرکتی با بارعاملی ۰/۸۲ و کم‌ترین بارعاملی مربوط به سن با بارعاملی ۰/۴۲ می‌باشد.

جدول ۸. نتایج تحلیل عاملی تأییدی جهت سنجش میزان دقت و معرف بودن شاخص‌های امنیت، ویژگی‌های محیطی ایستگاه مترو، ویژگی‌های روانشناختی کاربران، ویژگی‌های فردی کاربران ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز برای استفاده در مدل ساختاری

متغیر	شاخص	علامت اختصاری در مدل	بار عاملی	آماره معناداری
امنیت (F4)	عدم دزدی	X5.2.7	۰/۶۲	-
	عدم تجاوز جنسی	X5.2.8	۰/۶۴	۵/۸۱
	عدم خشونت و درگیری	X5.2.9	۰/۶۴	۵/۸۱
	عدم قتل	X5.2.10	۰/۶۷	۶/۱۸
	عدم آزار و اذیت کلامی یا توهین	X5.2.11	۰/۵۵	۵/۱۷
ویژگی‌های محیطی ایستگاه مترو (F3)	روشنایی و نورپردازی مناسب	X4.2.6	۰/۶۰	-
	پاکیزگی	X4.2.7	۰/۸۰	۷/۱۲
	وجود دوربین مداربسته	X4.2.8	۰/۶۶	۶/۱۱
	حضور نگهبانان و افسران پلیس	X4.3.9	۰/۴۷	۴/۴۷
	خرابی و وندالیسم در ایستگاه و اطراف آن	X4.3.10	۰/۵۳	۵/۱۰
	ترس از تاریکی	X4.3.11	۰/۶۶	-
ویژگی‌های روانشناختی کاربران (F2)	ناراحتی، ترس و اضطراب از غریبه‌ها	X4.4.12	۰/۷۴	۶/۴۴
	سفر کردن با همراه (دوست یا اعضای خانواده)	X4.4.13	۰/۷۶	۶/۴۷
	حمل سلاح هنگام سفر یا انتظار در ایستگاه	X4.4.14	۰/۶۷	۶/۱۸
	تجربه قربانی شدن ناشی از جرائم مختلف در ایستگاه و سفر	X4.5.15	۰/۶۲	۵/۷۷
ویژگی‌های فردی کاربران (F1)	سن	X4.1.1	۰/۴۲	-
	جنسیت	X4.1.2	۰/۷۰	۶/۶۲
	معلولیت جسمی حرکتی	X4.1.3	۰/۸۲	۷/۲۷
	قومیت	X4.1.4	۰/۷۱	۶/۶۴
	درآمد	X4.2.5	۰/۵۴	۵/۱۵

نتایج بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش: پس از انجام عملیات تحلیل عاملی تأییدی و اجرای مدل ساختاری به بررسی میزان برازش مدل پرداخته شد. جهت بررسی میزان برازش مدل تحقیق از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌شود. جهت ارزیابی برازش مدل در معادلات ساختاری آماره‌های مختلفی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از (X^2 , RMSEA, CFI). مقدار کای اسکوئر (X^2) در این مدل برابر با ۴۴/۱۴ می‌باشد اما معمولاً این شاخص به دلیل حساس بودن به حجم نمونه مناسب نیست و باید کای اسکوئر به هنجار شود. یکی از شاخص‌های عمومی برای به حساب آوردن پارامترهای آزاد در محاسبه شاخص‌های برازش، شاخص خی دو بهنجار یا Normed Chi_square است که از نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی (X^2/DF) مدل محاسبه می‌شود. توافق جمعی بر سر مقدار قابل قبول بودن این شاخص وجود ندارد. برخی حتی تا مقدار بسیار زیاد ۵ را نیز برای آن متناسب دیده‌اند. این مقدار را به عنوان برازش متوسط یا نسبتاً مطلوب در نظر می‌گیرند یعنی از ۳ تا ۵. برخی مقدار بین ۱ تا ۲ (مقدار کمتر از ۲) و ۱ تا ۳ را به عنوان بهترین نسبت برای این شاخص در نظر گرفته‌اند. مطابق با جدول ۹، مقدار نسبت کای اسکوئر (۴۴/۱۴) به درجه آزادی (۱۸) برابر با ۲/۴۵ است.

یکی دیگر از مهم‌ترین شاخص‌های برازش مدل، آماره خطای مجموع مجزورات میانگین^۱ (RMSEA) است. اگر مقدار این شاخص کوچکتر از ۰/۰۱ باشد برازندگی مدل بسیار عالی است اگر بین ۰/۰۱ و ۰/۰۵ باشد برازندگی مدل خوب است و اگر بین ۰/۰۵ و ۰/۰۸ باشد برازندگی مدل متوسط است. با این حال بیش‌تر پژوهشگران از این قاعده استفاده می‌کنند که اگر شاخص RMSEA کوچک‌تر از ۰/۱ باشد برازندگی مدل خوب است. مطابق با جدول ۹، مقدار خطای مجموع مجزورات میانگین (RMSEA) به دست آمده مدل برابر با ۰/۰۶ است که برازش نسبتاً مطلوب و متوسط مدل را نشان می‌دهد. شاخص دیگری که برای برازش مدل به کار می‌رود شاخص برازش تطبیقی یا مقایسه‌ای است. هر چه مقدار شاخص برازش مقایسه‌ای^۲ (CFI) به ۱ نزدیک‌تر باشد مدل از برازندگی بهتری برخوردار است. در این مدل مقدار این شاخص ۰/۹۶ برآورد شده است که نشان دهنده برازش مناسب مدل می‌باشد. شاخص‌های دیگر برازندگی مدل عبارت‌اند از شاخص نیکویی برازش^۳ (GFI) با مقدار ۰/۹۳، شاخص نرمال شده برازندگی^۴ (NFI) با مقدار ۰/۹۴، شاخص میانگین مجذور باقی مانده‌ها^۵ (RMR) با مقدار ۰/۰۴ و شاخص برازندگی فزاینده^۶ (IFI) با مقدار ۰/۹۵ هر کدام برازندگی مدل ساختاری پژوهش را تأیید می‌کنند (جدول ۹).

۱. Root Mean Square Error of Approximation

۲. Comparative Fit Index

۳. Goodness of fit index

۴. Normed Fit Index

۵. Root Mean Square Residual

۶. Incremental Fit Index

جدول ۹. نتایج به دست آمده از شاخص‌های برازش مدل پژوهش

نام شاخص	علائم اختصاری	دامنه مقبول	مقدار
نسبت کای اسکور به درجه آزادی	X2/DF	کمتر از ۳	۲/۴۵
خطای مجموع مجزورات میانگین	RMSEA	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۶
شاخص برازش تطبیقی	CFI	بزرگتر از ۰/۹	۰/۹۶
شاخص نیکویی برازش	GFI	بزرگتر از ۰/۹	۰/۹۳
شاخص نرمال شده برازندگی	NFI	بزرگتر از ۰/۹	۰/۹۴
شاخص میانگین مجذور باقی مانده‌ها	RMR	کمتر از ۰/۰۵	۰/۰۴
شاخص برازندگی فزاینده	IFI	بزرگتر از ۰/۹	۰/۹۳

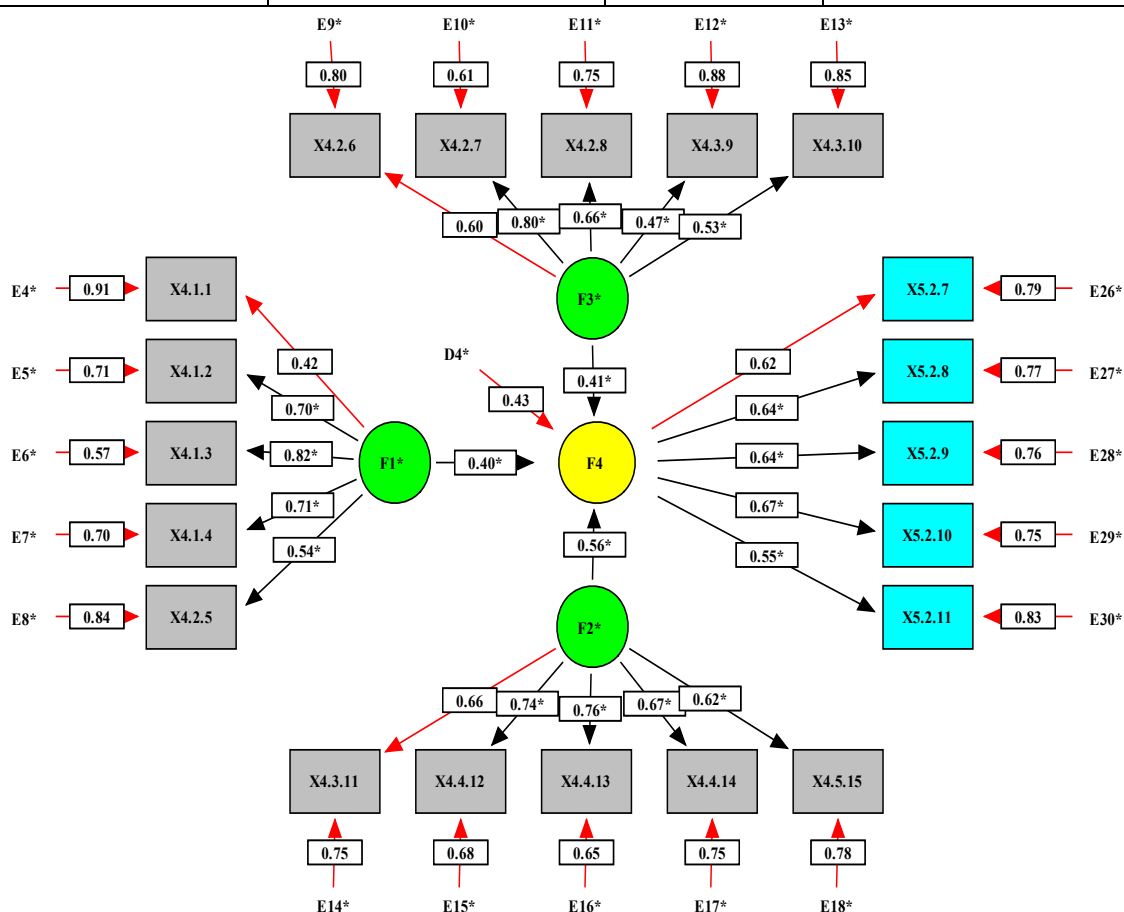


Figure X: EQS 6 security and safety in public transport.eds Chi Sq=44.14 P=0.05 CFI=0.96 RMSEA=0.06

شکل ۳. ضرایب مسیر استاندارد مدل ساختاری پژوهش

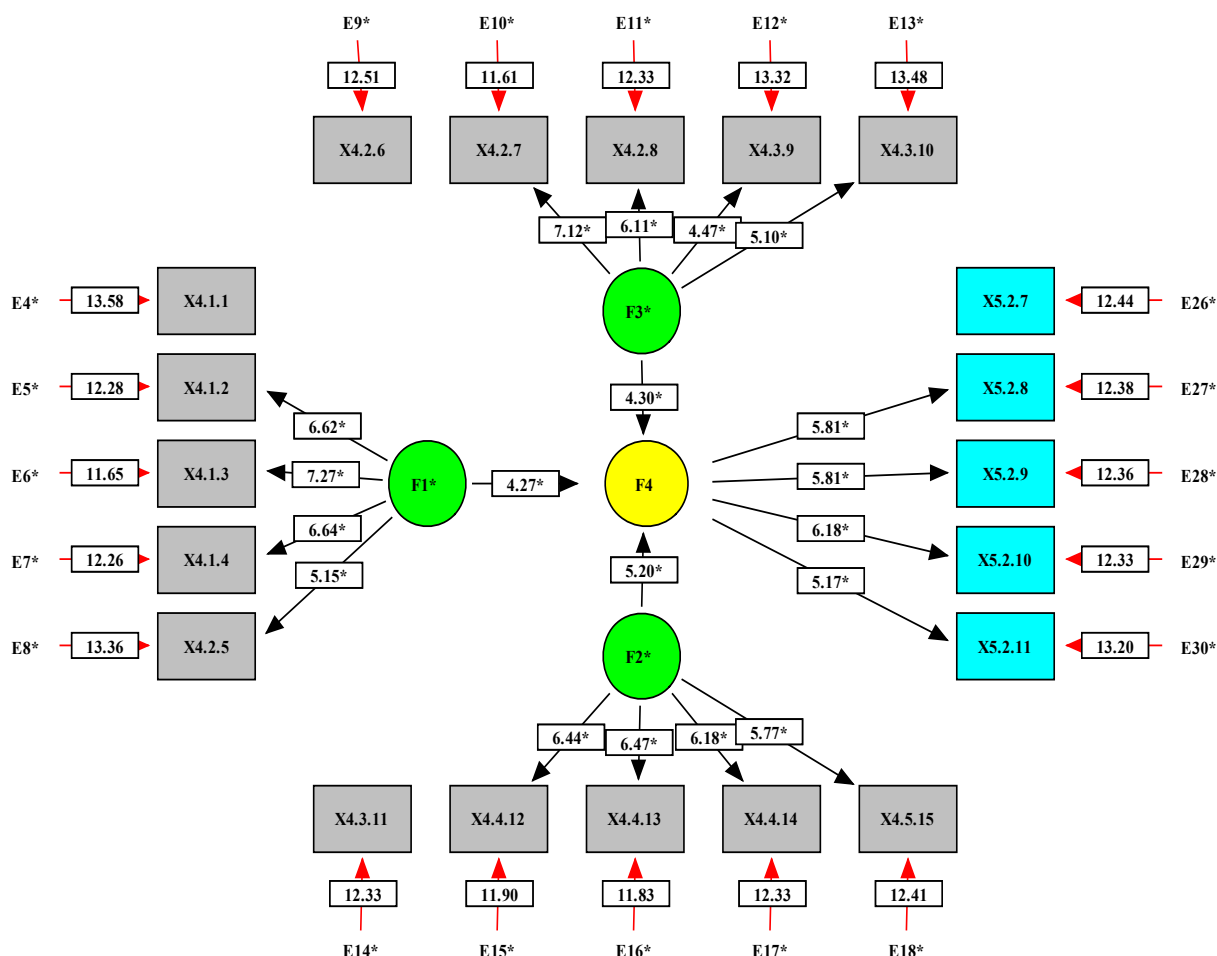


Figure X: EQS 6 security and safety in public transport.eds Chi Sq=44.14 P=0.05 CFI=0.96 RMSEA=0.06

شکل ۴. ضرایب معناداری مسیرهای مدل ساختاری پژوهش

نتایج ضرایب مسیرهای عوامل مؤثر بر ادراک امنیت کاربران ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز: با استناد به شکل ۳ و شکل ۴ که ضرایب مسیر استاندارد و ضرایب معناداری مسیرها را نشان می‌دهد، به بررسی ضرایب مسیرهای عوامل مؤثر بر ادراک امنیت کاربران ایستگاه مترو نمازی شهر شیراز می‌پردازیم. ضرایب مسیر استاندارد و ضرایب معناداری مستخرج از شکل ۳ و شکل ۴ در جدول ۱۰ نیز قابل مشاهده است. در ابتدا تأثیر مستقیم متغیرهای پیش‌بین بر متغیرهای ملاک را مورد بررسی قرار می‌دهیم. مطابق با جدول ۱۰، نتایج نشان می‌دهد ویژگی‌های روانشناختی کاربران، ویژگی‌های محیطی ایستگاه مترو و ویژگی‌های فردی کاربران به ترتیب با ضرایب مثبت ۰/۵۶، ۰/۴۱ و ۰/۴۰ تأثیر مثبتی بر ادراک امنیت کاربران ایستگاه متروی نمازی شهر شیراز دارد و با توجه به آماره‌های (T-value) ۵/۲۰، ۴/۳۰ و ۴/۲۷ که همگی بالاتر از ۱/۹۶

می‌باشد، معناداری ضریب‌های تأثیر به دست آمده را نشان می‌دهد بنابراین مسیرهای مورد نظر تأیید می‌گردند و نشان از تأثیر مثبت و معنادار ویژگی‌های روانشناختی کاربران، ویژگی‌های محیطی ایستگاه مترو و ویژگی‌های فردی کاربران بر ادراک امنیت کاربران ایستگاه متروی نمازی شهر شیراز دارد.

جدول ۱۰. نتایج ضریب مسیرهای مؤثر بر ادراک امنیت کاربران ایستگاه متروی نمازی شهر شیراز در مدل

ساختاری پژوهش

انواع مسیرهای مدل	مسیر	ضرایب مسیر استاندارد شده (Beta)	آماره معناداری T- (value)	نتیجه آزمون
مستقل به وابسته	ویژگی‌های روانشناختی- ادراک امنیت	۰/۵۶	۵/۲۰	تأیید
	ویژگی‌های محیطی- ادراک امنیت	۰/۴۱	۴/۳۰	تأیید
	ویژگی‌های فردی- ادراک امنیت	۰/۴۰	۴/۲۷	تأیید

۴. بحث

حمل و نقل عمومی بخشی جدایی ناپذیر از زیرساخت های اجتماعی است که دسترسی به تحرک را برای اهداف تجاری و اجتماعی فراهم می کند. مهم ترین ویژگی که ضامن تداوم بخش حمل و نقل عمومی است و در واقع موجب جذب و تداوم مسافران این بخش می شود وجود امنیت و ایمنی است. هر گونه آسیب و خدشه به این بخش حمل و نقل عمومی موجب گریز و دوری مسافران علی الخصوص گروه های آسیب پذیر همچون زنان می شود از این رو توجه به مسائل امنیت و ایمنی حمل و نقل عمومی به جهت اینکه حجم عظیمی از جمعیت شهری در طول شبانه روز در این بخش جابه جا می شود امری ضروری است.

پژوهش حاضر به جهت اهمیت مباحث مطرح شده اهدافی همچون بررسی سطح ایمنی و امنیت ایستگاه متروی نمازی شیراز از دیدگاه کاربران آن، مقایسه ادراک زنان و مردان از وضعیت امنیت و ایمنی ایستگاه متروی نمازی شهر شیراز، بررسی عوامل تأثیرگذار بر امنیت و ایمنی ایستگاه متروی نمازی شهر شیراز را دنبال کرد. نتایج نشان داد سطح ایمنی و امنیت ایستگاه متروی نمازی شیراز از دیدگاه کاربران آن بالاتر از حد متوسط و به عبارتی در سطح مطلوبی است اگرچه که با مطلوب ترین سطح همچنان اختلاف وجود دارد. اما باید این نکته را نیز در نظر داشت که دستیابی به امنیت کامل امری غیرممکن و دست نیافتنی و حتی در پیشرفته ترین کشورها هم سطحی از ناامنی وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد سطح ادراک امنیت زنان از

ایستگاه مترو نمازی شیراز بالاتر از حد متوسط قرار دارد. در بین شاخص‌های سنجش امنیت، ادراک زنان از عدم اذیت و آزار کلامی یا توهین در پایین‌ترین حد خود نسبت به بقیه شاخص‌ها بود و عدم دزدی در بالاترین سطح نسبت به بقیه شاخص‌های امنیت بود. مقایسه سطح ادراک امنیت در بین زنان و مردان نشان داد که سطح ادراک امنیت زنان از ایستگاه متروی نمازی شهر شیراز در مقایسه با مردان در سطح پایین‌تری قرار دارد اگرچه که این تفاوت ادراک امنیت از لحاظ آماری معنادار نبود. این بخش از یافته‌های ما با یافته‌های مجد (۲۰۱۳) همسویی دارد ولی با یافته‌های ایت بی‌هی اوآلی و همکاران (۲۰۲۰)، رومرو تورس و سِکاتو (۲۰۲۰) و سِکاتو و لوکایتوئو سیدیریس (۲۰۲۲) عدم همسویی دارد. نتایج دیگر پژوهش نشان داد ویژگی‌های روانشناختی کاربران، ویژگی‌های محیطی ایستگاه و ویژگی‌های فردی کاربران به ترتیب بیشترین تأثیر را بر ادراک امنیت کاربران از ایستگاه متروی نمازی شیراز داشت. یافته‌های ما در ارتباط با تأثیر ویژگی‌های روانشناختی کاربران بر ادراک امنیت کاربران مترو با یافته‌های کوریه و همکاران (۲۰۱۳)؛ لوکایتوئو سیدیریس (۲۰۰۹)، رومرو تورس و سِکاتو (۲۰۲۰)؛ هیرتلنهر و فارال (۲۰۱۴) همسویی دارد. همچنین یافته‌های ما در ارتباط با تأثیر ویژگی‌های ویژگی‌های محیطی ایستگاه بر ادراک امنیت کاربران مترو با یافته‌های کوریه و همکاران (۲۰۱۳)؛ لوکایتوئو سیدیریس (۲۰۰۹)، رومرو تورس و سِکاتو (۲۰۲۰)؛ مجد (۲۰۱۳) همسویی دارد. در نهایت یافته‌های ما در ارتباط با تأثیر ویژگی‌های ویژگی‌های فردی کاربران بر ادراک امنیت کاربران مترو با یافته‌های سِکاتو و لوکایتوئو سیدیریس (۲۰۲۲)، ایت بی‌هی اوآلی و همکاران (۲۰۲۰)، کوریه و همکاران (۲۰۱۳)؛ دلبوسکه و کوریه (۲۰۱۲)، لوکایتوئو سیدیریس (۲۰۰۹)، رومرو تورس و سِکاتو (۲۰۲۰)؛ لاگرانگ و فرارو (۱۹۸۹) و یاتس و سِکاتو (۲۰۲۰) همسویی دارد.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر و اهمیت موضوع مورد نظر لزوم توجه هر چه بیشتر به امنیت و ایمنی حمل و نقل عمومی ضروری به نظر می‌رسد که این مهم باید از طریق تقویت ویژگی‌های محیطی در ایستگاه‌های مترو همچون تقویت و افزایش روشنایی، حضور بیشتر نگهبانان در ایستگاه مخصوصاً در زمان اوج بار که شلوغی و ازدحام جمعیت به حداکثر ممکن می‌رسد و امکان بروز جرائم به حداکثر ممکن می‌رسد صورت گیرد. افزایش و تعدد دوربین‌های مداربسته و همچنین نظافت و پاکیزگی محیط نیز بر ادراک امنیت در ایستگاه نمازی شیراز می‌تواند اثرگذار باشد. با توجه به نتایج به دست آمده در حوزه امنیت در ایستگاه مترو نمازی شیراز شاخص عدم آزار و اذیت کلامی یا توهین در وضعیت مناسبی نسبت به بقیه شاخص‌ها نبود که این را می‌توان با فرهنگ سازی و ایجاد فضای آرامش بخش و افزایش کیفیت در ارائه خدمات‌رسانی حل کرد چرا که بیشتر این گونه پرخاشگری‌ها ناشی از ازدحام بیش از حد، نبود کیفیت مناسب امکانات و خدمات‌رسانی و تأخیر در زمان سفر می‌باشد. در واقع با ارائه خدمات‌رسانی

بهرتر و تقویت ویژگی‌های محیطی می‌توان ویژگی‌های روانشناختی کاربران را بهبود بخشید و از این طریق به افزایش ادراک ایمنی و امنیت در محیط‌های حمل و نقل عمومی کمک کرد. برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت ویژگی‌های روانشناختی کاربران و ویژگی‌های محیطی ایستگاه در ادراک ایمنی و امنیت تحقیقات کیفی از طریق مصاحبه (هم با مسئولین و هم با کاربران) صورت گیرد و ابعاد جدیدی از این ویژگی‌ها کشف و به کار گرفته شود تا به هدف نهایی که ایجاد ایمنی و امنیت پایدار برای محیط‌های حمل و نقل عمومی است دست پیدا کنیم.

کتاب نامه

۱. زیاری، ک.، و ترکمن نیا، ن. (۱۳۹۲). میزان برخورداری زنان از سیستم حمل و نقل درون شهری مطالعه موردی: منطقه ۶ تهران. *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۵ (۱۹)، ۱۴۹-۱۶۸.
۲. سازمان حمل و نقل ریلی و قطار شهری شیراز. (۱۴۰۲). *اطلاعات خط ۱- متروی شیراز*. شیراز: سازمان حمل و نقل ریلی و قطار شهری شیراز.
۳. سقائی، م.، شهسواری، م.، و خدامی، ه. (۱۳۹۸). بررسی میزان رضایت‌مندی شهروندان شهر اصفهان از شبکه حمل و نقل عمومی و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی: شهروندان مناطق ۱ و ۳ و ۵ و ۶ و ۸). *فصلنامه علمی - ترویجی جاده*، ۲۷ (۹۸)، ۱۴۵-۱۵۶.
۴. صادقلو، ط.، بازرگان، م.، و بهشتیان مسکران، ع. (۱۳۹۴). سنجش میزان امنیت فضایی شهروندی با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره (مطالعه موردی: مناطق سیزده گانه شهر مشهد). *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۲ (۲)، ۷۵-۹۰.
۵. معاونت برنامه ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری شیراز. (۱۳۹۸). *سالنامه آماری شهر شیراز*، ۱۳۹۸.
۶. میرمقتدایی، م.، و عدلی، ف. (۱۳۹۷). توسعه شهری مبتنی بر حمل و نقل همگانی و امنیت زنان. *نشریه هفت شهر*، ۴ (۶۱)، ۱۷۲-۱۸۵.
۷. نسترن، م.، نوری، م.، و ریخته‌گران، ف. (۱۳۹۷). تبیین و ارزیابی معیارهای آسایش و آرامش در حمل و نقل همگانی درون شهری، مورد مطالعه: خط ۲۸ اتوبوسرانی کلان شهر اصفهان. *نشریه دانش شهرسازی*، ۲ (۱)، ۱۰۵-۱۲۱.

8. Adebola, O., Samuel, O., Feyisola, A., & Eno, O. (2014). An assessment of public transport security and safety: An examination of Lagos Bus Rapid Transit (BRT), Nigeria. *Civil and Environmental Research*, 6(4), 105-116.

9. Ait Bihi Ouali, L., Graham, D. J., Barron, A., & Trompet, M. (2019). Gender differences in the perception of safety in public transport. *Available at SSRN 3486514*.
10. Araya, A. A., Legesse, A. T., & Feleke, G. G. (2022). Women's safety and security in public transport in Mekelle, Tigray. *Case Studies on Transport Policy*, 10(4), 2443-2450.
11. Ceccato, V., & Loukaitou-Sideris, A. (2022). Fear of sexual harassment and its impact on safety perceptions in transit environments: a global perspective. *Violence against women*, 28(1), 26-48.
12. Ceccato, V., & Loukaitou-Sideris, A. (2021). Sexual harassment in transit environments among college students in the #MeToo era: Reporting evidence from six continents. *American journal of criminal justice*, 46(1), 107-129.
13. Chowdhury, S., & Van Wee, B. (2020). Examining women's perception of safety during waiting times at public transport terminals. *Transport policy*, 94, 102-108.
14. Currie, G., Delbosc, A., & Mahmoud, S. (2013). Factors Influencing Young Peoples' Perceptions of Personal Safety on Public Transport. *Journal of public transportation*, 16(1), 1-19.
15. Delbosc, A., & Currie, G. (2012). Modelling the causes and impacts of personal safety perceptions on public transport ridership. *Transport Policy*, 24, 302-309.
16. Ding, H., Loukaitou-Sideris, A., & Agrawal, A. W. (2020). Sexual harassment and assault in transit environments: A review of the English-language literature. *Journal of planning literature*, 35(3), 267-280.
17. Furstenberg, J. F. F. (1971). Public reaction to crime in the streets. *The American Scholar*, 40(40), 601-610.
18. Hirtenlehner, H., & Farrall, S. (2014). Is the 'shadow of sexual assault' responsible for women's higher fear of burglary?. *British Journal of Criminology*, 54(6), 1167-1185.
19. Iudici, A., Bertoli, L., & Faccio, E. (2017). The "invisible" needs of women with disabilities in transportation systems. *Crime Prevention and Community Safety*, 19(3), 264-275.
20. Kacharo, D. K., Teshome, E., & Woltamo, T. (2022). Safety and security of women and girls in public transport. *Urban, planning and transport research*, 10(1), 1-19.
21. King, J., King, M., Edwards, N., Anam, M., Bull, M., Watling, H., ... & Carroll, J. A. (2021). Exploring women's experiences of gender-based violence and other threats to safety on public transport in Bangladesh. *International journal for crime, justice and social democracy*, 10(4), 158-173.
22. Lagrange, R. L., & Ferraro, K. F. (1989). Assessing age and gender differences in perceived risk and fear of crime. *Criminology*, 27(4), 697-720.
23. Loukaitou-Sideris, A. (2009). *How to ease women's fear of transportation environments: Case Studies and best practices (Report 08-08)*. Mineta Transportation Institute.
24. Majd, C. (2013). *Next stop, security: Understanding what makes women feel safe in public transportation stations*. A Thesis Presented to the Faculty of the Graduate School of Cornell University, In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Science.

25. Olojede, O., Daramola, O., & Olufemi, B. (2017). Metropolitan transport safety and security: An African experience. *Journal of Transportation Safety & Security*, 9(4), 383-402.
26. Romero-Torres, J., & Ceccato, V. (2020). Youth safety in public transportation: the case of eastern Mexico City, Mexico. In *Crime and Fear in Public Places* (pp. 145-159). Routledge.
27. Sam, E. F., & Abane, A. M. (2017). Enhancing passenger safety and security in Ghana: Appraising public transport operators' recent interventions. *Journal of Science and Technology (Ghana)*, 37(1), 101-112.
28. Smith, M., & Cornish, D. B. (2012). *Secure and tranquil travel: Preventing crime and disorder on public transport*. Taylor & Francis.
29. Tokey, A. I., & Shioma, S. A. (2017). Women safety in public transport. *International Conference on Sustainable Development*.
30. Uittenbogaard, C. A. (2014). Crime clusters and safety in underground stations (unpublished doctoral dissertation). *Stockholm, Sweden: KTH Royal Institute of Technology*.
31. Yates, A., & Ceccato, V. (2020). Individual and spatial dimensions of women's fear of crime: A Scandinavian study case. *International Journal of Comparative and Applied Criminal Justice*, 44, 277-292.
32. Yavuz, N., & Welch, E. W. (2010). Addressing fear of crime in public space: Gender differences in reaction to safety measures in train transit. *Urban studies*, 47(12).



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۲۹

تحلیل چالش‌ها و نیازهای دیپلماسی شهری در کلان‌شهر مشهد

محمد رحیم رهنما (استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

rahnama@um.ac.ir

روح‌اله اسدی (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

asadir@um.ac.ir

امید علی خوارزمی (استادیار گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

kharazmi@um.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲

صص ۸۵-۱۰۶

چکیده

در روزگاری به سر می‌بریم که تار و پود آن بر پایه‌ی ارتباط میان کشورها شکل گرفته است و جهانی‌شدن، سرنوشت فضاهای جغرافیایی - به ویژه شهرها - را به هم پیوند داده است. در فضای جهانی شهرها که ویژگی اساسی آن، همکنش ترازهای مختلف قدرت در درون و برون از مرزهای سرزمینی است، مدیریت شهری بایستی رویکرد مناسبی برای کنش‌مندی در این فضا برگزیند. دیپلماسی شهری رویکردی شایسته برای این هدف است. این پژوهش در پی شناخت و تحلیل مشکلات و نیازهای شهر مشهد در زمینه دیپلماسی شهری می‌باشد. گردآوری داده‌ها از طریق تشکیل پنل (با شرکت ۳۰ تن در چهار کارگروه با موضوع دیپلماسی شهری در مشهد) و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته (با ۱۰ تن از مدیران و مسئولین) بوده است. در نتیجه‌ی پنل، ۴۲ اولویت در چهار محور (اقتصاد بین‌الملل و سرمایه‌گذاری خارجی؛ سازمان‌های بین‌المللی؛ مسائل اجتماعی - فرهنگی و زیارت؛ ارتباطات و تبلیغات بین‌الملل) به دست آمد. داده‌های مصاحبه نیز پس از کدبندی، در سه مقوله دسته‌بندی شدند. نتایج نشان‌دهنده این است که چه کارشناسان و چه مسئولین بر این باورند که مشکلات و نیازهای مشهد فراوان است و گشایش آن‌ها بدون رابطه با سایر کشورها امکان‌پذیر نمی‌باشد. بنیادی‌ترین چالش دیپلماسی شهری مشهد را، «ذهنیت» مسئولین و «نبود شناخت راستین» از فضای جهانی شهرها و همکنش شایسته با آن نشان می‌دهد. پس از آن مشکلات برآمده از سیاست خارجی کشور و مشکلات مربوط به ساختار مدیریت شهرها قرار دارد. اساسی‌ترین نیاز و پیشنهاد برای مدیریت شهری، بهبود روابط با جهان در تراز ملی است، آینده دیپلماسی شهری مشهد را تا اندازه‌ی زیادی، وضعیت ایران در جهان نمایان خواهد ساخت؛ وضعیتی که خود برآمده از نحوه تعامل با جهان خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: چالش، دیپلماسی شهری، جهانی‌شدن، مدیریت شهری، مشهد.

۱. مقدمه

در روزگاری به سر می‌بریم که تار و پود آن بر پایه‌ی ارتباط میان کشورها شکل گرفته است و جهانی‌شدن، سرنوشت فضاهای جغرافیایی - به ویژه شهرها - را چنان به هم پیوند داده است که، مدیریت شهرها بدون شناخت این فضا و پایه‌ریزی روابط گسترده با سایر شهرهای جهان آسان نخواهد بود. امروزه همه شهرها دارای «ارتباطات جهانی» هستند (رنی‌شورت^۱، ۱۳۸۸، ص. ۳). از آنجا که، جهانی‌شدن از طریق شهرها عمل می‌کند (احمدی‌پور و قورچی، ۱۳۹۱، ص. ۲۰۶)؛ تحت تأثیر تعمیم تدریجی شهرنشینی قرار می‌گیرد و خود را به اشکال گوناگون و ابعادی بسیار ناهمگون نشان می‌دهد (دولفوس^۲، ۱۳۹۰، ص. ۹). در این میان، شهرها به عنوان بازیگرانی توانمند به رسمیت شناخته شده‌اند. جهانی‌شدن سبب شده تا پیشینه‌های محلی و وضعیت‌های ویژه و یگانه بتوانند بازتاب‌های جهانی را به خود ببیزند (همان، ص. ۳۲). در واقع، جهانی‌شدن، دستور کار کشورها را به یکدیگر نزدیک کرده است (سریع‌القلم، ۱۳۸۷، ص. ۴۱).

بروز مشکلات شهری و نیازمندی‌های فزاینده شهروندان در فضای جهانی شهرها، نگاه مسئولان، مدیران و برنامه‌ریزان شهری را متوجه شیوه‌های استفاده از فضای به وجود آمده، در راستای کسب منافع و حل مشکلات شهرها و همچنین، انجام اقدامات مورد نیاز جهت در امان ماندن از تأثیرات ناخواسته جهانی‌شدن نموده است. هیچ شهری به خصوص کلان‌شهرها نمی‌توانند ادعا کنند که به تنهایی قادر به تأمین نیازمندی‌های خود هستند، چرا که روند جهانی‌شدن، منجر به مشکلات و فرصت‌های جهانی و فراگیر شده که مشارکت و همکاری چندجانبه کلان‌شهرها را می‌طلبد (قورچی و امانی، ۱۳۸۸، ص. ۲۵). از آنجا که همه چیز در حال حرکت است، بنابراین فضا، محصولی از جهان در حال حرکت^۳ ماست. در این مفهوم، فضا همیشه رو به آینده و بنابراین، همیشه رو به سیاست باز است (مسی^۴، ۲۰۰۹، ص. ۱۷). برای این‌که آینده باز باشد، فضا باید باز باشد (مسی^۵، ۲۰۰۵)، و مدیریت فضاهای شهری در این فضای باز به آینده، بدون در پیش گرفتن دیپلماسی شهری با موفقیت چندانی مواجه نخواهد شد.

می‌توان جهانی‌شدن شهری و شهری‌شدن جهان را دو ویژگی منحصر به فرد هزاره سوم دانست که به تغییر نقش شهرها در نظام جهانی منجر شده است (نجاتی‌حسینی، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۸). «جهانی‌شدن ذاتاً شامل قلمروزدایی است، از این رو در نفس خود با دولت چالش دارد» (کوپر^۶ و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۶)، فرارفتن از مرزها، جوهر این پدیده است (همان: ۲۳). در این میان، حاکمیت مبتنی بر دولت - ملت، ثابت کرده است که برای حفاظت از عناصر واقعی دموکراسی کافی نیست. دولت - ملت‌ها مهدکودک بارور دموکراسی بوده‌اند،

^۱ . Rennie Short

^۲ . Dollfuss

^۳ . On - going world

^۴ . Massey

^۵ . Massey

^۶ . Cooper

اما امروزه، در فضای وابستگی جهان‌گستر و جهانی‌شدن، کافی به نظر نمی‌رسند، و دموکراسی بایستی توسعه‌یافته و عمیق‌تر گردد: به طرف بالا برای دموکراسی بین‌المللی و جهان‌شهری و به طرف پایین در دموکراسی مستقیم محلی (سیزو و موشه^۱، ۲۰۰۸: ۲۹). فضای نوین به وجود آمده، و رشد روزافزون پدیده جهانی‌شدن، وابستگی فضاهای جغرافیایی و جامعه بشری را افزون، و در کنار الزامات به وجود آمده‌ی ناشی از این گفتمان، سبب شده تا نگاه رابطه‌ای به جهان را فراروی مدیریت شهری قرار داده و در این میان دیپلماسی شهری را به عنوان عمده‌ترین سیاست حاضر در زمینه اداره شهرها مطرح نماید.

دیپلماسی ابزار کشورداری است (کلاینر^۲، ۲۰۰۹: ۱). اصطلاح دیپلماسی در معنای کلاسیک خود شامل نمایندگی منافع در سطح بین‌المللی است (سیزو و موشه، ۲۰۰۸: ۱۵). دیپلماسی رسمی در خدمت اهداف کلی و سیاسی است، ولی دیپلماسی شهری ابزاری است که در خدمت نمایندگان نهادها و سازمان‌های مدنی برای مدیریت نیازهای شهروندان است (قورچی و امانی، ۱۳۸۸، ص. ۲۳). موسسه روابط بین‌المللی هلند، کلینگندائل^۳، در سال ۲۰۰۷، دیپلماسی شهری را این‌گونه تعریف می‌کند: «نهادها و فرایندهایی که شهرها توسط آن در روابط با بازیگران صحنه سیاسی بین‌الملل با هدف نمایندگی خود و منافعشان با دیگری درگیر می‌شوند (سیزو و موشه، ۲۰۰۸: ۱۰). دستور کار کنفرانس دیپلماسی شهری لاهه نیز، دیپلماسی شهری را به عنوان ابزار دولت‌های محلی و انجمن‌هایشان برای ترویج انسجام اجتماعی، پیش‌گیری از درگیری، حل تعارض و بازسازی بعد از جنگ با هدف ایجاد یک محیط با ثبات، که در آن شهروندان می‌توانند با هم در صلح و آرامش زندگی کنند، تعریف می‌کند (دستور کار لاهه در مورد دیپلماسی شهری^۴، ۲۰۰۸: ۱۳). دیپلماسی شهری دارای شش بعد شامل: امنیت، توسعه، اقتصاد، فرهنگ، شبکه‌ها، و نمایندگی (سیزو و موشه، ۲۰۰۸: ۱۰؛ وند پلوئیم و ملیسن^۵، ۲۰۰۷: ۱۹)؛ بنابراین، پرداختن به دیپلماسی شهری، می‌بایست دربرگیرنده‌ی منظومه‌ای از موضوعات از جمله، شناخت ساز و کار محاط بر عرصه‌های بین‌المللی شهری که پای روابط بین شهری و و بین مدیریت‌های شهری را به سیاست جهانی باز/ بسته می‌کند (نجاتی‌حسینی، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۹). پس می‌توان نخستین گام برای درپیش‌گرفتن سیاست «دیپلماسی شهری» را، شناخت سازوکار و ارزش‌های حاکم بر فضای جهانی شهرها دانست؛ که در چارچوب جهانی‌شدن قابل پی‌گیری است. این شناخت باید از جانب بازیگران دیپلماسی شهری صورت گیرد. «بازیگران اصلی دیپلماسی شهری را، شهرداران و مسئولین شهری؛ نمایندگان حکومت‌های محلی و شهروندان و نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی تشکیل می‌دهند» (امانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۶).

^۱. Sizoo and Musch

^۲. Kleiner

^۳. Clingendael

^۴. the Hague agenda on city diplomacy

^۵. Van der Pluijm & Melissen

از سوی دیگر، از آنجا که تمرکز بحث در دیپلماسی شهری، جهانی شدن می باشد، ما هیچ گاه بدون شناخت از جامعه امروز جهانی، نمی توانیم به شناختی صحیح از خودمان دست پیدا کنیم. ما تا زمانی که نسبت به ارزش ها و ویژگی های حاکم بر روابط دیگر نقاط جهان و نه الزاماً غرب - بی توجه باشیم، نمی توانیم در فرایند جهانی شدن شرکت کنیم (جهانبگلو، ۱۳۷۲، ص. ۷). ورود در عرصه جهانی شدن، در گام نخست، یک «تصمیم سیاسی» است و به شدت تابع ماهیت کانون های قدرت و ساختار قدرت در یک کشور می باشد (سریع القلم، ۱۳۸۷، ص. ۳۶) و در گام دوم، «نیازمند نخبگان سیاسی بین الملل گراست. پذیرفتن جهانی شدن یعنی نگاه بین المللی به مسائل داخلی» (همان، ص. ۱۱۱). بنابراین، فهم مشترک نخبگان ابزاری فکری از شرایط داخلی و جهانی؛ تعیین کننده ترین عامل در هدایت و شکل گیری و تصمیم گیری برای پیشرفت در کشورهای در حال توسعه است» (سریع القلم، ۱۳۸۴، ص. ۱۲). فهم مجموعه ی مدیران شهری، از فضای حاکم بر شهرهای جهان، یکی از مهمترین زنجیره های فهم یاد شده می باشد. این فهم و شناخت، هم فضای عمل را بر مدیران شهری می گشاید و هم فاصله ما را با سایر نقاط جهان روشن می سازد.

در رابطه با پژوهش های مرتبط با دیپلماسی شهری، قورچی و امانی (۱۳۸۸) در پژوهشی با تشریح وضعیت جهانی شدن و روند حکمرانی جهانی، به موقعیت سازمان های تخصصی بین المللی غیردولتی در سیاست گذاری جهانی و معرفی آنها پرداخته و دیپلماسی در عصر جهانی شدن را مورد واکاوی قرار می دهند. موسوی شفائی (۱۳۸۹) با پرداختن به تئولیرالیسم و توسعه، فضای جریان ها و فضای مکان ها را با استفاده از نظریه جامعه شبکه ای مورد بررسی قرار می دهد و دیپلماسی شهری را از چنین منظری به عنوان ابزاری برای توسعه ملی کشورها معرفی می کند. نجاتی حسینی (۱۳۹۰) استدلال می کند که با توجه به پتانسیل شهروندی و نیز برخی مقتضیات سازمانی این مدیریت ها، امروزه دیپلماسی شهری بهتر از دیپلماسی دولت - ملت، قادر به ایفای نقش در فرایند جهانی شدن سیاسی و فرهنگی خواهد بود. احمدی پور و همکاران (۱۳۹۱) با پیگیری این فرض که ارتباط مستقیم بین دیپلماسی شهری و گسترش حوزه نفوذ برقرار است، به این نتیجه می رسند که هر چه شهرهای عمده یک کشور در قامت یک شهر جهانی مطرح و در شبکه های شهری در قالب خواهرخواندگی و تأثیرپذیری بر روند جریانات نقش بیشتری داشته باشند، حوزه نفوذ گسترده ای را برای شهر و کشورهای آنها در بر خواهد داشت. ونگ و امیری^۱ (۲۰۱۹) پنج وظیفه کلیدی دیپلماسی شهری را بر اساس مطالعه دیپلماسی شهری در شهرهای آمریکا شناسایی نمودند که در حال حاضر بر مبنای اهداف و سازمان ها شناخته شده و تمرین می شود: توسعه اقتصادی؛ نمایندگی دیپلماتیک؛ همکاری و عمل در راستای سیاست جهانی؛ مشارکت جامعه و توانمندسازی مدنی؛ و میزبانی رویدادهای ویژه بین المللی. آکوتو^۲ و همکاران (۲۰۱۷) استدلال می کنند که پتانسیل شبکه های شهری باید با تفکر یکپارچه تر و استراتژیک در

1. Wang & Amiri

2. Acuto

سطوح محلی و بین‌المللی همراه باشد. دیپلماسی شهری یک فعالیت استراتژیک برای شهرهای سراسر جهان است و باید باشد، اگر بخواهند در نظم جدید جهانی باقی بمانند (آکوتو، دکرامر، کر، کلاوس، تابوری و تولی^۱، ۲۰۱۸، ص. ۱). از نظر کلاوس (۲۰۲۰) قدرت دیپلماسی شهری بر توانایی شهرداران برای انجام اقدامات ملموس استوار^۲ است. چنین اقداماتی اغلب نیاز به حمایت مردم محلی و دولت‌های ملی دارد و می‌تواند توسط سازمان‌های بین‌المللی تسهیل شود. بر اساس نتایج پژوهش کازووآک^۳ و همکاران (۲۰۲۰)، سه مانع اصلی را که شهرها برای تقویت نقش دیپلماسی شهری در سطح جهانی باید بر آن غلبه کنند، عبارت است از: بودجه و منابع ناکافی برای مشارکت بین‌المللی، آموزش ناکافی در دیپلماسی شهری، و عدم شناخت کامل نهادهای ملی و چندجانبه و رسمی کردن مشارکت شهر در دیپلماسی. اسدی (۱۳۹۸)، نیز در پژوهش خود، پژوهش‌های انجام شده در ایران با محور دیپلماسی شهری را از منظر چیستی، چرایی و چگونگی بررسی کرده است و پیشنهادهایی به منظور اجرایی کردن و تقویت دیپلماسی شهری در دو محور کلی ارائه می‌دهد: تعریف یک نقشه راه برای دیپلماسی شهری در تراز ملی و فراهم کردن زیرساخت‌های قانونی و نهادی آن به همراه اقداماتی که در تراز محلی باید صورت گیرد، و آموختن از رویکردها و تجارب در دیگر شهرهای جهان در سایه اقدامات محور نخست.

روی هم رفته، وجه مشترک مطالعات بررسی شده، روایت دیپلماسی شهری به عنوان سیاستی برخاسته از پدیده جهانی‌شدن است که سبب ایجاد فضای نوینی در عرصه بین‌الملل با نقش‌آفرینی شهرها به عنوان موتور توسعه شده است. و از سویی پرداختن به پاره‌ای از نیازها یا مشکلات در فرایند اجرایی دیپلماسی شهری که از همین جا دغدغه اصلی این پژوهش شکل گرفت، این که با وجود اقداماتی که در شهر مشهد درباره دیپلماسی شهری انجام گرفته، نتایج چندانی از این اقدامات به دست نیامده و همواره صحبت از مشکلات در این راستا می‌شود، با این وجود هیچ پژوهش منسجمی با محوریت شناخت و تحلیل این چالش‌ها و مشکلات وجود ندارد؛ لذا این دغدغه، محرکی برای انجام مقاله حاضر بوده است.

شهر مشهد با وجود توانایی‌های بالفعل و بالقوه در پذیرش حداقل شاخصه‌های جهانی شدن، در هیچ یک از طبقه‌بندی‌های عمده از سلسله مراتب شهرهای جهانی که تا کنون توسط مراکز مطالعاتی و صاحب‌نظران صورت گرفته، قرار ندارد (رهنما، و برادران قاسمی، ۱۳۸۸، ص. ۳۱). این در حالی است که، بررسی ۲۶ شهر از ۱۶ کشور در خاورمیانه و شمال آفریقا^۴، نشان می‌دهد که در بین شهرهای ایران، تهران و مشهد فرصت‌های قوی برای رشد دارا می‌باشند (واحد اطلاعات اکونومیست^۵، ۲۰۱۴: ۶). ضرورت ارتقاء جایگاه مشهد در میان کلانشهرهای جهان، جذب منابع اقتصادی فراملی، پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان و

^۱. Acuto, Dekramer, Kerr, Klaus, Tabory & Toly

^۲. Klaus

^۳. Kosovac

^۴. Mena

^۵. Economist Intelligence Unit

... در پیش گرفتن «دیپلماسی شهری» به عنوان سیاستی کارا در بیشینه‌سازی منافع و رهایی از مشکلات کلان‌شهری در عصر جهانی‌شدن را بیش از پیش الزام می‌دارد. از دیگر سوی، حتی اگر وضعیت مدنی و تقاضای از پایین در جهت نقش‌آفرینی و حرکت در راستای دیپلماسی شهری چندان چشم‌گیر نباشد، در یک نظرگاه آینده‌نگارانه بایستی به سمت دیپلماسی شهری و تشریح افق‌های پیش‌رو حرکت نموده و این سیاست را به عنوان یک الزام مدیریتی در راه کسب منافع (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) برای مشهد و کشور در نظر گرفت. با این حال باید دید که مدیریت شهری در مشهد از چه امکاناتی در راستای توسعه روابط بین شهری خود برخوردار است، از این روی، این مقاله در پی آن است تا مشکلات، و نیازهای مشهد در زمینه دیپلماسی شهری را در حوزه‌های مختلف نشان داده و آن‌ها را در چارچوب ساختار سیاسی کشور تحلیل نماید.

۲. روش شناسی

۲.۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر کیفی و از نوع توصیفی - تحلیلی است. جمع‌آوری اطلاعات از طریق برگزاری پنل و نیز مصاحبه می‌باشد. به گونه‌ای که مشکلات و نیازهای مشهد در زمینه دیپلماسی شهری، با استفاده از نظرات ۳۰ تن از اعضای شرکت‌کننده در یک پنل تخصصی - با موضوع «دیپلماسی شهری در مشهد»^۱ و با حضور افرادی از سازمان‌های مختلف شهرداری مشهد، در چهار کارگروه و با چهار شاخص: اقتصاد بین‌الملل و سرمایه‌گذاری خارجی؛ سازمان‌های بین‌المللی؛ مسائل فرهنگی، اجتماعی و زیارت؛ ارتباطات و تبلیغات بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته و تحلیل شده است. نتایج بحث و گفتگو، ابتدا در هر کارگروه اولویت‌بندی شد، سپس با شرکت همه اعضا در جلسه عمومی، اولویت‌های به‌دست‌آمده در کارگروه‌های تخصصی، امتیازدهی شده و اولویت‌های نهایی به دست آمده است. افزون بر آن، برای آگاه‌شدن از آنچه که در واقعیت موجود مدیریت شهر مشهد در زمینه دیپلماسی شهری وجود دارد، گفتگوهایی در چارچوب مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به روش اشباع نظری^۲، با ۱۰ تن از مسئولینی که با دیپلماسی شهری بیشتر مرتبط بودند، انجام پذیرفته است. همچنین، داده‌های مصاحبه پس از کدبندی، در سه مقوله دسته‌بندی شدند. بدین ترتیب، مشکلات و نیازهای شهر مشهد در دیپلماسی شهری از دو سوی مورد کاوش قرار گرفته است.

گروه همکاری‌های بین‌الملل علمی تخصصی شهرداری مشهد در تاریخ ۱۸ دی ماه ۱۳۹۴ برگزار گردیده است. این پنل با حمایت ۱

2. theoretical saturation

۲.۲. محدوده مورد مطالعه

کلان‌شهر مشهد به عنوان دومین شهر پرجمعیت ایران و مرکز استان خراسان رضوی، با مساحت ۳۲۸ کیلومتر مربع، در سرشماری سال ۱۳۹۵، ۳۰۶۲۲۴۲ نفر جمعیت داشته است (معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری مشهد، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۷، ص.۷۳). پیشینه‌ی تاریخی، فرهنگی و مذهبی کلانشهر مشهد در سرزمین ایران و در فرایند توسعه‌ی ملی، سبب شده تا در میان سایر کلانشهرها از نقش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار شود (مهندسان مشاور فرهنگ، ۱۳۸۸، ص.۲). این پیشینه سبب شده تا زائران و گردشگران فراوانی این شهر را به عنوان مقصد سفر زیارتی و سیاحتی خود انتخاب نمایند. به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۲ بیش از ۲۲ میلیون نفر زائر، و ۷۹۶.۰۶۹ گردشگر (معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری مشهد، ۱۳۹۲، ص.۴۱) وارد مشهد شده‌اند. چنین جایگاهی برای شهر مشهد و نیازها و مشکلاتی که وجود دارد، نگاه برنامه‌ریزان و مدیریت شهری را به سوی بهره‌برداری از ظرفیت‌هایی که جهانی‌شدن در اختیار شهرها قرار داده، جلب نموده است. به گونه‌ای که نیازهای موجود و ایده‌آل مطلوبی که برای آینده مشهد در اسناد و برنامه‌های کلان آن (مانند چشم‌انداز توسعه و عمران کلانشهر مشهد در افق ۲۰ ساله (۱۴۰۵) و چشم‌انداز مشهد در ۱۴۰۴ با محوریت شهرداری) در نظر گرفته شده است، نشان از نگاهی جهانی به مسائل، نیازها و راه حل‌ها دارد. مشهد به دلیل اهمیت دیرینه‌اش، همواره مورد توجه قدرت سیاسی حاکم بوده است، به گونه‌ای که در زمینه ساختار دیپلماتیک، در دوره قاجار در سال ۱۲۶۲، وزارت امور خارجه در خراسان دارای کارگزاری بود (شمیم، ۱۳۷۵، ص.۳۴۸). امروزه نیز نمایندگی شمال و شرق وزارت امور خارجه، همچنین تعداد هشت نمایندگی دیپلماتیک در مشهد جای گرفته است (نمایندگی وزارت امور خارجه در شمال و شرق کشور، ۱۳۹۵). همچنین مشهد از برخی امکانات زیرساختی همچون پروازهای مستقیم به خارج از کشور است. امروزه از فرودگاه بین‌المللی مشهد به ۳۴ مقصد داخلی و ۲۰ مقصد از کشورهای پیرامون پرواز انجام می‌شود. همچنین ۱۰ شرکت هوایی خارجی در فرودگاه مشهد برنامه پرواز روزانه دارند (فرودگاه بین‌المللی هاشمی نژاد مشهد، ۱۳۹۵). به طور ویژه شهرداری مشهد از اوایل دهه ۱۳۸۰، اقداماتی را در راستای دیپلماسی شهری و ایفای نقش بین‌المللی به انجام رسانده، که زیر نظر مدیریت روابط عمومی و بین‌الملل شهرداری و نیز معاونت برنامه‌ریزی و توسعه انجام گرفته است. دستاوردهای این اقدامات برای مشهد را می‌توان چنین بیان کرد: عضویت در هیأت مدیره انجمن کلانشهرهای جهان (متروپلیس)؛ مشهد به عنوان مرکز آموزش منطقه‌ای متروپلیس؛ عضو هیأت مدیره و از موسسان صندوق جهانی شهرها^۱؛ دفتر منطقه‌ای صندوق جهانی توسعه شهرها؛ حضور فعال در سازمان شهرها و دولتهای محلی^۲؛ همکاری با سازمان اسکان بشر ملل متحد^۳؛ مرکز اصلی شبکه بین‌المللی جوانان متروپلیس؛ دفتر منطقه‌ای شبکه

۱. FMDV

۲. UCLG

۳. UN-Habitat

بین‌المللی زنان متروپلیس (شهرداری مشهد، ۱۳۹۲، ص. ۳۰۲). در زمینه روابط خواهرخواندگی، با شهرهای ارومچی چین، لاهور و کراچی پاکستان و نجف عراق خواهرخوانده می‌باشد. و با شهرهایی از لبنان، لاهور پاکستان، بغداد، کربلا و کاظمین عراق تفاهم‌نامه همکاری مشترک به امضاء رسانده است (گروه همکاری های بین‌المللی علمی و تخصصی شهرداری مشهد، ۱۳۹۵).

یکی از پیامدها و منافع اقدامات فراملی گفته شده را می‌توان جذب سرمایه‌گذاری خارجی دانست. در این زمینه از نظر ساختاری مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خراسان رضوی شکل گرفته است. این مرکز با رویکرد حذف مجوزهای غیرضرور، تسهیل شرایط دریافت مجوزها، شفاف سازی فعالیتهای اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار و با حضور نماینده تام‌الاختیار ۱۱ دستگاه مرتبط به فعالیت می‌پردازد (مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خراسان رضوی، ۱۳۹۵). بنا بر آمار دریافتی از این مرکز، در ۶ ماهه اول ۱۳۹۴، مقدار سرمایه‌گذاری خارجی در استان خراسان رضوی ۱۶۰ میلیون دلار بوده است که بیش از ۹۵ درصد از این مقدار در بخش خصوصی استان جذب شده است. همچنین، سرمایه‌گذاری خارجی استان تا پایان سال ۹۲ برابر ۵۹۵ میلیون دلار با ۱۲۸ طرح مصوب و ۳۰۰ نفر سرمایه‌گذار بوده است. بیشترین میزان از سرمایه‌گذاری‌های گفته شده در امور مختلف کلانشهر مشهد (همانند هتل، مراکز تجاری و ...) جذب شده است. از آنجا که شهر مشهد نیز بسان دیگر شهرها، در چارچوب نظام سیاسی کشور به نقش‌آفرینی می‌پردازد، مدیریت فضای شهر مشهد نیز متأثر از دست‌یافت‌های قانونی، سیاست‌گذاری‌های کلان، و چارچوب‌های اداری است. چارچوب‌هایی که گونه خاصی از روابط قدرت را در این فضای کلانشهری جاری می‌سازند و شیوه و کیفیت تعاملات بین‌المللی آن را تعریف می‌کنند.

۳. یافته ها

۱.۳. نیازها و پیشنهادهایی برای پیوند کلانشهر مشهد با شهرهای جهان (نتایج پنل دیپلماسی شهری)

الف) اولویت نیازها در بخش اقتصاد بین‌الملل و سرمایه‌گذاری خارجی

مهم‌ترین نیازهای شهر مشهد در این بخش شامل ۱۳ مورد است که از این تعداد، ۹ مورد نخست توسط بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان پنل (بین ۵۶ تا ۸۰ درصد) در اولویت قرار گرفته است (جدول ۱).

جدول ۱. اولویت نیازهای مشهد در بخش اقتصاد بین‌الملل و سرمایه‌گذاری خارجی

ردیف	نیازها	امتیاز ^۱
۱	تهیه بسته‌های سرمایه‌گذاری	۲۴
۲	برندسازی برای شهر مشهد	۲۳

۱. امتیاز هر بخش، در پنل عمومی و با امتیازدهی هر ۳۰ نفر شرکت‌کننده به‌دست آمده، بنابراین امتیاز نهایی از ۳۰ محاسبه گردیده است. 1

۳	توسعه زیرساختها و پروژه‌های گردشگری	۲۳
۴	بانک اطلاعاتی سرمایه‌گذاری (تهیه آمار و اطلاعات شهری)	۲۲
۵	آسان ساختن قوانین و مقررات برای سرمایه‌گذاری	۲۱
۶	برگزاری سمینار و جشنواره‌های بین‌المللی	۲۱
۷	ارتقای فضای نمایشگاه بین‌المللی و سالن‌های اجلاس	۲۰
۸	تسهیلات ویژه برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی	۱۸
۹	حضور در فضای مجازی	۱۷
۱۰	مدیریت سفر (ساماندهی ترمینال‌ها و خدمات گردشگری و ...)	۱۴
۱۱	صدور خدمات (فنی و مهندسی، مدیریت فناوری اطلاعات و ...)	۱۱
۱۲	تقویت و تشویق شرکت‌های دانش‌بنیان با رویکرد بین‌المللی	۱۰
۱۳	همکاری با آستان قدس رضوی	۸

نیازهایی که در این بخش در اولویت قرار گرفته‌اند نشان از فراهم نبودن زیرساخت‌های اولیه در راستای حضور در جریان اقتصاد بین‌الملل و جذب سرمایه‌گذاری خارجی دارد. به گونه‌ای که «تهیه بسته‌های سرمایه‌گذاری» به عنوان اولویت اول این بخش را ۲۴ تن از ۳۰ شرکت‌کننده در پنل اولویت نخست بخشیدند. بدیهی است آشنایی با قوانین و مقررات و سازوکار سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه در محیط بین‌الملل از نخستین کارهایی است که بایستی در فرایند بهره‌بردن از منافع پیوند با سایر شهرهای جهان از آن برخوردار بود. در همین راستا، «برندسازی» و «توسعه زیرساختها و پروژه‌های گردشگری» نیز که ۲۳ نفر بر آن تأکید داشته‌اند، از مهم‌ترین فعالیت‌ها در راستای شناساندن شهر در تراز جهانی است که در اولویت قرار گرفتن آن نشان از ضعف در این باره می‌باشد. تهیه «بانک اطلاعاتی سرمایه‌گذاری» نیز یکی از کمبودهایی است که به وسیله ۲۲ نفر مورد تأکید قرار گرفته است. «آسان ساختن قوانین و مقررات برای سرمایه‌گذاری» و ایجاد «تسهیلات ویژه برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی» نیز در کنار چهار مورد گفته شده، از اولویت‌های مهم اقتصادی و سرمایه‌گذاری مشهد در راستای حضور در عرصه جهانی می‌باشد. «برگزاری سمینار و جشنواره‌های بین‌المللی» و «ارتقای فضای نمایشگاه بین‌المللی و سالن‌های اجلاس» که به ترتیب ۲۱ و ۲۰ نفر با اهمیت آن موافقت نمودند، می‌تواند زمینه حضور بیشتر گروه‌های سرمایه‌گذار را به مشهد فراهم آورده و داشته‌های آن را بیشتر بشناساند. به‌ویژه ارتقای زیرساخت نمایشگاه بین‌المللی در راستای جذب سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان خارجی در مشهد. «حضور در فضای مجازی» نیز امروزه یکی از اساسی‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه‌های معرفی پتانسیل‌ها و نیازها، ارائه خدمات مختلف توریستی و اعتمادبخشی به توریست و سرمایه‌گذار جهت حضور در مشهد می‌باشد. نیازی که با نظر ۱۷ نفر در ردیف اولویت‌های مشهد قرار گرفته است. افزون بر ۹ مورد گفته شده در این بخش که بیش از نیمی از افراد بر آن تأکید داشته‌اند، نیازهای دیگری نیز در این بخش شناسایی شده است که در درجات بعدی اهمیت و اولویت قرار

گرفته‌اند و هر یک به گونه‌ای در فراهم‌سازی زیرساخت‌ها در راستای تقویت نقش مشهد در بین شهرهای جهان و مدیریت آن در این فضا، می‌تواند نقش‌آفرین باشد.

ب) اولویت نیازها در بخش سازمان‌های بین‌المللی

در بخش سازمان‌های بین‌المللی، ۸ نیاز اساسی شناسایی شده است که از این مقدار ۵ مورد نخست را بین ۶۶ تا ۱۰۰ درصد افراد در اولویت قرار داده‌اند (جدول ۲).

جدول ۲. اولویت نیازهای مشهد در بخش سازمان‌های بین‌المللی

ردیف	نیازها	امتیاز
۱	شناسایی پیش نیازهای برندسازی شهر مشهد برای ظرفیت‌سازی در فعالیتهای بین‌المللی	۳۰
۲	ایجاد پرتال جامع شهر مشهد به زبانهای مختلف با مشارکت همه نهادهای ذیربط جهت بسترسازی در فضای واقعی و مجازی	۲۷
۳	ایجاد همگرایی و هم‌افزایی در نگرش و برنامه مدیران و کارشناسان در زمینه همکاری با سازمانهای بین‌المللی	۲۶
۴	تربیت نیروی متخصص و آموزش مهارتهای اثرگذاری در سازمانهای بین‌المللی مانند زبان خارجی، اسناد بین‌المللی، آداب مذاکره و معاشرت بین‌المللی	۲۴
۵	استفاده از منابع مالی و خدمات مشاوره‌ای سازمانهای بین‌المللی در پروژه‌های شهر مشهد	۲۰
۶	بهره‌گیری از فرصتهای آموزشی و تجربه‌های شهرهای دیگر از طریق حضور و مشارکت مستمر در سازمانهای بین‌المللی	۱۴
۷	همکاری دوجانبه با شهرهای مهم کشورهای همسایه، جهان اسلام و سایر مناطق با محورهای مشخص و رعایت اولویت پروژه‌های شهری	۱۳
۸	مشارکت فعال در سازمانهای بین‌المللی جهت معرفی تجربیات موفق در شهر مشهد	۱۰

یکی از نیازهای مشهد برای حضور کارآمد در سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با امور شهری و استفاده از مزیت‌های آن‌ها، «شناسایی پیش‌نیازهای برندسازی برای ظرفیت‌سازی در فعالیتهای بین‌المللی» می‌باشد. که هر ۳۰ تن شرکت‌کننده در پنل با آن موافق بوده‌اند. برندسازی و دارای نام شدن در فرای مرزهای کشور برای مشهد چنان اهمیت دارد که در بخش «اقتصاد بین‌الملل و سرمایه‌گذاری خارجی» نیز به عنوان یک نیاز اساسی تشخیص داده شده است. با توجه به این که مشهد در نخستین گام نیازمند شناساندن خود به دیگر شهرهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی است، فعالیت‌هایی چون «ایجاد پرتال جامع شهر مشهد به زبانهای مختلف...»، که ۲۷ تن با آن موافق بوده‌اند، می‌تواند در پی‌ریزی بستر مناسب در راستای اقدامات فراملی کارساز باشد. در این میان یکی از اولویتهای اساسی در راستای تقویت روابط فراملی شهر مشهد «ایجاد همگرایی و هم‌افزایی در نگرش و برنامه مدیران و کارشناسان در زمینه همکاری با سازمانهای بین‌المللی» است؛ چرا که اگر نگرش مناسب و واقعی از لزوم حضور در عرصه‌های فراملی در مدیران و مسئولین شکل نگرفته باشد، پشتیبانی‌ها و اقدامات مناسب نیز انجام نشده و یا به شیوه‌ی گاه‌پاره‌ای خواهد بود. از این رو ۲۶ تن با اهمیت و اولویت آن موافقت داشته‌اند. بدون‌شک، حضور کارآمد در سازمان‌های بین‌المللی نیازمند

افرادی متخصص و آشنا به مسائل روز و دارای توانمندی‌های مناسب می‌باشد. از این رو «تربیت نیروی متخصص و آموزش مهارت‌های اثرگذاری در سازمان‌های بین‌المللی...» در این راستا قرار دارد و ۲۴ تن نیز با اولویت آن هم‌رأی شدند. همچنین، «استفاده از منابع مالی و خدمات فنی و مشاوره‌ای سازمان‌های بین‌المللی در پروژه‌های شهر مشهد» به منظور حل مشکلات آن، از نیازهایی است که ۲۰ تن بر آن تأکید داشته‌اند. بی‌گمان، آنچه در تشویق مسئولان شهر مشهد به توسعه روابط فراملی بسیار کارساز است، بهره و استفاده چنین روابطی برای مشهد است که در این مورد به آن اشاره شده است.

ج) اولویت نیازها در بخش مسائل فرهنگی، اجتماعی و زیارت

سه مورد نخست از نیازهای بخش فرهنگی، اجتماعی و زیارت را بین ۵۳ تا ۷۶ درصد از شرکت‌کنندگان پنل در اولویت قرار دادند و چهار مورد بعدی در اولویت کمتری بوده است (جدول ۳).

جدول ۳. اولویت نیازها در بخش اجتماعی - فرهنگی و زیارت.

ردیف	نیازها	امتیاز
۱	سرمایه‌گذاری فرهنگی تبلیغی برای گردشگران و زائران خارجی	۲۳
۲	لزوم ارتقا جایگاه مشهد در حوزه بین‌الملل	۲۱
۳	گزینش و ارتقای مولفه‌های موثر در جایگاه جهانی شهر مشهد	۱۶
۴	هم‌افزایی بین ظرفیت‌های شهرداری و خارج از شهرداری	۱۴
۵	طراحی مدل مطلوب پیشرفت شهر مشهد در ابعاد بین‌المللی	۱۳
۶	ضرورت آسیب‌شناسی از وضعیت موجود و شناسایی نیازها	۱۲
۷	طراحی و اجرای سازوکارها و پروژه‌های مورد نیاز	۸

مشهد به عنوان یکی از شهرهای مذهبی کاستی‌های فراوانی در راستای جذب گردشگران و زائران خارجی دارد، بنابراین «نیاز به سرمایه‌گذاری فرهنگی - تبلیغی برای گردشگران و زائران خارجی» با نظر ۲۳ تن، مهم‌ترین اولویت این بخش شناخته شده است. و در همین زمینه، ۲۱ تن این اولویت را مورد تأیید قرار داده‌اند که مشهد نیازمند «ارتقا جایگاه در حوزه بین‌الملل» است، و کارهای فراوانی در این راستا در بخش فرهنگی، اجتماعی و زیارت بایستی انجام دهد. از این روی نیازمند «گزینش و ارتقای مولفه‌های موثر در جایگاه جهانی شهر مشهد»، به عنوان سومین اولویت این بخش می‌باشد که ۱۶ تن نیز با آن نظر همدلانه داشته‌اند. اما از مشکلات مهم مشهد هم‌راستا نبودن سازمان‌های مختلف شهری و شهرداری می‌باشد، که در این رابطه «هم‌افزایی بین ظرفیت‌های شهرداری و خارج از شهرداری»، مورد تأکید ۱۴ تن از افراد پنل بوده است. از سویی، از آنجا که مدل مناسب و تدوین شده‌ای که چشم‌انداز و راهبردهای مشهد و نیز وظیفه

دستگاه‌های مختلف را در آن راستا نشان دهد، وجود ندارد، بنابراین یکی از اولویت‌های مشهد در این زمینه «طراحی مدل مطلوب پیشرفت شهر مشهد در ابعاد بین‌المللی» با نظر ۱۳ تن تشخیص داده شده است.

د) اولویت نیازها در بخش ارتباطات و تبلیغات بین‌الملل

در بخش ارتباطات و تبلیغات بین‌الملل، هر ۱۴ نیاز شناسایی شده را از ۵۶ تا ۸۶ درصد از شرکت‌کنندگان پنل در اولویت قرار داده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴. اولویت نیازها در بخش ارتباطات و تبلیغات بین‌الملل

رتبه	نیازها	امتیاز
۱	نیاز به وجود برند مشخص برای مشهد	۲۶
۲	فراگیر کردن گفتمان دیپلماسی شهری میان مسئولین و شهروندان	۲۳
۳	بهره‌گیری مناسب از تجارب ملی و بین‌المللی در حوزه‌های تخصصی بین‌المللی	۲۳
۴	بانک‌های اطلاعاتی جامع	۲۲
۵	زیرساخت‌های لازم سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای ارتباطات و تبلیغات بین‌الملل	۲۲
۶	برگزاری رویدادهای مهم بین‌المللی و منطقه‌ای در مشهد	۲۲
۷	تعامل با دانشگاه‌ها و سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی (یونسکو و ...)	۲۱
۸	انجام تبلیغات برون‌مرزی و نشریات بین‌المللی	۲۱
۹	هماهنگی و هم‌افزایی میان متولیان امور تبلیغات خارجی	۲۰
۱۰	برپایی نمایشگاه دائمی از ظرفیتها و دستاوردهای شهر و شهرداری در مشهد	۱۹
۱۱	استقرار نمایندگان وسائل ارتباط جمعی در کلاس بین‌الملل در مشهد	۱۹
۱۲	مخاطب‌شناسی و اولویت‌بندی آنها	۱۹
۱۳	ساخت نمایشگاه‌های پرتابل و آماده بین‌المللی	۱۸
۱۴	مکانیسم لازم برای راهنمایی زائران و گردشگران خارجی	۱۷

«نیاز به وجود برند مشخص برای مشهد» را می‌توان اساسی‌ترین نیازی دانست که ۲۶ تن از افراد پنل بر آن تأکید داشتند. افزون بر بخش ارتباطات و تبلیغات بین‌الملل، این مورد در بخش‌های اقتصاد بین‌الملل و سرمایه‌گذاری خارجی و نیز بخش سازمان‌های بین‌المللی نیز مورد توجه بوده است و نشان از نیاز شدید مشهد به آن در راستای حضور بین‌المللی دارد. وجود هرگونه توانمندی در مشهد در راستای ارتباط با سایر شهرهای جهان، نیازمند ابزار مناسب برای شناساندن آن توانمندی‌ها و برای بهره‌مندی از توان‌های سایر شهرها و سازمان‌های بین‌المللی است. دیپلماسی شهری ابزاری مناسب در این راستا می‌باشد که در شهر مشهد به عنوان یک نیاز اساسی پیشنهاد شده است و ۲۳ تن در این زمینه با «فراگیر کردن گفتمان دیپلماسی

شهری میان مسئولین و شهروندان» موافق بوده‌اند. افزون بر دیپلماسی شهری، لزوم «بهره‌گیری مناسب از تجارب ملی و بین‌المللی در حوزه‌های تخصصی بین‌المللی» را نیز ۲۳ تن از اعضای پنل مورد توجه قرار داده‌اند. «وجود بانک‌های اطلاعاتی جامع» از پایه‌ای‌ترین مواردی است که برای هرگونه ارتباط و نیز اقدام فراملی مشهد مورد نیاز می‌باشد و ۲۲ تن با آن موفق بوده‌اند. افزون بر موارد گفته شده، اقدامات و زیرساخت‌هایی نیز وجود دارد که مشهد می‌بایست در آن‌ها توسعه یابد (موارد ۵ تا ۱۴ جدول ۴). روی‌هم‌رفته، موارد گفته شده نتیجه هم‌اندیشی گروهی از کارشناسان اجرایی سازمان‌های مرتبط با شهرداری است. در ادامه، مسائل و مشکلات شهر مشهد در دیپلماسی شهری از نظر مسئولین مرتبط مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲.۳. ضعف‌ها و مشکلات مشهد در دیپلماسی شهری از نگاه مسئولان شهری

مصاحبه‌های انجام یافته با ۱۰ تن از مسئولان مرتبط با دیپلماسی شهری در ۳۴۷ دقیقه انجام شده است (جدول ۵). نتایج مصاحبه پس از کدگذاری در سه دسته مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۵. تخصص و زمان مصاحبه‌های انجام شده با مسئولان

کد	تخصص	زمان مصاحبه به دقیقه
۱	دکتری برنامه‌ریزی شهری	۲۲
۲	دکتری روابط بین‌الملل	۵۷
۳	دکتری علوم سیاسی	۳۰
۴	دکتری اقتصاد	۲۳
۵	کارشناسی ارشد، ارتباطات بین‌الملل	۶۵
۶	مدیریت استراتژیک	۱۵
۷	کارشناس ارشد، مهندسی صنایع	۲۵
۸	کارشناس ارشد، جامعه‌شناسی	۶۰
۹	کارشناس مدیریت	۳۰
۱۰	کارشناس علوم اجتماعی	۲۰
مجموع		۳۴۷

الف) مشکلات برآمده از «ذهنیت» و «نبود شناخت راستین» از فضای جهانی شهرها

هفت تن از ده تن مسئولان مصاحبه‌شده، بنیادی‌ترین مشکل در فرایند دیپلماسی شهری برای مشهد را به «ذهنیت» مسئولان و «نبود شناخت راستین» از فضای جهانی شهرها و هم‌کنش شایسته با آن نسبت داده، و این مشکل را با واژه‌ها و جمله‌های گوناگون بیان نموده‌اند. جدول ۶، چند نمونه از این موارد را نشان می‌دهد.

جدول ۶. مشکلات مرتبط با «ذهنیت» مسئولان و «نبود شناخت راستین» از فضای جهانی شهرها

«نگاه موجود به دلیل عدم اطلاع مدیران است، مثل شوراها که دوره ای است و افراد کم تجربه وارد می شوند. نگاه به دیپلماسی شهری به عنوان سفرهای تفریحی و ... است، نگاه کلان ندارند» (کد ۱)
«عدم نگاه علمی به فرایند دیپلماسی شهری و عدم آشنایی با ادبیات خاص آن» (کد ۳)
«نگاه سیاسی به امور دیپلماسی شهری»، «ذهنیت در خصوص جاسوس بودن خارجی ها» (کد ۱)
«فعالیت های ما بخصوص در اوایل با چراغ خاموش انجام شده و الا شاید همان موانع مانع کار می شد» (کد ۵)
«... نبود دیدگاه بین الملل در مسئولین شهر، نبود اختیار و امکانات و ...» (کد ۴)
«جانیفتادن موضوع برای نخبگان و مسئولان و ذینفعان»، «نداشتن مدیران آموزش دیده» و «نبود افراد متخصص» (کد ۲)
«در سطح کلان کشور برنامه ای برای دیپلماسی عمومی نداریم. دیپلماسی شهری جزئی از دیپلماسی عمومی است که اگر از بالا فضا سازی شود و به همه شهرها رسوخ کند آن وقت جا می افتد» (کد ۷)
«در مشهد مدیریت شهری انگیزه و توان لازم را در راستای دیپلماسی شهری ندارد. انتخاب مدیران شایسته می تواند این ضعف را برطرف کند.» (کد ۸)
«... نگاهها سیاسی و از منظر دیپلماسی دولتها تعریف می شود و هنوز دیپلماسی شهری ما نتوانسته است جایگاه جدی خود را پیدا کند» (کد ۷)

گفتمان حاکم بر شهرهای ایران و به پیروی از آن مدیریت شهر مشهد، دارای کاستی های جدی در درون مایه های امروزی مورد نیاز روابط فراملی شهرها می باشد. بی گمان، ایجاد حکومت محلی پیش نیاز امروز شهرها در راستای برآوردن نیازها و فراهم آوردن حقوق شهروندان می باشد، - این حکومت محلی خود برآمده از یک نظام سیاسی دموکراتیک می باشد - و مدیریت شایسته فضای شهر و به ویژه در پیش گرفتن دیپلماسی شهری در چارچوب ساختارها و اختیارات حکومت محلی می تواند به بار بنشیند، نه در یک سیستم مدیریتی جزیره ای و ناهماهنگ و با اختیارات محدود. بنابراین، چنانچه از زاویه گفتمانی به مشکلات بیان شده نگریسته شود، این انتقادات، در واقع، انتقاد از گفتمان حاکم بر فضای شهرهای ایران می باشد که از راه الزامات کانالیزه شده ی ساختار سیاسی و مدیریتی به شهرها تزریق می گردد و از این روی، افرادی که در رده های مسئولیتی مرتبط و موثر در دیپلماسی شهری به کار گرفته می شوند، از ویژگی های درخور این فضا برخوردار نمی باشند. همچنین، در علل دست نیافتن به نتایج درخور از فعالیت های مربوط به دیپلماسی شهری نیز به ذهنیت منفی موجود اشاره شده است. درباره سفرهای خارجی مرتبط با دیپلماسی شهری نیز نگاه مثبتی وجود ندارد و از دو سوی مسئولان نظارتی و نیز مدیران اجرایی مشکلاتی وجود دارد. به گونه ای که مسئولان نظارتی بر این باورند که دستاوردهای شایسته از این رفت و آمدها برای مشهد به دست نیامد است. از سویی، مدیران اجرایی که درگیر فرایند دیپلماسی شهری و سفرهای مرتبط با آن هستند، از اعمال سلیقه ها و ضعف های سیستم در این زمینه گله مند می باشند که چنین مشکلاتی باز برمی گردد به همان ذهنیت مسئولان و تصمیم گیران که بدان اشاره شد.

ب) مشکلات برآمده از سیاست خارجی کشور و کیفیت روابط بین المللی

در جهان امروز، با وجود این‌که در بخش‌هایی، وظایف و اختیارات دولتی به نهادهای غیردولتی و محلی واگذار شده است، اما دولت‌ها هم در نظام بین‌الملل و هم در عرصه داخلی، همچنان قدرت برتر هستند. از این روی، سیاست خارجی رسمی کشورها و پیامی که از مجموعه فعالیت‌های داخلی در ارتباط با سایر کشورها، فرستاده می‌شود، و کیفیت روابطی که با سایر کشورها دارند، اثرات داخلی خود را بیش از همه در کلانشهرها به جای می‌گذارد. مدیریت شهرها در فرایند این روابط نیز دچار تغییر می‌شود، و این تغییر بیش از همه متوجه روابط و پیوندهای شهری در تراز بین‌المللی و به ویژه دیپلماسی شهری می‌باشد. در تأیید این گفته، و اثرات لمس شده آن در مشهد، برخی از مسئولینی که با آن‌ها مصاحبه شده است، به گونه‌های مختلف به آن اشاره داشته‌اند. از جمله: «[در مسائل شهری] شرایط بین‌الملل بسیار مهم است»؛ «دیپلماسی شهری تحت تأثیر سیاست خارجی کشور است»؛ «بعد از جریان سفارت عربستان، ورود زائران عربستان به مشهد قطع شده است»؛ «مهمترین عامل در جذب سرمایه‌گذاری‌ها، سیاست خارجی کشور است. «سیاست خارجی بسیار مهم‌تر از فرایندها و فضای کسب و کار است. وضعیت ایران در جهان و جایگاه آن بسیار مهم است.» «بحث محدودیت روایید از طرف آمریکا، تنش اخیر با عربستان، و رویدادهای مرتبط با مشهد ۲۰۱۷، حوزه دیپلماسی شهری را بسیار متأثر ساخته است». به اندازه‌ای که سیاست خارجی با مناسبات جهانی و منافع ملی همگام باشد، به همان اندازه می‌تواند در فرایند جهانی‌شدن نقش‌آفرینی کرده و منافع کشور را برآورده سازد. از این روست که مسئولان شهر مشهد نیز اثرات نوع روابط بین‌المللی کشور را چه در جذب زائر و گردشگر و چه در جذب سرمایه‌گذاری خارجی به تجربه درک کرده و بر اهمیت آن تأکید نموده‌اند. از این رو، از اساسی‌ترین راهکارهای کلان مدیریت شهرها، بهبود روابط و پیوندهای جهانی در تراز ملی و همگام با آن استفاده از دیپلماسی شهری در تراز فروملی و شهری است.

ج) مشکلات برآمده از ساختار مدیریت شهرها در کشور

نگاه حاکم در کشور درباره واگذاری اختیارات به حکومت‌های محلی و نهادهای غیردولتی و مدنی، نه با نیازها و خواسته‌های مردمی همسان است و نه با روند تحولات در شهرهای جهان. بنابراین اگر زمینه‌های قانونی و نهادی مورد نیاز برای شهرهای کشور در راستای مدیریت شایسته فضاهای شهری فراهم نمی‌شود، بخشی از دلایل آن به ویژگی‌های دولت در ایران باز می‌گردد که بر پایه نظام سیاسی حاکم، در جایگاه مناسبی از نظر ویژگی‌های دموکراتیک برخوردار نمی‌باشد. دولت می‌بایست زمینه‌های مورد نیاز در راستای مدیریت فضاهای شهری را هر چه بیشتر فراهم ساخته و حمایت‌های مورد نیاز را انجام دهد. در اثر نبود این زمینه‌ها، مدیریت شهرها با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌گردند. جدول ۷، بخشی از این مشکلات را بر اساس نتایج مصاحبه نشان می‌دهد.

جدول ۷. مشکلات برآمده از ساختار مدیریت شهرها در رابطه با دیپلماسی شهری در مشهد

«در مشهد همه نهادها درگیر دیپلماسی شهری هستند. که این به عدم مدیریت یکپارچه و عدم به روز شدن قانون شهرداری‌ها برمی‌گردد. و امور شهری در بین دستگاههای مختلف پخش شده ...» (کد ۲)
«اتکای فعالیت های دیپلماسی شهری به افراد است» (کد ۶)
«در راستای دیپلماسی شهری با دیگر دستگاههای شهری لینک نبودیم...» (کد ۵)
«در سازمان های بین‌المللی بسترهای زیادی ساخته شده اما اینکه چقدر از بسترهای ساخته شده استفاده می شود بر می گردد به مشکلات و مکانیزم های داخل کشور، نبود دیدگاه بین الملل در مسئولین شهر، نبود اختیار و امکانات و ...» (کد ۵)
«... در یک ساختار اداری مبتنی بر یک بروکراسی ناکارآمد نمی‌توان سرمایه‌گذار جذب کرد. باید با نگاه به منافع ملی و منافع شهری به این قضیه نگاه کرد.» (کد ۷)
«فرایندها در شهرداری تا تصویب شورای شهر طولانی است» (کد ۴)
«در شهرداری در حوزه بین‌الملل مدیریت یکپارچه ای وجود ندارد. بخشی از حوزه روابط بین‌الملل در روابط عمومی و بخشی در معاونت برنامه‌ریزی است در نتیجه یک سیاستگذاری واحدی هم اتفاق نمی‌افتد و گاهی هم‌افزایی نداشته و گاها همدیگر را خنثی می‌کنند.» (کد ۷)

با وجود این‌که درباره نیاز به دیپلماسی شهری در راستای برآوردن کمبودهای شهر مشهد از نظر مسئولان شهری هم‌رأیی وجود دارد، با این حال، برنامه و آینده مورد توافقی برای این منظور تدوین نشده است. همچنین، در بدنه شهرداری به عنوان سازمان اصلی که فعالیت‌های دیپلماسی شهری را دنبال می‌کند، مدیریت یکپارچه و متمرکزی در این زمینه وجود ندارد (بخشی از فعالیت‌ها در روابط عمومی و بین‌الملل و بخشی در معاونت برنامه ریزی و توسعه انجام می‌شود). از این روی است که، یکی از اعضای شورای اسلامی شهر مشهد، بر این باور است که «... در نتیجه یک سیاستگذاری واحدی هم اتفاق نمی‌افتد و گاهی هم‌افزایی نداشته و گاها همدیگر را خنثی می‌کنند. و حتما یک ساختار متمرکز برای شهرداری لازم است...». افزون بر مشکلات ساختاری گفته شده، مسائلی نیز درباره خود مدیران وجود دارد که سبب‌ساز دست نیافتن به نتیجه مناسب شده است. مسائلی همچون «ضعیف بودن اراده حاکمیتی مسئولان»، «نبود انگیزه و توان لازم در مدیران در راستای دیپلماسی شهری»، و نیز «ضعف عملکرد شوراها». کمبودهایی که در شهر مشهد وجود دارد، احساس نیاز به تعامل را در بسیاری از مسئولان شهر به وجود آورده است، با این همه، اجماع بایسته، و کارهای شایسته در این راستا به انجام نرسیده است.

از دیگر کمبودهایی که در این بخش می‌توان بدان اشاره نمود، کمبودهای برآمده از نبود سیستم هماهنگ و کارا در راستای جذب سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یکی از آورده‌های دیپلماسی شهری می‌باشد. به اندازه‌ای که در زمینه دیپلماسی شهری موفقیت به دست آید، سرمایه‌گذاری خارجی نیز می‌تواند افزایش پیدا کند. ولی در این زمینه مشکلاتی در مشهد وجود دارد. افزون بر مشکلاتی که جنبه ملی دارد و به سیاست‌های کلان اقتصادی کشور (مانند قوانین سرمایه‌گذاری) و وضعیت اقتصادی و سیاسی آن برمی‌گردد؛ مواردی نیز

وجود دارد که در مشهد مورد انتقاد گرفته است. مواردی همچون: نداشتن بسته‌های خاص سرمایه‌گذاری، ضعف در تبلیغات در کشورهای مبدأ، طولانی بودن فرایندهای اداری، عدم موفقیت شهرداری در تعریف پروژه‌های خوب و معرفی خوب آنها. مجموعه این مسائل سبب شده تا مشهد از نظر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در جایگاه شایسته‌ای قرار نگیرد و همه افراد مصاحبه‌شونده در این باره هم‌رأی بوده‌اند و سرمایه‌گذاری‌های جذب شده را نه نتیجه دیپلماسی شهری، که نتیجه سایر فرایندها دانسته‌اند.

۴. بحث

در این پژوهش اولویت جالش‌ها و نیازهای کلانشهر مشهد در دیپلماسی شهری، در چهار دسته اقتصاد بین‌الملل و سرمایه‌گذاری خارجی؛ سازمان‌های بین‌المللی؛ مسائل اجتماعی- فرهنگی و زیارت؛ و ارتباطات و تبلیغات بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفت. در این چهار دسته، در مجموع، ۴۲ اولویت به دست آمد که ۳۱ مورد آن (حدود ۷۴ درصد) با نظر ۵۳ تا ۱۰۰ درصد از اعضاء در اولویت قرار گرفته است. نخست این که، چهار زمینه گفته شده خود زبان گویای نیازهای شهر مشهد در پیوند با سایر شهرهای جهان است، به گونه‌ای که بسیاری از مشکلات شهر مشهد در آن‌ها جای می‌گیرد، به ویژه در زمینه اقتصاد بین‌الملل و سرمایه‌گذاری خارجی، که از مشکلات کل کشور، به ویژه کلانشهرها می‌باشد. دوم این که، برآوردن این اولویت‌ها و دست نیافتن به بسیاری از این نیازها تاکنون، به دلیل بازدارنده‌هایی بوده است که ریشه در نظام سیاسی کشور و در نتیجه شیوه مدیریت شهرها دارد. به هر روی، بنا بر نوع نیازهایی که در این بخش بدان اشاره شده است و نیز هم‌رایی اکثریت در نیاز به همکنش شایسته بین‌المللی در راستای فراهم‌سازی خواسته‌های گفته شده، بایستی از ابزار مناسب در راه این تعاملات استفاده نمود. آنچه امروزه، در فضای جهانی شهرها رسمیت دارد، و حکومت‌های محلی و مدیران شهری تلاش دارند از آن به گونه‌ای شایسته استفاده کنند، همانا «دیپلماسی شهری» می‌باشد. بی‌دلیل نیست که دیپلماسی شهری در شهر مشهد به عنوان یک نیاز اساسی پیشنهاد شده است و ۲۳ تن (از ۳۰ تن) در این زمینه با «فراگیر کردن گفتمان دیپلماسی شهری میان مسئولین و شهروندان» موافق بوده‌اند. در مصاحبه‌های انجام گرفته نیز، دیدگاه مسئولین درباره ضعف‌ها و مشکلات مشهد در دیپلماسی شهری مورد بررسی قرار گرفت. بسیاری از نیازها و مشکلاتی که در مصاحبه‌ها بدان اشاره شده، در پنل دیپلماسی شهری و در جمع کارشناسان سازمان‌های زیرمجموعه شهرداری نیز به آن تأکید گریده است. با این تفاوت که به دلیل این که مسئولان، عموماً از دید مدیریتی و کلان به مسائل نگاه می‌کنند و بیشتر در معرض گفتمان رسمی بوده و با مشکلات ساختاری بیشتر درگیر هستند، در نتیجه، بنیادی‌ترین مشکل در فرایند پیوندهای بین‌المللی در چارچوب دیپلماسی شهری برای مشهد را به «ذهنیت» مسئولان و «نبود شناخت راستین» از فضای جهانی شهرها و همکنش شایسته با آن نسبت می‌دهند. همچنین، ضعف‌ها و

مشکلات مشهد در دیپلماسی شهری از نظر مسئولان نیز شاهی بر درستی بسیاری از نظرات گفته شده در پند دیپلماسی شهری می‌باشد. گرچه، نیازها و مشکلات گفته شده، برآمده از مشکلات عینی شهر مشهد و شهروندان بوده و بدنه کارشناسی و تخصصی مدیریت شهر مشهد بر آن آگاه است، وانگهی، عملکرد مسئولان و مدیران در سایه دیدگاه مسلط بر فضای شهری کشور و ناهمگن با فضای جهانی شهرها به پیش می‌رود. از آن‌جا که مدیریت شهر در چارچوب دیدگاه حاکم بر هر فضای جغرافیایی شکل یافته و سمت‌وسو می‌یابد، دیدگاه حاکم بر مدیریت شهرهای ایران و به پیروی از آن مدیریت شهر مشهد، دارای کاستی‌های جدی در درون‌مایه‌های امروزین مورد نیاز روابط بین شهری و فراملی شهرها می‌باشد. بنیادی‌ترین این درون‌مایه‌ها، باور واقعی و عملی دیدگاه مسلط به حقوق انسانی می‌باشد. که به بار نشستن این باور در چارچوب قوانین، سیاستها، برنامه‌ها و ساختارهای شایسته به فراخور نیازهای هر زمان خود را نشان می‌دهد. بی‌گمان، ایجاد حکومت محلی با اختیارات لازم، پیش‌نیاز امروز شهرها در راستای برآوردن نیازها و پیگیری حقوق شهروندان می‌باشد. مدیریت شایسته فضای شهری و به ویژه در پیش گرفتن دیپلماسی شهری با اختیارات مطابق با نیازهای روز حکومت محلی می‌تواند به بار بنشیند، نه در یک سیستم مدیریتی جزیره‌ای و ناهم‌هنگ و با اختیارات محدود. در واقع، دیدگاه حاکم بر فضای شهرهای ایران از راه الزامات کانالیزه شده‌ی ساختار سیاسی و مدیریتی به شهرها تزریق می‌گردد و از این روی، افرادی که در رده‌های مسئولیتی مرتبط با دیپلماسی شهری به کار گرفته می‌شوند، با این فضا آشنایی مناسب ندارند. شناخت مسئولین و تصمیم‌سازان مدیریت شهرها از فضای جهانی حاکم بر شهرها و الزامات مدیریتی آن، می‌تواند تا اندازه زیادی مشکلات مرتبط با «ذهنیت» و نبود شناخت مناسب از الزامات روابط بین‌المللی شهرها را بکاهد و بستر ذهنی و نظری فعالیت‌های فراملی شهر مشهد را بیش از پیش فراهم نماید.

با این حال، از آن‌جا که «برای سیاست، شهر در مقایسه با کشور، فضای بسیار ملموس‌تری است و در این فرآیند به مکانی تبدیل می‌شود که بازیگران سیاسی غیررسمی می‌توانند ... در صحنه سیاسی مشارکت کنند.» (بصیرت و جلیلی، ۱۳۹۳، ص. ۵۵)، و همچنین در طرح‌ها و برنامه‌های شهری به شیوه‌های گوناگون، بر ضرورت پیوند با جهان جهت حل مشکلات کلانشهر مشهد تأکید شده است، بی‌تردید بدون حکومت محلی کارآمد، نمی‌تواند رسالت اصلی خود که خدمت‌رسانی به شهروندان محلی است را به انجام برساند (امانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۵). همین عامل از مشکلات عمده مشهد و دیگر شهرهای ایران در راستای رسیدن به دیپلماسی شهری موفق است.

نتایج این پژوهش، با نظر سریع‌القلم (۱۳۸۴) در این که فهم مشترک نخبگان ابزاری فکری از شرایط داخلی و جهانی؛ تعیین‌کننده‌ترین عامل در هدایت و شکل‌گیری و تصمیم‌گیری برای پیشرفت در کشورهای در حال توسعه می‌باشد، هم‌راستا است و لذا فهم مجموعه‌ی مدیران شهری، از فضای حاکم بر شهرهای جهان، و نگاه بین‌المللی به مسائل داخلی (سریع‌القلم، ۱۳۸۷)، یکی از مهمترین زنجیره‌های فهم یاد شده می‌باشد. این

فهم و شناخت، هم فضای عمل را بر مدیران شهری می‌گشاید و هم فاصله ما را با سایر نقاط جهان روشن می‌سازد. از سوی دیگر، اساس یافته‌های مقاله، نظر جهاننگلو (۱۳۷۲) مبنی بر لزوم توجه به ارزش‌ها و ویژگی‌های حاکم بر روابط دیگر نقاط جهان، برای شرکت در فرایندهای جهانی شدن، را نیز تأیید می‌کند. دیپلماسی شهری موفق نیز مستلزم شناخت درست از مناسبات و ارزش‌های حاکم شهرها و کشورهای مختلف جهان است.

در یافته‌های این پژوهش بر طراحی مدل مطلوب پیشرفت شهر مشهد در ابعاد بین‌المللی تأکید شده که از این منظر با استدلال آکوتو و همکاران (۲۰۱۷) مبنی بر لزوم تفکر یکپارچه‌تر و استراتژیک در سطوح محلی و بین‌المللی؛ و یافته‌های اسدی (۱۳۹۸) مبنی بر تعریف یک نقشه راه برای دیپلماسی شهری در تراز ملی هم‌راستا می‌باشد. همچنین، «نداشتن مدیران آموزش دیده» و «نبود افراد متخصص» به عنوان مشکلاتی که شهر مشهد در دیپلماسی شهری با آن مواجه است، با نتایج پژوهش کازوواک و همکاران (۲۰۲۰)، مبنی بر آموزش ناکافی در دیپلماسی شهری، به عنوان یکی از موانع اصلی که شهرها برای تقویت نقش دیپلماسی شهری در سطح جهانی باید بر آن غلبه کنند، هم‌راستا می‌باشد.

۵. نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش شناخت مشکلات و نیازهای شهر مشهد در زمینه دیپلماسی شهری می‌باشد. در این فرایند، از نظرات ۳۰ تن از اعضای شرکت‌کننده در یک پنل تخصصی با موضوع دیپلماسی شهری در مشهد و در چهار کارگروه تخصصی بهره گرفته شده، و با ۱۰ تن از مسئولین مرتبط نیز مصاحبه گردیده است. در نتیجه‌ی پنل، ۴۲ اولویت در چهار محور به دست آمد. نتایج مصاحبه از مسئولین، بنیادی‌ترین مشکل دیپلماسی شهری مشهد را، «ذهنیت» مسئولین و «نبود شناخت راستین» از فضای جهانی شهرها و همکنش شایسته با آن می‌داند. پس از آن مشکلات برآمده از سیاست خارجی کشور و مشکلات مربوط به ساختار مدیریت شهرها قرار دارد.

روی هم‌رفته، گرچه نتایج کار میدانی نشان‌دهنده این است که چه کارشناسان و چه مسئولین بر این باورند که مشکلات و نیازهای مشهد فراوان است و گشایش آن‌ها بدون رابطه با سایر کشورها امکان‌پذیر نمی‌باشد، ولی، باید دانست که حل بسیاری از موارد گفته شده نیازمند تغییر اساسی در دیدگاه کلان حاکم بر کشور در راستای پیوند با شهرهای جهان می‌باشد. به گونه‌ای که هنجارهای بین‌المللی و اصول ثابت جهانی در روابط شهرها، در داخل به رسمیت شناخته شود و از راه ساختار سیاسی و اداری کشور به شهرها تزریق گردد. بر پایه چنین فرایندی است که آینده دیپلماسی شهری مشهد را تا اندازه‌ی زیادی، وضعیت ایران در جهان نمایان خواهد ساخت؛ وضعیتی که خود برآمده از نحوه تعامل با جهان خواهد بود.

آینده دیپلماسی شهری اکنون نه تنها با چگونگی و اینکه آیا شهرها اقدامات محلی برای رسیدگی به مسائل جهانی انجام می‌دهند، بلکه همچنین با نحوه تطبیق شیوه‌های دیپلماتیک خود با نظم جهانی در حال گذار تعیین می‌شود. لذا اساسی‌ترین پیشنهاد برای مدیریت شهر در فضای جهانی‌شدن کنونی، بهبود روابط با جهان در تراز ملی است، و آینده دیپلماسی شهری در مشهد، متأثر از وضعیت عوامل مختلف تأثیرگذار بر آن، در چارچوب تغییر یا ثبات مؤلفه‌های پایه‌ای دیدگاه مسلط بر نظام سیاسی ایران خواهد بود.

۶. تشکر و قدردانی

از همکاری آقایان حمیدرضا اصفهانی‌زاده و حسین احمدی در گروه همکاری‌های بین‌المللی علمی و تخصصی شهرداری مشهد جهت فراهم آوردن زمینه حضور نگارندگان در پنل دیپلماسی شهری که توسط شهرداری مشهد برگزار شد؛ همچنین از آقای پولائی که نتایج تدوین شده این پنل را در اختیار قرار دادند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

کتاب‌نامه

۱. احمدی‌پور، ز.، قورچی، م.، و قادری حاجت، م. (۱۳۹۱). تبیین جایگاه دیپلماسی شهری در توسعه حوزه‌ی نفوذ ژئوپلیتیکی. *مجله جغرافیا و توسعه‌ی شهری*، ۱(۱)، ۲۳۰-۲۰۵.
۲. اسدی، ر. (۱۳۹۸). فراتحلیل کیفی پژوهش‌های انجام‌شده با موضوع دیپلماسی شهری در ایران. *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۱۷(۲)، ۳۱۵-۳۴۰.
۳. امانی، م. (۱۳۹۰). نقش سازمان‌های بین‌المللی در جایگاه جهانی جدید کلانشهرها (با تأکید بر دیپلماسی شهری و مجمع شهرداران آسیایی). *دانش شهر*، ۳۱، ۵۴-۱.
۴. بصیرت، م.، و جلیلی، س. (۱۳۹۳). تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های توسعه دیپلماسی شهری در کلانشهر تهران. *نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، ۱۹(۳)، ۶۶-۵۳.
۵. جهانبگلو، ر. (۱۳۷۲). در: طباطبایی، ج و همکاران. (۱۳۷۲). ایران امروز، سنت مدرنیته یا پست مدرن. *کیان*، ۱۵، ۱-۱۵.
۶. دولفوس، ا. (۱۳۹۰). *فضای جهانی (تأملی در چگونگی پدیده جهانی‌شدن)*. ترجمه سیروس سهامی. چاپ اول. مشهد: انتشارات پاپلی.
۷. رنی‌شورت، ج. (۱۳۸۸). سیاه‌چاله‌ها و پیوندهای سست در شبکه‌ی شهرهای جهانی. ترجمه: مرتضی قورچی و قهرمان رستمی. *دانش شهر*، ۲، ۱۵-۱.
۸. رهنما، م.، و برادران قاسمی، م. (۱۳۸۸). بررسی نقش نهادهای سیاسی در جهانی‌شدن شهر مشهد. *مجله مشهد پژوهی*، ۲(۳)، ۴۲-۱۹.

۹. سریع‌القلم، م. (۱۳۸۴). *عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران*. چاپ چهارم. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۱۰. سریع‌القلم، م. (۱۳۸۷). *ایران و جهانی‌شدن: چالش‌ها و راه‌حلیها*. چاپ دوم. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۱. شمیم، ع.ا. (۱۳۷۵). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. چاپ هفتم. تهران: موسسه انتشارات مدبر.
۱۲. فرودگاه بین‌المللی هاشمی نژاد مشهد. (۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۵). برگرفته از: <https://mashhad.airport.ir/>
۱۳. قورچی، م. و امانی، م. (۱۳۸۸). *دیپلماسی شهری در فرایند جهانی‌شدن*. دانش شهر، ۷، ۴۴-۱.
۱۴. گروه همکاری‌های بین‌المللی علمی و تخصصی شهرداری مشهد. (۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۵). برگرفته از: <https://isco.mashhad.ir/>
۱۵. مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خراسان رضوی. (۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۵). برگرفته از: ww.investinkhorasan.ir
۱۶. معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه‌انسانی شهرداری مشهد. (۱۳۹۳). *آمارنامه شهر مشهد (سال ۱۳۹۲)*. مشهد: شهرداری مشهد.
۱۷. معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه‌انسانی شهرداری مشهد. (۱۳۹۹). *آمارنامه شهر مشهد (سال ۱۳۹۸)*. مشهد: شهرداری مشهد.
۱۸. موسوی شفقانی، م. (۱۳۸۹). *دیپلماسی شهری ابزاری برای توسعه ملی در عصر فضای جریان‌ها*. دانش شهر، ۱/۸، ۲۹-۱.
۱۹. مهندسان مشاور فرهاد. (۱۳۸۸). *طرح توسعه و عمران (جامع) کلانشهر مشهد مقدس- چشم انداز توسعه و عمران/اهداف، راهبردها و سیاستها*. مشهد: مهندسان مشاور فرهاد.
۲۰. نجاتی‌حسینی، س.م. (۱۳۹۰). *سیاست شهری و دیپلماسی شهری (از نظریه تا تجربه)*. مجله جامعه‌شناسی تاریخی، ۳(۲)، ۱۴۲-۱۱۷.
۲۱. نمایندگی وزارت امور خارجه در شمال و شرق کشور (۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۵). برگرفته از: <https://mashhad.mfa.ir/portal/GeneralCategoryServices/1205>
22. Acuto, M., De Kramer, H., Kerr, J., Klaus, I., Tabor, S., & Toly, N. (2018). *Toward city diplomacy: Assessing capacity in select global cities*. Chicago: Chicago Council on Global Affairs.
23. Acuto, M., Morissette, M., & Tsouros, A. (2017). City diplomacy: Towards more strategic networking? Learning with WHO healthy cities. *Global Policy*, 8(1), 14-22.
24. Cooper, A., Hocking, B., & Maley, W. (2008). *Global Governance and Diplomacy*. First published. Palgrave Macmillan
25. Klaus I. (2020). *The State of City Diplomacy. Urbanisation*. 7(1), 61-66.
26. Kleiner, J. (2009). *Diplomatic Practice Between Tradition and Innovation*. World Scientific Publishing Co. Pte. Ltd. from: <http://www.worldscibooks.com/socialsci/7247.html>
27. Kosovac, A., Hartley, K., Acuto, M., & Gunning, D. (2020). *Conducting city diplomacy, A Survey of International Engagement in 47 Cities*. Chicago Council on Global Affairs. Retrieved from: <https://www.thechicagocouncil.org/research/report/conducting-city-diplomacy-survey-international-engagement-47-cities>
28. Massey, D. (2005). *For space*. London: Sage
29. Massey, D. (2009). *Concepts of space and power in theory and in political practice*. Walton Hall: Milton Keynes

30. Sizoo, A., & Musch, A. (2008). *City diplomacy: the role of local governments in conflict prevention, peace-building and post-conflict reconstruction*. The Hague: Deltahage
31. The Economist Intelligence Unit: EIU
32. United Cities and Local Governments (UCLG). (2008). *The Hague agenda on city diplomacy*. Barcelona: UCLG
http://www.uclg.org/sites/default/files/EN_474_fin_eng_the_hague_agenda_on_city_diplomacy_0.pdf
33. Van der Pluijm, R., & Melissen, J. (2007). City diplomacy: the expanding role of cities in international politics. Netherlands Institute of International Relations' Clingendael'. Retrieved from [https:// www. clingendael. org/ publication/ city - diplomacy-expanding-role-cities-international-politics](https://www.clingendael.org/publication/city-diplomacy-expanding-role-cities-international-politics)
34. Wang , J., & Amiri, S. (2019). *Building a robust capacity framework for U.S. city diplomacy*. Retrieved from <https://uscpublicdiplomacy.org/>



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۲۹

بررسی تأثیر معماری و محیط بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های فرهنگی شهر ارومیه^۱

حامد قلی‌زاده (دانش آموخته کارشناسی ارشد معماری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران)

hamedgholizadeh78@gmail.com

بابک مطبعی (استادیار گروه معماری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران، نویسنده مسئول)

Babak.motiei@iaui.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۶

صص ۱۲۴-۱۰۷

چکیده

مجموعه‌های فرهنگی، در جهت حفظ، گسترش و صیانت دستاوردهای فرهنگی، اجتماعی یک جامعه و رفع نیازهای اساسی فرهنگی مردم و جامعه تأسیس می‌شوند. این مجموعه‌ها با عملکرد خود از طریق نمایش، شناخت و آموزش، نقش مؤثری در احیا، ترویج و پایداری فرهنگ و جامعه دارند. هدف از این پژوهش توصیفی تحلیلی و علی مقایسه‌ای، بررسی عوامل محیطی و معماری تأثیرگذار بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های فرهنگی شهر ارومیه می‌باشد. مجموعه‌های مورد بررسی شامل چهار مجتمع فرهنگی در شهر ارومیه در نظر گرفته شد و با بهره‌گیری از نظریات اساتید و دانشجویان معماری که سابقه حضور در این مکان‌ها را دارند، عوامل محیطی و معماری مؤثر در این مجموعه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت. جامعه آماری شامل ۲۰۰ نفر از اساتید و دانشجویان معماری که از طریق نمونه-گیری هدفمند و در دسترس انتخاب شدند، در نظر گرفته شد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که فرم بیرونی بیشترین تأثیر و سپس فضای داخلی، اجتماع‌پذیری و کیفیت محیط به ترتیب بر تعاملات اجتماعی در این مجموعه‌ها تأثیرگذار بوده‌اند. این بدان معناست که طراحی در معماری از اهمیت بالایی برخوردار بوده و تأکید بر استفاده از هندسه و تناسبات، توجه به خوانایی و دعوت کنندگی در بنا، کیفیت مصالح و دقت در استفاده صحیح و کاربردی از عناصر الحاقی، توجه به ارتباطات فضایی در مجموعه، کیفیت مبلمان و تأکید بر راحتی و آسایش کاربران، ایجاد فضاهایی با قابلیت اجتماع پذیری بالا و توجه به تنوع فضایی در طراحی، ایجاد فضاهای مکث و پاتوق و در نظر گرفتن قابلیت فعالیت‌پذیری برای فضاها، توجه به امنیت، راحتی و آسایش کاربران در محیط بیرونی و توجه به مبلمان محوطه و محوطه سازی بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های فرهنگی شهر ارومیه تأثیرگذار می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: ارومیه، تعاملات اجتماعی، مجتمع فرهنگی، محیط، معماری.

^۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «طراحی مرکز اعتلای فرهنگ و هنر موسیقی با رویکرد تعاملات اجتماعی در شهر ارومیه» می‌باشد که به راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه انجام شده است.

۱. مقدمه

در جهان امروزی، یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین هدف جهت آموزش، ایجاد رشد، ارتقاء و اعتلای فرهنگ، فراهم کردن بستری مناسب برای انتقال آن در جامعه و عصر حاضر است. سازمان‌هایی مانند فرهنگسراها و مجموعه‌های فرهنگی، به عنوان یکی از ابزارهای اصلی توسعه و پایداری فرهنگی و ارتقاء تعاملات اجتماعی در جهت حفظ، گسترش و صیانت دست‌آوردهای فرهنگی، اجتماعی و هویت فرهنگی یک جامعه و رفع نیازهای اساسی فرهنگی مردم و جامعه تأسیس و اداره می‌شوند، همچنین این مجموعه‌ها و سازمان‌ها با عملکرد خود از طریق نمایش، شناخت، آموزش و ترویج نقش مؤثری در احیا و پایداری فرهنگ و جامعه دارند. در واقع چنین فضاها و مجموعه‌هایی، محل گذران اوقات فراغت و محلی برای گفتگوها و معاشرت‌ها در جامعه می‌باشند و نیز چنین مکان‌هایی برای شرکت آحاد مردم در اجتماع و سرانجام محلی می‌باشند که شهروندان آن شهر و منطقه رابطه‌ای متقابل و پویا با هم ایجاد می‌کنند. ضرورت این امر، خصوصاً در مورد مجتمع‌های فرهنگی به دلیل آنکه زمان زیادی از اوقات فراغت زندگی انسان‌ها در آن‌ها سپری می‌شود، حیاتی‌تر به نظر می‌رسد. هدف از پژوهش بررسی عوامل محیطی و معماری تأثیرگذار بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های فرهنگی شهر ارومیه می‌باشد و با بررسی پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، پژوهشی در ارتباط با بررسی تأثیر معماری و محیط بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های فرهنگی شهر ارومیه انجام نشده و پژوهش حاضر از این حیث جدید می‌باشد.

تعاملات اجتماعی از مهم‌ترین عواملی است که باید در طراحی فضاها و معماری به آن دقت کرد. شهرها به واسطه ماهیت خود برای تحرک اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی به ساکنان وابسته‌اند (رهنا و ابراهیمی، ۱۳۹۹، ص. ۵۰)، آنچه که موجب ایجاد و ارتقای تعاملات اجتماعی می‌شود، حضور انسان در فضا است (سلیمانی الموتی و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۱۷). قابلیت حضورپذیری، کلید واژه اصلی در دستیابی به تعاملات اجتماعی و رمز موفقیت فضای شهری است (امیرفخریان، ۱۴۰۲، ص. ۶۳). محیط‌های اجتماع‌پذیر موجب تشویق و ترغیب رفتارهای اجتماعی و جمعی می‌شوند و محیط‌های اجتماع‌گریز تعاملات اجتماعی را کم می‌کنند. استفاده از واژه‌های اجتماع‌پذیر، فضاها و اجتماع‌دوست، فضاها و اجتماع‌گریز یا اجتماع‌گریز یا فضاها و پراکنده‌کننده، بیانگر کیفیات فضایی است که مردم را دورهم جمع می‌آورد یا از هم دور می‌کنند (اسماند^۱، ۱۹۵۷، ص. ۲۶). وجود فضاها و عمومی دارای خصیصه اجتماع-پذیری، مکمل مهمی در جهت اجتماعی شدن افراد است.

محیط به عنوان بستر شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی، نقش بسزایی در بروز انواع ناهنجاری‌های اجتماعی دارد (آذر و سهراب‌درخشی، ۱۴۰۲، ص. ۱۳۳). توجه به عوامل مؤثر در کیفیت محیط مصنوع،

^۱. Osmand

خصوصاً در شرایطی که تأثیر محیط به عنوان عاملی تأثیرگذار بر رفتار و روحیات انسان است، مورد تأکید بسیاری از نظریه پردازان مانند راپاپورت^۱ (۱۳۸۴)، گیدنز^۲ (۱۳۸۰) و لنگ^۳ (۱۳۸۸) قرار گرفته است و می تواند ارتقاء دهنده سطح زندگی انسان ها باشد (ناظری نایینی، ۱۴۰۲، ص. ۲۴). فضای کالبدی محله، بستر فعالیت های اجتماعی در روابط اجتماعی همسایگی است. این فضا در خلال روابط اجتماعی نیز شکل می گیرد. بنابراین، معماری فضای کالبدی و روابط اجتماعی در ارتباطی دوسویه قرار دارند. ازسوی دیگر، روابط اجتماعی هسته اولیه شکل گیری و تقویت سرمایه اجتماعی است؛ لذا فضای کالبدی در تقویت سرمایه اجتماعی مؤثر است و عدم توجه به کیفیات فضا به معضلات اجتماعی نظیر کاهش مشارکت، عدم امنیت، افزایش جرم پذیری و در نهایت از بین رفتن رضایتمندی و حس تعلق می انجامد (رجبی، ۱۴۰۱، ص. ۱۸۱). پاتوق محل اجتماع افراد، با حضور آزادانه جهت گفت گو، بازی، کسب اطلاعات و استراحت است (ترکمان و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۲۴۸). پاتوق محل اجتماع افرادی می باشد که به طور پیوسته و در زمان های تفریباً ثابت از آن استفاده می نمایند. در واقع پاتوق ها به فضاهایی گفته می شود که افراد و گروه های مختلف اجتماعی در آن سهیم می باشند. فعالیت هایی که در پاتوق شکل می گیرد از جمله فعالیت های اجتماعی یا اختیاری است. حضور در پاتوق آزادانه می باشد و افراد به انجام فعالیت های مورد علاقه شان مشغول می باشند (سعیدی رضوانی و شش پری، ۱۳۹۰، ص. ۳۱).

فضای مکث را می توان نوعی نشیمن شهری، فضای شهری با قابلیت دیدار، فضای مردم گرا و پاتوق شهری نامید. فضاهای مکث می توانند تزئینات و عناصر مخصوص به خود را دارا باشند که با توجه به اهداف و انتظاراتی که از فضا می رود، شکل می گیرند. استفاده از هنرهای شهری همچون هنر ویدئو آرت، هنر نصب، عناصر، المان ها و احجام شهری، مبلمان و عناصری برای تأمین آسایش و دعوت کنندگی، روشنایی و نورپردازی، نمادهای آیینی و تندیس های زیبا، آب نما و فواره، گل و گیاه متناسب با فضا، هر کدام با توجه به مخاطب، موقعیت شهری و ... شکلی خاص می یابند و می توانند به خدمت گرفته شوند. (مهاجری و کشمیری، ۱۴۰۱، ص. ۹).

هرگاه نظم فضایی، فعالیت ها و مفاهیم با هم سازگار باشند و یکدیگر را تقویت کنند، رابطه اجتماعی در فضا نیز تقویت می شود؛ به عبارت دیگر وقتی عملکردی با اهداف فضایی منطبق باشد، فضا دارای مفهوم خواهد بود، آنگاه است که فرد در ارتباط با فضا احساس راحتی و آرامش می کند (بذرافکن و گچ کوب، ص. ۸). میزان راندمان یک ریزفضا در یک نظام پیکره بندی فضایی را در میزان استفاده پذیری آن توسط کاربران معرفی می کند. در این ارتباط شاخص هایی چون موقعیت استقرار فضای مورد نظر در ساختار کلی بنا، میزان پیوند و ارتباط آن با فضاهای مجاور خود، میزان دسترسی به فضای مذکور و مواردی از این دست در میزان

1. Rapoport

2. Giddens

3. Long

راندمن فضای مورد نظر تأثیرگذار هستند (کیایی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۷۰). هندسه و تناسبات، جزء گسست‌ناپذیر معماری محسوب می‌شوند؛ زیرا مبنای کار معماری ساختن است و برای ساختن لازم است از یک هندسه و نظم دقیق استفاده شود (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۳، ص. ۶۰). یکی از اجزای اصلی ساختمان که ممکن است به‌طور قابل توجهی عملکرد پایداری ساختمان را تحت تأثیر قرار دهد، نمای ساختمان است (جیلانی^۱ و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۱۲).

ژانگ^۲ و همکاران (۲۰۲۲)، تنوع فضایی، ایجاد حس ایمنی و راحتی را به عنوان مهم‌ترین دلایل ایجاد سرزندگی و مؤثر در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی می‌دانند. موندیون^۳ (۲۰۲۲)، بیان می‌نماید که شکل فیزیکی فضا، سازماندهی فضا و تعاملات درون آن، باعث ظهور احساسات خاص می‌شود که امکان برخوردهای خاص و احساسات همزمان را فراهم می‌آورد. سپتیانینگرام^۴ و همکاران (۲۰۲۲)، نقش کالبد را از این جهت برجسته می‌دانند که باعث درک بهتر فضا می‌شود. آن‌ها کالبد را عامل اصلی در درک فضایی می‌دانند که به افراد کمک می‌کند تا به جنبه‌های حسی فضای داخلی، آگاهی پیدا کنند و کیفیت تجارب عاطفی خود را بهبود ببخشند، ضمن آنکه معتقد هستند کالبد، به غنی‌سازی تجربه فضایی کمک می‌کند.

پنگ^۵ و همکاران (۲۰۲۱)، راحتی در فضای باز و توجه به آسایش فردی را به‌عنوان یک متغیر اساسی، در سنجش میزان تعاملات اجتماعی افراد، در محیط و معماری، برآورد می‌کنند. پوترا^۶ و همکاران (۲۰۲۱)، به بررسی ارتباط بین کیفیت فضای سبز و تعاملات اجتماعی در میان کودکان و تأثیر آن بر سلامت روان کودکان می‌پردازند و نتیجه می‌گیرند که کیفیت فضای سبز می‌تواند بر میزان تعاملات اجتماعی بین کودکان تأثیرگذار باشد و به‌نوبه خود، به‌طور بالقوه، رشد رفتار اجتماعی را در میان آنان تقویت کند. زینکن و کیسر^۷ (۲۰۲۰)، بیان می‌نمایند که تعاملات اجتماعی در معماری، بر شکوفایی خلاقیت جمعی تأثیر می‌گذارد و افراد را انعطاف‌پذیرتر می‌کند. صالحی‌نیا و معماریان (۲۰۱۲)، مبلمان را باعث استفاده مستقیم استفاده‌کنندگان از محیط می‌دانند و آن را عاملی برای افزایش ماندگاری و مدت توقف آن‌ها برمی‌شمرند. آلتمن (۱۳۹۰)، تأکید بر امنیت و پویایی فضایی دارد و در این روند به تعامل اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام اشاره دارد که سبب تعاملات می‌شود. جکوبز^۸ (۱۹۶۵)، در پژوهشی مفاهیم جذابیت و سرزندگی فضاهای شهری را اشاره می‌نماید و تحقق آن را در ارتباط با ویژگی‌های خاصی می‌داند که ازجمله آن ویژگی‌ها وجود نقاط مکث و دعوت‌کننده برای شهروندان، سریع‌الانتقال نبودن، وجود نقطه اوج و تمرکز در شهر و نیز

1. Gilani

2. Zhang

3. Mondion

4. Septianingrum

5. Peng

6. Putra

7. Zinken & Kaiser

8. Jacobs

وجود حدود و ثغور مشخص است. پژوهش لندسديل^۱ و همکاران (۲۰۱۱)، بر روی تعاملات اجتماعی پژوهشگران ساختمان عمران و مهندسی، ساختمانی در دانشگاه لاف‌بورگ^۲، نشان داد که استفاده از پلان باز و گروه محور که قلمروبندي نشده است، در مقایسه با فضاهای اتاقکی که به هر فرد اختصاص دارد، برخلاف تصورات، تأثیری در افزایش تعاملات پژوهشگران نداشته است و حتی در اتاق با پلان باز، عدم داشتن خلوت و افزایش حواس پرتی ناشی از سر و صدا نیز موجب نارضایتی استفاده‌کنندگان شده است. جان لنگ (۲۰۰۲)، در کتاب آفرینش نظریه‌های معماری، فضاهای نشستن و انتظار را باعث قرارگیری مردم در فاصله راحت از یکدیگر و وجود آن را باعث شکل‌گیری مکان مطلوب برای تعامل اجتماعی دانسته است. وایت^۲ (۱۹۸۰)، عوامل تأثیرگذار در ارتقاء جنبه‌های کالبدی فضاهای عمومی را یادمان‌ها، پله‌ها، آب‌نماها و سایر عوامل مؤثر در تشویق انسان‌ها به حضور و تعامل می‌داند. حسین زاده دلیر و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی تأثیر فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری شهروندان در خیابان امام «ره» ارومیه پرداخته و بیان می‌نمایند که طبق نتایج آزمون همبستگی پیرسون، همبستگی معناداری بین مؤلفه‌های منظر شهری و الگوهای رفتاری شهروندان وجود دارد. ابراهیم‌نیا و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی به تحلیل محیط کالبدی اثرگذار بر سرمایه اجتماعی در محلات شهر ساری پرداخته و بیان می‌نمایند که چهار شاخص فضایی: اتصال، تنوع، امنیت و ویژگی می‌تواند بر میزان سرمایه اجتماعی محلات شهری تأثیرگذار باشد. شریفیان و همکاران (۱۴۰۰)، عواملی همچون مبلمان و ایجاد شرایط آسایش و آرامش و فراهم کردن آسایش فیزیولوژیکی و ایجاد امنیت و حس قلمرو و فراهم کردن امکان مجاورت چهره به چهره را از عوامل مؤثر در ایجاد اجتماع-پذیری فضا عنوان می‌کنند. ایران‌دوست و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به تحلیل فضای عمومی مردم سالار به منظور ارتقاء مشارکت مردم در شهر یزد پرداخته و بیان می‌نمایند که تقویت فضای تعامل چهره به چهره، بسترسازی برای برخورداری همگان از اطلاعات شهری و قابلیت حضور همه گروه‌های اجتماعی در فضاهای عمومی می‌تواند زمینه مشارکت عمومی را در عرصه‌های مختلف افزایش دهد.

۲. روش شناسی

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش از نوع توصیفی-تحلیلی و علی-مقایسه‌ای می‌باشد. مجموعه‌های مورد بررسی شامل چهار مجتمع فرهنگی در شهر ارومیه در نظر گرفته شد و با بهره‌گیری از نظریات اساتید و دانشجویان معماری که سابقه حضور در این مکان‌ها را دارند عوامل محیطی و معماری مؤثر در این مجموعه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت. برای گردآوری داده‌های از پرسش‌نامه مؤلف ساخت استفاده شده و چهار مؤلفه اجتماع‌پذیری، کیفیت محیط، فضای داخلی و فرم بیرونی در چهار مجموعه فرهنگی در شهر ارومیه مورد سنجش قرار گرفت. این پرسش‌نامه‌ها توسط شش نفر از اساتید هیأت علمی دانشگاه مورد

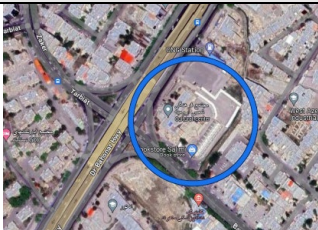
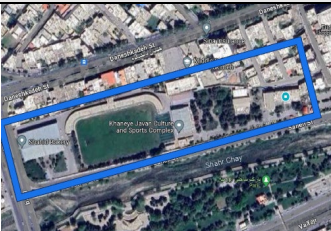
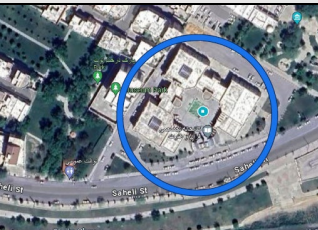
۱. Lansdale

۲. Whyte

بررسی و تأیید قرار گرفته و آلفای کرونباخ برای پرسشنامه ۰/۸۱ به دست آمد. پرسشنامه‌ها توسط ۲۰۰ نفر از اساتید و دانشجویان معماری تکمیل گردیده و از نمونه‌گیری هدفمند و دردسترس جهت انتخاب جامعه آماری استفاده شد.

۳. یافته‌ها

در شکل (۱)، موقعیت مکانی فرهنگسراهای مورد مطالعه در شهر ارومیه نشان داده شده است.

ویژگی‌ها	تقاطع بلوار باهنر و خیابان برق	مجتمع فرهنگی و هنری ارومیه
- ترکیب احجام - توجه به فضای پر و خالی - استفاده از مصالح متفاوت - استفاده از عناصر الحاقی - طراحی سردر		
	تقاطع خیابان دانشکده و خیابان برق	فرهنگسرای جوان ارومیه
- تک حجم - پیشامدگی قسمت ورودی - عدم تنوع در مصالح - استفاده از سالن‌های چندمنظوره		
	خیابان درستکار	تالار وحدت
- توجه به فضای پر و خالی - تنوع فضایی در داخل - پیشامدگی ورودی - ایجاد فضای مکث و پاتوق		
	خیابان ساحلی	فرهنگسرای قرآن و عترت
- ترکیب احجام - توجه به فضای پر و خالی - ایجاد فضای مکث و پاتوق - طراحی سردر - استفاده از سالن‌های چندمنظوره		

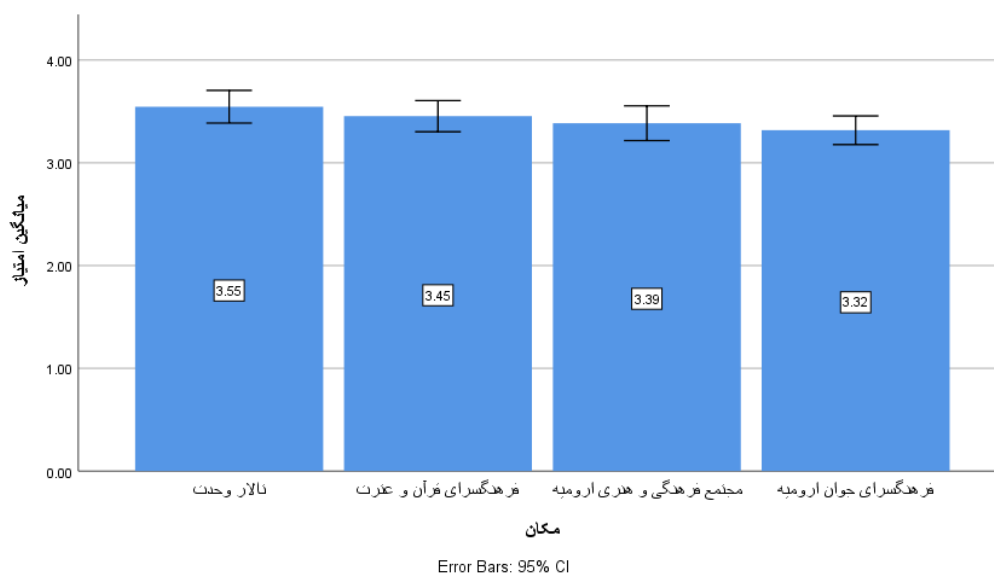
شکل ۱. موقعیت مکانی فرهنگسراهای مورد مطالعه در شهر ارومیه

در این پژوهش، فرهنگسراها به گونه‌ای انتخاب گردیدند که از لحاظ موقعیت شهری، در مناطقی با سطح رفاه قابل قبول قرار گرفته باشند و از لحاظ دسترسی، از شرایط مناسبی برخوردار باشند و کیفیت ابنیه آنها قابل قبول باشند، تا امکان مقایسه این مجموعه‌ها با یکدیگر فراهم گردد.

در این قسمت توصیفات آماری مربوط به پرسشنامه را مورد تحلیل قرار می‌دهیم. تعداد ۴ مکان مورد مطالعه قرار گرفته و چهار مؤلفه در هر کدام مورد بررسی بوده که شامل چهار عنصر مختلف می‌باشد. برای تحلیل عددی پرسشنامه‌ها امتیاز ۵ را برای پاسخ خیلی زیاد و امتیاز ۱ را برای خیلی کم در نظر گرفته‌ایم. در ابتدا متوسط و انحراف معیار امتیازات را برای هر مکان را به دست می‌آوریم. با توجه به (جدول ۱) و (شکل ۲)، بیشترین امتیاز متعلق به تالار وحدت و کمترین امتیاز مربوط به فرهنگسرای جوان ارومیه است.

جدول ۱. تحلیل توصیفی

مکان	میانگین امتیاز	انحراف معیار
تالار وحدت	۳/۵۵	۰/۲۹
فرهنگسرای قرآن و عترت	۳/۴۵	۰/۲۸
مجتمع فرهنگی و هنری ارومیه	۳/۳۹	۰/۳۱
فرهنگسرای جوان ارومیه	۳/۳۲	۰/۲۶

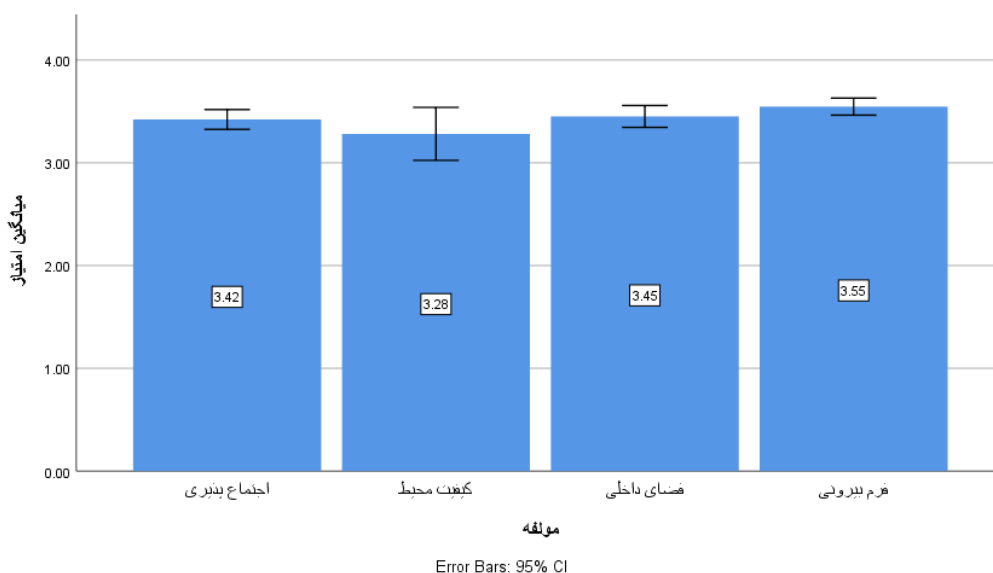


شکل ۲. نمودار میله‌ای متوسط امتیازات حاصل از پرسش‌نامه برای چهار مجتمع فرهنگی مورد مطالعه

متوسط و انحراف معیار امتیازات را برای هر مؤلفه را به دست می آوریم. با توجه به (جدول ۲) و (شکل ۳)، بیشترین امتیاز متعلق به فرم بیرونی و کمترین امتیاز مربوط به کیفیت محیط است.

جدول ۲. متوسط و انحراف معیار امتیازات مؤلفه‌ها

مؤلفه	میانگین امتیاز	انحراف معیار
اجتماع پذیری	۳/۴۲	۰/۱۸
کیفیت محیط	۳/۲۸	۰/۴۸
فضای داخلی	۳/۴۵	۰/۲
فرم بیرونی	۳/۵۵	۰/۱۵



شکل ۳. میانگین امتیازات مؤلفه‌های مورد بررسی

با در نظر گرفتن مجموع امتیازات محاسبه شده، بیشترین امتیاز ابتدا متعلق به مبلمان داخلی تالار وحدت، سپس راحتی و آسایش تالار وحدت و هندسه و تناسبات فرهنگسرای قرآن و عترت می باشد. از طرفی کمترین امتیاز به مبلمان محوطه فرهنگسرای جوان ارومیه و فرهنگسرای قرآن و عترت بوده است. با توجه به (جدول ۳)، ابتدا نرمال بودن داده‌های پرسشنامه‌ها را به کمک آزمون کولموگروف-اسمیرنوف می‌سنجیم. مقدار معناداری $P_value=0/0035$ به دست آمده است که کمتر از سطح خطای ۵٪ بوده و فرض نرمال بودن رد می‌شود. بنابراین برای انجام تحلیل‌های آماری از روش‌های ناپارامتری استفاده خواهیم کرد.

جدول ۳. آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

		میانگین امتیاز
N		۶۴
Normal Parameters	Mean	۳/۴۲۵۵
	Std. Deviation	۰/۲۹۶۶۰
Most Extreme Differences	Absolute	۰/۱۴۲
	Positive	۰/۱۰۲
	Negative	-۰/۱۴۲
Test Statistic		۰/۱۴۲
Asymp. Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۳

با توجه به (جدول ۴)، با استفاده از آزمون کروسکال والیس وجود تفاوت معنادار بین امتیازات مکان‌ها مختلف را مطالعه می‌کنیم. مقدار معناداری برای آن $p_value=0/027$ به دست آمده است یعنی فرض برابری رد می‌شود، که بیانگر برابر نبودن امتیازات چهار مکان مختلف بوده و تفاوت معنادار مابین آن‌ها را بیان می‌کند.

جدول ۴. آزمون کروسکال والیس برای چهار مکان

Test Statistics ^{a,b}	
	میانگین امتیاز
Kruskal-Wallis H	۹/۱۷۷
df	۳
Asymp. Sig.	۰/۰۲۷
a. Kruskal Wallis Test b. Grouping Variable: مکان	

با توجه به (جدول ۵)، با استفاده از آزمون کروسکال والیس وجود تفاوت معنادار بین امتیازات مؤلفه‌های مختلف را مطالعه می‌کنیم. مقدار معناداری برای آن‌ها $p_value=0/342$ به دست آمده است، یعنی دلیلی برای رد فرض برابری وجود ندارد و بیانگر برابر بودن امتیازات چهار مؤلفه مختلف است.

جدول ۵. آزمون کروسکال والیس برای چهار مؤلفه

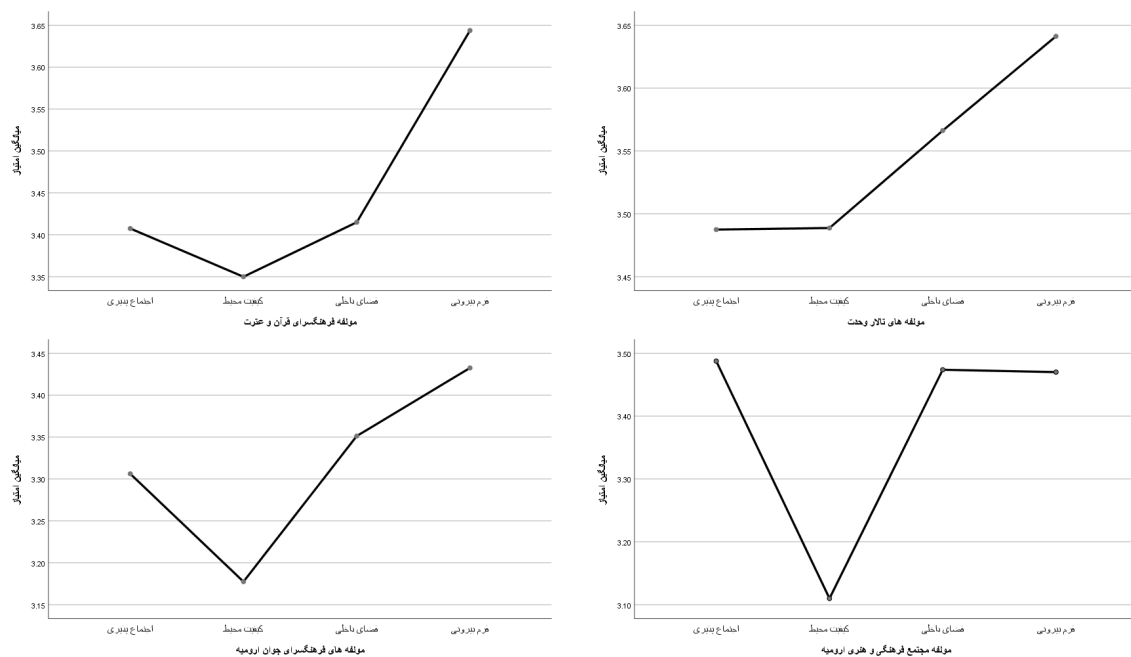
میانگین امتیاز	
Kruskal-Wallis H	۳/۳۴۰
df	۳
Asymp. Sig.	۰/۳۴۲

با توجه به (جدول ۶)، مؤلفه‌های مربوط به هر مکان را به کمک آزمون‌های تحلیل واریانس (ANOVA) (در صورت نرمال بودن) یا کروسکال-والیس (در صورت نرمال نبودن) داده‌ها مورد مقایسه قرار داده‌ایم. در هیچکدام از مکان‌ها به‌طور جداگانه، تفاوت معناداری مابین مؤلفه‌ها مشاهده نشده است.

جدول ۶. مقایسه‌ی مؤلفه‌های مربوط به هر مکان

مکان	نرمال بودن	مقدار آماره	P_value
تالار وحدت	خیر	۱/۸۷۸	۰/۵۹۸
فرهنگسرای قرآن و عترت	بلی	۰/۷۹۹	۰/۵۱۸
مجتمع فرهنگی و هنری ارومیه	بلی	۱/۴۷	۰/۲۷۲
فرهنگسرای جوان ارومیه	بلی	۰/۶۱۴	۰/۶۱۹

همانطور که در (شکل ۴) مشاهده می‌شود، به تفکیک مکان‌های مختلف، مؤلفه‌ها را بر روی نمودار مقایسه کرده‌ایم: در مورد تالار وحدت بیشترین امتیاز مربوط به فرم بیرونی و کمترین آن مربوط به اجتماع-پذیری بوده است. در مورد فرهنگسرای قرآن و عترت بیشترین امتیاز مربوط به فرم بیرونی و کمترین آن مربوط به کیفیت محیط بوده است. در مورد مجتمع فرهنگی و هنری ارومیه بیشترین امتیاز مربوط به فرم بیرونی و کمترین آن مربوط به اجتماع-پذیری بوده است. در مورد فرهنگسرای جوان ارومیه بیشترین امتیاز مربوط به فرم بیرونی و کمترین آن مربوط به کیفیت محیط بوده است.



شکل ۴. میانگین امتیاز چهار مؤلفه مورد بررسی در مجتمع های فرهنگی شهر ارومیه

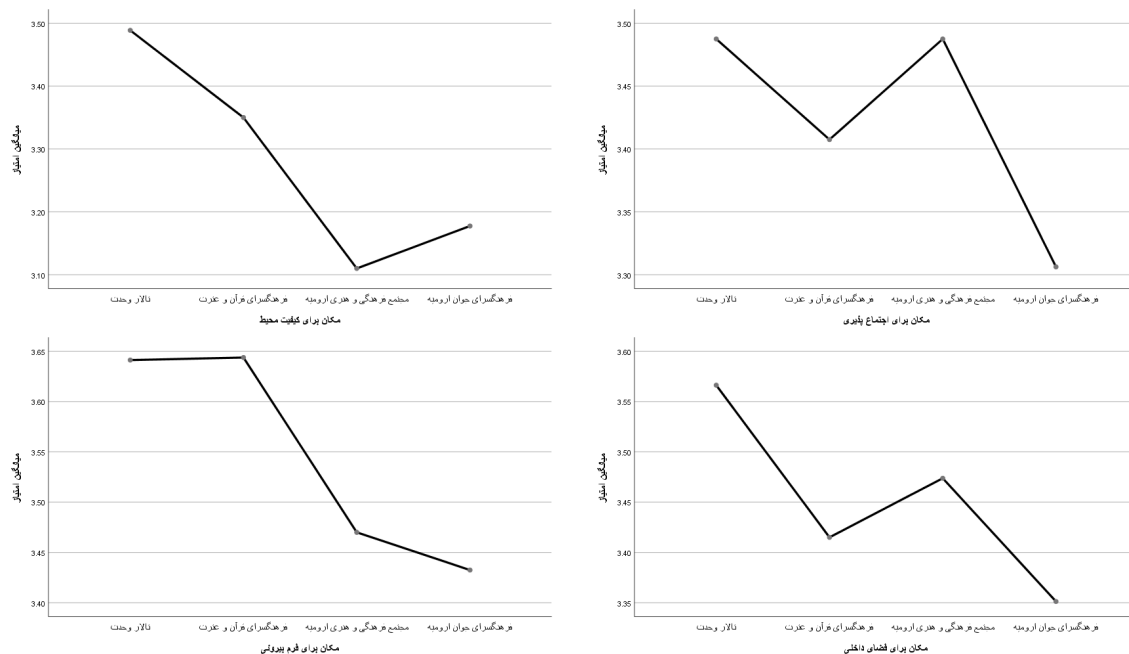
با توجه به (جدول ۷)، امتیاز مکان های چهارگانه را برای هر مؤلفه به کمک آزمون های تحلیل واریانس (ANOVA) (در صورت نرمال بودن) یا کروسکال-والیس (در صورت نرمال نبودن) داده ها مورد مقایسه قرار داده ایم. برای هیچکدام از مؤلفه ها، تفاوت معناداری مابین مکان های مختلف مشاهده نشده است.

جدول ۷. مقایسه ی امتیاز مکان های چهارگانه برای هر مؤلفه

مؤلفه	نرمال بودن	مقدار آماره	P_value
اجتماع پذیری	بلی	۰/۸۴	۰/۴۷۴
کیفیت محیط	خیر	۲/۷۶۸	۰/۴۲۹
فضای داخلی	بلی	۰/۸۰۱	۰/۵۱۷
فرم بیرونی	بلی	۲/۷۷۴	۰/۰۸۷

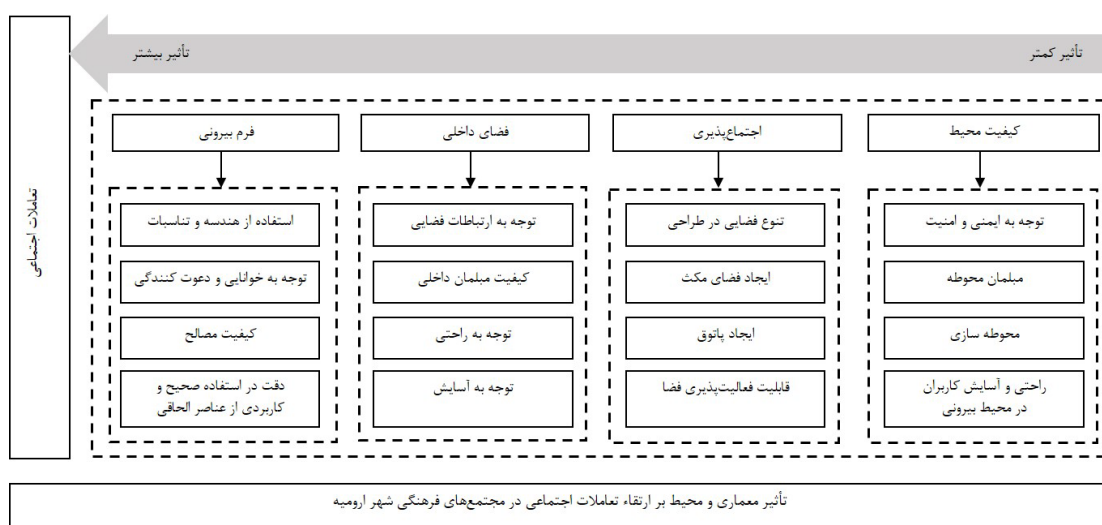
همانطور که در (شکل ۵) مشاهده می شود، به تفکیک مؤلفه های مختلف، مکان ها را بر روی نمودار مقایسه کرده ایم: در مورد اجتماع پذیری بیشترین امتیاز مربوط به تالار وحدت و مجتمع فرهنگی و هنری ارومیه و کمترین آن مربوط به فرهنگسرای جوان ارومیه بوده است. در مورد کیفیت محیط بیشترین امتیاز مربوط به تالار وحدت و کمترین آن مربوط به مجتمع فرهنگی و هنری ارومیه بوده است. در مورد فضای داخلی بیشترین امتیاز مربوط به تالار وحدت و کمترین آن مربوط به فرهنگسرای جوان ارومیه بوده است. در

مورد فرم بیرونی بیشترین امتیاز مربوط به فرهنگسرای قرآن و کمترین آن مربوط به فرهنگسرای جوان ارومیه بوده است.



شکل ۵. میانگین امتیاز اجتماع پذیری، کیفیت محیط، فضای داخلی، فرم بیرونی در چهار مکان مورد بررسی

در شکل (۶)، تأثیر معماری و محیط بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های فرهنگی شهر ارومیه نشان داده شده است و بر این اساس کیفیت محیط کمترین و فرم بیرونی بیشترین تأثیر را در این زمینه داشته‌اند.



شکل ۶. تأثیر معماری و محیط بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های فرهنگی شهر ارومیه

۴. بحث

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر معماری و محیط بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های فرهنگی شهر ارومیه می‌باشد، در این راستا چهار مجموعه فرهنگی در شهر ارومیه شامل تالار وحدت، فرهنگسرای قرآن و عترت، مجتمع فرهنگی و هنری ارومیه و فرهنگسرای جوان ارومیه در نظر گرفته شد و چهار مؤلفه اجتماع‌پذیری، کیفیت محیط، فضای داخلی و فرم بیرونی در این چهار مجموعه فرهنگی مورد سنجش قرار گرفت.

با مقایسه نتایج پژوهش حاضر و پژوهش‌های مرتبط می‌توان دریافت که نتایج این پژوهش با مطالعات ژانگ و همکاران (۲۰۲۲) که تنوع فضایی، ایجاد حس ایمنی و راحتی را به عنوان مهم‌ترین دلایل ایجاد سرزندگی و مؤثر در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی می‌دانند، همسو می‌باشد. نتایج این پژوهش با تحقیقات موندیون (۲۰۲۲)، که بیان می‌نماید که شکل فیزیکی فضا، سازماندهی فضا و تعاملات درون آن، باعث ظهور احساسات خاص می‌شود که امکان برخوردهای خاص و احساسات همزمان را فراهم می‌آورد، همسو می‌باشد. همچنین با نتایج تحقیقات سپتانیانینگرام و همکاران (۲۰۲۲)، که بیان می‌نماید نقش کالبد از این جهت برجسته است که باعث درک بهتر فضا می‌شود و کالبد عامل اصلی در درک فضایی می‌باشد که به افراد کمک می‌کند تا به جنبه‌های حسی فضای داخلی، آگاهی پیدا کنند و کیفیت تجارب عاطفی خود را بهبود ببخشند و کالبد، به غنی‌سازی تجربه فضایی کمک می‌کند همسو می‌باشد. نتایج این پژوهش با پژوهش پنگ و همکاران (۲۰۲۱)، که راحتی در فضای باز و توجه به آسایش فردی را به عنوان یک متغیر اساسی، در سنجش میزان تعاملات اجتماعی افراد، در محیط و معماری، برآورد می‌کنند، نیز همسو می‌باشد. همچنین نتایج این پژوهش با پژوهش‌های پوترا و همکاران (۲۰۲۱)، مبنی بر ارتباط بین کیفیت فضای سبز و تعاملات اجتماعی و پژوهش زینکن و کیسر (۲۰۲۰)، در ارتباط با تأثیرگذاری تعاملات اجتماعی در معماری، بر شکوفایی خلاقیت جمعی و پژوهش صالحی‌نیا و معماریان (۲۰۱۲)، که مبلمان را باعث استفاده مستقیم استفاده-کنندگان از محیط می‌دانند و آن را عاملی برای افزایش ماندگاری و مدت توقف آن‌ها برمی‌شمرند و تحقیقات آلتن (۱۳۹۰)، که تأکید بر امنیت و پویایی فضایی دارد و به تعامل اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام که سبب تعاملات می‌شود، اشاره دارد، و تحقیقات جکوبز (۱۹۶۵)، که به بررسی مفاهیم جذابیت و سرزندگی فضاهای شهری می‌پردازد و پژوهش لنگ (۲۰۰۲)، که فضاهای نشستن و انتظار را باعث شکل-گیری مکان مطلوب برای تعامل اجتماعی دانسته است و پژوهش وایت (۱۹۸۰)، که عوامل تأثیرگذار در ارتقاء جنبه‌های کالبدی فضاهای عمومی را یادمان‌ها، پله‌ها، آب‌نماها و سایر عوامل مؤثر در تشویق انسان‌ها به حضور و تعامل می‌داند و پژوهش حسین زاده دلیر و همکاران (۱۴۰۱)، که بیان می‌نمایند همبستگی معناداری بین مؤلفه‌های منظر شهری و الگوهای رفتاری شهروندان وجود دارد و پژوهش ابراهیم‌نیا و همکاران (۱۴۰۱)، که بیان می‌نمایند چهار شاخص فضایی: اتصال، تنوع، امنیت و ویژگی می‌تواند بر میزان

سرمایه اجتماعی محلات شهری تأثیرگذار باشد و پژوهش شریفیان و همکاران (۱۴۰۰)، که عواملی همچون مبلمان و ایجاد شرایط آسایش و آرامش و فراهم کردن آسایش فیزیولوژیکی و ایجاد امنیت و حس قلمرو و فراهم کردن امکان مجاورت چهره به چهره را از عوامل مؤثر در ایجاد اجتماع‌پذیری فضا عنوان می‌کنند و پژوهش ایران‌دوست و همکاران (۱۳۹۸)، که بیان می‌نمایند تقویت فضای تعامل چهره به چهره، بسترسازی برای برخورداری همگان از اطلاعات شهری و قابلیت حضور همه گروه‌های اجتماعی در فضاهای عمومی می‌تواند زمینه مشارکت عمومی را در عرصه‌های مختلف افزایش دهد و پژوهش پاکزاد و جهان‌شاه (۱۳۸۴)، که تعیین و یکپارچگی فضا، ابعاد، تناسبات، انعطاف‌پذیری، فرم، هندسه، مصالح، محصوریت، بدنه‌ها و پیوستگی کالبدی و فضایی را بر ادراک و تعاملات انسان مؤثر می‌دانند، همسو می‌باشد.

۵. نتیجه‌گیری

انسان امروزی نیازمند تعامل بین سایر افراد در مکان‌های مختلف است و این تعامل بیشتر در بسترهای اجتماعی رخ خواهد داد. از این رو وجود مکان‌ها و فضاهایی که باعث برقراری، ایجاد و ارتقای تعاملات اجتماعی و سطح آن شود، بسیار حائز اهمیت خواهد بود. آنچه از مجموع مطالب بیان‌شده در این پژوهش، می‌توان بیان کرد، آن است که عوامل محیطی و معماری در مجتمع‌های فرهنگی از جنبه‌های مختلفی بر تعاملات اجتماعی مؤثرند. می‌توان گفت، مجتمع‌های فرهنگی نقش بسزایی در رشد رفتارهای اجتماعی مطلوب در سطح شهر ایفا می‌کنند. مجموعه‌های فرهنگی یکی از زیر ساخت‌های مهم فرهنگی بشمار می‌آیند که می‌تواند در پویایی فرهنگی جامعه نقش مؤثری داشته باشد و موجب رشد کیفی در تمام زمینه‌های فرهنگی، هنری، مذهبی و ورزشی شوند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که فرم بیرونی بیشترین تأثیر و سپس فضای داخلی، اجتماع‌پذیری و کیفیت محیط به ترتیب بر تعاملات اجتماعی در این مجموعه‌ها تأثیرگذار بوده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از این است که طراحی، در معماری از اهمیت بالایی برخوردار بوده و تأکید بر استفاده از هندسه و تناسبات و بازخوانی جدید از معماری ایرانی اسلامی و توجه بیشتر به مفاهیم معماری گذشته و تأکید بیشتر بر استفاده از ریتم، تعادل و نظم در طراحی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. توجه به خوانایی و دعوت‌کنندگی در بنا و توجه به طراحی ورودی شاخص برای مجموعه و دقت در انتخاب نوع مصالح و کیفیت آن و دقت در استفاده صحیح و کاربردی از عناصر الحاقی جهت تعریف مسیرهای حرکتی و تأکید بر نقاط خاص و ایجاد محورهای مشخص و تعریف شده در طرح، توجه به ارتباطات فضایی در مجموعه و تأکید بر زون‌بندی و قرارگیری فضاهای مرتبط کنار یکدیگر، استفاده حداکثری از نور طبیعی، توجه به ابعاد فضاها متناسب با کاربری آنها، خلاقیت در طراحی و توجه به کیفیت مبلمان و نوآوری در طراحی مبلمان‌های داخل ساختمان و محوطه و تأکید بر راحتی و آسایش کاربران با دقت در طراحی با توجه

به نیاز و لحاظ نمودن مواردی همچون دسترسی، پارکینگ مناسب، دید بصری مناسب، نور، تهویه، توجه به ارتباطات عمودی و ایجاد فضاهایی با قابلیت اجتماع پذیری بالا مانند طراحی سالن‌های چندمنظوره با مبلمان قابل تغییر و قابل جابجایی، پیش‌بینی فضاهایی در محوطه جهت شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و توجه به تنوع فضایی در طراحی، ایجاد فضاهای مکث و پاتوق با مبلمان و نورپردازی و دید بصری مناسب و در نظر گرفتن قابلیت فعالیت‌پذیری برای فضاها، توجه به امنیت از طریق اجتناب از ایجاد فضاهای کنج و راهروهای باریک و تاریک، توجه به راحتی و آسایش کاربران در محیط بیرونی و توجه به مبلمان محوطه و محوطه-سازی بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های فرهنگی شهر ارومیه تأثیرگذار می‌باشند.

بر این اساس پیشنهادات کاربردی در جهت ارتقاء تعاملات اجتماعی در مجموعه‌های فرهنگی شامل موارد ذیل خواهد بود:

- ۱- توجه به مقوله امنیت در مجموعه‌های فرهنگی از طریق مکان‌یابی مناسب، دسترسی مناسب پیاده و سواره، نورپردازی مناسب و پرهیز از شکل‌گیری فضاهای کنج و گوشه
- ۲- توجه به معماری مفهومی در طراحی
- ۳- توجه به اقلیم در طراحی
- ۴- توجه به تناسبات و بهره‌گیری از هندسه در طراحی و استفاده از نمادها و نشانه‌های ملی و مذهبی در طراحی
- ۵- لحاظ نمودن کارکرد و عملکرد مناسب برای تمامی فضاها و عناصر الحاقی
- ۶- پیش‌بینی سیرکولاسیون حرکتی مناسب و خوانایی مسیر در رسیدن به فضاها
- ۷- پیش‌بینی فضاهایی با قابلیت مکث و شکل‌گیری پاتوق و توجه به مبحث قابلیت اجتماع پذیری در طراحی
- ۸- استفاده از مبلمان مناسب در محوطه و فضای داخلی
- ۹- توجه به عناصر طبیعی در طراحی
- ۱۰- پیش‌بینی عملکردهای جانبی در مجاورت عملکردهای اصلی
- ۱۱- پیش‌بینی فضاهای باز و نیمه باز در محوطه‌ی مجتمع‌های فرهنگی مانند پلازاها
- ۱۲- ایجاد اختلاف سطح در محوطه جهت افزایش حرکت افراد و ایجاد تنوع در پرسپکتیوها
- ۱۳- استفاده از عناصر معماری مانند رواق‌ها در پیش‌ورودی جهت جذب کاربر به داخل فضا
- ۱۴- عدم استفاده از دیوارهای صلب و کاملاً بسته در محوطه و استفاده از عناصر معماری سستی مانند شبک و فخرومدین در دیوارهای محوطه به صورت مدرن و کاربردی جهت برقراری دید بصری میان داخل مجموعه و بیرون.

همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی تأثیر نمادها و نشانه‌ها بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در مجموعه‌های فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد.

۶. تقدیر و تشکر

از دانشجویان و اساتید دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه که در فرآیند پژوهش مشارکت داشته‌اند، قدردانی می‌گردد.

۷. تضاد منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

کتاب نامه

۱. ابراهیم نیا، و.، شهبازی، ط.، و رحیمی، ر. (۱۴۰۱). تحلیل محیط کالبدی اثرگذار بر سرمایه اجتماعی در محلات شهر ساری. *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۹ (۳)، ۱۲۱-۱۴۰.
۲. آذر، ع. و سهراب‌درخشی، پ. (۱۴۰۲). مؤلفه‌های کیفیت محیطی و تأثیر آن بر انحرافات اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین، مطالعه موردی: شهر مراغه. *اقتصاد و برنامه ریزی شهری*، ۴ (۴)، ۱۶۲-۱۴۸.
۳. آلمن، ا. (۱۳۹۰). *محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام*. ترجمه دکتر علی نمازبان، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۴. امیرفخریان، م.، عرب، م.ر. و جمبرجوقی، م. (۱۴۰۲). بررسی قابلیت حضورپذیری و عوامل مؤثر بر تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری (نمونه موردی: بوستان ملت شهر مشهد). *جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای*، ۱۴ (۵۰)، ۸۸-۵۵.
۵. ایراندوست، ک.، غلامی زارچی، م.، و فائزی، س. ف. (۱۳۹۸). تحلیل فضای عمومی مردم سالار به منظور ارتقاء مشارکت مردم (مطالعه موردی: شهر یزد). *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۶ (۲)، ۱۷۱-۱۹۳.
۶. بذرافکن، ک. و گچ‌کوب، م. (۱۳۹۰). بررسی نقش فضاهای عمومی در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی به منظور ایجاد پایداری اجتماعی در شهرها، همایش ملی عمران، معماری، شهرسازی و مدیریت انرژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردستان.
۷. ترکمان، ا.، قائد، م.، و شمتوب، س. (۱۳۹۶). پاتوق، فضای جمعی شهری و معماری و محل تعاملات اجتماعی و فرهنگی (نمونه موردی شهر برازجان). *پژوهش و برنامه ریزی شهری*، ۱ (۳۱)، ۲۲۵-۲۴۸.
۸. حسین زاده دلیر، ک.، موسوی، م.س.، بایرام زاده، ن.، و پاشاچینی، ه. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری شهروندان (نمونه موردی: خیابان امام «ره»-ارومیه). *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۹ (۲)، ۳۷-۵۳.
۹. رجبی، ف. (۱۴۰۱). تبیین مدل کیفیات کالبد معماری فضای همسایگی برای ارتقای سرمایه اجتماعی. *فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی*، ۷ (۲)، ۱۸۱-۱۹۲.

۱۰. رهنما، م. ر.، و ابراهیمی، ل. (۱۳۹۹). نقش رضایت شهروندان بر رفتارهای مثبت شهروندی (مطالعه موردی: شهر مشهد). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۵۲ (۱)، ۵۴-۳۹.
۱۱. سعیدی‌رضوانی، ن.، و شش‌پری، ز. (۱۳۹۰). ماندن در فضا، تأملی در مفهوم و عملکرد پاتوق در فضای شهری. *ماهنامه همشهری معماری*، ۳۲-۳۰.
۱۲. سلیمانی الموتی، م.، جلالیان، س.، و دژدار، ا. (۱۴۰۲). نقش عوامل محیطی مجموعه‌های تاریخی باز زنده سازی شده در ارتقاء تعاملات اجتماعی کاربران (مطالعه‌ی موردی: مجموعه‌ی تاریخی سعدالسلطنه قزوین). *فصلنامه مطالعات فضا و مکان*، ۱ (۳)، ۱۷-۳۰.
۱۳. شریفیان، س. ع.، مرادی نسب، ح.، قلمبر دزفولی، م.، و ملاصالحی، و. (۱۴۰۰). تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری فضاهای اجتماع‌پذیر در محیط‌های آموزشی با استفاده از روش تحلیل عاملی (نمونه موردی: فضاهای دانشگاهی). *علوم و تکنولوژی محیط-زیست*، ۲۳ (۷)، ۲۰۷-۲۲۲.
۱۴. کیایی، م.، پیوسته گر، ی.، و حیدری، ع. ا. (۱۳۹۶). جایگاه پایه‌ای ایوان در ارتقاء راندمان عملکردی در مساجد. *پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۵ (پیاپی ۱۴)، ۸۳-۶۸.
۱۵. لنگ، ج. (۱۳۹۶). *آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*. ترجمه علیرضا عینی‌فر، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. مهاجری، ا.، و کشمیری، ف. (۱۴۰۱). بررسی نقش خیابان در ایجاد مکث شهری و ورود سرمایه‌های فرهنگی به شهر؛ مورد مطالعه: خیابان ابوذر منطقه ۱۷ شهرداری تهران. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۱۲ (۴۵)، ۲۶-۱.
۱۷. مهدوی‌نژاد، م. ج. (۱۳۸۳). حکمت معماری اسلامی، جستجو در ژرف ساخت‌های معنوی معماری اسلامی ایران. *مجله‌ی هنرهای زیبا*، ۱۹، ۶۶-۵۷.
۱۸. ناظری نائینی، پ.، قاسمی سیپجانی، م.، افشاری، م.، و کشتی آرا، ن. (۱۴۰۲). بازشناسی نقش کالبد خانه‌های تاریخی اصفهان در ارتقای تعاملات اجتماعی ساکنان، با تکیه بر تجربه زیسته افراد. *توسعه پایدار شهری*، ۴ (۱۳)، ۴۱-۲۳.

19. Gilani, G., Pons, O., & De la Fuente, A. (2022). Sustainability-oriented approach to assist decision makers in building facade management. *Journal of Construction Engineering and Management*, 148(1).
20. Jacobs, J. (1965). *The death and life of great american cities*. Harmondsworth: Penguin.
21. Lang, J. T. (2002). *Creating architectural theory: The role of the behavioral sciences in environmental design*. New York: Van Nostrand Reinhold Co.
22. Lansdale, M., Parkin, J., Austin, S., & Baguley T. (2011). Designing for interaction in research environments: A case study. *Journal of Environmental Psychology*, 31(4), 407-20.
23. Mondion, J. J. (2022). Spatialising the collective: the spatial practice of two housing project in berlin. *Journal of Social & Culture Geography*, 1-20.
24. Osmand, H. (1957). *Function as the basis of psychiatric ward design*. New York: Holt Rinehart and Winston.
25. Peng, Y., Peng, Z., Feng, T., Zhong, C., & Wang, W. (2021). Assessing comfort in urban public spaces: A structural equation model involving environmental attitude and perception. *Environmental Research and Public Health*, 18 (3), 1287.
26. Putra, I., Astel Burt, T., Cliff, D., Vella, S., & Feng, X. (2021). Do physical activity, social interaction, and mental health mediate the association between green space quality and child prosocial behavior. *Journal of Urban Forestry & Urban Greening*, 64, 102-117.

27. Salehinia, M., & Memarian, G. (2012). Sociopetaloid of architecture space; Synthesis and synomorphy of humanephysical factors. *International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning*, 22(1), 7-19.
28. Septianingrum, L., Irmawati, E., & Mutia F. (2022). Representation and meaning of space according to metaphysical architecture. *ARJ. Journal of Architectural Research*, 53, 211-228.
29. Whyte, W. H. (1980). *The social life of small urbanspaces*. Tuxedo, Maryland: Printers II Inc.
30. Zhang, Y., Chen, G., He, Y., Jiang, X., & Xue, C. (2022). Social interaction in public spaces and well-being among elderly women: towards age-friendly urban environments. *Environmental Research and Public Health*, 19 (2), 746.
31. Zinken, J., & Kaiser, J. (2020). Formulating other minds in social interaction: Accountability and course of action. *Language in Society*, 51 (2), 185-210.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۲۹

سنجش عدالت فضایی در نحوه پراکنش کاربری‌های شهری (مطالعه موردی: کاربری‌های ورزشی شهر مشهد)

مهدی زنگنه (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، نویسنده مسئول)

m.zanganeh@hsu.ac.ir

مبینا رجبی (دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

rajabi1999.m@gmail.com

زهره پیرزاده (دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

zohreh.pirzadeh@mail.um.ac.ir

امیرحسین شیرازیان (دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

amir.shirazian21@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹

صص ۱۴۷-۱۲۵

چکیده

از مهم‌ترین پیامدهای رشد شتابان شهرنشینی و توسعه فیزیکی شهرهای کشور در دهه‌های گذشته، توزیع نابرابر کاربری‌های خدمات شهری و میزان دسترسی شهروندان به آن‌ها بوده است. در این میان کاربری‌های ورزشی با توجه به آن‌که متضمن سلامت افراد جامعه بوده از اهمیت بسزایی برخوردار هست ازاین‌رو استقرار مناسب این نوع از کاربری‌ها و در دسترس بودن آن‌ها برای همه‌ی شهروندان به‌عنوان یک ضرورت اساسی شناخته می‌شود پژوهش که از نوع کاربردی است و با روش توصیفی تحلیلی صورت پذیرفته است. به بررسی توزیع فضایی کاربری‌های ورزشی شهر مشهد از منظر عدالت فضایی می‌پردازد که جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل‌های آمار فضایی استفاده شده است ازاین‌رو در گام اول الگوی توزیع فضایی مراکز ورزشی و ارزیابی نحوه پراکنش این کاربری در محیط نرم‌افزار Arc map با استفاده از تراکم، خوشه‌بندی، آماره G و خودهمبستگی فضایی (موران) بررسی شد. در گام بعد با فراخوانی نقشه مناطق در محیط نرم‌افزار Geoda، خودهمبستگی فضایی بین جمعیت و تعداد کاربری در ارتباط با میزان پراکنش و تراکم مراکز ورزشی در سطح مناطق با شاخص موران مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که توزیع امکانات و خدمات ورزشی در مناطق شهر مشهد متوازن و هماهنگ نیست. به طوریکه مناطق ۲ و ۱۰ و ۱۱ بیشترین و مناطق ۸ و ۱۲ کمترین تراکم ورزشی را دار می‌باشند. سرانه خدمات ورزشی در مناطق منطقی نمی‌باشد؛ و مناطق حاشیه‌ای با تراکم جمعیت بالا از خدمات ورزشی کمتری برخوردار می‌باشند و در تضاد با رویکرد عدالت فضایی می‌باشد.

کلیدواژه ها: اماکن ورزشی، توزیع خدمات، شهر مشهد، عدالت فضایی.

۱. مقدمه

با رشد سریع جمعیت و توسعه شهری در دهه های اخیر، چالش های متعددی در حوزه برنامه ریزی شهری بروز کرده است که به تزلزل نظام توزیع خدمات منجر شده و نارسایی هایی را در سیستم خدمات شهری به همراه داشته است (ترس^۱ و همکاران، ۱۴۰۱).

یکی از مهم ترین این چالش ها، «عدالت فضایی» است که به توزیع منصفانه منابع و امکانات در فضاهای شهری مربوط می شود. خدمات شهری به عنوان ساختار دهنده ی شکل و ماهیت کالبدی، اجتماعی و فضایی شهر، از اهمیت ویژه ای برخوردارند؛ در نتیجه، بی عدالتی در نحوه ی توزیع آن ها می تواند خسارات جبران ناپذیری بر ساختار و ماهیت شهر وارد کرده و منجر به جدایی گزینی طبقاتی در محلات شهری گردد. با تحلیل میزان نابرابری ها در توزیع خدمات و شناسایی الگوهای فضایی بی عدالتی در سطح شهر، می توان دریافت که کدام یک از خدمات در وضعیت نامناسب تری قرار دارند و بی عدالتی ها بیشتر در کدام بخش ها و محله های شهری متمرکز شده اند. این اطلاعات می تواند به مدیران شهری کمک کند تا با اقداماتی آگاهانه در توزیع فضایی خدمات عمومی و منافع اجتماعی، نابرابری های فضایی را کاهش دهند، کیفیت زندگی را ارتقاء بخشند و موجبات توسعه پایدار شهری را فراهم سازند. عدم تعادل فضایی در زیرساخت ها و خدمات شهری پدیده ای جدید نیست؛ اما در کشورهای در حال توسعه، به دلیل وجود تفاوت های آشکار اجتماعی و اقتصادی، این پدیده به طرف قابل توجهی تشدید شده است (محمود زاده و کرمی، ۱۴۰۰)؛ بنابراین، مهم ترین مسئولیت مدیران شهری، تلاش برای فراهم آوردن فرصت های برابر برای دسترسی گروه های مختلف به خدمات شهری و کاهش تضادهای موجود است (موسوی و همکاران، ۱۴۰۱).

در ایران، نظیر سایر کشورهای در حال توسعه، یکی از پیامدهای رشد شتابان شهرنشینی و توسعه کالبدی، از هم پاشیدگی نظام توزیع مراکز خدماتی شهری است که به نابرابری اجتماعی در دسترسی به این خدمات منجر می گردد (جرفی و همکاران، ۱۳۹۹). این نابرابری اقتصادی و اجتماعی به عنوان پدیده ای فراگیر در جوامع در حال توسعه قابل مشاهده است که با گسترش و بسط آن در شهرها، بی عدالتی فضایی میان نواحی شهری بروز می کند و ساختار فضایی شهرها را دچار تحول و تغییر می نماید (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۸). در این میان، دسترسی به امکانات ورزشی به عنوان یکی از شاخص های مهم کیفیت زندگی شهری، تأثیرات قابل توجهی بر سلامت جسمی و روانی شهروندان دارد. از این رو، فراهم سازی و

^۱. Tepercs

توزیع مناسب کاربری‌های ورزشی نه تنها به ارتقاء سلامت عمومی کمک می‌کند، بلکه در کاهش نابرابری‌های اجتماعی و فضایی در سطح شهر نیز نقش کلیدی ایفا می‌نماید.

فضاهای ورزشی یکی از خدمات حیاتی شهری هستند که توزیع عادلانه و دسترسی همگانی به آن‌ها از اهمیت بالایی در مدیریت شهری برخوردار است (بهوندی، ۱۴۰۱، ص. ۴۲). سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در تشریح خدمات طرح‌های جامع، کاربری‌های شهری را به ۱۷ دسته تقسیم کرده که کاربری ورزشی یکی از آن‌ها محسوب می‌شود. این فضاها، مکان‌هایی هستند که فعالیت‌های بدنی، آموزش‌های ورزشی و بازی‌های مختلف برای گذراندن اوقات فراغت یا شرکت در مسابقات انجام می‌پذیرد و نقش بسزایی در سلامت افراد جامعه ایفا می‌کنند. لذا، پراکنش و توزیع فضایی آن‌ها در سطح شهر و مناطق مختلف، اهمیت بسیاری دارد (معروف نژاد و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۲۳۴).

توزیع فضایی برابر و عادلانه، یا به عبارتی عدالت فضایی کاربری‌ها، به معنای رفتار برابری با ساکنان در هرجایی که زندگی می‌کنند، است. به بیان دیگر، عدالت فضایی، توزیع عادلانه و دموکراتیک منافع و مسئولیت‌های اجتماعی در فضا با مقیاس‌های مختلف را در نظر می‌گیرد. این مفهوم به این دلیل که فضا به‌طور اجتماعی تولید می‌شود و فضای تولیدشده به روابط اجتماعی شکل می‌دهد، به تقویت مفهوم عدالت اجتماعی کمک می‌کند (کنعان‌پور و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۶۴۰).

عدالت فضایی به توزیع منصفانه منابع، خدمات و امکانات در سطح جغرافیایی اشاره دارد. این مفهوم در علوم اجتماعی و برنامه‌ریزی شهری برای ارزیابی و تحلیل توزیع منابع در فضاهای شهری، به‌ویژه در زمینه‌های خدمات عمومی، مانند آموزش، بهداشت و ورزش، اهمیت ویژه‌ای دارد. در زمینه کاربری‌های ورزشی، عدالت فضایی به معنای دسترسی برابر تمامی گروه‌های اجتماعی به امکانات ورزشی و تفریحی است که شامل مراکز ورزشی عمومی، پارک‌ها، سالن‌های ورزشی و زمین‌های بازی می‌شود (کامارو چاتوپدهیوی^۱، ۱۴۰۰).

عناصر بنیادی عدالت فضایی شامل موارد زیر است:

– توزیع فضا و عدالت فضایی: یکی از چالش‌های اصلی در شهرهای بزرگ، به‌ویژه در کلان‌شهرهایی مانند مشهد، نابرابری‌های فضایی در دسترسی به خدمات عمومی است. این نابرابری‌ها می‌تواند منجر به اختلافات قابل‌توجهی در کیفیت زندگی و فرصت‌های برابر برای افراد مختلف شود (سانتوس و لیما^۲، ۱۴۰۱). توزیع عادلانه کاربری‌های ورزشی می‌تواند به بهبود سلامت عمومی، ارتقای تعاملات اجتماعی و کاهش شکاف‌های اجتماعی کمک کند.

^۱. Kumar & Chattopadhyay

^۲. Santos & Lima

– تحلیل دسترسی به کاربری‌های ورزشی: دسترسی به کاربری‌های ورزشی تحت تأثیر ابعاد مختلفی چون فاصله، کیفیت خدمات و هزینه‌های اقتصادی قرار دارد. تحلیل این دسترسی‌ها می‌تواند از طریق روش‌های مختلفی، از جمله مدل‌های فضایی، انجام پذیرد (یان و لی^۱، ۱۴۰۲).

– پراکنش فضایی و نابرابری‌ها: با بررسی پراکنش فضایی کاربری‌های ورزشی، می‌توان مشخص کرد که آیا این فضاها به صورت یکنواخت در سطح شهر توزیع شده‌اند یا خیر. در صورتی که فضاهای ورزشی بیشتر در مناطق مرکزی یا مرفه شهر متمرکز شوند، احتمال ایجاد نابرابری در دسترسی به این امکانات افزایش می‌یابد. مطالعات اخیر نشان داده است که نابرابری‌های فضایی در کاربری‌های ورزشی، به ویژه در شهرهای بزرگ مانند مشهد، تأثیر منفی بر رفتارهای ورزشی و بهبود سلامت جامعه دارد (محمد و رضایی^۲، ۱۳۹۹).

در راستای پژوهش حاضر بهادر، بهوندی (۱۴۰۱) در پژوهش خود تحت عنوان «ارزیابی میزان تحقق عدالت فضایی و توزیع خدمات شهری در سطح منطقه ۴» به این نتایج دست یافت که کاربری آموزشی دچار کمبود سرانه و کاربری فضای سبز دارای مازاد سرانه هست و با وجود این مازاد سرانه به دلیل توزیع بسیار متمرکز این کاربری‌ها در برخی موقعیت‌ها، بسیاری از محلات منطقه از کمبود کاربری فضای سبز رنج می‌برد. در مورد سایر کاربری‌های خدماتی با وجود تصادفی بودن الگوی کلی خودهمبستگی فضایی موران، عارضه‌های هر یک از این کاربری‌ها به صورت محلی در پارهای نقاط دارای تمرکز خوشه‌ای می‌باشند. به علاوه اینکه دارای کمبود سرانه نیز هستند. بر این اساس لازم است پس از بررسی پهنه‌های طرح تفصیلی، نسبت به بازنگری طرح تفصیلی اقدام نمود. میرزا بیگی، مجتبی زاده و سرور (۱۳۹۹) در پژوهش خود تحت عنوان «تحلیلی بر وضعیت شاخص‌های توسعه شهری با رویکرد عدالت فضایی، مطالعه موردی: شهر ایلام» دریافتند که تمرکز امکانات و خدمات شهری در ناحیه مرکزی شهر ایلام رخ داده و سایر نواحی از لحاظ برخورداری از منابع و امکانات شهری در سطوح پایین‌تری واقع شده‌اند. اسدی و صبوری (۱۴۰۰) در پژوهش خود تحت عنوان «تحلیل رضایتمندی شهروندان از پارک‌های شهری از منظر عدالت توزیعی مطالعه موردی: منطقه شش شهرداری مشهد» دریافتند از منظر عدالت رالف می‌توان رضایت پایین شهروندان که نشان از توزیع، دسترسی و کیفیت نامناسب پارک‌ها دارد را ناعادلانه نیز تعبیر کرد و منطقه شش مشهد به عنوان یکی از مناطق محروم این شهر، از این نظر از عدالت کمتری برخوردار است. اسماعیل‌پور، شکبیا منش (۱۳۹۸) در پژوهش خود تحت عنوان «تحلیل نابرابری فضایی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری: نمونه موردی: شهر یزد» دریافتند تسهیلات و خدمات شهری در بین نواحی مختلف شهر یزد از توزیع ناعادلانه‌ای برخوردار است به نحوی که برخی

^۱. Yuan & Li

^۲. Mohammad & Rezaei

کاربری ها به صورت متمرکز و قطبی مکان یابی شده اند. کاظم آبادی، خانی زاده، بابایی (۱۳۹۸) در پژوهش خود تحت عنوان «تحلیلی بر پراکنش خدمات و جمعیت شهری با تأکید بر عدالت فضایی و برخورداری شهری» مطالعه موردی: شهر ایلام» به این نتایج دست یافتند که در میان شاخص های خدمات شهری در شهر ایلام، شاخص کالبدی شهر نسبت به دیگر شاخص ها در موقعیت بهتری قرار داشته و پس از آن شاخص اقتصادی و در نهایت شاخص اجتماعی در وضعیت مطلوب قرار گرفته است. محمود زاده و کرمی (۱۴۰۰) در پژوهش خود تحت عنوان «تحلیل فضایی عدالت مکانی در آمایش کاربری های خدماتی (پارک و فضای سبز، ورزشی و تفریحی - توریستی) شهر تبریز با رویکرد چند معیاری» این نتایج دست یافته اند که توزیع کاربری ها در شهر تبریز نامتعادل بوده و عدالت فضایی و مکانی برخوردار نمی باشند. آصفی و قنبر پور نصرتی (۲۰۲۰). در پژوهش خود تحت عنوان «عدالت فضایی در توزیع فضای باز و امکانات ورزشی ساخته شده» به این نتایج دست یافتند که این نوع از کاربری ها بدون در نظر گرفتن جمعیت و مساحت زمین به شکل ناعادلانه ای در شهر اصفهان توزیع شده اند. جیان (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان به سوی شهری عادلانه: برنامه ریزی عدالت فضایی فضای باز عمومی در توسعه خصوصی، چارچوبی برای ارزیابی عملکرد عدالت فضایی در فضاهای باز عمومی ارائه می دهد. وی مسائل مربوط به عدالت فضایی در فضاهایی باز عمومی را از سه جنبه مورد بررسی قرار می دهد: عدالت فیزیکی، عدالت اجتماعی و حق ورود به شهر. کائور و همکاران (۲۰۲۱). در پژوهشی با عنوان «تحلیل مکانی توزیع فضاهای سبز شهری مطالعه چهار شهر هند» نشان می دهند که فضاهای سبز در مناطق مورد مطالعه در دو دهه اخیر تغییرات قابل توجهی داشته است. پارک های شهری عمومی از مناطق فقیرنشین دور هستند و توزیع فضایی آن ها ناعادلانه است. شین و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به «مطالعه عدالت فضایی در مورد دسترسی مکانی به امکانات ورزشی برای نوجوانان در چین» پرداخته اند. این پژوهش بر اندازه گیری دسترسی به امکانات ورزشی برای جوانان به دلیل کاهش تماس با طبیعت و همچنین به جهت افزایش فعالیت ها در فضای باز متمرکز شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان دهنده نابرابری در دسترسی به امکانات ورزشی برای نوجوانان هست. براون و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود پارک های تفریحی - ورزشی را با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی مورد بررسی قرار دادند یافته های آنان بیانگر آن بود که هرچه اماکن فضاهای ورزشی از استاندارد بیشتری برخوردار باشند، میزان مشارکت ورزشی افراد نیز افزایش می یابد. مجموع پژوهش ها نشان داد که عدالت فضایی در توزیع کاربری ها حائز اهمیت بوده است و یک شهر برای دستیابی به عملکرد مطلوب نیازمند توزیع مناسب زیرساخت های خود و دسترسی همگان به آن است. با توجه به اهمیت دستیابی به عدالت فضایی و شناسایی محلات برخوردار از امکانات ورزشی و همچنین نحوه توزیع این کاربری ها در شهر مشهد، ضرورت بررسی این موضوع در پژوهش حاضر آشکار می شود.

کاربری‌ها و خدمات شهری از عوامل مؤثر و حیاتی هستند که با پاسخگویی به نیازهای جمعیتی، افزایش منفعت عمومی و توجه به استحقاق و شایستگی افراد، می‌توانند با برقراری عادلانه‌تر، ابعاد عدالت فضایی، عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی را تحقق بخشند. براین اساس، دو محور برجسته در عدالت فضایی که بر آن‌ها تأکید می‌شود، شامل وضعیت زندگی (محیط اجتماعی و محیط فیزیکی)، توزیع فرصت‌ها و دسترسی به زیرساخت‌های اجتماعی، فیزیکی و مجازی است. در حال حاضر، یکی از مهم‌ترین مشکلات اساسی در شهرهای ایران، به‌ویژه در مشهد، استقرار نامناسب کاربری‌ها است؛ به‌نحوی که بسیاری از افراد به علت عدم دسترسی کافی به فضاهای ورزشی، از امکانات موجود به‌طور مطلوب استفاده نمی‌کنند.

شهر مشهد، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و پرتراکم‌ترین شهرهای ایران، با چالش‌هایی در زمینه توزیع عادلانه کاربری‌های ورزشی مواجه است. در این شهر، توزیع نابرابر این فضاها می‌تواند به ایجاد شکاف‌های اجتماعی و کاهش فرصت‌های برابر برای دسترسی به امکانات ورزشی در مناطق مختلف منجر شود. به‌ویژه در محلات کم‌برخوردار، نبود زیرساخت‌های ورزشی مناسب می‌تواند تأثیر منفی بر سلامت جسمی و روانی افراد داشته باشد.

مشکلات و معضلات شهری ناشی از شهرنشینی پیچیده، بر توزیع خدمات عمومی، عدالت اجتماعی و رفاه شهروندان تأثیر می‌گذارد؛ زیرا تعادل فضایی در توزیع مراکز خدماتی در شهر و دستیابی به آن، مقدمات توسعه پایدار شهری را فراهم می‌آورد و نابسامانی در توزیع منطقه‌ای و محلی می‌تواند منجر به دوری مناطق و محلات از عدالت اجتماعی گردد.

درمجموع با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان فهمید که عدالت فضایی در توزیع کاربری‌ها حائز اهمیت بوده است و یک شهر برای دستیابی به عملکرد مطلوب نیازمند توزیع مناسب زیرساخت‌های خود و دسترسی همگان به آن می‌باشد که با مطالعه و بررسی نتایج تحقیقات گذشته از دوباره‌کاری پرهیز کرده و به جنبه‌های جدیدی در رابطه با عدالت فضایی و پراکنش کاربری‌های عمومی می‌پردازد. پژوهش حاضر باهدف سنجش نحوه توزیع فضایی کاربری‌های ورزشی در مناطق شهری مشهد، بر اساس عدالت فضایی و سنجش تناسب میان جمعیت و توزیع خدمات ورزشی در شهر مشهد طراحی شده است؛ و پژوهش حاضر در راستای پاسخ به دو سؤال زیر ادامه می‌یابد.

۱. توزیع فضایی خدمات ورزشی در شهر مشهد به چه صورت بوده و از چه الگوهای تبعیت می‌کند؟
۲. آیا بین جمعیت شهر مشهد و توزیع خدمات ورزشی در این شهر تناسب و خودهمبستگی فضایی معناداری وجود دارد؟

۲. روش شناسی

۲.۱. روش پژوهش

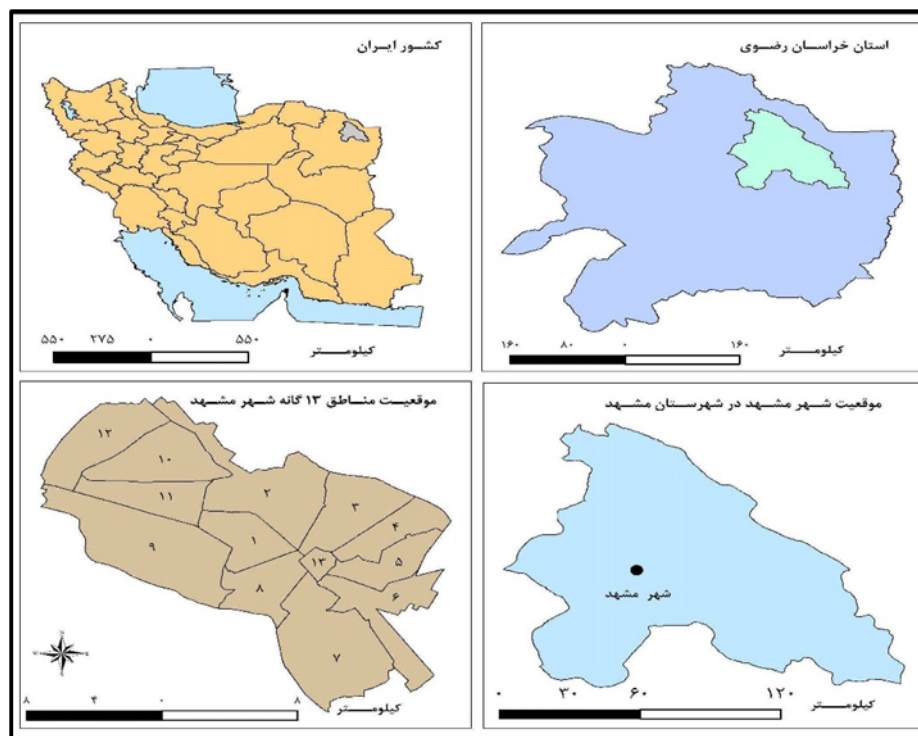
روش این تحقیق متناسب با اهداف تحقیق و ماهیت موضوع روش، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر انجام مطالعات اسنادی و بررسی‌های میدانی است. داده‌های مربوط به سرانه کاربری‌های ورزشی جامعه آماری تحقیق، کاربری‌های ورزشی مناطق ۱۳ گانه شهر مشهد است و از اطلاعات کاربری‌های ورزشی این مناطق در این پژوهش استفاده شده است. به همین منظور، در این تحقیق به صورت گسترده از انواع توانمندی‌های سیستم اطلاعات جغرافیایی از قبیل تکنیک‌های خودهمبستگی فضایی^۱، شاخص موران^۲، آماره G و تحلیل خودهمبستگی دومتغیره موران و نرم‌افزار GEODA برای تحلیل روابط بین تراکم جمعیت و توزیع فضایی اماکن ورزشی کلان‌شهر مشهد استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل‌های آمار فضایی استفاده شد. الگوی توزیع فضایی مراکز ورزشی در محیط نرم‌افزار Arc map با استفاده از تراکم، خوشه‌بندی، آماره G و خودهمبستگی فضایی (موران) بررسی شد در مرحله بعد با فراخوانی نقشه مناطق شهر مشهد در محیط نرم‌افزار Geoda، خودهمبستگی فضایی متغیرهای جمعیت و فاصله از هسته مرکزی شهر مشهد در ارتباط با میزان پراکنش و تراکم مراکز ورزشی در سطح مناطق مشهد تعیین با شاخص موران و جمعیت تحلیل و ارزیابی شد.

۲.۱. محدود مورد مطالعه

کلان‌شهر مشهد شهری در شمال شرق ایران و مرکز استان خراسان رضوی است که از نظر موقعیت ریاضی در طول ۵۲،۲ تا ۳۷،۶۰ شرقی و عرض جغرافیایی ۳۵،۴۳ تا ۳۷،۷ شمالی واقع شده است، ارتفاع از سطح دریا ۹۹۰ متر و فاصله آن از تهران ۹۴۵ کیلومتر است. این شهر در زمان افشاریان پایتخت ایران بوده، مشهد با ۹،۱۴۲ کیلومترمربع مساحت، دومین شهر پهناور ایران پس از تهران است (شکل ۱). بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۳،۰۰۱،۱۸۴ تن جمعیت دارد و نود و پنجمین شهر پرجمعیت دنیا به شمار می‌رود. شهر مشهد با توجه به منابعی که دارد در حال حاضر در تأمین جمعیت خود با مشکلات زیادی مواجه است، در کنار مشکلات موجود به علت اینکه مشهد شهری توریستی-مذهبی است و سالانه حدود ۲۰ میلیون زائر را پذیراست (خوارزمی و دیگران، ۱۴۰۱، ص. ۱۲۷) این شهر دارای سیزده منطقه شهرداری می‌باشد. کاربری‌های ورزشی در شهر مشهد با ۲۴۰۹۹۱۱ مترمربع (۱۳۷ قطعه) ۱/۲ درصد از مساحت کل شهر مشهد را به خود اختصاص می‌دهد سرانه این کاربری در شهر مشهد ۰/۹۵ مترمربع می‌باشد که ۵۶/۶ درصد از این میزان سرانه پیشنهادی طرح جامع می‌باشد (مهندسین مشاور فرهاد، ۱۳۸۸).

^۱. Spatial autocorrelation techniques

^۲. Moran's



شکل ۱. محدوده مورد مطالعه

۲.۲. الگوهای پراکنش فضایی^۱

آمار فضایی را زمینه مطالعه در مورد روش‌های آماری که از روابط فضایی استفاده می‌کنند (مانند فاصله، مساحت، حجم، طول، ارتفاع، جهت‌گیری، مرکزیت و سایر مشخصات فضایی داده‌ها) مستقیماً در محاسبات ریاضی آن‌ها تعریف می‌کند. آمار فضایی برای انواع مختلفی از تجزیه و تحلیل‌ها، از جمله تجزیه و تحلیل الگو، تجزیه و تحلیل شکل، مدل‌سازی سطح و شکل سطح، رگرسیون فضایی، مقایسه آماری مجموعه داده‌های فضایی، مدل‌سازی آماری و پیش‌بینی تعامل فضایی و غیره استفاده می‌شود. انواع مختلف آمار فضایی شامل توصیفی، استنباطی، اکتشافی، آمار زمین‌آماری و اقتصادسنجی است (امیر فخریان، کامل فر، ۱۴۰۰). به‌طور کلی الگوهای پراکنش فضایی بر اساس مطالعات انجام‌گرفته سه حالت دارند: ۱ خوشه‌ای^۲ (پراکنده^۳) تصادفی^۴

۱.۲.۲. خودهمبستگی فضایی

^۱. Spatial distribution patterns

2. Clustered

3. Scattered

4. By accident

در طبقه‌بندی الگوهای فضایی خواه خوشه‌ای، پراکنده و تصادفی، می‌توان بر چگونگی نظم و ترتیب قرارگیری واحدهای ناحیه‌ای متمرکز شد. می‌توان مشابهت و عدم مشابهت هر جفت از واحدهای ناحیه‌ای مجاور را اندازه گرفت. وقتی که این مشابهت و عدم مشابهت‌ها برای الگوی فضایی خلاصه شوند، خودهمبستگی فضایی صورت می‌گیرد. خودهمبستگی فضایی به مفهوم این است که ارزش صفت‌های مطالعه شده، خود همبسته هستند و همبستگی آن‌ها قابل اسناد به نظم جغرافیایی پدیده‌ها است (شیرازیان و همکاران، ۱۴۰۱). خودهمبستگی فضایی قوی به مفهوم این است که ارزش صفات پدیده‌های جغرافیایی به‌طور قوی با یکدیگر رابطه دارند (خواه قوی یا ضعیف). اگر ضرایب ویژگی پدیده‌های جغرافیایی مجاور ارتباط و نظم ظاهری مشخصی نداشته باشند، گفته می‌شود دارای ارتباط فضایی ضعیف و یا دارای الگوی تصادفی می‌باشند. خودهمبستگی فضایی ابزار تحلیلی ارزشمندی است برای اینکه چگونه الگوی فضایی در طول زمان تغییر می‌کنند. نتایج این نوع تحقیق به فهم بیشتری از چگونگی تغییر الگوهای فضایی از گذشته به حال کمک می‌کند. برای اندازه‌گیری همبستگی فضایی آماره‌هایی وجود دارد که به ما اجازه می‌دهند با نقاط یا پلی‌گون‌ها (سطوح ناحیه‌ای) کار کنیم؛ که در این تحقیق محدوده‌های رسمی اداری (مناطق و نواحی شهرداری) متمرکز شده‌ایم.

۲.۲.۲. مدل‌های خودهمبستگی فضایی

مدل‌های متفاوتی برای اندازه‌گیری آماره‌های (خودهمبستگی) فضایی وجود دارد، از جمله شاخص موران و ضریب گری می‌باشند و گزینش ممکن دیگر آماره عمومی G می‌باشند. شاخص موران و گری مشخصه‌های مشترکی دارند، اما مشخصات (خواص) آماری آن‌ها متفاوت است. اکثر تحلیل‌گران با شاخص موران موافق‌ترند، اساساً به خاطر اینکه توزیع مشخصات مطلوب‌تر است (شیرازیان و همکاران، ۱۴۰۱). هنوز هر دو متد بر مقایسه‌ی ارزش‌های واحد ناحیه‌ای همسایگی متکی هستند. اگر واحدهای ناحیه‌ای همسایگی در طول ناحیه ارزش‌های مشابهی داشته باشند، آنگاه آماره‌ها دلالت بر یک خودهمبستگی فضایی قوی دارند. اگر واحدهای ناحیه‌ای همسایگی ارزش‌های خیلی نامشابهی داشته باشند، آماره‌ها یک خودهمبستگی فضایی منفی خیلی قوی را نشان می‌دهند. دو مدل، به‌هر حال روش‌های متفاوتی را برای مقایسه‌ی ضرایب همسایگی‌ها به کار می‌گیرند.

۳.۲.۲. شاخص میانگین نزدیک‌ترین همسایگی^۱

شاخص میانگین نزدیک‌ترین همسایه مبتنی بر اندازه‌گیری فاصله تک‌تک نقطه‌ها تا نزدیک‌ترین همسایه آن‌هاست و در تعیین همگرایی و واگرایی انواع به کار می‌رود. با این آنالیز می‌توان فهمید که آیا

توزیع نقاط تصادفی است یا خیر؟ همچنین نوع الگوی پراکنش چگونه است؟ ابزار میانگین نزدیک‌ترین فاصله همسایگی، ابتدا فاصله بین نقطه مرکزی هر عارضه را با نقطه مرکزی نزدیک‌ترین همسایگی‌اش اندازه‌گیری کرده، سپس میانگین نزدیک‌ترین همسایگی‌ها را محاسبه می‌کند. اگر میانگین فاصله محاسبه‌شده از میانگین توزیع تصادفی فرضی کمتر باشد، آنگاه می‌توان نتیجه گرفت که توزیع پدیده موردبررسی در فضا به صورت خوشه‌ای است. اگر میانگین فاصله محاسبه‌شده بزرگ‌تر از میانگین توزیع تصادفی فرضی باشد، آنگاه می‌توان نتیجه گرفت که عوارض به صورت پراکنده در فضا توزیع شده‌اند (میرزازاده و همکاران، ۱۴۰۲).

۴.۲.۲. شاخص موران

آماره موران یکی از بهترین شاخص‌ها برای تشخیص خوشه‌بندی است. این آماره تشخیص می‌دهد که آیا نواحی مجاور به‌طور کلی دارای ارزش‌های مشابه و یا غیرمشابه می‌باشند. ضریب موران بین مقادیر ۱ و -۱ محاسبه می‌شود. مقدار ۱+ بیانگر الگوی کامل متمرکز یا الگوی تک‌قطبی می‌باشد. هرچه مقدار آن کاهش یابد، الگوی رشد شهر به سمت چندقطبی شدن پیش خواهد رفت (خجو و همکاران، ۱۳۹۸). شاخص موران به شرح زیر است (فرمول ۱)

$$I = \frac{n \sum \sum w_{ij} (X_i - \bar{X})(X_j - \bar{X})}{w \sum (X_i - \bar{X})^2}$$

X_i ضریب تغییر فاصله‌ای یا نسبی در واحد ناحیه‌ای i ، n تعداد واحدهای ناحیه‌ای، وزن w_{ij} شامل تسهیلات شهری می‌باشد. ضریب موران بین ۱ و -۱ متغیر است. -۱ برابر تعامل فضایی منفی و ۱ برابر تعامل فضایی مثبت است. اگر تعامل فضایی وجود نداشته باشد، ضرایب مورد انتظار موران برابر صفر است. ضرایب مورد انتظار موران برابر است. فرمول (۲)

$$E_I = \frac{1}{(N-1)}$$

N تعداد واحدهای ناحیه‌ای، E_I ضریب مورد انتظار. وقتی که شاخص موران مورد محاسبه بزرگ‌تر از مقدار ضریب مورد انتظار باشد الگوی پراکنش فضایی تأیید می‌شود و برعکس

۵.۲.۲. آماره عمومی G

شاخص موران به خوبی برای خواص آماری و توصیف هم‌بستگی فضایی جهانی ساخته شده است. به هر حال آن‌ها، در شناسایی انواع گوناگونی از طبقه‌بندی الگوی فضایی کارآمد نیستند. در خودهمبستگی فضایی تحلیل خوشه‌بندی زیاد/کم به اندازه گیری میزان تراکم و خوشه‌بندی مقادیر زیاد و یا کم یک متغیر

در محدوده مورد مطالعه می‌پردازد. آماره G که وجود یا عدم وجود خوشه‌بندی زیاد و یا کم داده‌های فضایی را بررسی می‌کند.

آماره عمومی G بر شاخص موران در تعیین نقاط مثبت (داغ) و منفی (سرد) در سطح ناحیه‌ی مورد مطالعه ترجیح دارد. این نقاط داغ و سرد می‌توانند به عنوان تمرکزهای فضایی در نظر گرفته شوند (باقی و دمیرچی، ۱۴۰۰). آماره G به شکل فرمول زیر است:

$$G(d) = \frac{\sum \sum w_{ij}(d) x_i x_j}{\sum \sum x_i x_j}$$

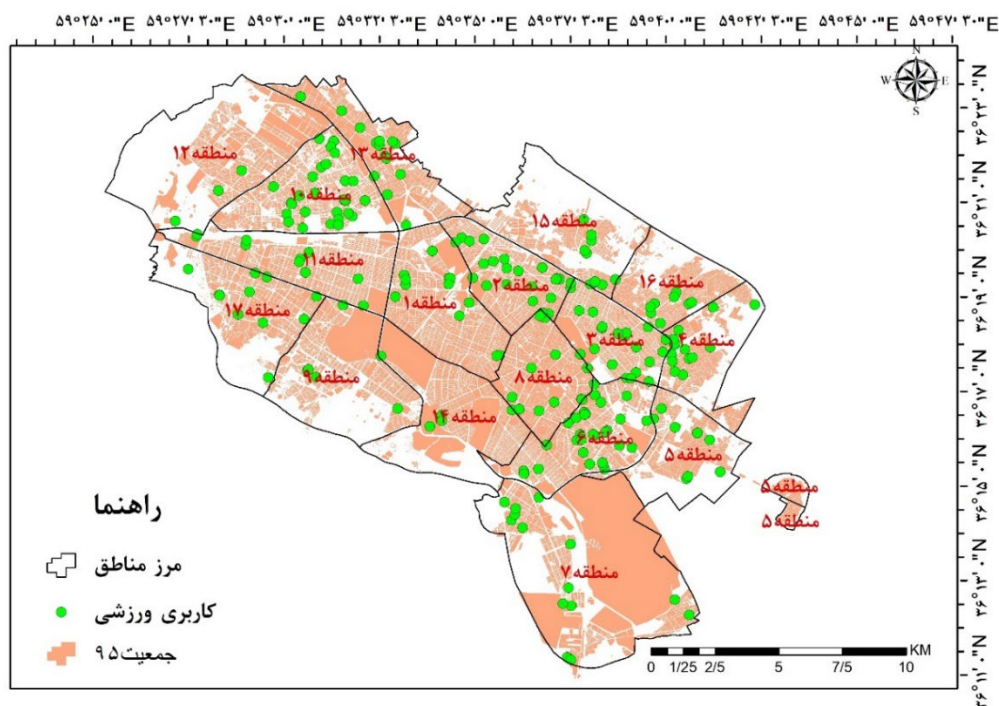
به خاطر اینکه $i \neq j$ ، آماره عمومی G به وسیله معیار وسیله (D) تعریف شده است. در درون آن فاصله‌ی واحدهای ناحیه‌ای می‌توانند به عنوان همسایه‌ای i مدنظر قرار گیرند. وزن $w_{ij}(d)$ برابر با ۱ است، اگر در داخل فاصله d باشد و در صورت عکس برابر (۰) است؛ بنابراین، وزنه‌ای ماتریس اساساً یک ماتریس متقارن دوتایی است، اما ارتباطات همسایگی به وسیله فاصله (d) تعریف شده است. مجموع وزنه‌ای ماتریس w برابر است با (فرمول ۴)

$$w = \sum_i \sum_j w_{ij}(d)$$

قبل از محاسبه آماره عمومی G ، بایستی فاصله d تعریف شود که در داخل آن واحدهای ناحیه‌ای به عنوان همسایه ملاحظه شوند.

۳. یافته‌ها

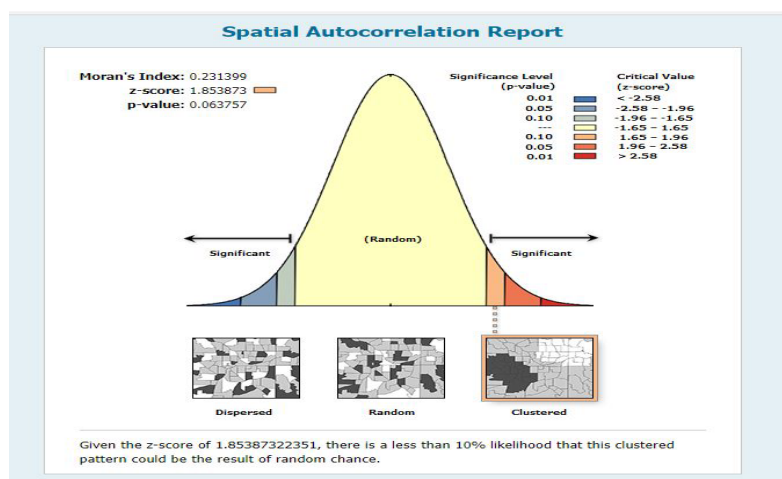
با افزایش جمعیت در شهرها به خصوص کلان‌شهرها حجم تقاضا برای خدمات شهری افزایش یافته است. توزیع نامناسب و نابرابر خدمات شهری به علت جا ماندن توسعه شهر از رشد آن در حال حاضر یکی از چالش‌های مدیریت شهری در پاسخگویی به نیاز شهروندان است. توزیع نامتعادل فضایی - مکانی اماکن ورزشی، استقرار اماکن ورزشی به صورت نامطلوب و بدون توجه به نیاز بخش‌های مختلف شهر به این فضاها، مشکل مزید بر کمبود خدمات ورزشی و ضمن تقلیل مطلوبیت و کارایی این فضاها، اصل عدالت دسترسی به خدمات ورزشی را با شک و تردید روبه‌رو ساخته است. در طرح جامع، سرانه ورزشی در شهر مشهد ۰/۲۴ مترمربع برای هر نفر می‌باشد. این مقدار از میانگین سرانه‌های رایج در طرح‌های شهری ایران حدود ۱ مترمربع کمتر می‌باشد که لازم است با ارائه گزینه‌های مناسب این کمبود برطرف شود. در این قسمت با استفاده از نرم‌افزار GIS وضع موجود کاربری ورزشی در شهر مشهد در شکل (۲) نشان داده شده است. همان‌طور که این نقشه نشان می‌دهد کاربری ورزشی در مقیاس شهر و منطقه در شهر مشهد از وضعیتی مناسبی برخوردار نیست.



شکل ۲. نقشه موجود کاربری ورزشی شهر مشهد

۱.۳. خودهمبستگی فضایی (موران)

از این ابزار برای بررسی توزیع فضایی عوارض استفاده می‌شود. به گونه‌ای که همزمان ویژگی مکانی و خصوصیت توصیفی آن را بررسی می‌کند که آیا دارای الگوی فضایی خوشه‌ای است یا پراکنده؛ که نتایج به سه صورت خوشه‌ای یا تصادفی یا پراکنده قابل مشاهده می‌باشد.

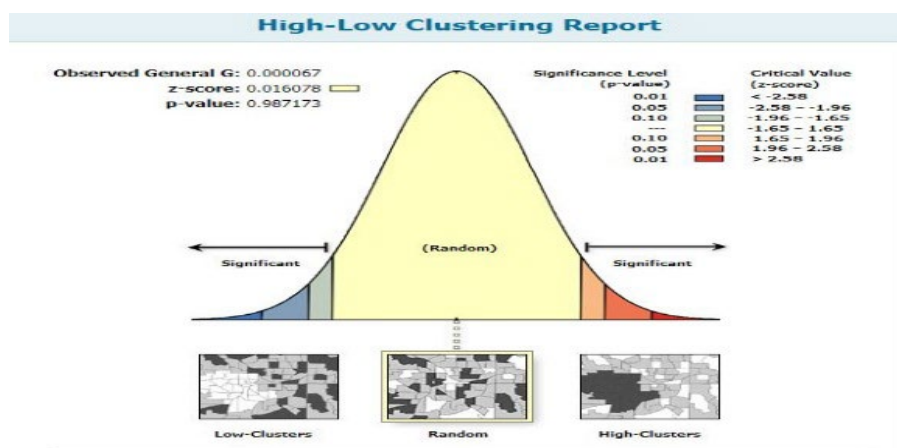


شکل ۳. نمودار خودهمبستگی فضایی کاربری ورزشی در شهر مشهد

مطابق شکل (۳) همان طور مشاهده می شود مقدار p -value نزدیک صفر بوده و مقدار z -score معادل $۳/۹۷$ می باشد فرضیه صفر ما رد می کند و بر اساس نمودار قابل مشاهده است که مقدار شاخص ما که شاخص موران است از صفر بزرگتر است می توان نتیجه گرفت که داده ها دارای خودهمبستگی فضایی می باشند. در صورتی این داده ها به طور نرمال یا با عدالت فضایی در شهر مشهد توزیع می شدند شاخص موران باید مقدار -۰.۰۰۰۶۱۷ به دست بیاید؛ اما این گونه نیست و مقدار بیشتر است با استناد به بالا بودن شاخص Z ($۰/۹۷$) و بسیار کوچک بودن مقدار p -value خودهمبستگی فضایی بین داده ها تأیید می شود یعنی داده ها دارای خوشه بندی فضایی است و همان طور که در جدول سطح اطمینان قابل مشاهده است در واقع خط نارنجی را نشان می دهد که سطح اطمینان بالایی را در اختیار ما قرار داده است و مقدار واریانس آن هم $۰/۰۲۸۸$ است. در نتیجه عدالت فضایی در بین کاربری ورزشی رعایت نشده است و باعث گردیده شهر به صورت دوقطبی شود و نیاز مبرم به اصلاح وضعیت پراکندگی کاربری ورزشی در مشهد مشهود است.

۲.۳. آماره G

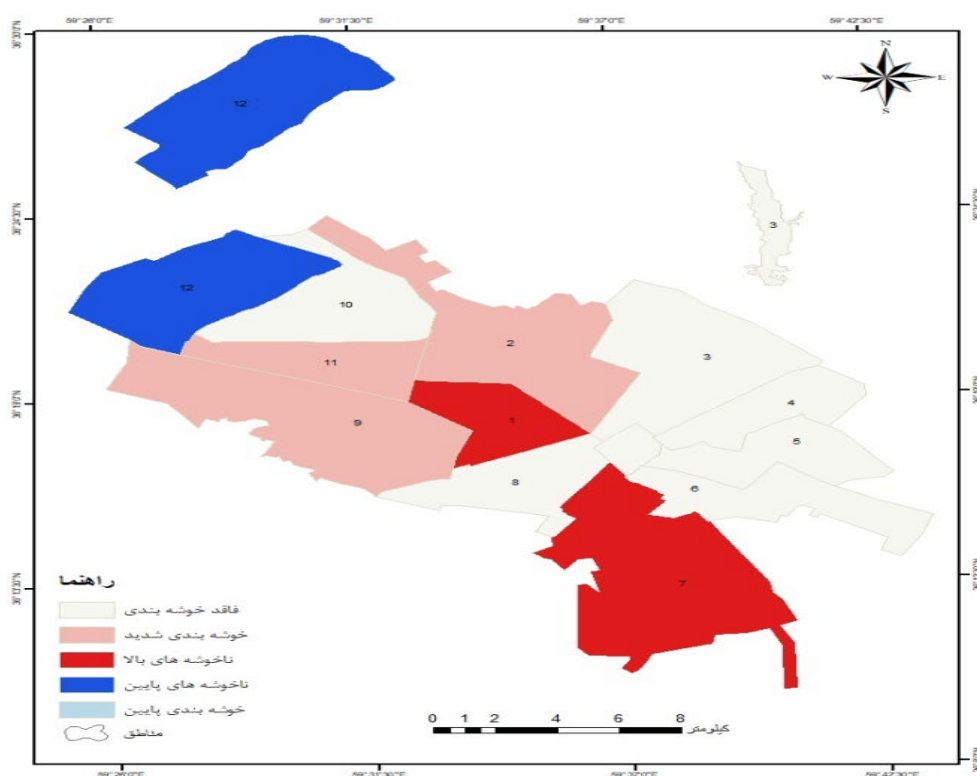
آماره عمومی G ، برای خدمات ورزشی در سطح شهر مشهد در شکل (۴) نمایش داده شده است، مقدار G برابر $۰/۰۰۰۶۷$ و Z SCORE برابر $۰/۱۶۰۷۸$ است؛ بنابراین هیچ نوع خوشه بندی فضایی مشاهده نمی شود. ضریب موران قادر به بیان تفاوت محلی نیست، بنابراین ضرایب خودهمبستگی محلی فضایی استفاده کرد. در نتیجه از آماره G استفاده شده است.



شکل ۴. نمودار آماره عمومی G برای خدمات ورزشی در سطح شهر مشهد

۳.۳. نقشه خوشه‌بندی

نتایج اگر مقدار شاخص (شاخص موران محلی)^۱ عدد مثبت باشد یعنی عارضه موردنظر توسط عوارض مشابه محاصره شده است و بخشی از این خوشه است؛ اما اگر شاخص عدد منفی باشد، این عارضه توسط عوارضی محاصره شده که مشابهتی با آن‌ها ندارد؛ و درواقع حالت نا خوشه را نشان می‌دهد. با توجه به شکل (۵) در مناطق ۱ و ۷ نا خوشه‌های بالا وجود دارد و در منطقه ۱۲ نا خوشه‌های پایین و در مناطق ۲ و ۹ و ۱۱ خوشه‌بندی شدید قابل مشاهده است و در دیگر مناطق خوشه‌بندی وجود ندارد.



شکل ۵. نقشه خوشه‌بندی مناطق شهر مشهد

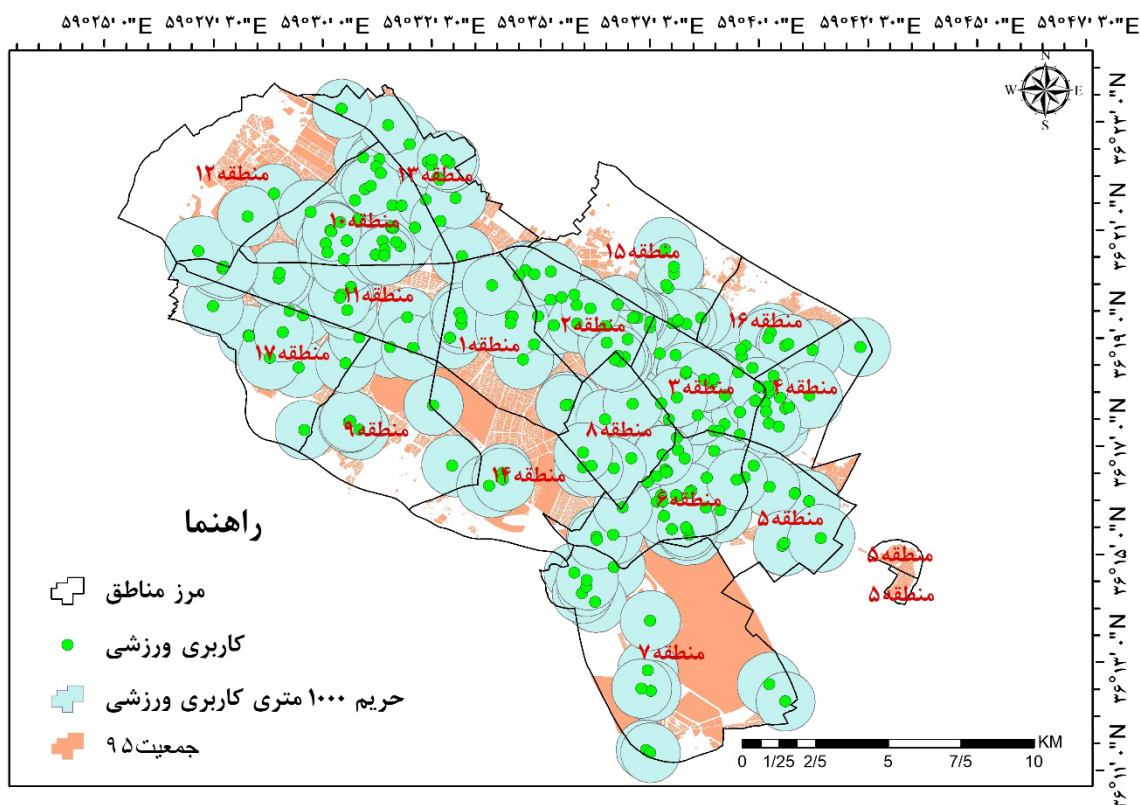
۴.۳. تحلیل فضایی وضعیت دسترسی به کاربری ورزشی در شهر مشهد

در این بخش با استفاده از داده‌های موجود کاربری ورزشی در شهر مشهد و با استفاده از دستور بافر^۲ در نرم‌افزار GIS وضعیت دسترسی به کاربری ورزشی در مقیاس شهر و منطقه بر روی نقشه (۶) نشان

^۱. Local Morans I index

^۲. Buffer

داده شده است. نتایج نشان می دهد، توزیع کاربری های ورزشی در شهر مشهد در مقیاس شهر و منطقه مناسب نیستند بیشتر در حوزه شرقی شهر مشهد قرار دارد و همچنین بیشتر کاربری های ورزشی در مقیاس منطقه با بیشترین شعاع دسترسی کاربری های ورزشی را پوشش می دهد.



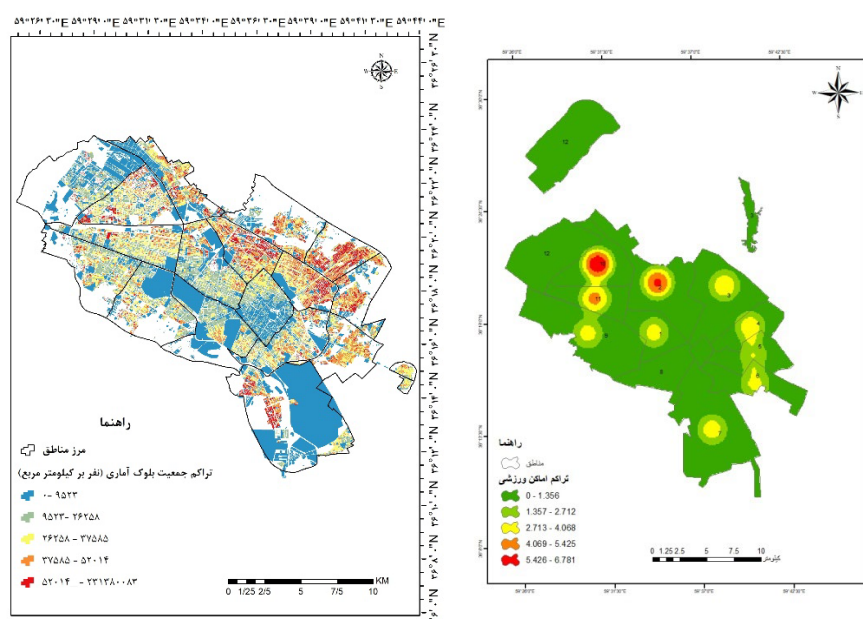
شکل ۶. وضعیت دسترسی کاربری ورزشی در مقیاس منطقه و شهر در شهر مشهد

۵.۳. رابطه تراکم جمعیت و توزیع اماکن ورزشی در مناطق شهر مشهد

از آنجا که توزیع خدمات در مناطق شهری به منظور تسهیل امر خدمات رسانی و دسترسی مناسب و بهینه شهروندان به آن صورت می گیرد، چنانچه توزیع خدمات و امکانات شهری بر اساس معیارهای صحیح و اصولی نباشد، خدمات رسانی به راحتی انجام نگرفته و خدمات مورد نیاز شهروندان به صورت متعادل در سطح شهر توزیع نمی شود. در این حالت ممکن است عدم تعادل هایی بین پراکنش جمعیت و فضاهای خدماتی مورد نیاز مشاهده گردد (نمازی و همکاران، ۱۴۰۱).

سرانه پیشنهادی طرح جامع برای مراکز ورزشی شهر مشهد با عملکرد منطقه ای ۰.۲۴ مترمربع برای هر نفر است. سرانه ی مراکز ورزشی با عملکرد منطقه ای ۰.۱۶ مترمربع در سطح شهر هست. همان طور که در شکل (۷) دیده می شود در مرکز منطقه ۴ و قسمت شمال منطقه ۵ شهر مشهد حداکثر و همچنین

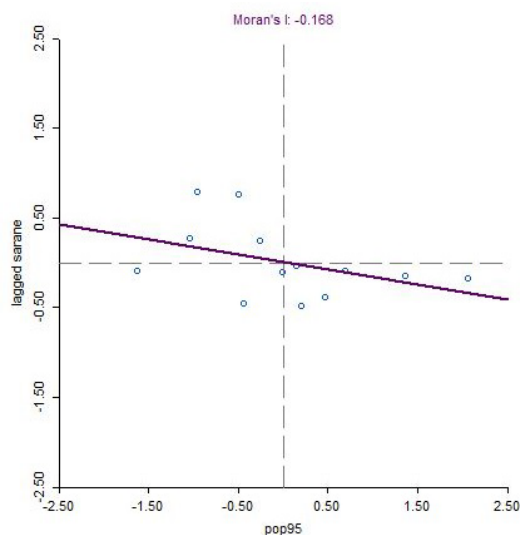
مناطق ۲ و ۶ و ۱۰ و ۱۱ بیشترین تراکم جمعیت رادار است و مناطق ثامن و ۷ و ۸ و ۱۲ کمترین تراکم جمعیتی رادار است و نقشه تراکم اماکن ورزشی نشان می‌دهد تنها در مناطق ۲ و ۱۰ و ۱۱ بیشترین تراکم ورزشی رادار است و مناطق ۸ و ۱۲ کمترین توزیع اماکن رادار است و این نشان می‌دهد تنها در مناطق ۲ با جمعیت ۵۱۳,۳۶۵ نفر و منطقه ۱۰ با جمعیت ۲۹۶,۸۲۳ نفر توزیع اماکن ورزشی توانسته مناسب با تراکم جمعیت باشد و در بقیه مناطق رعایت نشده است. بدین ترتیب یافته‌های این رابطه بیانگر این نکته است که مناطق شهر مشهد به لحاظ برخورداری از خدمات ورزشی تفاوت فراوانی دارند. از این رو اختصاص کاربری ورزشی مورد نیاز مناطق به‌ویژه مناطق ثامن و ۷ و ۸ و ۱۲ شهر مشهد جهت ارتقای کیفیت زندگی و رضایتمندی شهروندان و همچنین در جهت کاهش نابرابری‌های فضایی و اجتماعی، مقوله‌ای ضروری و مهم است که با مفهوم و معیارهای عدالت فضایی و اجتماعی به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی جامعه امروزی ارتباط مستقیمی دارد. بدیهی است که توجه به مقوله عدالت فضایی در برخورداری مناسب از امکانات و خدمات مختلف ورزشی باید متناسب با فاکتورهایی مختلفی چون جمعیت در اختیار همگان باشد که این امر راهگشای برنامه ریزان شهری جهت تقویت مناطق محروم‌تر، کاهش نابرابری و افزایش کیفیت سطح زندگی شهروندان می‌شود.



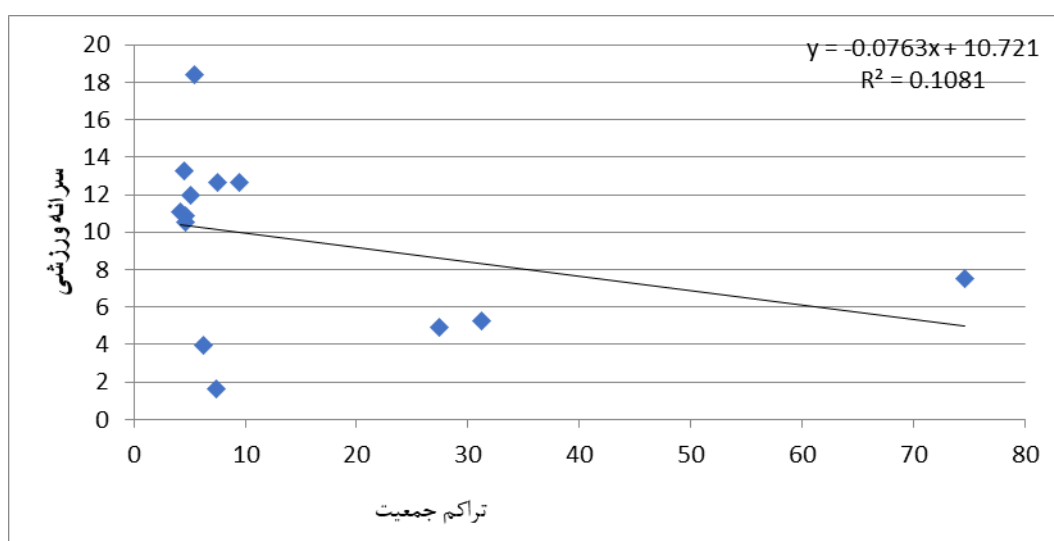
شکل ۷. نقشه تراکم اماکن ورزشی و تراکم جمعیت

همبستگی فضایی میان تراکم جمعیت و سرانه ورزشی در نظام تقسیمات شهری مشهد به‌وسیله‌ی شاخص موران با استفاده از نرم‌افزار GEODA محاسبه و نمودار نمایش داده شد. بررسی همبستگی فضایی میان تمرکز جمعیت سال ۹۵ و سرانه مراکز ورزشی با عملکرد منطقه‌ای در شکل (۷) بر توزیع

ناعادلانه مراکز ورزشی در شهر مشهد دلالت دارد و ضریب موران $0/168$ - است؛ و با توجه به نمودار ۱ قابل مشاهده است که خط نزولی بین تراکم جمعیت و سرانه ورزشی دارد. عملکرد منطقه‌ای در شکل (۸) بر توزیع ناعادلانه مراکز ورزشی در شهر مشهد دلالت دارد و ضریب موران $0/168$ - است؛ و با توجه به شکل (۹) قابل مشاهده است که خط نزولی بین تراکم جمعیت و سرانه ورزشی دارد. همچنین نابرابری در برخورداری از خدمات ورزشی در سطح مناطق ۱۳ گانه شهر مشهد محسوس است. از این رو توزیع ناعادلانه بر اساس عملکرد منطقه‌ای در شهر مشهد قابل مشهود است که این تشدیدکننده‌ی بی‌عدالتی فضایی در شهر مشهد می‌باشد.



شکل ۸. همبستگی فضایی میان جمعیت و سرانه ورزشی



شکل ۹. نمودار همبستگی بین تراکم جمعیت و اماکن ورزشی

۴. بحث

در پاسخ به سؤال اول پژوهش که؛ توزیع فضایی خدمات ورزشی در شهر مشهد به چه صورت بوده و از چه الگوهایی تبعیت می‌کند؟ در شهر مشهد، توزیع فضایی خدمات ورزشی با نابرابری‌های قابل توجهی مواجه است. مناطق پرتراکم مانند مناطق ۲، ۱۰ و ۱۱ با وجود نیاز بیشتر، از خدمات ورزشی بهره‌مند هستند، درحالی‌که مناطق کم تراکم مانند ۸ و ۱۲ با کمبود شدید این خدمات مواجه‌اند. تحلیل‌های فضایی با استفاده از GIS و شاخص‌هایی مانند ضریب موران نشان‌دهنده خوشه‌بندی نامتعادل و خودهمبستگی فضایی خدمات ورزشی است. سرانه ورزشی مشهد (۰/۲۴ مترمربع به ازای هر نفر) نیز کمتر از میانگین کشوری است که این نابرابری‌ها را تشدید می‌کند. برای بهبود این وضعیت، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق، تخصیص بهینه فضاها و رعایت عدالت فضایی در توزیع خدمات ورزشی وجود دارد.

سؤال دوم؛ آیا بین جمعیت شهر مشهد و توزیع خدمات ورزشی در این شهر تناسب و خودهمبستگی فضایی معناداری وجود دارد؟ در شهر مشهد، تناسب معناداری بین جمعیت و توزیع خدمات ورزشی وجود ندارد. تحلیل‌ها نشان می‌دهند که دسترسی به امکانات ورزشی نامتوازن است و حتی در مناطق پرجمعیت، توزیع این امکانات یکنواخت نیست. شاخص موران منفی (۰/۱۶۸-) نشان از رابطه معکوس بین تراکم جمعیت و دسترسی به امکانات ورزشی دارد؛ مناطق پرجمعیت‌تر (مانند مناطق ۲ و ۱۰) با وجود تعداد بیشتر امکانات، هنوز با کمبود مواجه‌اند، درحالی‌که مناطق کم‌جمعیت‌تر (مانند مناطق ۷، ۸ و ۱۲) از کمبود شدید رنج می‌برند. این عدم تناسب و خودهمبستگی فضایی منفی، نیازمند برنامه‌ریزی مجدد برای توزیع عادلانه امکانات ورزشی در شهر مشهد است. در خدمات‌رسانی شهری تنها افزایش کمی مراکز خدماتی، دلیل بر خدمات‌رسانی مناسب نیست، آنچه حائز اهمیت است توزیع بهینه این مراکز و دسترسی مناسب برای همه شهروندان می‌باشد. تمرکز مراکز ورزشی در یک فضا ضمن ایجاد مناطق دوقطبی و بالا و پایین در شهرها، باعث افزایش جمعیت مصرف‌کننده و محروم از خدمات ورزشی به آن مناطق شده که این خود فشار زیست‌محیطی، ترافیکی، معضلات شهری ازجمله آلودگی را به دنبال خواهد داشت. بدیهی است هریک از سطوح تقسیمات کالبدی شهر ازجمله مناطق شهری بر اساس نیازهای شهروندان مراکز ورزشی مختلفی را نیاز خواهد داشت و براین اساس مراکز ورزشی و امکانات ورزشی مختلف نیز باید با توجه به آستانه جمعیت موردنظر در سطح مناطق توزیع شوند امری که باعث توسعه متعادل مناطق شده و منطبق بر عدالت فضایی است. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات قبلی ازجمله بهادر و همکاران (۱۴۰۰)، سرایی و همکاران (۱۴۰۰)، کنعان پور و همکاران (۱۴۰۰)، میرزا بیگی و همکاران (۱۳۹۹) هم‌راستا می‌باشد و نشان می‌دهد که موضوع توزیع نابرابر کاربری‌های عمومی به‌عنوان یک مسئله فراگیر در شهرهای ایران مطرح بوده و موجبات نارضایتی شهروندان را فراهم نموده و به نابرابری‌های اجتماعی و فضایی منجر گردیده است.

۵. نتیجه‌گیری

امروزه اصلی‌ترین عامل بحران‌های جوامع بشری، ریشه در نابرابری‌های اجتماعی و فقدان عدالت دارد و یکی از مهم‌ترین بخش‌های این نابرابری‌ها در نواحی شهری است که وجود چنین نابرابری و نبود تعادل فضایی در ساکنان نواحی مختلف یک شهر، به‌هیچ‌وجه پدیده‌ای جدید در هیچ‌یک از شهرهای جهان نیست، اما در کشورهای درحال‌توسعه به دلیل فاحش بودن تفاوت‌های اجتماعی-اقتصادی و نابرابری و نبود تعادل در خدمات شهری، تفاوت فضایی شهرها تشدید شده است؛ این تفاوت فضایی در شهرها جدا از موقعیت جغرافیایی و ساختار اقتصادی و سیاسی خود، به صحنه‌ای از ناسازگاری اجتماعی بدل شده است که در این راستا نه تنها اجتماع انسانی طبقاتی می‌شود، بلکه فضای جغرافیایی نیز محکوم به این سرنوشت شده است. در طرح جامع، سرانه ورزشی در شهر مشهد ۰/۲۴ مترمربع برای هر نفر می‌باشد. این مقدار از میانگین سرانه‌های رایج در طرح‌های شهری ایران حدود ۱ مترمربع کمتر می‌باشد که لازم است با ارائه گزینه‌های مناسب این کمبود برطرف شود که با بررسی میزان نابرابری‌ها در توزیع خدمات شهری از جمله کاربری ورزشی می‌توان به شناسایی الگویی فضایی بی‌عدالتی در سطح شهر مشهد پی برد تا مسئولین شهری با عمل آگاهانه در توزیع فضایی خدمات و منافع اجتماعی، نابرابری‌ها فضایی را کاهش دهد و به دنبال آن کیفیت زندگی شهروندان ارتقا پیدا کند بر همین اساس در پژوهش حاضر پس از گردآوری اطلاعات و داده‌های پایه‌ای لازم، ابتدا چگونگی الگوی توزیع فضایی مراکز ورزشی و ارزیابی تأثیرگذاری الگوی توزیع فضایی این کاربری در محیط نرم‌افزار Arc GIS با استفاده از تراکم، خوشه‌بندی، آماره G خودهمبستگی فضایی (موران) بررسی شد. در مرحله بعد با فراخوانی نقشه مناطق شهر مشهد در محیط نرم‌افزار Geoda، خودهمبستگی فضایی متغیرهای جمعیت و فاصله از هسته مرکزی شهر مشهد در ارتباط با میزان پراکنش و تراکم مراکز ورزشی در سطح مناطق مشهد تعیین با شاخص موران و تراکم تحلیل و ارزیابی شد. همچنین با استناد به نقشه‌ها و داده‌های موجود کاربری ورزشی و جمعیت مناطق کلان‌شهر مشهد می‌توان اشاره کرد در مرکز منطقه ۴ و قسمت شمال منطقه ۵ شهر مشهد حداکثر و همچنین مناطق ۲ و ۶ و ۱۰ و ۱۱ بیشترین تراکم جمعیت رادار است و مناطق ثامن و ۷ و ۸ و ۱۲ کمترین تراکم جمعیتی رادار است و نقشه تراکم اماکن ورزشی نشان می‌دهد تنها در مناطق ۲ و ۱۰ و ۱۱ بیشترین تراکم ورزشی رادار است و مناطق ۸ و ۱۲ کمترین توزیع اماکن رادار است و این نشان می‌دهد تنها در مناطق ۲ با جمعیت ۵۱۳،۳۶۵ نفر و منطقه ۱۰ با جمعیت ۲۹۶،۸۲۳ نفر توزیع اماکن ورزشی توانسته مناسب با تراکم جمعیت باشد و در بقیه مناطق رعایت نشده است مبنی بر اینکه بین پراکنش و دسترسی به اماکن ورزشی در مناطق شهر مشهد با اصول و راهبردهای عدالت فضایی اختلاف

معناداری وجود دارد. نتایج حاصل شده از این پژوهش نشان می‌دهد که عدالت فضایی اماکن ورزشی با تراکم جمعیت هر منطقه رعایت نشده است و خصوصاً در حاشیه‌های شهر مشهد قابل مشاهده است که توزیع اماکن ورزشی کاهش پیدا کرده است و هیچ نوع خوشه‌بندی فضایی بر اساس شاخص G قابل مشاهده نیست. با توجه به شکل (۵) خوشه‌بندی مناطق شهر مشهد در مناطق ۱ و ۷ ناخوشه‌های بالا وجود دارد و در منطقه ۱۲ ناخوشه‌های پایین و در مناطق ۲ و ۹ و ۱۱ خوشه‌بندی شدید قابل مشاهده است و در دیگر مناطق خوشه‌بندی وجود ندارد. در مجموع مناطق ۲ و ۱۰ و ۱۱ بیشترین و مناطق ۸ و ۱۲ کمترین تراکم ورزشی را دار می‌باشند. با توجه به نمودار (۱) تراکم جمعیت و کاربری ورزشی قابل مشاهده است که خط نزولی بین تراکم جمعیت و سرانه ورزشی دارد. همچنین نابرابری در برخورداری از خدمات ورزشی در سطح مناطق ۱۳ گانه شهر مشهد محسوس است. از این رو توزیع ناعادلانه بر اساس عملکرد منطقه‌ای در شهر مشهد قابل مشهود است که این تشدیدکننده بی‌عدالتی فضایی در شهر مشهد می‌باشد و مناطق حاشیه‌ای با تراکم جمعیت بالا از خدمات ورزشی کمتری برخوردار می‌باشند و در تضاد با رویکرد عدالت فضایی می‌باشد. لذا پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

- با توجه به افزایش مهاجرت‌های روستا شهری در هر یک از مناطق شهر مشهد و گسترش روزافزون گردشگران به این شهر نیاز به افزایش کاربری‌های ورزشی متناسب با این افزایش جمعیت در شهر مشهد احساس می‌شود.

- اهمیت یافتن ورزش در زندگی امروزی و برای گذران اوقات فراغت در خانواده‌ها و به‌ویژه قشر جوانان، باید میزان خدمات‌رسانی عمومی (اماکن و خدمات ورزشی) متناسب با میزان دسترسی جمعیت مناطق شهر صورت گیرد.

- با توجه به مفهوم عدالت اجتماعی و فضایی، توزیع نامتعادل خدمات عمومی در سطح مناطق و نواحی مختلف شهر، زمین وابستگی مناطق و نواحی کم برخوردار را به مناطق برخوردار از خدمات فراهم می‌نماید. درحالی‌که هر منطقه و ناحیه باید داری خدمات عمومی باکیفیتی باشد؛ که متناسب با مفهوم عدالت اجتماعی و فضایی باشد.

کتاب‌نامه

۱. اسدی، ا. و کلاته میمری، ر. (۱۳۹۸). تحلیلی بر توزیع فضایی خدمات شهری با محوریت عدالت اجتماعی و تأکید بر رضایت شهروندان (مورد مطالعه: منطقه ۱۱ مشهد). نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۲ (۶۴)، ۱۶۴-۱۷۹.

۲. اسدی، ر.، و صبوری، م. (۱۴۰۰). تحلیل رضایتمندی شهروندان از پارک های شهری از منظر عدالت توزیعی (مطالعه موردی: منطقه شش شهرداری مشهد). پژوهشنامه خراسان بزرگ، ۴۹، ۸۷-۱۰۵.
۳. امان پور، س.، و فدایی جزی، ف. (۱۴۰۲). سنجش عدالت اجتماعی در ساختار فضایی بندر دیر با تأکید بر کاربری های خدماتی. برنامه ریزی فضایی، ۲(۴۹)، ۱-۲۰.
۴. اسماعیل پور، ن.، و شکبیا منش، م. (۱۳۹۸). تحلیل نابرابری فضایی در برخورداری از کاربری های خدمات شهری؛ نمونه موردی: شهر یزد. فصلنامه علمی برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)، ۹(۲)، ۷۱-۸۸.
۵. امیر فخریان، م.، و کامل فر، م. (۱۴۰۰). بررسی الگوی حاکم بر پراکنش فضایی پزشکان متخصص در شهر مشهد. برنامه ریزی و آمایش فضا، ۲۵(۳)، ۱-۳۰.
۶. امین جرفی، م.، مدیری، م.، و مهدوی حاجیلویی، م. (۱۳۹۹). برنامه ریزی راهبردی توزیع خدمات شهری از منظر عدالت فضایی (مطالعه موردی: کلان شهر اهواز). فصلنامه آمایش محیط، ۱۳(۵۰)، ۱۷۰-۱۵۱.
۷. بهادر، م.، و بهوندی، س. (۱۴۰۰). ارزیابی میزان تحقق عدالت فضایی و توزیع خدمات شهری در سطح منطقه ۴. فصلنامه چشم انداز شهرهای آینده، ۲(۴)، ۶۲-۴۲.
۸. خوارزمی، ا.، قاسم زاده، ر.، و پیرزاده، ز. (۱۴۰۱). مدل سازی تأثیرگذاری اقدامات مدیریت شهری بر زیست پذیری شهر مشهد (نمونه موردی: منطقه ۶ و ۹). فصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، ۹(۱)، ۱۴۱-۱۱۹.
۹. خجوع، م.، طیبی ثانی، م.، فهیمی نژاد، ع.، و مرسل، ب. (۱۳۹۸). ارزیابی و تحلیل عدالت فضایی در پراکنش کاربری ها و خدمات ورزشی در شهرستان گرمسار. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۴(۴)، ۵۵۸۰-۵۵۱.
۱۰. رستمی، ف. (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل نحوه توزیع خدمات عمومی شهری از منظر عدالت فضایی مطالعه موردی: شهر یاسوج. پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی (برنامه ریزی شهری و منطقه ای)، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۱. رضایی کرسامی، ع. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل توزیع فضایی مراکز درمانی در سطح شهر ساری. پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران.
۱۲. _ سرایی، م.، غفاریان، ح.، و دستا، ف. (۱۴۰۰). تحلیلی بر توزیع فضایی خدمات ورزشی در محلات شهر اصفهان. دو فصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، ۱(۱)، ۱۵۱-۱۲۹.
۱۳. سعیدی مفرد، س.، حنایی، ت.، و شیروانی مقدم، س. (۱۳۹۸). تبیین مؤلفه های کالبدی و عملکردی مؤثر بر عدالت فضایی در سکونتگاه های حاشیه ای. معماری شهر پایدار، ۶(۱)، ۶۸-۸۰.
۱۴. شیرازیان، ا.، امیر فخریان، م.، و رهنما، م. (۱۴۰۱). تحلیل توزیع فضایی شیوع بیماری سرطان در شهر مشهد با رویکرد کیفیت محیط طبیعی شهری، نشریه علمی برنامه ریزی توسعه کالبدی، ۴(۲۸)، ۶۰-۴۷.
۱۵. کنعان پور، ع.، معصومی، م.، و نظم فر، ح. (۱۴۰۰). واکاوی عدالت فضایی در تخصیص کاربری های اراضی شهری (مطالعه موردی: مناطق پنج گانه شهر اردبیل). پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری، ۹(۳)، ۶۳۷-۶۶۲.

۱۶. محمدی کاظم آبادی، ل.، خانی زاده، م.، و بابایی، م. (۱۳۹۷). تحلیلی بر پراکنش خدمات و جمعیت شهری با تأکید بر عدالت فضایی و برخورداری شهری (مطالعه موردی: شهر ایلام). *دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری*، ۱۹۱-۱۷۵.
۱۷. محمدی، ع.، هاشمی معصوم آباد، ر.، و محمدی، ج. (۱۳۹۸). تحلیل فضایی توزیع و دسترسی به خدمات در سطح محلات شهری با رویکرد عدالت فضایی (مطالعه موردی: کاربری های تجاری شهر اردبیل). *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۱ (۶۳)، ۹۹-۱۱۷.
۱۸. محمود زاده، ح.، و کرمی، م. (۱۴۰۰). تحلیل فضایی عدالت مکانی در آمایش کاربری های خدماتی (پارک و فضای سبز، ورزشی، تفریحی-توریستی) شهر تبریز با رویکرد چند معیاری. *جغرافیا و آمایش شهری منطقه ای*، ۴۳، ۶۴-۳۱.
۱۹. معروف نژاد، ع.، امیری، ا.، و کاوسی قافی، و. (۱۳۹۹). ارزیابی وضعیت اماکن و کاربری های ورزشی (مطالعه موردی: شهر ایذه). *نشریه علمی جغرافیا و برنامه ریزی دانشگاه تبریز*، ۲۴ (۷۴)، ۲۴۷-۲۳۳.
۲۰. موسوی، م.، امیدوارتر، س.، حسین زاده، ر.، و بایرام زاده، ن. (۱۴۰۱). تحلیل عدالت فضایی در توزیع کاربری های خدماتی در مناطق شهری (نمونه موردی: مناطق پنج گانه ارومیه). *فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی*، ۱۱ (۴۳)، ۱۷۷-۱۶۲.
۲۱. میرزا بیگی، ف.، مجتبی زاده خانقاهی، ح.، و سرور، ر. (۱۳۹۹). تحلیلی بر وضعیت شاخص های توسعه شهری با رویکرد عدالت فضایی، مطالعه موردی: شهر ایلام. *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی*، ۲۰ (۵۶)، ۱۳۹۹-۱.
۲۲. میرزازاده، ر.، نظم فر، ح.، و قنبری، ا. (۱۴۰۲). تحلیل عدالت فضایی در توزیع کاربری اراضی در محلات شهر تبریز. *مطالعات علوم محیط زیست*، ۸ (۱)، ۶۰۹۲-۶۱۰۴.
۲۳. مهندسین مشاور فرهنگ (۱۳۸۸). طرح توسعه و عمران شهر مشهد، بانک مکان مرجع مشهد، محیط انسان ساخت، طرح های توسعه شهری (GIS)، مشهد: مهندسین مشاور فرهنگ.
۲۴. نمازی، آ.، حسینی، ا.، و امیریان، س. (۱۴۰۱). ارزیابی محدوده خدماتی مراکز ورزشی و ارائه الگوی بهینه به منظور مکان یابی مراکز ورزشی مطالعه موردی: شهر کاشان. *فصلنامه علمی پژوهشی اطلاعات جغرافیایی*، ۳۱ (۱۲۱)، ۱۴۴-۱۶۰.

25. Asefi, A. (2020). The spatial justice in the distribution of built outdoor sports facilities. *Outdoor Sports Facilities*, 18(2), 159-178.
26. Brown, G. Morgan, F. Delene, W. (2014). Using participatory GIS to measure physical activity and urban park benefits. *Journal of Landscape and Urban Planning*, 121, 34-44.
27. Baghi, A., Damirchi, F., Moharramzadeh, M., Jamiodulo, M., & Nobakht, F. (2021). Spatial Analysis and Site Selection of Ardabil Sports Venues Using GIS. *Journal of Advanced Sport Technology*, 5(2), 77-89.
28. Ebrahimzadeh, I., & Zarei, S. (2012). The spatial-locational analyses of health and medical services of Firoozabad city, and its optimization with GIS. *Geography*, 4(35), 83-104.
29. Jamshidzadeh, E. (2009). Management of municipal services and the obstacles ahead. *Boards Magazine*, 23.

30. Jian, Y. (2021). *Towards a just city: spatial justice planning of public open space in private developments*. Hong Kong: Ph. D thesis, Hong Kong Polytechnic University.
31. Kaur, N., Kaur, M., Padhi, S. S., & Singh, K. K. (2021). Geospatial analysis of the distribution of urban green spaces: a study of four Indian cities. *Cities & Health*, 1-17.
32. Kozma, G., Teperics, K., Czímre, K., & Radics, Z. (2022). Characteristics of the Spatial Location of Sports Facilities in the Northern Great Plain Region of Hungary. *Sports*, 10(10), 157, 2-10.
33. Shen, J., Cheng, J., Huang, W., & Zeng, F. (2020). An exploration of spatial and social inequalities of urban sports facilities in Nanning City, China. *Sustainability*, 12(11), 45-53.
34. Santos, L., & Lima, J. (2022). Spatial distribution of sports facilities in urban areas: A global perspective. *Journal of Urban Management*, 45(7), 789-805.
35. Yuan, Y., & Li, L. (2023). Evaluating access to sports amenities in urban areas. *Urban Planning and Development*, 39(4), 302-315.
36. Mohammad, H., & Rezaei, H. (2020). Urban space allocation and its impacts on sports accessibility. *Journal of Urban Research*, 16(5), 1123-1138.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۲۹

بررسی تأثیر طول عمر بر قیمت مسکن در ایران (با تأکید بر فرضیه چرخه زندگی)

رویا آل عمران (گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، نویسنده مسئول)

Email: Aleemran@iaut.ac.ir

سیدعلی آل عمران (استادیار اقتصاد، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

Email: s.a.aleemran@tabrizu.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳

صص ۱۶۱-۱۴۹

چکیده

افزایش طول عمر یکی از دلایل سالخوردگی جمعیت در سراسر جهان است، از این رو نیاز است تا اثرات اقتصادی آن مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر طول عمر بر قیمت مسکن در ایران با تأکید بر فرضیه چرخه زندگی (LCH) در فاصله‌ی زمانی فصل اول سال ۱۳۸۰ تا فصل چهارم سال ۱۴۰۰ با استفاده از روش هم‌انباشتگی جوهانسن-جوسیلیوس است. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که طول عمر تأثیر مثبت و معنی‌دار بر قیمت مسکن داشته و هم‌چنین فرضیه چرخه زندگی (LCH) مورد تأیید قرار می‌گیرد. از این رو با توجه به تأثیر مثبت طول عمر بر قیمت مسکن پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران اقتصادی در کنار افزایش رفاه اقتصادی و بالا رفتن طول عمر، سیاست‌های سمت عرضه‌ی مسکن را چنان تنظیم نمایند که مانع افزایش قیمت مسکن در بازار شوند.

کلیدواژه‌ها: طول عمر، فرضیه چرخه زندگی (LCH)، قیمت مسکن.

۱. مقدمه

در طول نیم قرن گذشته، امید به زندگی در سراسر جهان افزایش یافته است. طوری که داده‌های بانک جهانی نشان می‌دهد که در سال ۱۹۶۰ متوسط امید به زندگی در سراسر جهان، ۵۲ سال بود که این مقدار با یک جهش روبرو شده و در سال ۲۰۱۶ به ۷۲ سال رسیده است. افزایش طول عمر یکی از دلایل سالخوردگی جمعیت در سراسر جهان است، از این رو نیاز است تا اثرات اقتصادی آن مورد بررسی قرار گیرد (سان^۱ و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۳). از لحاظ اقتصادی، مسکن در ثبات و بهزیستی خانواده نقش اساسی دارد و مالکیت آن از جمله اهداف و خواسته‌های اصلی خانوارهاست. مسکن کالایی بادوام است که در طی زمان مورد استفاده قرار می‌گیرد و علاوه بر ارزش مصرفی، از جنبه‌ی سرمایه‌ای نیز دارای اهمیت بوده و به‌عنوان پس‌انداز خانوار تلقی می‌شود (قلیچ‌خانی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۴۶). مشکل تأمین مسکن و سیاست‌ها و برنامه‌های مربوط به مسکن در همه‌جای جهان وجود دارد اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل رشد سریع جمعیت و شهرنشینی، مهاجرت‌های داخلی، فقدان منابع کافی، مشکلات مربوط به عرضه‌ی زمین، تأمین مصالح ساختمانی و کمبود نیروی انسانی متخصص و مهم‌تر از همه، نبودن خط مشی و سیاست‌گذاری مناسب در خصوص زمین و مسکن، این مشکل حادث‌تر و بحرانی‌تر است (پورمحمدی، ۱۳۹۴ به نقل از هزارجریبی و امامی غفاری، ۱۳۹۸، ص. ۸۶). علاوه بر اثر نوسانات قیمت مسکن بر متغیرهای کلان اقتصادی، با توجه به سهم بالای هزینه‌ی مسکن در بودجه‌ی خانوار، رفاه آن‌ها را نیز متاثر می‌سازد. هم‌چنین با توجه به این که کنترل نوسانات قیمت مسکن مستلزم شناخت عوامل موثر بر آن می‌باشد، بنابراین ضرورت دارد که مهم‌ترین عوامل موثر در قیمت مسکن مورد بررسی قرار گیرند (عسگری و الماسی، ۱۳۹۰، ص. ۲۰۲).

بر این اساس با توجه به اهمیت قیمت مسکن از یک طرف و هم‌چنین انجام مطالعات گسترده در زمینه تأثیر طول عمر بر قیمت مسکن، پژوهش حاضر درصدد بررسی تأثیر طول عمر بر قیمت مسکن در ایران با استفاده از روش هم‌انباشتگی جوهانسن- جوسیلیوس^۲ در فاصله‌ی زمانی فصل اول سال ۱۳۸۰ تا فصل چهارم سال ۱۴۰۰ است. از آنجایی که تأمین مسکن برای خانوارها یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها در هر کشوری محسوب می‌شود، برای رسیدن به این استاندارد هر خانوار یک مسکن، در نظر گرفتن عواملی مانند ساختار سنی جمعیت و تفکیک آن در گروه شاغلین و بازنشستگان بر قیمت مسکن می‌تواند اهمیت موضوع مورد بررسی را به لحاظ ارائه‌ی راهکارهای سیاستی مناسب از کانال عرضه و تقاضای مسکن بیش از پیش نمایان کند.

1. Sun

2. Johansen- Juselius

مطالعات انجام شده در زمینه‌ی تأثیر طول عمر بر قیمت مسکن، نتایج متفاوتی را ارائه می‌دهند؛ به‌طوری‌که نتایج برخی از آن‌ها مانند مطالعات منکیو و ویل^۱ (۱۹۸۹)، تاکاتس^۲ (۲۰۱۲) و اسافی و سایمون^۳ (۲۰۱۵) حاکی از تأثیر معنی‌دار طول عمر بر قیمت مسکن بوده و برخی دیگر مانند مطالعات انگل‌هارت و پوتربا^۴ (۱۹۹۱) و آیش‌هولچ و لیندنتال^۵ (۲۰۱۴) نیز حکایت از تأثیر بی‌معنی طول عمر بر قیمت مسکن داشته‌اند. علاوه‌براین نتایج مطالعات انجام شده از نظر نوع تأثیر طول عمر بر قیمت مسکن نیز متفاوت هستند. برخی مطالعات نشان داده‌اند که طول عمر تأثیر مثبت بر قیمت مسکن دارد و برخی نیز گواه از آن داشته‌اند که طول عمر تأثیر منفی بر قیمت مسکن دارد. برای تحلیل نتایج متفاوت یاد شده، از فرضیه‌ی چرخه‌ی زندگی^۶ مطرح شده توسط مادیگلیانی و برومبرگ^۷ (۱۹۵۴) و اندو و مادیگلیانی^۸ (۱۹۶۳) استفاده می‌شود. بر اساس این فرضیه، با افزایش طول عمر، بازنشستگان نیاز به بودجه‌ی اضافی برای مصرف دارند در حالی‌که کارگران، دارای انگیزه‌ی پس‌انداز بیشتر به‌منظور زندگی طولانی‌تر هستند. از طرفی چون مسکن به‌عنوان یک کالای سرمایه‌ای، می‌تواند پس‌انداز مناسبی برای آینده باشد، بنابراین تقاضای مسکن توسط کارگران افزایش می‌یابد که پیامد آن افزایش قیمت مسکن خواهد بود، در حالی‌که بازنشستگان از طریق نقد کردن دارایی مسکن، باعث افزایش عرضه‌ی مسکن می‌شوند که پیامد آن کاهش قیمت مسکن خواهد بود. در نتیجه، مثبت یا منفی بودن تأثیر طول عمر بر قیمت مسکن بستگی به این دارد که کدامیک از این دو اثر قوی‌تر است (سان و همکاران، ۲۰۱۹: ۳).

سوالی که در راستای هدف پژوهش مطرح می‌گردد به این صورت است که تأثیر طول عمر بر قیمت مسکن در ایران چگونه است؟ در پاسخ به سوال پژوهش، فرضیه‌ی مطرح شده نیز به این صورت است که طول عمر تأثیر مثبت بر قیمت مسکن در ایران دارد.

۲. روش شناسی

پژوهش حاضر از لحاظ روش، علی-تحلیلی و از نظر هدف کاربردی بوده و روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع کتابخانه‌ای و آمار و داده‌های مربوط به متغیرهای به‌کاربرده شده در پژوهش از بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی ایران، مرکز آمار ایران و شاخص‌های توسعه‌ی جهان استخراج شده است. هم-چنین ابزار اقتصادسنجی مورد استفاده در پژوهش، نرم‌افزار Eviews10 بوده و قلمرو زمانی پژوهش، فصل

1. Mankiw & Weil

2. Takats

3. Essafi & Simon

4. Engelhardt & Poterba

5. Eichholtz & Lindenthal

6. Life Cycle Hypothesis

7. Modigliani & Brumberg

8. Ando & Modigliani

اول سال ۱۳۸۰ تا فصل چهارم سال ۱۴۰۰ و قلمرو مکانی پژوهش نیز کشور ایران است. در این پژوهش با استفاده از روش هم‌انباشتگی جوهانسن- جوسیلیوس به بررسی تأثیر طول عمر بر قیمت مسکن در ایران پرداخته شده و جهت تحلیل موضوع از فرضیه‌ی چرخه‌ی زندگی (LCH) استفاده شده است. مدل‌های به کار رفته در پژوهش برگرفته از مطالعه‌ی سان و همکاران (۲۰۱۹) بوده و مطابق روابط ۱ و ۲ است که در آن‌ها LHPI: لگاریتم شاخص قیمت مسکن بر مبنای سال پایه‌ی ۱۳۹۰، LLIFE: لگاریتم امید به زندگی، LWORKERS: لگاریتم جمعیت فعال شاغل، LRETIREES: لگاریتم تعداد بازنشستگان، LGDP: لگاریتم تولید ناخالص داخلی بر مبنای سال پایه‌ی ۱۳۹۰، $(LLIFE \times LWORKERS)$: اثر تقاطعی لگاریتم امید به زندگی و لگاریتم جمعیت فعال شاغل، $(LLIFE \times LRETIREES)$: اثر تقاطعی لگاریتم امید به زندگی و لگاریتم تعداد بازنشستگان، U و V: جملات پسماند مدل‌ها و اندیس t متغیرها نشان‌گر زمان است.

$$LHPI_t = \alpha_1 + \alpha_2 LLIFE_t + \alpha_3 LWORKERS_t + \alpha_4 LRETIREES_t + \alpha_5 LGDP_t + U_t \quad (1)$$

$$LHPI_t = \beta_1 + \beta_2 (LLIFE \times LWORKERS)_t + \beta_3 (LLIFE \times LRETIREES)_t + \beta_4 LGDP_t + V_t \quad (2)$$

فرض کنید مجموعه‌ای از g متغیر ($g \geq 2$) داریم که حداکثر I(1) هستند و احتمال می‌رود هم‌انباشته باشند. یک سیستم VAR با k وقفه شامل متغیرهایی است که به صورت زیر باشد:

$$y_t = \beta_1 y_{t-1} + \beta_2 y_{t-2} + \dots + \beta_k y_{t-k} + u_t \quad (3)$$

$$g \times 1 \quad g \times g \quad g \times 1 \quad g \times g \quad g \times 1 \quad g \times g \quad g \times 1 \quad g \times 1$$

به منظور استفاده از آزمون جوهانسن، لازم است که سیستم VAR فوق به شکل مدل تصحیح خطای برداری^۱ زیر درآید:

$$\Delta y_t = \Pi y_{t-k} + \Gamma_1 \Delta y_{t-1} + \Gamma_2 \Delta y_{t-2} + \dots + \Gamma_{k-1} \Delta y_{t-(k-1)} + u_t \quad (4)$$

که در آن:

$$\Pi = (\sum_{i=1}^k \beta_i) - I_g, \quad \Gamma_i = (\sum_{j=1}^i \beta_j) - I_g$$

VAR شامل g متغیر اولین تفاضل در سمت چپ و k-1 وقفه از تفاضلات متغیر وابسته در سمت راست است که به هرکدام ماتریس Γ ضمیمه شده است. از آن‌جا که آزمون جوهانسن می‌تواند از طول وقفه‌ی به کار رفته در VECM تأثیر بپذیرد، تعیین طول وقفه‌ی بهینه در این حالت امری ضروری است. آزمون جوهانسن، روی بررسی ماتریس Π تمرکز یافته است. Π می‌تواند به عنوان ماتریس ضرایب بلندمدت تعبیر شود، زیرا در حالت تعادل، تمام Δy_{t-i} ها برابر صفر خواهند بود و با جایگذاری ارزش مورد انتظار جملات خطای $\hat{u}_t$ (یعنی صفر) در معادله، خواهیم داشت $\Pi y_{t-k} = 0$. آزمون هم‌انباشتگی بین y ها، با بررسی رتبه‌ی ماتریس Π در مقابل مقادیر ویژه‌ی آن محاسبه می‌شود. رتبه‌ی یک ماتریس برابر تعداد ریشه‌های غیر صفر

^۱. Vector Error Correction Model (VECM)

معادله‌ی مشخصه (مقادیر ویژه) آن است. مقادیر ویژه که با λ_i نشان داده می‌شوند ریشه‌های معادله‌ی مشخصه هستند و به ترتیب $\lambda_1 > \lambda_2 > \dots > \lambda_g$ مرتب می‌شوند. مقدار ویژه‌ی λ_1 بزرگ‌ترین (یعنی نزدیک به یک) و λ_g کوچک‌ترین (یعنی نزدیک به صفر) است. اگر متغیرها هم‌انباشته نباشند، رتبه‌ی ماتریس Π به‌طور معناداری از صفر فاصله نخواهد داشت (بنابراین برای هر $i, \lambda_i \not\equiv 0$). آماره‌ی آزمون، λ_i نیست بلکه $Ln(1 - \lambda_i)$ است ولی باز هم نتایج یکسان خواهد بود زیرا اگر $\lambda_i = 0$ باشد، $Ln(1 - \lambda_i) = 0$ خواهد بود. حال فرض کنید رتبه‌ی Π برابر یک باشد، آن‌گاه مقدار $Ln(1 - \lambda_i)$ منفی خواهد بود و برای هر $i > 1$ $Ln(1 - \lambda_i) = 0$ می‌شود. اگر مقدار ویژه‌ی i ام غیر صفر باشد، آن‌گاه، برای هر $i > 1$ $Ln(1 - \lambda_i) < 0$ می‌شود. یعنی برای این‌که رتبه‌ی ماتریس Π برابر یک باشد، بزرگ‌ترین مقدار ویژه می‌بایست به صورت معناداری از صفر فاصله داشته باشد، در حالی‌که سایر مقادیر ویژه نمی‌بایست به صورت معناداری از صفر اختلاف داشته باشند. در رویکرد جوهانسن، دو آماره‌ی آزمون وجود دارد که عبارتند از:

$$\lambda_{trace}(r) = -T \sum_{i=r+1}^g Ln(1 - \hat{\lambda}_i) \quad (5)$$

$$\lambda_{max}(r, r+1) = -TLn(1 - \hat{\lambda}_{r+1}) \quad (6)$$

که r تعداد بردارهای هم‌انباشتگی تحت فرضیه‌ی صفر و $\hat{\lambda}_i$ مقدار برآورد شده‌ی i امین مقدار ویژه (مرتب شده) از ماتریس Π است. در واقع هر چه $\hat{\lambda}_i$ بزرگ‌تر باشد، $Ln(1 - \hat{\lambda}_i)$ منفی‌تر و بنابراین آماره‌ی آزمون منفی‌تر خواهد شد. هر مقدار ویژه به یک بردار هم‌انباشتگی^۱ متناسب است که بردار ویژه نامیده می‌شود. یک مقدار ویژه که به صورت معناداری از صفر اختلاف دارد، بیان‌گر یک بردار هم‌انباشتگی است. λ_{trace} آزمونی است که در آن فرضیه‌ی صفر بیان‌گر وجود حداکثر r بردار هم‌انباشتگی است و فرضیه‌ی مقابل وجود تعداد نامعینی (و بیشتر از r) بردار هم‌انباشتگی می‌باشد. این آزمون با مقدار ویژه‌ی p شروع می‌کند و سپس پی در پی بزرگ‌ترین مقدار حذف می‌شود. وقتی برای تمام $i = 1, 2, \dots, g$ ، $\lambda_i = 0$ باشد، داریم $\lambda_{trace} = 0$.

λ_{max} آزمون جداگانه‌ای برای هر مقدار ویژه انجام می‌دهد. فرضیه‌ی صفر این آزمون برابری تعداد بردارهای هم‌انباشتگی با r است و فرضیه‌ی مقابل این است که تعداد بردارهای هم‌انباشتگی $r+1$ است. جوهانسن و جوسیلیوس (۱۹۹۰) برای دو آماره‌ی مذکور، مقادیر بحرانی محاسبه نموده‌اند. توزیع آماره‌ی آزمون غیر استاندارد است و اندازه‌ی مقادیر بحرانی به مولفه‌های $g-r$ ، تعداد اجزای غیر پایا و این‌که آیا در هریک از معادلات جمله‌ی ثابت وجود دارد یا نه، بستگی دارد. عرض از مبداها می‌توانند در بردارهای هم‌انباشتگی حضور داشته باشند و یا به‌عنوان جمله‌ی اضافی در VAR لحاظ شوند. وجود جمله‌ی ثابت در

^۱. Cointegration Vector

VAR، معادل وجود یک روند در فرآیند ایجاد داده‌ها برای داده‌های سطح است. *اوستروالد و لنوم*^۱ (۱۹۹۲) مجموعه‌ی کامل‌تری از مقادیر ویژه را برای آزمون جوهانسن فراهم آورده‌اند.

اگر آماره‌ی آزمون از مقادیر بحرانی جداول جوهانسن بزرگ‌تر باشد، فرضیه‌ی صفر مبنی بر وجود تعداد r بردار هم‌انباشتگی را به نفع فرضیه‌ی مقابل مبنی بر وجود $r+1$ بردار هم‌انباشتگی (برای λ_{trace}) یا بیشتر از r بردار هم‌انباشتگی (برای λ_{max}) رد می‌کنیم. تحت فرضیه‌ی صفر، آزمون به صورت پی در پی برای $r = 0, 1, \dots, g-1$ انجام می‌شود به‌طوری‌که برای λ_{max} داریم:

$$\begin{array}{ll} H_0 : r = 0 & H_1 : 0 < r \leq g \\ H_0 : r = 1 & H_1 : 1 < r \leq g \\ H_0 : r = 2 & H_1 : 2 < r \leq g \\ \vdots & \vdots \\ H_0 : r = g-1 & H_1 : r = g \end{array}$$

در اولین مرحله‌ی آزمون، فرضیه‌ی صفر بیان‌گر عدم وجود بردار هم‌انباشتگی است (به این معنی که رتبه‌ی ماتریس Π صفر است). اگر این فرضیه‌ی صفر رد نشود، می‌توان نتیجه گرفت که هیچ‌گونه بردار هم‌انباشتگی نداریم و آزمون به اتمام می‌رسد، در حالی‌که اگر فرضیه‌ی صفر $H_0 : r = 0$ رد شود، فرضیه‌ی صفر جدید $H_0 : r = 1$ در برابر فرضیه‌ی مقابل مبنی بر وجود تعداد بیش از یک بردار هم‌انباشتگی خواهد شد و به همین ترتیب ادامه خواهد یافت تا این‌که فرضیه‌ی صفر رد نشود. بنابراین، مقدار r به صورت پیوسته افزایش می‌یابد تا زمانی‌که فرضیه‌ی صفر دیگر رد نشود (افلاطونی، ۱۳۹۶: ۲۱۳-۲۱۰).

۳. یافته‌ها

برای بررسی پایایی متغیرها از آزمون دیکی-فولر تعمیم‌یافته^۲ استفاده شده است. اگر قدرمطلق آماره‌ی آزمون از قدرمطلق کمیت بحرانی ارایه شده بزرگ‌تر باشد، فرضیه‌ی H_0 مبنی بر وجود ریشه‌ی واحد رد می‌شود. جدول ۱ نتایج آزمون پایایی متغیرها با استفاده از آزمون دیکی-فولر تعمیم‌یافته را نشان می‌دهد. بر اساس جدول، در آزمون پایایی مربوط به سطح متغیرهای لگاریتم شاخص قیمت مسکن، لگاریتم امید به زندگی، لگاریتم جمعیت فعال شاغل، لگاریتم تعداد بازنشستگان و لگاریتم تولید ناخالص داخلی، قدرمطلق آماره‌ی دیکی-فولر تعمیم‌یافته از قدرمطلق مقادیر بحرانی مک‌کینون در سطح معنی‌داری ۵ درصد کوچک‌تر بوده، بنابراین فرضیه‌ی H_0 مبنی بر وجود ریشه‌ی واحد مورد تأیید قرار گرفته و متغیرهای مذکور، ناپایا در سطح می‌باشند. در آزمون پایایی مربوط به تفاضل مرتبه‌ی اول این متغیرها، قدرمطلق آماره‌ی دیکی-فولر

^۱. Osterwald & Lenum

^۲. Augmented Dickey-Fuller Test

تعمیم یافته از قدر مطلق مقادیر بحرانی مکینون در سطح معنی داری ۵ درصد بزرگتر بوده، بنابراین فرضیه H_0 مبنی بر وجود ریشه‌ی واحد رد شده و متغیرهای مذکور پایا در تفاضل مرتبه‌ی اول و یا به عبارتی دیگر، $I(1)$ می‌باشند. هم‌چنین با توجه به این‌که داده‌های مورد استفاده در پژوهش، فصلی می‌باشند، از این‌رو از آزمون ریشه‌ی واحد فصلی هگی^۱ نیز برای آزمون پایایی متغیرها استفاده شده است. نتایج مربوط به این آزمون که در جدول ۲ آورده شده است، حاکی از وجود ریشه‌ی واحد در فرکانس صفر یا وجود یک ریشه‌ی واحد غیر فصلی در متغیرهای لگاریتم شاخص قیمت مسکن، لگاریتم امید به زندگی، لگاریتم جمعیت فعال شاغل، لگاریتم تعداد بازنشستگان و لگاریتم تولید ناخالص داخلی بوده است.

جدول ۱. نتایج آزمون پایایی متغیرها با استفاده از آزمون دیکی- فولر تعمیم یافته

نام متغیر	سطح		تفاضل مرتبه‌ی اول	
	آماره‌ی دیکی- فولر تعمیم یافته	مقدار بحرانی مکینون در سطح معنی داری ۵٪	آماره‌ی دیکی- فولر تعمیم یافته	مقدار بحرانی مکینون در سطح معنی داری ۵٪
LHPI	-۲/۹۸	-۳/۴۷	-۳/۰۶	-۲/۹۰
LLIFE	-۲/۵۲	-۲/۹۰	-۵/۵۵	-۳/۴۸
LWORKERS	-۲/۵۱	-۳/۴۷	-۲/۷۸	-۱/۹۴
LRETIRES	-۲/۶۱	-۳/۴۷	-۳/۴۷	-۲/۹۰
LGDP	-۲/۱۷	-۳/۴۸	-۲/۸۸	-۱/۹۴

جدول ۲. نتایج آزمون ریشه‌ی واحد فصلی هگی

نام متغیر	فرضیه‌ی صفر	آماره‌ی محاسباتی	سطح احتمال
LHPI	وجود ریشه‌ی واحد غیر فصلی	-۲/۷۴	۰/۲۱۶
	وجود ریشه‌ی واحد با تناوب نیم سالانه	-۴/۶۴	۰/۰۰۷
	وجود ریشه‌ی واحد با تناوب فصلی	۳۷/۴۵	۰/۰۰۰
LLIFE	وجود ریشه‌ی واحد غیر فصلی	-۲/۵۲	۰/۱۳۸
	وجود ریشه‌ی واحد با تناوب نیم سالانه	-۳/۲۶	۰/۰۰۷
	وجود ریشه‌ی واحد با تناوب فصلی	۷/۲۱	۰/۰۰۰
LWORKERS	وجود ریشه‌ی واحد غیر فصلی	-۲/۴۴	۰/۳۶۵
	وجود ریشه‌ی واحد با تناوب نیم سالانه	-۱۰/۷۵	۰/۰۰۵
	وجود ریشه‌ی واحد با تناوب فصلی	۱۰۶/۰۲	۰/۰۰۰
LRETIRES	وجود ریشه‌ی واحد غیر فصلی	-۱/۷۰	۰/۷۰۱
	وجود ریشه‌ی واحد با تناوب نیم سالانه	-۴/۵۲	۰/۰۰۷
	وجود ریشه‌ی واحد با تناوب فصلی	۳۶/۹۶	۰/۰۰۰

^۱. HEGY Seasonal Unit Root Test

LGDP	وجود ریشه‌ی واحد غیر فصلی	-۲/۱۰	۰/۵۲۲
	وجود ریشه‌ی واحد با تناوب نیم سالانه	-۶/۹۰	۰/۰۰۵
	وجود ریشه‌ی واحد با تناوب فصلی	۴۱/۹۲	۰/۰۰۰

تخمین مدل هم‌انباشتگی جوهانسن - جوسیلیوس مستلزم برآورد یک سیستم معادلات الگوی خودتوضیح برداری^۱ است که در این بین به دست آوردن طول وقفه‌ی بهینه از مقدمات تخمین مدل‌ها می‌باشد. چراکه تعیین تعداد وقفه‌های مناسب در این الگو تضمین می‌کند که جملات خطای مربوط به معادلات نوفه سفید^۲ و در نتیجه ایستا یا $I(0)$ هستند (هوشمند و فهیمی دوآب، ۱۳۸۹: ۱۱۶). بر اساس نتایج حاصل از تعیین وقفه‌ی بهینه‌ی مدل خود توضیح برداری برای روابط ۱ و ۲، وقفه‌ی پنج به عنوان وقفه‌ی بهینه‌ی مدل خودتوضیح برداری برای روابط ۱ و ۲ انتخاب شده است. باتوجه به این‌که متغیرهای روابط ۱ و ۲، دارای مرتبه‌ی هم‌انباشتگی یکسان بوده و همگی پایا در تفاضل مرتبه‌ی اول می‌باشند؛ می‌توان از آزمون همجمعی جوهانسن - جوسیلیوس جهت تعیین بردارهای همگرایی استفاده نمود. بر اساس انتخاب مقدار وقفه‌ی بهینه‌ی پنج؛ به عنوان وقفه‌ی بهینه‌ی مدل خودتوضیح برداری برای روابط ۱ و ۲، با استفاده از آزمون‌های ماتریس اثر^۳ و حداکثر مقادیر ویژه^۴، به تعیین تعداد بردارهای هم‌انباشتگی بین متغیرهای روابط ۱ و ۲ پرداخته شده است. جدول ۳ نتایج مربوط به تعیین تعداد بردارهای همگرایی توسط این دو آزمون را برای رابطه‌ی ۱ و جدول ۴ نتایج مربوط به تعیین تعداد بردارهای همگرایی توسط این دو آزمون را برای رابطه‌ی ۲ نشان می‌دهد. همان‌طور که در جداول ۳ و ۴ ملاحظه می‌شود، نتایج آماره‌ی آزمون ماتریس اثر و آماره‌ی آزمون حداکثر مقادیر ویژه، حاکی از وجود چهار بردار هم‌انباشتگی بین متغیرهای رابطه‌ی ۱ و دو بردار هم‌انباشتگی بین متغیرهای رابطه‌ی ۲ بوده است.

جدول ۳. نتایج آزمون ماتریس اثر (χ^2_{trace}) و آزمون حداکثر مقادیر ویژه (χ^2_{max})

نتایج آزمون ماتریس اثر (χ^2_{trace})				
فرضیه‌ی صفر	فرضیه‌ی مقابل	مقدار آماره‌ی آزمون	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪	ارزش احتمال در سطح ۹۵٪
$r = 0^*$	$r \geq 1$	۱۲۱/۶۷	۶۹/۸۱	۰/۰۰۰۰
$r \leq 1^*$	$r \geq 2$	۷۵/۳۵	۴۷/۸۵	۰/۰۰۰۰
$r \leq 2^*$	$r \geq 3$	۴۴/۰۹	۲۹/۷۹	۰/۰۰۰۶
$r \leq 3^*$	$r \geq 4$	۱۸/۶۲	۱۵/۴۹	۰/۰۱۶۳
$r \leq 4$	$r \geq 5$	۰/۰۹	۳/۸۴	۰/۷۶۱۷
نتایج آزمون حداکثر مقادیر ویژه (χ^2_{max})				

۱. Vector Autoregressive Model

۲. White noise

۳. Trace Matrix

۴. Maximum Eigen Value

فرضیه‌ی صفر	فرضیه‌ی مقابل	مقدار آماره‌ی آزمون	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪	ارزش احتمال در سطح ۹۵٪
$r = 0^*$	$r = 1$	۴۶/۳۱	۳۳/۸۷	۰/۰۰۱۰
$r \leq 1^*$	$r = 2$	۳۱/۲۵	۲۷/۵۸	۰/۰۱۶۱
$r \leq 2^*$	$r = 3$	۲۵/۴۷	۲۱/۱۳	۰/۰۱۱۵
$r \leq 3^*$	$r = 4$	۱۸/۵۳	۱۴/۲۶	۰/۰۱۰۰
$r \leq 4$	$r = 5$	۰/۰۹	۳/۸۴	۰/۷۶۱۷

جدول ۴. نتایج آزمون ماتریس اثر (χ_{trace}) و آزمون حداکثر مقادیر ویژه (χ_{max})

نتایج آزمون ماتریس اثر (χ_{trace})				
فرضیه‌ی صفر	فرضیه‌ی مقابل	مقدار آماره‌ی آزمون	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪	ارزش احتمال در سطح ۹۵٪
$r = 0^*$	$r \geq 1$	۶۶/۶۸	۴۷/۸۵	۰/۰۰۰۳
$r \leq 1^*$	$r \geq 2$	۳۴/۲۶	۲۹/۷۹	۰/۰۱۴۳
$r \leq 2$	$r \geq 3$	۱۲/۹۹	۱۵/۴۹	۰/۱۱۵۰
$r \leq 3$	$r \geq 4$	۱/۴۵	۳/۸۴	۰/۲۲۸۰
نتایج آزمون حداکثر مقادیر ویژه (χ_{max})				
فرضیه‌ی صفر	فرضیه‌ی مقابل	مقدار آماره‌ی آزمون	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪	ارزش احتمال در سطح ۹۵٪
$r = 0^*$	$r = 1$	۳۲/۴۲	۲۷/۵۸	۰/۰۱۱۰
$r \leq 1^*$	$r = 2$	۲۱/۲۶	۲۱/۱۳	۰/۰۴۷۸
$r \leq 2$	$r = 3$	۱۱/۵۴	۱۴/۲۶	۰/۱۲۹۰
$r \leq 3$	$r = 4$	۱/۴۵	۳/۸۴	۰/۲۲۸۰

در ادامه، مطابق روابط ۷ و ۸ به برآورد روابط بلندمدت بین متغیرها پرداخته و بردار نرمال شده نسبت به متغیر درون‌زای اول (متغیر وابسته) در هر دو مدل انتخاب شده‌است. این بردارها بایستی از نظر علامت ضرایب، متناسب با تئوری‌های اقتصادی بوده و همچنین ضرایب متغیرهای توضیحی به لحاظ آماری معنی‌دار باشند. همان‌طور که در بردارهای بهینه‌ی انتخاب شده ملاحظه می‌شود؛ علامت ضرایب متغیرها در هر دو مدل، بر اساس مبانی نظری مورد انتظار بوده و از نظر آماری نیز معنی‌دار می‌باشند. به‌طوری‌که بر اساس رابطه‌ی ۷ در بلندمدت یک درصد افزایش در هریک از متغیرهای امید به زندگی، جمعیت فعال شاغل و تولید ناخالص داخلی به ترتیب باعث افزایش ۱۴/۲۸ درصد، ۲/۹۳ درصد و ۱/۶۷ درصد در قیمت مسکن شده و یک درصد افزایش در متغیر تعداد بازنشستگان باعث کاهش ۲/۴۱ درصد در قیمت مسکن می‌شود. همچنین بر اساس رابطه‌ی ۸ در بلندمدت یک درصد افزایش در هریک از متغیرهای اثر تقاطعی (امید به زندگی و جمعیت فعال شاغل) و تولید ناخالص داخلی به ترتیب باعث افزایش ۰/۶۷ درصد و ۳/۴۴ درصد

در قیمت مسکن شده و یک درصد افزایش در اثر تقاطعی (امید به زندگی و تعداد بازنشستگان) باعث کاهش ۰/۴۴ درصد در قیمت مسکن می شود.

$$LHPI = 14.21 + 14.28LLIFE + 2.93LWORKERS - 2.41LRETIRES + 1.67LGDP \quad (7)$$

$t=3.97 \quad t=3.72 \quad t=-6.59 \quad t=8.13$

$$LHPI = 16.76 + 0.67(LLIFE \times LWORKERS) - 0.44(LLIFE \times LRETIRES) + 3.44LGDP \quad (8)$$

$t=6.60 \quad t=-9.54 \quad t=10.10$

در مرحله ی بعد، الگوی تصحیح خطای برداری برای هریک از روابط ۷ و ۸ برآورد شده و نتایج مربوط به آنها در جدول ۵ نشان داده شده است. با توجه به جدول مذکور ملاحظه می شود که ضریب جمله ی تصحیح خطا $\{ECM\}$ ؛ برای هر دو رابطه ی ۷ و ۸ معنی دار و بین اعداد صفر و منفی یک بوده و به ترتیب برابر رقم ۰/۱۴- و ۰/۱۲- به دست آمده است. این اعداد بیانگر این مطلب است که در رابطه ی ۷ در هر دوره ۰/۱۴ از عدم تعادل کوتاه مدت برای رسیدن به تعادل بلندمدت تعدیل شده و در رابطه ی ۸ در هر دوره ۰/۱۲ از عدم تعادل کوتاه مدت برای رسیدن به تعادل بلندمدت تعدیل می شود.

جدول ۵. نتایج برآورد الگوی تصحیح خطای برداری

الگوی تصحیح خطای برداری برای رابطه ی ۷			
نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	مقدار آماری t
$\Delta(LHPI)$	-	-	-
ECM	-۰/۱۴۵۴۷۶	۰/۰۷۲۷۸	-۱/۹۹۸۷۶
الگوی تصحیح خطای برداری برای رابطه ی ۸			
نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	مقدار آماری t
$\Delta(LHPI)$	-	-	-
ECM	-۰/۱۲۱۵۵۹	۰/۰۳۵۵۹	-۳/۴۱۵۳۸

۴. بحث

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر طول عمر بر قیمت مسکن در ایران با استفاده از روش جوهانسن-جوسیلیوس در فاصله ی زمانی فصل اول سال ۱۳۸۰ تا فصل چهارم سال ۱۴۰۰ است. جهت تحلیل تأثیر طول عمر بر قیمت مسکن، از فرضیه ی چرخه ی زندگی (LCH) استفاده شده است. با توجه به این که تقاضای مسکن در دوران کودکی پایین و با ورود به بازار کار افزایش می یابد (اثر اندازه یا جمعیت) و با شروع خانواده و حفظ آن، این تقاضا به اوج رسیده و مجدد در دوران بازنشستگی کاهش می یابد (اثر سن)، طبق نظریه ی چرخه ی زندگی، افراد در دوران کاری خود (شاغل بودن) در دارایی های متعدد سرمایه گذاری می کنند که بعدها بتوانند آن ها را به درآمد بازنشستگی تبدیل کنند. بنابراین معمولاً ابتدا خریدار و سپس فروشنده اند. مطابق این نظریه اگر جمعیت شاغل به بازنشستگان ثابت بماند، عرضه و تقاضا ثابت اما اگر

تغییر کند قیمت مسکن نیز تغییر می‌کند. طوری که با افزایش طول عمر، بازنشستگان نیاز به بودجه‌ی اضافی برای مصرف دارند در حالی که کارگران، دارای انگیزه‌ی پس‌انداز بیشتر به‌منظور زندگی طولانی‌تر هستند. از طرفی چون مسکن به‌عنوان یک کالای سرمایه‌ای، می‌تواند پس‌انداز مناسبی برای آینده باشد، بنابراین تقاضای مسکن توسط کارگران افزایش می‌یابد که پیامد آن افزایش قیمت مسکن خواهد بود، در حالی که بازنشستگان از طریق نقد کردن دارایی مسکن، باعث افزایش عرضه‌ی مسکن می‌شوند که پیامد آن کاهش قیمت مسکن خواهد بود. در نتیجه، مثبت یا منفی بودن تأثیر طول عمر بر قیمت مسکن بستگی به این دارد که کدامیک از این دو اثر قوی‌تر است. از این‌رو با توجه به این که تأثیر طول عمر بر قیمت مسکن هم می‌تواند مثبت باشد و هم می‌تواند منفی باشد، جهت دستیابی به تأثیر نهایی در این پژوهش، دو مدل مورد بررسی قرار گرفت، به‌طوری که در مدل ۱ تأثیر امید به زندگی بر قیمت مسکن مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حکایت از تأثیر مثبت و معنی‌دار طول عمر بر قیمت مسکن داشت که این نتیجه دلالت بر قوی‌تر بودن تأثیر جمعیت فعال شاغل نسبت به تأثیر بازنشستگان، بر قیمت مسکن در طول عمرشان دارد. اما جهت بررسی این که آیا فرضیه‌ی چرخه‌ی زندگی (LCH) که دلالت بر نتایج متفاوت تأثیر طول عمر بر قیمت مسکن دارد، در پژوهش حاضر نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد یا نه، در مدل ۲ اثرات تقاطعی جمعیت فعال شاغل از کانال امید به زندگی و هم‌چنین تعداد بازنشستگان از کانال امید به زندگی بر قیمت مسکن به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفت که نتایج به‌دست آمده حاکی از تأثیر مثبت و معنی‌دار اثر تقاطعی امید به زندگی و جمعیت فعال شاغل بر قیمت مسکن و تأثیر منفی و معنی‌دار اثر تقاطعی امید به زندگی و تعداد بازنشستگان بر قیمت مسکن بوده و دلالت بر تأیید فرضیه‌ی چرخه‌ی زندگی (LCH) داشت که این نتایج در مطالعات سان و همکاران (۲۰۱۹)، هئو^۱ (۲۰۱۸)، هیلر و لریس^۲ (۲۰۱۶) و گرین و هندرشات^۳ (۱۹۹۶) نیز به تأیید رسیده است.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به تأثیر مثبت طول عمر بر قیمت مسکن پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران اقتصادی با در نظر گرفتن روندهای مرگ‌ومیر و باروری در دهه‌های آینده و کنونی که طی آن‌ها شاهد کاهش رشد جمعیت و سهم جمعیت در سن کار هستیم، در برنامه‌ها و سیاست‌های اتخاذی خود در حوزه‌ی مسکن، مسائل مربوط به سن و اشتغال و بازنشستگی را در نظر گرفته و سیاست‌های خود در حوزه‌ی نیاز به مسکن در سال‌های آینده را بر اساس آن تنظیم کنند زیرا ارزیابی اثرات طول عمر و اشتغال و بازنشستگی از طریق رفتارهای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و تصمیم‌های مربوط به بازار کار می‌تواند باعث پیش‌بینی دولت از رفتار گروه‌های

^۱. Heo

^۲. Hiller & Lerbs

^۳. Green & Hendershott

سنی مختلف و اثرگذاری دو مؤلفه‌ی مورد بررسی در پژوهش در عرضه و تقاضای مسکن باشد. همچنین پیشنهاد می‌گردد:

✓ مجلس و دولت با ایجاد تحول در حوزه‌ی سیاست‌های خود برای مسکن، مسائل جمعیتی و اقتصادی را با هم لحاظ کنند.

✓ علاوه بر سرمایه‌گذاری‌های دولتی در ساخت و ارائه‌ی واحدهای مسکونی به افراد در گروه‌های سنی مختلف و ارائه‌ی تسهیلات با شرایط مناسب گروه‌های سنی، بخش خصوصی نیز در ساخت و عرضه‌ی پروژه‌های مسکن تشویق و حمایت شوند تا به رفع نیازهای مسکن در آینده برای شاغلین فاقد مسکن کمک شود.

کتاب نامه

۱. افلاطونی، ع. (۱۳۹۶). تجزیه و تحلیل آماری با Eviews در تحقیقات حسابداری و مدیریت مالی. چاپ سوم، تهران: انتشارات ترمه.
۲. پورمحمدی، م. ر. (۱۳۹۴). برنامه‌ریزی مسکن. تهران: انتشارات سمت، ویراست دوم.
۳. عسگری، ح. ا. و الماسی، ا. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر قیمت مسکن در مناطق شهری کشور به روش داده‌های تابلویی (طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۵). پژوهشنامه‌ی اقتصادی، ۱۱ (۲)، ۲۰۱-۲۲۴.
۴. قلیچ‌خانی، ن.، یزدانفر، س. ع.، حسینی، س. ب. و نوروزیان ملکی، س. (۱۳۹۸). روابط مؤلفه‌های اثرگذار بر قیمت مسکن و مؤلفه‌های کیفیت فضایی مسکن. مدیریت شهری و روستایی، ۱۸ (۵۴)، ۶۲-۴۵.
۵. هزارجریبی، ج. و امامی غفاری، ز. (۱۳۹۸). بررسی تحولات سیاست‌گذاری رفاهی مسکن در ایران (۱۳۵۸-۱۳۹۲). برنامه‌ریزی رفاه و توسعه‌ی اجتماعی، ۱۰ (۳۸)، ۷۵-۱۱۹.
۶. هوشمند، م. و فهیمی دوآب، ر. (۱۳۸۹). تخمین رابطه بلندمدت قیمت حقیقی نفت خام و ارزش واقعی دلار آمریکا. اقتصاد پولی، مالی، ۱۷ (۳۰)، ۹۸-۱۳۴.

7. Ando, A., & Modigliani, F. (1963). The "life cycle" hypothesis of saving: aggregate implications and tests. *The American Economic Review*, 53(1), 55-84.
8. Eichholtz, P., & Lindenthal, T. (2014). Demographics, human capital, and the demand for housing. *Journal of Housing Economics*, 26, 19-32.
9. Engelhardt, G.V., & Poterba, J.M. (1991). House prices and demographic change: Canadian evidence. *Regional Science and Urban Economics*, 21(4), 539-546.
10. Essafi, Y., & Simon, A. (2015). Housing market and demography, evidence from French panel data. *European Real Estate Society*, 107-133.
11. Green, R., & Hendershott, P.H. (1996). Age, housing demand, and real house prices. *Regional Science and Urban Economics*, 26(5), 465-480.
12. Heo, Y.J. (2018). Population aging and housing prices: who are we calling old?. *NBP Working Paper No. 288*. Narodowy Bank Polski, Economic Research Department, 1-51.

13. Hiller, N., & Lerbs, O.W. (2016). Aging and urban house prices. *Regional Science and Urban Economics*, 60, 276-291.
14. Mankiw, N.G., & Weil, D.N. (1989). The baby boom, the baby bust, and the housing market. *Regional Science and Urban Economics*, 19(2), 235-258.
15. Modigliani, F., & Brumberg, R. (1954). *Utility analysis and the consumption function: an interpretation of cross-section data*. In: Kurihara, K.K. (Ed.), *Post-Keynesian Economics*. Rutgers University Press, New Brunswick, 388-436.
16. Sun, T., Chand, S., & Sharpe, K. (2019). Effect of an increase in longevity on housing prices: evidence from a panel data. *MPRA*, 92629. 1-10.
17. Takats, E. (2012). Aging and house prices. *Journal of Housing Economics*, 21(2), 131-141.

- 1) The law and the government should take a transformative approach to housing policies and take into account demographic and economic considerations;
- 2) In addition to governmental investments in the construction and provision of houses for various age groups and the offering of age appropriate financing facilities, the private sector should be encouraged and supported to be active in constructing and supplying housing projects with the ultimate goal of fulfilling future housing needs for the employed and unhoused people.

Keywords: Lifespan, Life Cycle Hypothesis, Housing Prices

the impact of Lifespan on housing prices in Iran. Moreover, the Life-cycle Hypothesis was used as the theoretical framework for analytical interpretation.

3. Results

The Augmented Dickey-Fuller test was used for testing the reliability of the variables. The results of this test showed that the research variables are reliable. Moreover, since that the data of this study are based on seasons, the Hegy test was used to assess variable reliability. The outcomes of this test showed the presence of a unit root at the zero frequency or, a non-seasonal unit root in the variables. The results of the Johansen–Juselius Multivariate Cointegration Technique showed that Lifespan has a positive and statistically significant impact on housing prices, confirming the life-cycle hypothesis.

4. Discussion and Conclusion

The Life-cycle Hypothesis (LCH) was utilized as the theoretical framework for analyzing the influence of lifespan on housing prices. According to the LCH, housing demand is typically low during childhood, increases when people enter into the labor market (size or population effect), reaches its peaks during family formation and maintenance, and subsequently declines during the retirement phase (age effect). According to this theory, people tend to invest in different assets over their working years (active employment) which they can later change to supplement their retirement income. Consequently, they are usually initial buyers and subsequent sellers of housing. The LCH states that if the ratio of the working population to retirees remains constant, housing supply and demand remain stable, but if this ratio changes, housing prices will change. When lifespan increases, the retirees require additional financial resources. Moreover, the working population is incentivized to save more due to the prospect of a longer lifespan. Since housing as a capital asset is considered a suitable means for future savings, the demand for housing among workers increases, leading to a rise in housing prices. On the contrary, retirees would increase the supply of housing by liquidating their housing assets, which may result in a decrease in housing prices. Therefore, the net positive or negative impact of lifespan on housing prices is dependent upon which of these two effects is dominant. The findings showed that lifespan exerts a positive and statistically significant impact on housing prices, thereby validating the fundamental premise of the Life-cycle Hypothesis in the Iranian context. Given the positive impact of lifespan on housing prices, it is recommended that economic policymakers, through considering current and projected mortality and fertility trends in the future, which are expected to feature a decline in population growth and the share of the working-age population, incorporate issues related to age, employment, and retirement into their housing policies and programs. This would be vital for fulfilling the needs related to housing that emerge of demographic shifts. Evaluating the effects of lifespan, employment, and retirement through savings behaviors, investment decisions, and labor market choices can enable the government to anticipate the behavior of different age groups and understand the impact of the two factors under study on housing supply and demand.

Considering the results, the following recommendations are made:

An Investigation into the Impact of Lifespan on the Housing Prices in Iran (With an Emphasis on the Life-Cycle Hypothesis)

Roya Aleemran¹

Associate Professor, Department of Economics, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Seyed Ali Aleemran

Assistant Professor in Economics, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Email: s.a.aleemran@tabrizu.ac.ir

Received: 3 March 2025

Accepted: 3 April 2025

Extended Abstract

1. Introduction

The global increase of lifespan is considered a primary driver of population aging over the globe, thereby necessitates an examination of its corresponding economic implications. Moreover, the impact of housing price fluctuations on macro-economic variables influences household welfare, given the substantial proportion of housing expenses of families' budgets. Moreover, since the effective containment of housing price volatility presupposes an exact knowledge of its determinants, investigation into the principal factors affecting the housing prices is necessary. Consequently, in light of the paramount importance of housing prices, and relying on extensive prior research about the influence of Lifespan on housing prices, this research was done with the aim of examining the impact of lifespan on the prices of houses in Iran. This study tried to see the impact of the influence of Lifespan on housing prices in Iran. The hypothesis was that Lifespan exerts a positive impact on housing prices in Iran.

2. Method

This applied study employed a causal-analytical approach. The data collection was done using library resources. The data on the utilized variables were taken from the Time Series Economic Database of the Central Bank of Iran, the Statistical Centre of Iran, and the World Development Indicators (WDI). The econometric software for the analysis was EViews 10. The time span of this research was from the beginning of 1380 (spring of 2001) to the end of 1400 (end of winter 2022), and the spatial domain was Iran. This study used the Johansen-Juselius Multivariate Cointegration Technique to investigate

¹. Corresponding author. Email: Aleemran@iaut.ac.ir

wellbeing, authorities should endeavor to make sure that all people enjoy fair and unhindered access to these kinds of resources.

Keywords: Spatial Justice, Service Distribution, Sports Facilities, Mashhad City

Incompatibility with Development Goals: The unequal distribution of sports facilities are not compatible with objectives of sustainable development and social justice.

4. Discussion and Conclusion

The findings of this study showed that the distribution of sports infrastructure of Mashhad is profoundly inequitable, and appears to contravene the major principles of spatial justice. The findings of this study are in line with the findings of other studies and confirm that the unequal distribution of public spaces is a great challenge in many cities of Iran. The concentration of sports spaces only in some areas causes inequality and imposes more pressure on the rich areas and worsens the conditions of the deprived areas. These inequalities will lead to dissatisfaction among citizens. The fair distribution of sports spaces should consider the real needs of people and spatial justice. It was proven that increasing the number of services is not enough, but they should be fairly distributed and all people have fair access to services. Based on the findings, the following issues are suggested:

The Quantity and Quality Increase of Sports Facilities: In light of the identified per-capita deficiency of sports infrastructure, it is a must to increase not only the number of such facilities but also their qualitative standards across the urban places;

Equitable Spatial Allocation of Sports Services: The provision of sports services should be calibrated in accordance with the needs of population in each region, thereby ensuring a more balanced and responsive distribution;

Prioritized Attention to Marginalized and Densely Populated Zones: Particular emphasis should be placed upon underserved peripheral or high density areas. The development of sports facilities of these areas should be prioritized;

Promotion of Public Sport Modalities: The encouragement of publicly accessible sport provision, and the establishment of easily reachable facilities can expand citizen's engagement in physical activity and reduce barriers to participation.

Urban Planning with Attention to Spatial Justice Approach: Urban service planning processes should be based on the principles of spatial justice, ensuring that decision-making and resource allocation promote equitable access to urban facilities for all people.

Ongoing Monitoring and Evaluation: The sustained monitoring of urban service distributions as well as with rigorous increase of effective interventions are essential in order to maintain transparency, accountability and adaptability in implementing related policies.

In conclusion, this investigation underscores that the realization of a just and sustainable urban area heavily relies on the equitable allocation of urban services and sports facilities is not an exception. Given the vital role of sport in public health and social

and their deleterious impact on the life quality of citizens. These studies highlight the critical significance of equitably distributed sporting facilities and show how the absence of such equity may lead to the social and spatial challenges. The studies done on the Iranian urban context as well show that the uneven provision of public spaces, especially sports facilities, constitutes a pressing challenge and underscores the necessary due attention of authorities and urban planners. This study relied on these theoretical backgrounds and tried to offer applicable recommendations to enhance the current condition.

2. Method

This applied study was done taking a descriptive-analytical approach. The process of the research included reviewing the related literature on spatial justice and the distribution of urban services, collecting data on sports facilities in various areas of Mashhad, data analysis considering the spatial distribution of facilities, exploring the distribution pattern of sports facilities using ArcMap software and indicators such as density, clustering, and spatial autocorrelation, and examining the relationship between population density and the existence of sports facilities using Geoda software.

3. Results

The results showed that the allocation of sports facilities of Mashhad is characterized by marked imbalance. The main results may be summarized as follows:

Uneven Distribution: Municipal Districts 2, 10 and 11 hold the greatest number of sports facilities, whereas Districts 8 and 12 hold the lowest. This issue indicates a pronounced spatial concentration of infrastructure rather than a uniform distribution.

Discrepancy with Population: No reasonable correlation exists between population density and the per-capita provision of sports facilities. In particular, peripheral or densely inhabited zones showed limited access to such services.

Spatial Clustering: The analysis of spatial clustering showed that sports facilities are more concentrated in specific zones and all people do not have equitable access to the facilities.

Self-correlation Analysis: The results pertaining to the self-correlation showed that even within highly populated districts there exist significant shortages of sports infrastructure, thus contravening the normative principles of spatial justice.

Comparison with Standard Per Capita: The per-capita provision of sports facilities in Mashhad falls substantially below national standards, signifying the necessity for considerable increase.

Measuring Spatial Justice in the Distribution of Urban Land Uses

Mehdi Zanganeh¹

*Assistant Professor in Geography and Urban Planning, Hakim Sabzevari University,
Sabzevar*

Amir Hossein Shiraziyan

MA in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Mobina Rajabi

MA in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Zohreh Pirzadeh

MA in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Received: 18 January 2025

Accepted: 10 April 2025

Extended Abstract

1. Introduction

Over the past decades, the rapid expansion of cities has profoundly reshaped their spatial structure. Amongst the most remarkable consequences of this expansion is the inequitable distribution of urban amenities; recreational and sporting facilities as the most significant example. Since athletic and recreational engagement play a vital role in promoting both physical and mental well-being, it is a must to make it possible for all citizens enjoy fair access to these resources. Considering the issue this study endeavored to explore the spatial allocation of sports facilities in the city of Mashhad. The ultimate goal was to proposing viable strategies for amelioration. Accordingly, it tried to see the distribution of sports facilities over the heterogeneous zones of Mashhad and its correlation with population distribution and tenets of spatial justice. The following questions were posed: 1) Does the spatial distribution of sports facilities in Mashhad conform to principles of fairness?; 2) What is the relationship between population density and access to the facilities?; 3) What interventions can be used to mitigate the existing inequities?

The notion of spatial justice signifies the fair and impartial allocation of resources and opportunities in a single geographical context. Used in the realm of urban issues and services, this notion states that citizens should enjoy equitable access to diverse facilities, including the facilities provided for sport and recreation. The review of related literature evidently shows the existence of spatial inequalities in metropolitan settings

¹ Corresponding author. Email: m.zanganeh@hsu.ac.ir

social interactions. The results mean that creating cultural spaces would be insufficient merely through functional construction and attracting and retaining users depend on architectural quality, human-centered design, and the coherence of physical and environmental elements. The results of this research confirm the findings of numerous studies that emphasize the influence of physical structure on human being's social behavior. Some of the research suggest physical structure, security, diversity, and spatial affordance as prerequisites for human interaction. Moreover, the alignment of these results with contemporary architectural theoretical notions such as "spatial legibility" "spatial continuity", and "attractiveness quality" suggests that architectural design at urban spaces play a crucial role in the reproduction of social capital and cultural cohesion. Accordingly, this study recommends the designers, planners, and urban administrators to pay particular attention to the formal, spatial, and environmental components when designing or developing cultural complexes. Focus on the quality of furnishings, remarkable entrance designs, flexible spaces, and the incorporation of cultural and semantic symbols may increase the presence of users and their interaction with these settings. Moreover, it is suggested that future research embark upon the impact of such components as natural light, color, acoustic quality, and interactive technologies on the quality of social interactions in cultural spaces.

Keywords: Architecture, Cultural Complex, Environment, Social Interactions, Urmia

the selected cultural complexes of this city. A purposive sampling method was employed to select individuals deemed to have sufficient lived experience relevant to Urmia's cultural spaces. The data collection instrument was a researcher-designed questionnaire, designed based on the related literature and indicators derived from previous studies. This questionnaire had the four main components: exterior form, interior space, environmental quality, and sociability. Each component was operationalized and measured through several specific items. The face and content validity of the questionnaire were affirmed by six faculty members from the Architecture discipline. The reliability was statistically determined via Cronbach's Alpha, with a coefficient of 0.81 which shows the instrument's satisfactory robustness. Four cultural complexes of Urmia (Vahdat Hall, Quran and Etrat Cultural Center, Javan Cultural Center, and the Urmia Cultural and Artistic Complex) were chosen for investigation. The collected data were analyzed using the SPSS software and interpreted through non-parametric statistical tests, including the Kruskal-Wallis test.

3. Results

The results of the analysis of the questionnaires showed that Exterior Form with a mean score of 3.55, exerted the most significant influence on the enhancement of social interactions within the cultural complexes. This component have such indicators as formal proportionality, legibility of the entrance, distinctive architectural elements, and visual invitation. This factor is followed by Interior Space (3.45), Sociability (3.42), and Environmental Quality (3.28). In the comparative assessment across the complexes, Vahdat Hall recorded the highest aggregate mean score over all components, while Javan Cultural Center recorded the lowest score. Moreover, the Kruskal-Wallis test showed a statistically significant difference among the four cultural complexes regarding their architectural and environmental quality. The mean values of the components, when compared inter-dimensionally, did not show a significant difference. The suitable interior furnishings, the availability of gathering spaces, physical comfort, and cohesive spatial organization were identified as the most crucial factors contributing to the enhancement of social interactions.

4. Discussion and Conclusion

The results showed that architectural design and environmental quality have a determining role in elevating the social interactions in cultural complexes. Among these factors, the exterior form of the buildings has the maximum impact, primarily because the initial spatial perception, visual attractiveness, identity, and architectural prominence of the structure can significantly absorb individuals to enter the spaces. Interior space, through its emphasis on comfort, spatial order, appropriate furnishings, and optimal lighting contributes the conditions for the formation of dialogue, assemblies, and social participation. The sociability of the spaces, particularly when it is achieved through the design of dwell locations, gathering spaces, visual openness, and opportunities for face-to-face interaction, seems to be another crucial factor for the emergence of social bonds. The quality of environment despite its inherent importance was ranked fourth. This means that the attention to such environmental aspects as site furnishings, landscaping/vegetation, lighting, acoustic tranquility, and spatial security has been inadequate in some complexes, the result of which has been imposing restrictions on

Investigating the Impact of Architecture and Environment on the Improvement of Social Environments in the Cultural Complexes of Urmia City

Hamed Gholizadeh

MSc, Department of Architecture, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

Babak Motiei¹

Assistant Professor, Department of Architecture, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

Received: 6 September 2024

Accepted: 8 February 2025

Extended Abstract

1. Introduction

Socio-cultural transformations has accelerated, and urban centers, serving as places for contemporary human existence, necessitate spaces that are capable of furnishing a robust foundation for the enhancement of social interactions, cultural exchanges, and the development of social capital. In this context, cultural complexes emerge as multifaceted institutions spanning socio-cultural, educational, and artistic domains that play a pivotal role in the dynamism of societies. Beyond their purely functional imperatives, these spatial configurations, by offering opportunities for discourse, communal gathering, and face-to-face engagement, generate a great ground for the social relations, the establishment of local cohesion, and the enhancing a sense of belonging to place. Given the increasing significance of the quality of public spaces and their instrumental function in shaping collective behavior, delving into factors that influence the social interactions in cultural complexes seems to be so necessity. This study tried to see that which physical and environmental constituents in the architecture of cultural complexes exert the most influence on enhancing the user social interactions. Moreover, recognizing a significant research gap in this specific area especially in the city of Urmia, this study used an analytical and comparative method to not only identify the influential architectural and environmental factors but also to present practical strategies for the enhancement of the quality of cultural complex designs. Accordingly, four principal components (exterior form, interior space, environmental quality, and sociability) were systematically evaluated and compared over four cultural complexes of Urmia.

2. Method

The applied study used a descriptive-analytical method. The statistical population consisted of 200 faculty members and students from the architecture department of the Islamic Azad University, Urmia Branch. The entire participants had prior experience in

¹. Corresponding author. Email: Babak.motiei@iau.ac.ir

of specialized human resources, and ineffective decision-making systems for international urban relations.

4. Discussion and Conclusion

The findings clearly indicated that implementing city diplomacy in Mashhad cannot be achieved merely through isolated projects or international memberships. What is fundamentally required is a *transformational shift in the mindset of urban managers* regarding the global context and the need for active engagement. Without a realistic and informed understanding of global urban dynamics, any initiative in city diplomacy is likely to remain symbolic and ineffective. Moreover, the current fragmented and decentralized structure of urban management in Mashhad, along with the absence of a dedicated and capable entity for leading city diplomacy efforts, severely limits the city's ability to act strategically in the global arena. Additionally, Iran's foreign policy context, which significantly influences cities' international relations, often hampers efforts in this domain.

This study underscores the need for reform at three interrelated levels:

At the macro level, national foreign policy should be reoriented to facilitate the global engagement of cities;

At the meso level, Mashhad Municipality should establish a centralized and coherent institutional structure dedicated to city diplomacy;

At the micro level, initiatives for training city officials, raising awareness, and embedding the discourse of city diplomacy in both policymaking and public consciousness must be developed and sustained.

Only through these strategic reforms can a comprehensive roadmap for Mashhad's ascent in the global urban hierarchy be envisioned and operationalized. The future of city diplomacy in Mashhad depends on both structural readiness and this city's capacity to adapt to a rapidly evolving global order.

Keywords: Challenge, City Diplomacy, Globalization, Urban Management, Mashhad

2. Method

This research employs a qualitative and descriptive-analytical approach. Data were collected through two main channels. First, a specialized panel was conducted with the participation of 30 experts and municipal officials in Mashhad, divided into four thematic working groups focusing on the international economy and foreign investment, international organizations, socio-cultural and pilgrimage issues, and international communication and public relations. Second, ten semi-structured interviews were conducted with individuals who had direct experience and responsibilities in matters related to city diplomacy. These interviews were designed based on the principle of theoretical saturation and aimed to enrich and validate the findings of the panel. The qualitative data were analyzed using coding methods and categorized into three main thematic areas. The geographical scope of this study was the metropolis of Mashhad, Iran's second most populous city and a major religious center. Due to receiving millions of pilgrims and tourists annually, this city possesses substantial potential for transnational engagement.

3. Results

The analysis of the panel discussions revealed a total of 42 key needs across the four thematic areas, of which 31 items (approximately 74%) were considered of high-priority by a majority of respondents. In the domain of international economy, the highest priorities were developing investment packages, branding Mashhad internationally, expanding tourism infrastructure, establishing investment databases, and simplifying regulations to facilitate foreign investment. Regarding the international organizations, the needs focused on brand development prerequisites, creating multilingual portals, training specialized personnel, and utilizing financial and advisory resources from international bodies. In the cultural and pilgrimage domain, significant needs were identified in international cultural promotion, the elevation of Mashhad's international status, and the need of designing a model for international urban development. In the communications and public relations domain, the emphasis was on establishing a strong brand identity, disseminating the discourse of city diplomacy among officials and citizens, learning from international experiences, enhancing digital infrastructure, and audience targeting strategies.

Moreover, interviews with urban officials identified three main categories of challenges:

Cognitive and perceptual barriers such as a limited understanding of the concept of city diplomacy, perceiving it as superficial or unnecessary, and lack of familiarity among city managers with the relevant literature and instruments;

Structural constraints stemming from national foreign policy, including international tensions, sanctions, the absence of effective public diplomacy, and their negative effects on attracting tourists, investors, and international collaboration;

Institutional and organizational shortcomings such as lack of an integrated management structure, overlapping responsibilities across institutions, shortage

Analysis of the Challenges and Needs of Urban Diplomacy in Mashhad Metropolis

Mohammad Rahim Rahnama

Professor in Geography and Urban Planning, Department of Geography, Dr. Ali Shariati Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Email: rahnama@um.ac.ir

Rouhollah Asadi¹

Assistant Professor in Geography and Urban Planning, Department of Geography, Dr. Ali Shariati Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Omid Ali Kharazmi

Assistant Professor in Innovation Management, Department of Geography, Dr. Ali Shariati Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Email: kharazmi@um.ac.ir

Received: 11 May 2024

Accepted: 1 October 2024

Extended Abstract

1. Introduction

Cities are now significant actors on the international stage. The processes of globalization and interdependence among societies have led cities to play an increasingly active role in managing political, economic, and cultural spaces. This transformation has brought forward concepts such as *city diplomacy* as a means to enhance the international standing of cities, promote sustainable local development, attract foreign investment, facilitate cultural exchange, and strengthen transnational connections. In Iran, the metropolis of Mashhad, due to the geographical, religious, cultural, and economic characteristics of Mashhad, holds considerable potential for engaging in city diplomacy. However, preliminary observations suggest that despite certain initiatives in international engagement, Mashhad has not succeeded in securing a notable position within the hierarchy of global cities and continues to face multiple challenges.

This study aimed to identify and analyze the main obstacles to and needs of city diplomacy in Mashhad. The primary research question is: What are the most critical barriers to achieving effective city diplomacy in Mashhad, and how can informed strategies be developed to enhance international urban relations? The significance of this study lies in the absence of a systematic and comprehensive investigation into the structural, perceptual, and policy-related issues concerning Mashhad's city diplomacy, which has hindered effective planning in this area.

¹. Corresponding author. Email: asadir@um.ac.ir

2. Methods

This survey used questionnaire for collecting the required data. The statistical population consisted of users of the Namazi Metro Station in Shiraz in 2023. The sample size, calculated using Cochran's formula, was estimated to be 384 individuals. Indicators for the studied variables were derived from the theoretical framework and relevant sources, and the questionnaire was designed by the researchers. The reliability of questionnaire was calculated as 0.841 using Cronbach's alpha. A simple random sampling method was used to distribute and complete the questionnaire. Data were analyzed using SPSS and EQS software, employing descriptive statistics (percentages of users' individual characteristics) and inferential statistics (one-sample t-test, independent t-test, and structural equation modeling, including confirmatory factor analysis and path analysis).

3. Results

The results showed that the level of security at the Namazi Metro Station in Shiraz is above average, with a coefficient of 3.68. The security level for women, with a coefficient of 3.63, is also above average but lower than that for men, with a coefficient of 3.73. However, this difference was not statistically significant. Among the security indicators, verbal harassment or insults, with a coefficient of 3.36, were rated as the worst by female users at the Namazi Metro Station in Shiraz. Moreover, the psychological characteristics of users (coefficient: 0.56), environmental characteristics of the station (coefficient: 0.41), and individual characteristics of users (coefficient: 0.40) had the greatest impact on users' perceptions of security at the Namazi Metro Station.

4. Discussion and Conclusion

The results indicate that regarding security at the Namazi Metro Station in Shiraz the issue of verbal harassment or insults was rated poorly compared to other indicators. This can be addressed by promoting respect, creating a calming atmosphere, and improving service quality, as most instances of such aggression stem from overcrowding, inadequate facilities, and delays in travel time. Enhancing service delivery and improving environmental characteristics can positively influence users' psychological characteristics, thereby increasing perceptions of safety and security in public transportation environments. For future research, given the importance of users' psychological characteristics and the station's environmental characteristics, qualitative studies through interviews with both officials and users are recommended to explore new dimensions of these factors and contribute to achieving sustainable safety and security in public transportation environments.

Keywords: Safety and Security, Metro Station, Public Transportation, Women, Shiraz

Evaluation and Analysis of the Safety and Security Status in Shiraz Public Transportation with an Emphasis on Women's Security (Case Study: Metro Users at Namazi Station in Shiraz)

Reza Moradi Romghani

PhD Candidate in Geography and Urban Planning, Yazd University, Yazd, Iran

Mohammadhossein Saraei¹

Professor in Geography and Urban Planning, Yazd University, Yazd, Iran

Received: 9 September 2023

Accepted: 5 February 2024

Extended abstract

1. Introduction

Safety and security issues in urban transportation have been of concern to transportation planners for decades. Since the 1970s, safety and security in public transportation have been analyzed extensively. Most cities in developing countries experience high rates of transport-related injuries, which can be classified into safety issues (accidents) and security issues (criminal behavior). Studies on mobility indicate that certain social groups, particularly women, experience greater concern and anxiety about unpleasant incidents due to inadequate safety or security in transit environments. Women in many developing cities face increasing threats to their safety and security in public transportation. Women are commonly recognized as a group of users of public transport (PT) who encounter more barriers compared to male commuters. Fear of harassment is identified as the primary barrier preventing women from using public transportation. Men also experience similar fears but may under-report them in surveys due to social norms. Therefore, examining gender differences in the perception of safety, rather than women's absolute perception of safety, is valuable. This study aimed assess the level of safety and security at the Namazi Metro Station in Shiraz from the perspective of its users. It also tried to compare women's and men's perceptions of safety and security at the Namazi Metro Station and to investigate the factors influencing the perception of safety and security at the Namazi Metro Station.

¹. Corresponding author: msaraei@yazd.ac.ir

security, institutional components of civic participation, the establishment of non-governmental organizations (NGOs) related to urban regeneration, the removal of legal impediments concerning NGOs, citizen participation in urban regeneration projects, financial and credit crises, stakeholder interaction and participation, management and planning modalities, fiscal policies and incentives, economic empowerment, social empowerment, the capacity building of human and intellectual capital, private sector empowerment, modern electronic infrastructure, environmental and infrastructural capacities within the district, and the unregulated expansion of the district's dysfunctional fabric.

The empirical findings indicated that five major factors have a pivotal and fundamental role in the regeneration of the fabric of this district: the modality of urban planning and management, the migration of foreign nationals, the participation of actors in urban decisions (social cohesion and cooperation), social security, and the development of the dysfunctional fabric. Employing the scenario-writing technique, these elements were described and presented within a framework of opposing uncertainty spectrums. Based on the two critical, contrasting states inherent in the two dominant uncertainties, four scenarios were formulated for the future regeneration of the dysfunctional fabric of District 6.

Each formulated scenario articulates the nature of the changes that would occur within the key drivers should a specific future state materialize, thereby projecting the likely trajectory of the sustainable regeneration process for the dysfunctional fabric of District 6. Ultimately, the attainment of an optimized and desirable scenario is contingent upon establishing the necessary preconditions and infrastructure for mobilizing the participation of stakeholders and influential actors in the regeneration process. This requires institutionalizing and developing a local network, including members of local social councils and community-based volunteer groups, and ensuring their robust reinforcement.

Furthermore, to decrease and even prevent the unregulated physical expansion of the legal boundaries of District 6, an infill development approach should be strategically deployed for urban organization. This would include using vacant and abandoned lots, derelict or condemned buildings, and similar sites for the provision of essential urban services.

Keywords: Futures Studies, Sustainable Regeneration, Inefficient Texture, Scenario Writing, District 6 of Mashhad.

active in the sphere of regeneration. Furthermore, the MICMAC software and Scenario Wizard were used for the formulation, interpretation, scenario development, and the extraction of the scenario logic.

3. Results

Over the past few decades, worn-out urban fabrics and their attendant socio-spatial challenges have emerged as one of the paramount macro-challenges confronting the national urban planning and management system. The principal objective of municipal authorities and urban administrators is, consequently, the amelioration of living conditions and the comprehensive reconstruction and modernization of these specific fabrics. The sustainable urban regeneration approach, given its inherent emphasis on concepts such as civic participation and local governance, is uniquely poised to offer a novel paradigm and model for the contemporary revitalization and restructuring of this region. Furthermore, the empirical results derived from the Scenario Wizard software identified two fundamental uncertainties that serve as the foundational drivers sustaining various sub-drivers: A) Bottom-up planning, stakeholder participation in urban decision-making, and the stabilization of original and local residents' tenure; and B) Regulated regional growth and the enhancement of social security. Based on these critical uncertainties, four distinct scenarios were formulated.

Notwithstanding the extensive scholarly dissection of worn-out and dysfunctional urban fabrics across diverse dimensions by various researchers, the existing academic and practical landscape is characterized by the fragmentation and episodic nature of interventions aimed at improving the living conditions within these fabrics. Crucially, the absence of a universally consensus-driven model or paradigm leads to significant perplexity among stakeholders regarding the adoption of an appropriate framework. Therefore, the strategic adoption of a regeneration approach grounded in scenario planning and future studies presents methodological and philosophical distinctions, both in apprehending the current role and status of the Mashhad metropolis and in its future-oriented strategic foresight. This critical methodological and perspectival contribution constitutes the novelty of the present research, as it has not been previously executed in other studies, particularly concerning the worn-out fabric of the District 6 of Mashhad.

4. Discussion and Conclusion

This study was done with the objective of articulating the optimal scenario for the regeneration of the worn-out urban fabric of District 6 of Mashhad through scenario planning. A comprehensive review of diverse documents, scholarly works, theoretical perspectives of leading thinkers, and international experiences in the realm of dysfunctional urban fabrics facilitated the identification of various factors and elements critical to the successful implementation of the regeneration approach. Consequently, key drivers and uncertainties were identified using a Delphi panel comprising expert specialists of the domain. Based on the derived findings, twenty-three factors were adopted as the foundational premises for scenario construction pertaining to the dysfunctional fabric of the studied area. These factors were: the parallel efforts of governing institutions, migration of foreign people, social institutions, the efficiency of regulatory bodies, economic activities, social cohesion, social cooperation, social

Presenting Regeneration Scenarios in Inefficient Urban Textures (Case Study: District 6 of Mashhad, Iran)

Zohreh Koohjani

PhD Candidate in Urbanism, Qeshm Branch, Islami Azad University, Qeshm, Iran

Ali Shamsoddini

Associate Professor in Geography, Shiraz Branch, Islami Azad University, Shiraz, Iran

Alireza Abdolazadeh

Assistant Professor in Urbanism, Safashahr Branch, Islami Azad University, Safashahr, Iran

Received: 10 August 2023

Accepted: 26 September 2023

Extended Abstract

1. Introduction

The rapid and unregulated growth of urbanization has precipitated a multitude of complexities. A notable challenge related to the prevalence of inefficient urban structures. The optimal development of such structures demands that planners and policymakers, equipped with a precise comprehension of the city's current state, select the most effective approaches and models for delineating the trajectory of development. A suitable instrument for this purpose is the elaboration of an appropriate regeneration scenario utilizing the novel methodology of scenario planning for the revitalization of these specific urban fabrics. District 6 of Mashhad is facing with multidimensional issues and challenges due to the existence of worn-out urban fabrics and informal settlements. A segment of this district has undergone unregulated and unplanned expansion, resulting in a suboptimal status relative to other areas of the Mashhad. This research tried to address the following questions: What are the most effective drivers influencing the regeneration of the worn-out urban fabric of the District 6 of Mashhad Municipality? And what are the optimal and critical scenarios for the regeneration of the studied area?

2. Method

This applied study is analytical and exploratory, grounded in novel methods derived from the field of futurology, and implemented through a mixed-methods approach combining quantitative and qualitative models. The initial phase was the examination and review of documentary evidence, articles, and literature pertinent to the topic. The drivers and influential factors influencing urban fabric regeneration were identified and categorized using the Meta-Analysis Method and the MAXQDA software. Then, the Delphi method, employing a non-probability purposive sampling technique, was utilized to solicit the opinions of 20 expert specialists, including academic professionals

4. Discussion and Conclusion

The results of this study showed that the physical design of residential environments, particularly in large-scale housing projects like Maskane Mehr, can play an effective role in preventing criminal incidents and the promotion of the sense of security. These results are in line with the theoretical underpinnings of the CPTED approach, indicating that if the design of public spaces is desirable and adhere to such key components as appropriate lighting, functional furnishings, clearly defined access routes, and the possibility of natural surveillance, the social anomalies will decrease. One conclude that urban security is not only a matter of law enforcement or judiciary concern but also it has a physical-spatial aspect. Therefore, it is recommended that urban policymakers and designers of massive housing projects use the CPTED approach for redesigning or retrofitting of public spaces within the Mehr residential complexes. Moreover, the active participation of residents in the maintenance, social education, and environmental management may be considered a complementary way of increasing the security. This study emphasizes that the establishment of a secure city necessitates the intertwining of urban design knowledge with socio-cultural policies, because security is not merely the result of the presence of police but rather it reflects spatial quality.

Keywords: Urban Security, Environmental Design, CPTED Approach, Maskane Mehr (Mehr Residential Complexes), Zanzan City, Crime Prevention, Public Spaces

design and illumination on crime prevention, and analyzing the impact of environmental components on the sense of psychological security. The significance of this research is that residential spaces, when designed without paying attention to environmental design principles, can foster social isolation, precipitate criminal behaviors, and undermine social cohesion. Furthermore, the tentative results may provide a basis for developing design strategies and urban policies focused on securing public spaces and enhancing the quality of life in big housing projects.

2. Method

This applied study is descriptive-analytical and used both archival and field studies for collecting the data. The statistical population consisted of 19,053 residents of the Mehr residential complexes in the city of Zanzan. Employing the Cochran formula with 95% confidence, the sample was determined to be 377 participants. Random sampling was applied. The main data collection instrument was a 5-point Likert scale questionnaire that included such indicators as: illumination of public spaces, condition of urban furniture, natural surveillance, environmental legibility, territoriality, and suitability of the space for vulnerable populations. For data analysis, Excel and SPSS software were applied. Data analyses were performed at both the descriptive level (mean, standard deviation, and frequency) and the inferential level (path analysis, TODIM model, and DPSIR model). Moreover, the TODIM multicriteria decision-making model was used to prioritize the environmental components that affect security. The DPSIR model was used the analytical framework for establishing the causal relationships among environmental, social, and managerial factors.

3. Results

The results of the statistical analyses showed that the components of physical design play a significant role in the enhancement of environmental security within the Mehr residential complexes of Zanzan. The overall mean score for the status of the physical components, as perceived by the participants was 3.49, which shows a relatively desirable condition. The path analysis showed that the response component of the DPSIR model (having such interventions as optimal design of urban furniture improved illumination, spatial legibility over heights, and the accommodation of the environment for the vulnerable) had made the most substantial influence on security enhancement (holding a positive path coefficient of 0.542). Pressure component was followed. The component with a coefficient of 0.376 has to do with population density, spatial dilapidation, and absence of natural surveillance. Furthermore, the results of the TODIM model showed that residents exhibited the highest level of sensitivity against the quality of street illumination, security over nights, and the potential for visual surveillance in public spaces. This finding shows that components of environmental design influence not only the occurrence of crime but also the subjective feeling of security.

Assessing the Crime Occurrence in Mehr Residential Complexes and the Impact of Physical Design on Improving Security using the CPTED Approach (Case Study: Mehr Residential Complexes of Zanjan)

Azim Alishaei

*Assistant Professor in Geography and Urban Planning, Payam-e Noor University,
Tehran, Iran*

Dariuosh Jahani¹

*Assistant Professor in Geography and Urban Planning, Payam-e Noor University,
Tehran, Iran*

Yaghoub Haghi

*PhD Candidate in Geography and Urban Planning, Payam-e Noor University, Tehran,
Iran*

Received: 14 April 2023

Accepted: 4 August 2023

Extended Abstract

1. Introduction

The proliferation of urbanization and the corresponding increase in population density within metropolitan areas have led to the need of ensuring urban security and mitigating the incidence of crime. Accordingly, it has become a great concern for urban planners, policymakers, and citizens. In this critical context, the physical design of urban spaces can have a fundamental role in preventing crimes and reinforce the socio-psychological security of residents through enhancing the quality of the life environment. The theoretical framework of Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED) is viewed as one of the most applicable models for analyzing the relationship between urban designs and security. This approach embraces such principles as natural surveillance, access control, territorial reinforcement, appropriate urban furniture design, enhanced illumination, and improved spatial legibility. The large-scale projects of Maskane Mehr (Mehr Residential Complexes) have been emphasizing rapid and cost-effective constructions. Therefore, they usually lack adequate environmental and physical quality. This deficiency renders them susceptible to the emergence of social damages and increased criminality. A remarkable example Mehr residential complex of Zanjan city. These complexes have recently confronted security challenges and a decline of sense of belonging and satisfaction among the residents. Considering the issues, this study tried to see the role of the physical design of urban spaces in Mehr residential complexes of Zanjan in crime prevention and enhancing social security. The primary aim was to identify and analyze the physical components that influence environmental security and evaluate the degree of correspondence between the existing conditions and the principles of the CPTED approach. Other aims were evaluating residents' perceptions of security in public spaces, measuring the influence of furniture

¹. Corresponding author. Email: d.jahani60@pnu.ac.ir

The statistical population is unlimited, as it entails all those who visited the city of Shiraz during the Iranian year 1399 and the first half of 1400 (approximately March 2020 to September 2021) and shared their travel experiences on Instagram, Telegram, or WhatsApp. Consulting the Morgan table, the size of sample was determined to be 384 individuals. Moreover, the secondary data were collected through archival sources, while primary data were collected through the random distribution of a travel experience sharing questionnaire over the selected social networks. Totally, 384 complete questionnaires were filled out and analyzed.

3. Results

The results showed that eight key factors have a positive influence on the motivation of social media sharing of travel experiences: including group affiliation, shared values, conformity, perceived enjoyment/pleasure, altruistic motivations, personal self-actualization/fulfillment, interaction environment, and personal factors. These findings were in line with the related findings of previous studies. However, sufficient evidence was not obtained to support a negative effect from the factors of interaction environment and privacy preservation, leading to the non-confirmation of the seventh and tenth research hypotheses. This means that in the specific community of this study, these latter factors do not act as a deterrent to sharing travel experiences. A possible explanation for this may be the imposed limitations of traditional mass communication channels and media, compelling many individuals, especially tourists, to lack an alternative channel or medium for exchanging opinions. On the other hand, a form of self-censorship exists among Iranian users on sharing opinions and experiences. Users have learned through experience to present content on social networks that will not incur negative repercussions. Moreover, there is a general public belief that sharing non-political content will not create problems. Therefore, despite concerns related to the disclosure or misuse of personal information and the infringement of intellectual property rights, users continue to share their experiences.

4. Discussion and Conclusion

Based on the empirical results, it is asserted that increasing awareness among tourism stakeholders, tourists, and host communities—particularly in a city like Shiraz—regarding the role of social networks in tourism development and promotion will reinforce the inclination to share travel experiences of the city and consequently attract a greater number of tourists. Additionally, the strengthening of infrastructure, the mitigation of social network filtering limitations, and the enhancement of tourists' skills in sharing travel experiences on social networks are recommended. By venturing into one of the nascent fields of tourism studies, this research is poised to foster increased interest among scholars and enthusiasts in the study of social media-based tourism.

Keywords: Travel Experience Sharing, Social Media, Tourism, Perceived Pleasure, Social Influence Theory

Factors Influencing the Motivation for Social Media Sharing of Travel Experiences: A Study of Shiraz Tourists

Mehdi Kazemi

PhD, Management Department, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

Mohammad Mehdi Poursaeed

PhD, Management Department, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

Sara Hoseini

PhD, Management Department, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

Received: 21 March 2023

Accepted: 12 September 2023

Extended Abstract

1. Introduction

Recent years have experienced fundamental change in methods by which tourists access, use, and disseminate information, becoming largely contingent upon social media platforms. These platforms have effectively shape the perceptions, sentiments, and expectations of the public. Therefore, they are considered a critical information source for making decisions on the travels. About 78.5% of the Iranians use at least one messaging application (with WhatsApp at 71.1%, and Instagram and Telegram at 49.4% and 31.6%, respectively). This suggests a significant opportunity for leveraging these technology-based media for the promotion of domestic tourism and the attraction of international tourists. This potential will be of great significant in the post-pandemic era for travel to tourism-centric cities like historical city of Shiraz. The Statistical Centre of Iran (1401/2022) states that Shiraz holds the fourth rank in domestic travel, registering 578,529 visits, following Tehran, Mashhad, and Isfahan. By identifying and reinforcing the factors that influence the motivation to social media sharing of travel experiences, visitors to these cities are encouraged to share their experiences and promote Iran's tourist attractions to a broader audience. This study tried to identify the factors influencing the motivation to share travel experiences via social media, focusing on tourists that visit visiting the historical and cultural complexes of Shiraz. This issue seems to be a significant research gap.

2. Method

This applied quantitative research used a correlational design. The data were collected through questionnaire. Data analysis was done using Structural Equation Modeling (SEM).

Table of Contents
(Extended Abstracts)

▪ Factors Influencing the Motivation for Social Media Sharing of Travel Experiences: A Study of Shiraz Tourists	1
Mehdi Kazemi, Mohammad Mehdi Poursaeed, Sara Hoseini	
▪ Assessing the Crime Occurrence in Mehr Residential Complexes and the Impact of Physical Design on Improving Security using the CPTED Approach (Case Study: Mehr Residential Complexes of Zanjan)	3
Azim Alishaei, Dariuosh Jahani, Yaghoub Haghi	
▪ Presenting Regeneration Scenarios in Inefficient Urban Textures (Case Study: District 6 of Mashhad, Iran)	6
Zohreh Koohjani, Ali Shamsoddini, Alireza Abdolazadeh	
▪ Evaluation and Analysis of the Safety and Security Status in Shiraz Public Transportation with an Emphasis on Women's Security (Case Study: Metro Users at Namazi Station in Shiraz)	9
Reza Moradi Romghani, Mohammadhossein Saraei	
▪ Analysis of the Challenges and Needs of Urban Diplomacy in Mashhad Metropolis	11
Mohammad Rahim Rahnema, Rouhollah Asadi, Omid Ali Kharazmi	
▪ Investigating the Impact of Architecture and Environment on the Improvement of Social Environments in the Cultural Complexes of Urmia City	14
Hamed Gholizadeh, Babak Motiei	
▪ Measuring Spatial Justice in the Distribution of Urban Land Uses	17
Mehdi Zanganeh , Amir Hossein Shiraziyan, Mobina Rajabi, Zohreh Pirzadeh	
▪ An Investigation into the Impact of Lifespan on the Housing Prices in Iran (With an Emphasis on the Life-Cycle Hypothesis)	21
Roya Aleemran, Seyed Ali Aleemran	

ExtendedAbstract

In the Name of Allah



Ferdowsi University of Mashhad

Faculty of Letters and Humanities
Journal of Geography and Urban Space
Development

**Vol. 11, No. 2, Summer 2024,
Serial Number 25**

License Holder:
Ferdowsi University of Mashhad

General Director:
B. khakpour, PhD

Editor-in-Chief:
M. R. Rahnema, PhD

Editorial Board:

Dr. I. Ebrahimzadeh
University of Sistan and Balouchestan,
Zahedan

Dr. M. Ajza Shokouhi
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. A. Anabestani
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. B. Khakpour
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. M. R. Rahnema
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. A. Saeedi
Shahid Beheshti University, Tehran

Dr. M. Soleimani
Kharazmi University, Tehran

Dr. Z. Fanni
Shahid Beheshti University, Tehran

Dr. E. Mafi
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. A. Nazarian
Islamic Azad University, Science and
Research Branch, Tehran

Internal Editor:
Dr. M. Amirfakhriyan
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Executive Manager:
Z. Baniasad

English Language Editor:
A. Nowruzy

Persian Editor:
Sh.Sabaghi Abkooch

Typesetting:
E. Tajvidi

Printing & Binding:
Ferdowsi University Press

Circulation: 30
Price: 20000 Rials
Subscription:
25 US\$ (USA)
20 US\$ (other)

Address:
Faculty of Letters & Humanities
Ferdowsi University Campus
Azadi Sq. Mashhad, Iran
Postal code:
9177948883
Tel: (+98 51) 38806724
Fax: (+98 51) 38807060
E-mail:
JUD@ferdowsi.um.ac.ir
Internet Address:
<http://jgusd.um.ac.ir>



Journal of Geography and Urban Space Development

(Peer-Reviewed Journal)

Vol. 12, No. 2, Summer 2025, Serial Number 29

- **Factors Influencing the Motivation for Social Media Sharing of Travel Experiences: A Study of Shiraz Tourists** 1
Mehdi Kazemi, Mohammad Mehdi Poursaeed, Sara Hoseini
- **Assessing the Crime Occurrence in Mehr Residential Complexes and the Impact of Physical Design on Improving Security using the CPTED Approach (Case Study: Mehr Residential Complexes of Zanjan)** 3
Azim Alishaei, Dariuosh Jahani, Yaghoub Haghi
- **Presenting Regeneration Scenarios in Inefficient Urban Textures (Case Study: District 6 of Mashhad, Iran)** 6
Zohreh Koohjani, Ali Shamsoddini, Alireza Abdolazadeh
- **Evaluation and Analysis of the Safety and Security Status in Shiraz Public Transportation with an Emphasis on Women's Security (Case Study: Metro Users at Namazi Station in Shiraz)** 9
Reza Moradi Romghani, Mohammadhossein Saraei
- **Analysis of the Challenges and Needs of Urban Diplomacy in Mashhad Metropolis** 11
Mohammad Rahim Rahnama, Rouhollah Asadi, Omid Ali Kharazmi
- **Investigating the Impact of Architecture and Environment on the Improvement of Social Environments in the Cultural Complexes of Urmia City** 14
Hamed Gholizadeh, Babak Motiei
- **Measuring Spatial Justice in the Distribution of Urban Land Uses** 17
Mehdi Zanganeh , Amir Hossein Shiraziyan, Mobina Rajabi, Zohreh Pirzadeh
- **An Investigation into the Impact of Lifespan on the Housing Prices in Iran (With an Emphasis on the Life-Cycle Hypothesis)** 21
Roya Aleemran, Seyed Ali Aleemran

ISSN: 2538-3531